

۳۶

بازرسی شد
۲۶ - ۲۷

بازدید شد
۱۳۸۵

۱۰۸۴۵ - نی

۱۰۱۲۵

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: سيرة الشهداء والاعمال

مؤلف: طاهر بن محمد بن حسين بن شاه

موضوع: سيرة نفوس

شماره ثبت کتاب: ۸۷۲۸۲

شماره قفسه: ۱۳۷۸۹

نگین فهرست شده
۱۳۷۹۹

۴۴

بازرسی شد
۲۶ - ۲۷

بازدید شد
۱۳۸۵



۱۰۸۴۵-۳

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: سجدۃ الشکر و القل منها

مؤلف: محمد میرزا علی بن حسین شاه

موضوع: شماره قفسه ۱۳۷۹۹

شماره ثبت کتاب: ۸۷۲۸۲

۱۰۱۲۵

علی، فهرست شده
۱۳۷۹۹

۳۶

بازدید شد
۲۶ - ۱۲

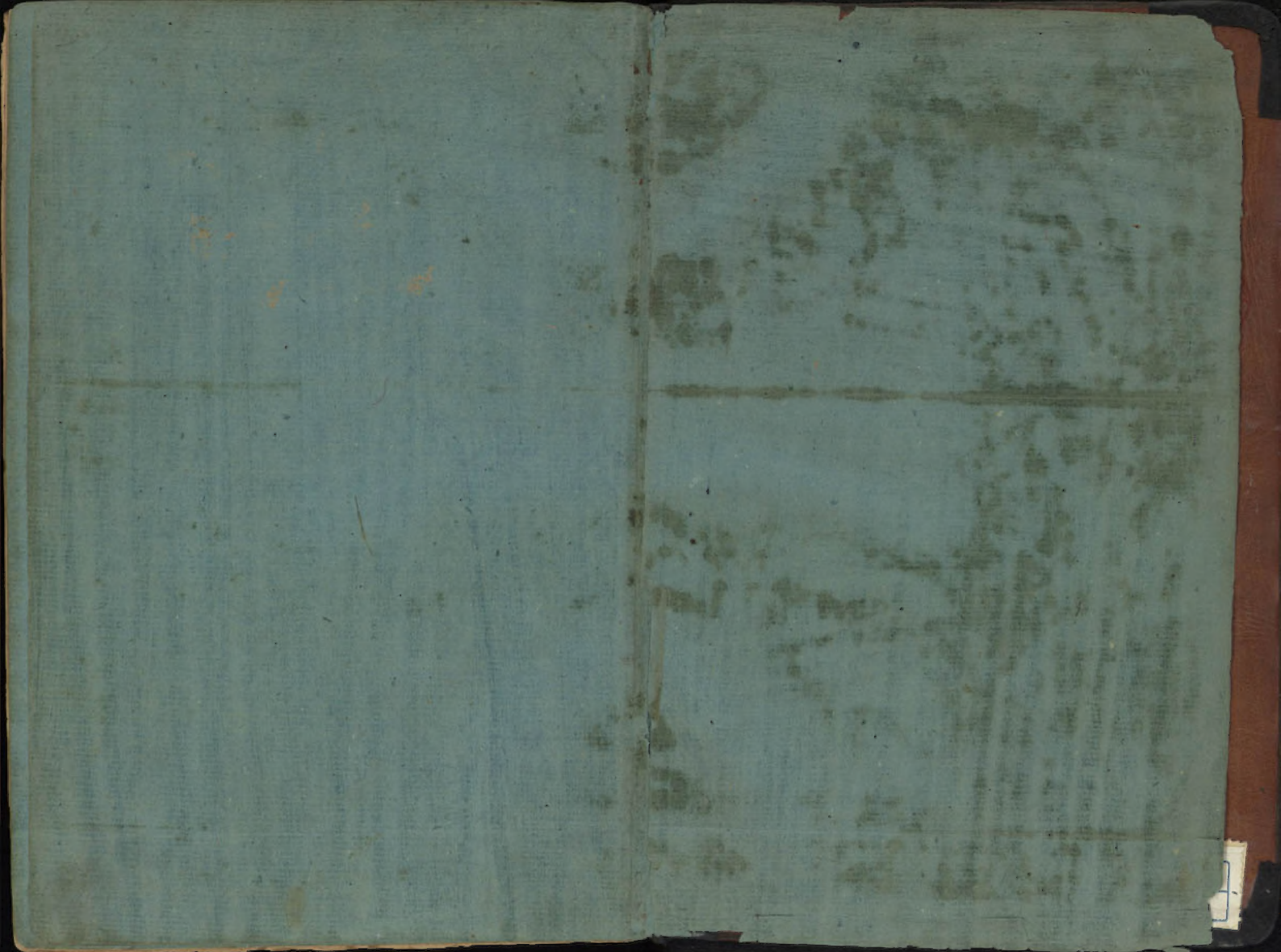
بازدید شد
۱۲۸۵

۱۰۸۴۵-ن

۱۰۱۲۵

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب: سيرة الشاه و القل صها	
مؤلف: نادر میرزا علی بن حسین شاه	
موضوع:	شماره قفسه: ۱۳۷۹۹
شماره ثبت کتاب:	۸۷۲۸۲





Handwritten text in a circular arrangement, likely a library stamp or a collection of notes. The text is in Arabic script and includes phrases such as "کتابخانه" (Library) and "تاریخ" (History).

Handwritten text in a rectangular arrangement, likely a library stamp or a collection of notes. The text is in Arabic script and includes phrases such as "کتابخانه" (Library) and "تاریخ" (History).

عاقل چون ناخود بخیر حسین مظلوم شهید و سرتوبه میگوید خداوند
 ترا بخیر نام و قسم میدهد که بجای آن وعده که کرده و بر خود لازم گرفته
 نیست بدشمنان خودت که ایشانرا هلاک کردانی بدشمنهای ما و بد
 مؤمنان و این جمله عدا در کافی و مقید نیست با آنکه سنده
 یک است پس سرتوبه میگوید که خداوند از تو سوال میکند و قسم میدهد
 بجای آن وعده که بر خود لازم ساخته از عجز و دستاورد که انصاف
 ظفر می دهد شمس خودت و دشمن باشا که صلوات بر محمد و آل فرست
 انما انک انشا را حافظ دین و اسلام خود کرده بیا بر فرقه و بیا بر
 او نشان طلب نموده اند از تو که حافظ اسلام و تو باشی که حافظ دین است
 چنانکه ظاهر است و در هدایت و کافیه نیست در اینجا و ظاهر نیست
 اما بعد هر دو متعلق است خداوند بپایستی که از تو سوال میکند که انشا
 که است کی بعد ازین دسوازی و عسقره داریم و همین عدا رفته باز رسه
 مرتبه میگوید پس طرف است روز برضی میگذاری و سرتوبه میگوید
 ای پناه من در وقتی که انهم را می دهی و زمین با این فرجی که دادی
 تنگ شود و پناه می نماند با شمس پناه منی وای خداوندی که مرا آفریدی
 و از روی رحمت و بی نیاز دوی از من و آفریدی من بلکه مرض بود
 که جو خود را شامل حال من کنی چنانکه در حدیث قدسی همین مضمون است
 که من نکردم خلق تا سودی کنم بلکه تا بر زمین کان جوئی کنم
 صلوات بر محمد و آل و فرست و در کافیه نیست و الا حق و نمی باید
 بد لا و هست که بر محمد و بر جی که حافظان دین و اسلام و محمد و آل محمد
 و این مجموع راسه مرتبه بخیرانی احتمالا دارد که مراد این باشد که صکوه

سرتوبه میگوید

سرتوبه میگوید و در هر کتاب ثلث نیست که بظواهر باید چون در جمیع
 سرتوبه بخیر اند پس طرف جبر و در بر زمین میگذاری و سرتوبه میگوید
 ای خوار کننده هر جبار استمکار وای عزیز کننده هر ذلیل بی مقدار و قسطن
 و بر کوار است بخیرم که طاقت من طاق شده است و دیگر تاب ندارم پس
 مرتبه دیگر بدشانی را میگذاری تا دویچه شود و این مرتبه بعد از مرتبه
 میگوید شکر یعنی شکر میکنم ترا بشکر می که تو سزاوارتی پس حاجت که
 داری طلب میکنی اگر حق بجانب و تقاضای خواهد بری در حاجات ترا اگر
 خدا خواهد و خطاها را بخصم و تبرک باشد بدون معنی شرط چنانکه
 گفتند و چون این روایت تمام بود در بیان هر دو بجهت باغفه از شیخ
 با حسن بن دین را مقدم داشت و لا تشیخ سجد الشاکر غنید الخالی
 و لا تشیخ التقیه فی ترکها و سجده شکو من در زمینان و نقه بحا و
 ترک آن چون تقیه واجبست غایبا و اگر در حال سددست است تقیه
 و همچنین احتیالی ضعیفی باشد ضرر و اگر سجده کند تعافیر حدین نکند چون
 تقیه درین پیشتر است و جی نماز قلیلند سجده شاکر با آنکه قلیلند
 ضرر رسانند چون شعاع شیعیان است و روی جهنم این ای جیم قال
 ای احسن موسی بر جعفر صلوات الله علیه ما و قد سجد بعد الثلث کما
 من العربی فقلت که جعلت فدا لک را لیک سجده بعد الثلث
 فقال و لا تنی فقلت نعم قال فلا تدعها فان الدعاء فيها استجاب
 و کما لقی منقول است از عجم و در بعضی از نسخ جیم مظهر است و همچنین از شیخ
 و در بعضی نسخ بدش را بی جیم است و این اختلاف خواهد آمد در
 اسانید کتاب و همچنین این اختلاف بخاشی ذکر کرده است در فهرست

گفت که آنحضرت صلوات الله علیه دیدم که بعد از نماز واجب شام
 بسجده رفتند پس عرض نمودم که شما را دیدم که بعد از سه رکعت و
 بسجده رفتند حضرت فرمودند که دیدی که گفت بلی فرمودند پس
 مکن این سجده را در عقب هیچ نمازی یا در عقب نماز شام که هر نمازی که
 در آن میکی میخوابی و در حدیثی وارد است که سجده شکر بعد از نماز
 شام نیست بخوابی برقیته چون اخبار معتبره وارد شده است که ظاهر
 آیت که هست با حدیث صحیح عامه که خواهد آمد با آنکه حدیث
 قوی ضعیف است و فی روایه ابراهیم بن محمد الحدادی الصادق صلوات
 الله علیه قال لیصل انا اصابک ثم فاشح يدک علی موضع سجودک
 ثم امسح یدک علی وجهک من غایت خوارگی الا یدک علی جبهتک
 الی جانبک لا یمن قال این ای شیخ که ذلک وصفه لنا ابراهیم بن محمد
 الحدادی ثم قال لیسم الله الذی لا اله الا هو غایب الغیب والشهادة الذی
 الرحیم اللهم اذهب عني الغم والحزن نلتا و در روایت ابراهیم وارد
 شده است در موقوف کا العجیم آنحضرت صلوات الله علیه بواسطه
 ابراهیم بن محمد ابراهیم و شیخ طوسی روایت کرده است بسندی دیگر از
 آنحضرت آنحضرت ۳ و ممکن است که ابراهیم آنحضرت ۳ روایت کرده
 بواسطه ولی واسطه ولیکن ظاهر آنست که صدوق بواسطه آن
 نباشد و لهذا تغییر اسلوب کرده است که آنحضرت بشخصی فرمودند
 که هرگاه نمی توانی برسد و بنیانت که هم را طلاق میکنند بر عیبت
 ظاهر نباشد و ظاهر آنست که مرادش اینجا مطلقا نیست پس عماله دست
 خود را بر موضع سجده پس عماله دست بر روی خود از جانب چپ رویت

حدیث ۳

و بعد از آن

و بعد از آن بمال تا آنکه پیشانی از دست بمالی و یکیش دست بر طرف
 رو و ظاهر امر اینست راست باشد ابراهیم بن محمد که روایت کرده است
 که آنحضرت فرمودند که ابراهیم آنحضرت را و شیخ بن محمد ذکر کرده است این حدیث
 ان عبد الرحمن بن حماد که او نیز گفت که ابراهیم از حضرت صاحبین یاد کرد و
 میباید که ابراهیم که حدیث را ذکر کرده باشد بعد از آن دست راست
 بر روی کشیده باشد همین عنوان از جهت توضیح و تکمیل است که در وصف
 کردن آنحضرت روایت کرده باشد بنابرین را و آن اول و نقل ممکن
 و این یعنی بجهت عذار ظاهر است و بحسب معنی حدیث است پس گوید در بعضی نسخ
 قدما یعنی حضرت بعد از وصف این دعا راسه مرتبه خوانند یا فرمودند که
 سه مرتبه بخوان یا در حین وصف کردن ابراهیم از حضرت گفت که حضرت
 در حین وصف کردن این دعا را خوانند یا فرمودند که بخوان سه بار یا
 استعانت و یاری بخوایم خداوند یا از نام خداوندی که که خیر و خداوندی
 نیست و داناست بهمان و آشکار و پنهان شده مهربان است خداوند و
 کن از من غم و اندوه را و در تقدیر اللهم اذهب عني الغم والحزن
 و هو و خولیت و کا العجیم منقول است از حضرت امام جعفر الصادق
 که فرمودند که دست را بر پیشانی و روی بکش و در عقب نماز شام و یا فی نمازها
 و یگوید اللهم الذی لا اله الا هو غایب الغیب والشهادة الذی الرحیم اللهم
 اذهب عني الغم والحزن و السقم و الخدم و القمار و الذل و القوی
 ما ظلم منها و ما نطق و بناری و بی چتری و خاری و مذلت و کناهان
 ظاهر و باطن چون حسد و ربا و رجز را بی گذشت و روی غرض سلیمان
 المروزی الله قال کتب ابي ابی الحسن الرضا صلوات الله علیه فی سجده الشکر

ما تارة مرة شكرا و ان شئت عفو او عفو و بعد جميع ان سليمان
 مروي منقولت که گفت حضرت امام صلوات الله عليه بن نوشت
 که در سجده شکر صد مرتبه شکر بگو و اگر عفو ای عفو ای بگو یعنی خداوند
 عفو کن و پیاپی در کنایه ها هر دو کلیدی همین روایت را از سلیمان روایت
 کرده است از رجال و شیخ از ابی الحسن صلوات الله علیه و ظاهر امر را ابو
 الحسن نقل است بقدری که بر حضرت امام رضا صلوات الله علیه
 اطلاع نمیکند بلکه اکثر کاتبان سلیمان از آن حضرت است که اگر چه
 در زمان حضرت امام رضا صلوات الله علیه مباحثات کردند و شیعه
 اما فرصت کتابت نوشتن نشد و صدوق ابوالحسن را کاهی اول کتب کرد
 و کاهی ثانی و این هر دو اشتباه است چنانچه در هر جا در کتب دیگر مرصع
 وارد شده است اگر چه همه بیکدیگر یکنفسند و جایز است که از دیگری نقل کنند
 چنانکه گذشت و در نیست که اگر در سجده اول صد مرتبه شکر بگوید و در
 دوم صد مرتبه عفو یا بر عکس یا نام عمل بهین حدیث کرده باشند و گمان این
 موسی جعفر صلوات الله علیه را سجده بعد ما یقتلی فانه یرفع راسه حتی
 یقال له یا هار و منقولست که آن حضرت صلوات الله بعد از نماز سجده
 میکردند و ستر سجده بر عهد داشتند و صدوق یحیی نقل کرده است که
 آن حضرت در اوقاتی که در حبس هر دو علیه القدر بودند او را و خود را بخیال
 تا طلوع آفتاب و بعد از آن سجده شکر میکردند تا طلوع پس نماز ظهر
 بر میخواستند و نمازهای نوافل و ظهر و عصر را میکردند و باز سجده شکر
 میکردند تا ایشام و بهمان وضو و غار نش و نماز شام و نماز خفتن و تعقیبات
 بجای می آوردند و بعد از آن باندک چیزی افطار میکردند و باز سجده طویله

میکردند

میکردند و ستر سجده بر عهد داشتند و باندک خوابی میکردند پس
 و سجده وضو میکردند و نماز میکردند تا صبح و مدار حضرت در مدت
 حبس برین بود تا شهادت شدند و زهره دست هارون الرشید علیه نما
 لعن الله و العذاب لشدید پس جمع میتوان کرد که ما آنکه خبر متن در غیر
 ایام حبس بوده باشد چون شیخانی دیگر و مثل تعلیم احکام الهی داشتند
 چون در زندان کاری دیگر داشتند مشغول عبادت بودند و چون بفرست
 عبادات سجده بود اکثر اوقات را سجده بسوی در زدند بخوابیدند و استراحت
 صلوات الله علیه نما و آن حضرت نیز در اوقات بودند و هر سال هفت
 مرتبه پوستهای پیشانی میزدند و سجده میکردند بقرض از بسیار و سجده
 منقولست که صحیح یا صحیح از سلیمان و ظاهر این جعفر جعفری باشد
 که گفت در خدمت حضرت امام موسی کاظم بودم که بجا آمد بعضی از شیخ
 فرمودند پس نماز ظهر را بخوان و چون فارغ شد بعد از آن نماز سجده
 و چون فارغ شد نماز عصر را بخوان و رفتند پس شنیدم که با و از خیرین است
 و از دعای مناجات میکردند که رب عصفیة کلبی و کوشیة
 و عزیة لا خسر لی و عصفیة بصری و کوشیة و عزیة لا کمین لی
 و عصفیة و عصفیة کلبی و کوشیة و عزیة لا کمین لی و عصفیة
 و کوشیة و عزیة لا کمین لی و عصفیة بصری و کوشیة و عزیة لا کمین لی
 و عصفیة و عصفیة کلبی و کوشیة و عزیة لا کمین لی و عصفیة
 و کوشیة و عزیة لا کمین لی و عصفیة بصری و کوشیة و عزیة لا کمین لی
 راوی گوید که شرم هار مرتبه گفتند العفو پس طرف راست رو بر زمین
 گذاشتند و باو ازین گفتند سه مرتبه بگو ای بیک بدای عملت شئو و
 ظلمت یغشی فاعفونی فانه لا یغفر الذنوب غیر ذلک یا مولای پس

سند خواجه باق

چند بر زمین گذاشتند و سر بریده گفتند این چه میسر است و آن قدر که
 و آن قدر که پس از آنکه در بر داشتند اما دعای اول ترجمه اش اینست
 که برو دکار خا گفت کردم تو را بر نام و قسم بعزت و سعادت تو یاد کنم
 که اگر میخواستی بر لال میگردی تا خا گفت تو نمیکردم تا جزای مرا میدادی
 در دنیا بسبب آنچه بنایت گفتن گفته بودم با نا ایست گفتن نگفته بود
 و عصیان کردم تو را بچشم با آنکه خای که بنیایست نظر کردن نظر کرد
 و جانی که بنیایست نظر کردن نظر کردم و بعزت تو قسم که اگر میخواستی مرا کرد
 خدا را ز اول فریدی تا خا گفت نمیکردم و با بسبب خا گفت اگر میخواستی مرا
 کرد میگردی بشوای خا گفت کردم تو را هر دو عنوان و بعزت تو که اگر
 میخواستی مرا میگردانیدی بعد و عنوان و خا گفت کردم تو را بدست و بعزت
 قسم که اگر میخواستی مرا شل می گردانیدی یا شل میگردانیدی و عصیان کرد
 تا بیایم و بعزت قسم که اگر میخواستی با الهای قطع میگردی تا بی با مخلوق
 میگردی و با عرض جزام و خوره متباد میگردی و عصیان کردم بفرهم
 و بعزت قسم که اگر میخواستی مرا عقیم میگردانیدی یعنی عتین یا آنکه ولد
 از من بهم نمیرسید و عصیان کردم تو را بجمع اعضا و جوارحی که افعال کرد
 بر من با آنها و آنچه کردم نفس را تو را از من بلکه میبایست قدر این را
 بدانم و هر دایره کنم در حق که آن اعضا را از جهت آن افریدی انبیا را
 و طاعات و نیکم آنچه نمی فرمودی از معاصی و مخالفات ترجمه دعای دوم
 اینست که رجوع بنویس کنایه ها یعنی به راه تو آمده ام یا تو بر و پشیمانی
 از کنایه ها که بر پشت دارم بد کرده ام وستم بر نفس خود کرده ام و ضرر که
 که رسانیده ام بر خود کرده ام پس بیام زمر بزمی که می آید کنایه ها که

بفرمودی

بفرمودی خداوند من ترجمه دعای سیم اینست که بخت آمده که بد کرده است
 و کنایه ها کرده است و بصر و زاری بد کرده تو آمده است و اختیار
 بکنایه ها خود میکند و امثال این سخنان از معصوم با از جهت تعلیم
 ماست از کنایه کاران و بابا و پل بعدیست که چون انسان را مقام
 چند هست که ملک مقرب و بی میل در آن مقامات بختایش را را پس
 اگر بخت مصالح عالیه آن مقام مقام الله یا فی الله یا لعلی الله دارند
 خود را صاحب محبت میدانند با نسبت که حسنات را با برکت
 المقرب و نسبت عصیت بفرح یا این نحو است که چون بواسطه نظام
 نوع و تحقق خبر الهی که انا اعطینا لک الکفر و بیانیت که اولاد آنحضرت
 بسیار شود از مقام فرج الله که با این مقام الهی آمده اند و مشغول
 جماع میشدند گویا کنایه عظیم کرده بودند و نفس خود را بعضی را ندید
 تجربه کرده ام در مقامات بستی که امثال ما ها را دو میداد که از آنجا را
 با مرگ بسیار است میخواستند ام که خود را بکنیم دیگر عبادت الهی
 دستگیر میشد که چه فایده دار گفتن چنین امانا و پل و نمازها
 از جهت تعلیم را وی گوید بلکه عالیه آن فرموده باشد و هر وقت
 نسبت با شخص خاص و اگر کسی را ناکرده باشد عصیان بفرج صادر است که
 کرده است در ظاهر تن و روح یا در بسیاری جماع اگر چه محسوس ظاهر
 باشد ولیکن بسیار است از طلب علم و کمال است از مانده است و همین
 در باقی و روی عبدا الرحمن بن الحجاج عتبه علیه السلام صلوات الله
 علیه انه قال من سجد سجد الشکر وهو متوفی کتب الله له بها عتس
 صلوات و من سجد عشرا یا عظام و بسند صحیح با حسن کالصحیح

از عبد الرحمن از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرموده
 که هر یک سجده شکو کند با وضو حق سبحانه و تعالی بنویسد این دعا و ده نماز
 یا ده صحت عظیم و شکر کند زانگاه اعمال شده که کبیرین ولی است که
 سجده را با وضو بکند و اگر وضو نداشته باشد وضو نگیرد
 و با وضو واقع سازد و ظاهر اینست که وضو میسازد از سجده
 قریباً لی الله و اگر قصد هیچ حدیث یا استنباحی شرط با اظهار دعا
 منقسم سازد و در حدیث است و در حدیث صحیح بخاری صلوات علیه
 که فرموده اند که هر که سجده شکر گفت یا سبحان یا اورد در غیر نماز حق سبحان
 ده حسنه در نامه اعمالش بنویسد و ده سینه بخوندد و ده درجه اورد
 در بهشت بند کند و در صحیح از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه
 شریف است که هر که در رکوع و سجود و قیام بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
 اَلْحَمْدُ ثواب سجده و رکوع و قیام دیگر در نامه اعمالش نوشته شود
 و در حدیث صحیح دیگر از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و آله
 که فرموده اند که هر یک سجده بکند یک کنه او محو شود و یک درجه
 او بلند شود و مکنست که اختلاف در حساب است و آنکه چهل کنه
 و در هر مرد باشد و آنکه برابر باشد بآیه و الله تعالی و سَلَامٌ عَلَیْكَ
 سَعْدٌ لِمَنْ صَلَّاهُ اللهُ عَلَیْكَ سَجْدَةُ الشُّكْرِ فَقَالَ اَرَى اَحْسَنًا مِنْ سَجْدَةِ
 بَعْدَ الْقَضَاءِ سَجْدَةً وَاحِدَةً وَيَقُولُونَ هِيَ السَّجْدَةُ الشُّكْرِ فَقَالَ اَنَا الشُّكْرُ
 اَنَا اَنْفُسُ الْمَلَكَةِ عَلٰی قَبْرِهِ اَنْ يَقُولَ سُبْحَانَ الَّذِي تَحْتَ كُنَاهُ وَمَا كُنَّا
 مَعْرِفَتًا وَآيَاتُ رَبِّهِ تَتَقَبَّلُونَ وَاتَّخَذَ رَبِّي الْعَالَمِينَ رَوَات كُودَه
 شیخ بسند صحیح از سعد که گفت سوال کردم از حضرت ابا الحسن علی ابن

موسیٰ

موسیٰ از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرموده اند که سجده شکر
 من گفت که ما بعد از نماز واجب یک سجده می کنند و می گویند که این سجده
 شکر است یعنی شکر از توفیق عبادت حضرت فرمودند که شکر است
 که چون حقیقتاً و تعالی انعام کند بر عبده اش بنده بخواند این آیات را
 که شرحش اینست که یا ک و یا ک و یا ک و یا ک و یا ک و یا ک این نعمت است
 کرد و چنان کرد که با شایسته نماید و ما را یک طاعت و قدر است این بود
 که این نعمت را تو انیم همه رسانیدن و بدرستی که بسوی پروردگار خود
 رجوع خواهم نمودن همه و جمیع محامد و شایسته خصوص خداوند است
 که پروردگار ما اینست و ظاهر اینست صدوق از نقل این حدیث
 آنست که چون حضرت یحیی بن یحیی فرمودند درین حکم بر ما لازم است که
 در وقت حکم بگویم بلکه این حدیث را بخوانیم و سجده بخوانیم و در حضور
 چنانکه در حدیث قوی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام وارد شده است
 که فرموده اند که هرگاه یا ک گفتی خدا را بر خود و جانی باشی که ستم
 ند بیند و پس روی خود را بر زمین و اگر در میان سبستان باشی پیش
 خود را بر زمین شکم خود گذار و پشت خود را بگویند بقصد تواضع و فروتنی
 نزد حق سبحانه و تعالی ظاهر میسازد که گویا شکست در میزند بنابر
 یک میسوی و ازین حدیث ظاهر میشود که سنت است سجده شکر
 نذر لغت و دفع بلا نیز لغت است و اجبار بسیار وارد شده است
 از حضرت سید المرسلین و ائمه معصومین که سنت است این سجده
 یا تعقیب بنیضاً نزد خود نعت و دفع لغت و بعد از نماز نیز از این است
 که چون حق سبحانه و تعالی توفیق کرامت کرد که نماز بخواند و دریم سجده

از حق سبحانه و تعالی بگویم چنانکه در حدیث کا لایحی از حضرت امام رضا
صلوات الله علیه وارد شده است که فرمودند که سجده بعد از نماز است
که حق سبحانه و تعالی بنده را توفیق آری فرض گزاشته فرموده چون سجده
رواقلا سه مرتبه بگوید شکر الله برسد نه که این کلمه چهل مرتبه از حضرت
فرمودند که معنی آن ایست که شکر میکنم خداوند خود را برین نعمت که
توفیق خدمت خود گزاشته فرمود که آری فرضی و کردم و شکر میکنم خداوند
نعمت است چنانکه فرموده است که بذات خودم قسم که آن شکر نعمت
مرا بجا آوردمین نعمت را زیاده کرد ام و اگر دعا از تقصیری باشد این
سجده تدارک و جبران میکند و در موقوف کا لایحی از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه منقولست که حضرت سیدالمسکین صلی الله علیه
و رسوله بر شتری سوار بودند ناگاه برآمدند و پیچیده گردیدند
چون سوار شدند گفتند یا رسول الله دیدیم کاری کردید که بعضی
ازین هرگز نگردد بودید فرمودند که جبرئیل از برام آمد و بشارت آورد
از حق سبحانه و تعالی پس من سجده شکر کردم بجهت بشارتی که بحد
و ایضا فرمودند که هرگاه یکی از شما را بخاطر سداختن از نعم الهی نیاید
که روی خود را بر خاک گذارد بشکر آنرا این نعمت پس اگر سوار باشد بر آید
و طرفه و بر خاک گذارد و اگر پیاده باشد و طرفه و بر پیشین
گذارد و اگر نتواند دست خود را بر طرفه و گذارد و سجده کند حق سبحانه و تعالی
بدان نعمت و مثل حدیث سابق از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله
علیه با نیز وارد شده است و اخبار دیگر از حضرت صلوات الله علیه در
شکر منقولست پس انکار و تحاهی که فرموده اند از حقیقت است چون آنکه

اخباریک

اخباریک از حضرت برسدند در میان بود همیشه سنان بسیار در
جلسه آنحضرت صلی الله علیه و سلم میبودند باین که اکثر اخبار آنحضرت
از روی تفرقه وارد شدند است چنانکه گذشت و در حق آنحضرت
این حدیث صلوات الله علیه آنکه کمال کان موسی بن عمران صلوات الله
علیه و از اهل بیت حق بلقی خده الا یمن بالارض و خده الا یمن
بالارض و در موقوف کا لایحی منقولست از حق آنحضرت صلی الله علیه و سلم
که فرمودند حضرت موسی علی نبی و نکه و علیات که چون از نماز فارغ میشدند
و از جای خود بکمی دیگر میفرستاد تا طریقت سر و بر زمین میفرستادند
و چنین طرفه و روی بر زمین میباید آیند و غرض از این فقط آنست
ظاهر آنست که میباید بخاک برسد تا بساعت محض و رسانیدن
و گذشتن بر زمین کافی نیست یا مان گفتا نمیکردند هر چند اول
مراتب استحباب بفعل آمدن چنانکه ظاهر بعضی از اخبار است و بعد
بعضی ازین حدیث را ذکر کرده است قماش آنست که روایت
کرده است از آنحضرت صلی الله علیه و سلم که گفت شنیدم از آنحضرت صلوات الله
علیه میفرمودند چهل جناح یا صی جناح و نزدیک از او نیست و
نیامده حضرت موسی علیه السلام پس آنحضرت بر کوهی از کوهها
بالا رفت که آن کوه را از حیا میگفتند و گفت خدایت را که آنرا که
سلام خود را از زمین باز داشته اند که ناها ان بنی اسرائیل است
پس آنرا زمین توفیق هست و همیشه از بعد کان خود مخصوصا
از ایشان عفو کرده و همان امید داریم که در کفری بیرون خطا شده
با و که یا موسی یا صداینکه چنانکه بر تو گذردیم از من و می خود و کار خود

و غیر قرائن آراسته کردم اینی اسرار و می گفت من دانم پس خطای من
 که با منوی رجوع نظر بخلاق خود کردم ندیدم کسی که تواضعش بظهور
 از تواضعش باشد اینجمله تو را مخصوص کردایم بوی و کار هم خودم
 پس حضرت فرمودند که چون حضرت موسی غازی میگردد بنمای دیگر بفرمود
 تا طرف راست رو و طرف چپ رو را بر زمین بچسباند و بگوید
 اَبُو حَفْصَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اِلَى مُوسَى
 بْنِ عِمْرَانَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اَنْتُمْ يَ لِمَا اَسْطَفَيْتُمْ بَنِي إِسْرَءِيلَ
 خَلَقِي قَالَ مُوسَى لَا يَا رَبِّ قَالَ يَا مُوسَى اِنِّي فَكَلْتُ عِبَادِي كُلَّهُمْ
 لِبَطْنِكَ اَنْتُمْ فِيهِمْ اَحَدٌ اَذَلُّ نَفْسًا فِي مَنَاسِكِ يَا مُوسَى اِنَّكَ اِذَا
 مَشَيْتَ وَصَفَتْ خَلْقَكَ عَلَى الْاَرَاكِيبِ رَوَيْتَ كَرْدَهَ اسْتَعَدَّ
 در صحیح از ابن عباس در حق بن یحیی از حضرت امام باقر
 صلوات الله علیه که حق سبحانه و تعالی و محمد و محمد بن موسی
 که ایامیدانی که تر بگفتم و حکم خود کردم و غیر شما حکم خود نکردم
 یعنی این است اسرار را مستعدان انحضرت گفت من دانم ای پروردگار
 خطاب رسید که ناخود بگویم می که من بندگان خود را بپشت رو
 کردم یعنی میدانم با ما حاصله از ما بندگان بایشان کردم بپشتان
 احدی که ذلت و خواری او بر کاه من پیش از تو باشد یا موسی چون
 تو تا نمیکنی هر دو طرف رو را بر خاک میگذاری و شک نیست که خدا
 بر خاک محض کاشتن بهتر است بلکه پیشانی و طرفهای پیشانی را نیز
 و بعد از آن بر روی و امثال آنکه ساخته باشند زیرا که انوار از خاک
 میگویند و بعد از آن بر سستک و بعد از آن بر ما بقیم الحی و قلیح و جویب

9

و بعد از آن

و بعد از آن بحد وضع بر زمین اگر چه بر کاه باشد اگر چه بر صدق و غیر
 بر دو صورت اخیر خصوصاً اخیر مشکست و در بعضی از اخبار بدلتان غیر
 وارد شده است مثل حدیث منقول از حضرت امام حسن عسکری صلوات الله
 علیه که فرموده اند که علامات مؤمن پنجست نماز بخانه و بیکر گفت
 و انکشافی بدست راست کردن و پهلویهای پیشانی را تعظیم کردن
 یعنی بر خاک رسانیدن و زیارت بر زمین کردن و بسم الله را در میان
 جهره و اخفایه بلند گفتن پس حوط و اولی آنست که پیشانی و
 هر دو طرف پیشانی و هر دو طرف و از بر خاک گذارند تا بشوایط
 شود و قال الصادق صلوات الله علیه اَنْ اَلْعَبْدُ اِذَا سَجَدَ قَالَ
 يَا رَبِّ يَا رَبِّ حَتَّى يَفْقَهُ نَفْسُهُ قَالَ لَا يَا رَبِّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اَلْكِبَرُ
 حَاجَتُكَ وَاِنْ اَحْضَرْتَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَوْلُكَ هَذَا مَدَى سَجْدَةٍ
 و ان مقدار را بگویند بیک نفس که نفس را خیر شود و حق تعالی میفرماید
 که کبریا چه حاجت داری و هرگاه که یکی این سخن را میگوید البته کار آن
 بنده را میسازد و هرگاه اگر میگوید فواید که بپشتان آنست
 بر می آورد و لیکن گاه هست که مصلحت آن بنده در ناخبر است و دیگر
 میسازد و اگر مصلحت او نباشد در دنیا و در آخرت با او کرامت
 میفرماید یا غفار ثواب که بنده آرزو کند که کاش هرگز در دنیا
 مطلب من بر او روا نمیشد چنانکه در اخاریت بسیار وارد شده است
 و گاه هست که تاخیر حاجت از جهت زیاده در بند است و بر زمین
 نیز اخاریت میجوید وارد شده است باین عبارت که حق سبحانه و تعالی
 جملاً یا که میفرماید که حاجت را بر او برید و لیکن زیاده را برسانند

که من دوست میدارم قطع وزاری و چون حاجتش برآورده
 ترند میکنند دعا را و از آنجا که تقویست در هیچ از بر طریقی بخدمت حضرت
 امام ابو الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه عرض نمودم که
 فدای تو گردم بدرستی که حاجت دارم که چند سال است که از حق سبحانه و تعالی
 میطلبم و از ناخیری که شده است در دلم چیزی در آمده است و
 دور نیست که بخاطرش رسیده باشد که تو مروی نزد حق سبحانه و تعالی
 که درین مدت حاجت برینا مدبیس حضرت فرمودند که ای این چنینها
 که شیطان را بخورد که مبارک است از آن جهت که ای امید کرد اند و این معنی آنست
 و حق سبحانه و تعالی فرموده است که ای امید بخشوند از رحمت الهی که هر چه
 کار باشند بدرستی که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که
 بسیار است که مومن از حق سبحانه و تعالی چیزی طلب میکند و حق سبحانه و تعالی
 چیزی را با و در میرساند چون دوست میدارد صدای او را بشنود و ناله
 و ناله و زاری پس فرمودند که والله که آنچه حق سبحانه و تعالی از او بخواهد
 میفرماید خیر ایشان در نیست و دنیا چه باشد که حق سبحانه و تعالی بخواهد
 خایدم مومن بدرستی که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه بسیار و بفرمود
 که میباشد که دعای مؤمنان در حالت نجات و بخواهد دعای ایشان
 نباشد در شدت و بلا چنان نباشد که چون بایشان عطا کنند
 مطلب ایشان راست شوند و دعا ترک کنند از این زیاده که ایشان
 ملال و دلگیری بهم نرسد از دعا کردن چون دعا از حق سبحانه و تعالی
 رفته عظیم و بر تو باد که هر کس یا راستی بشعار خود شای و طلب حاجت
 کنی و زیاده که با مردم نزاع و جنگ مکن آنچه دنیا بدرستی که خدا اهل
 است

که در حدیث

که وصل میکنم با کسانیکه از ما قطع میکنند و عاقبت خیر دارند می دانم
 چنین کنیم یعنی سعی نکنیم در دنیا و جمع آن بلکه هر چه در این بهشتیمان خود
 میدهند تا مریه باشیم پس میباشد که اقتدا کنیم و غم دنیا نداشته باشیم و شایسته
 که جمیع کرد و کردنیها اندا که از حق سبحانه و تعالی چیزی طلب کردند و حق سبحانه و تعالی
 بایشان کرامت کرد چیزی دیگر طلب میکنند و نعمت اول در قتل ایشان
 حقیر میشود و وسیع میشوند که برترند و از دهنده چند بهشت بر میشوند
 ایشان بهشت طلب میکنند و چون بهشت را خطرش بیشتر میشود و حق سبحانه و تعالی
 که حق سبحانه و تعالی را مال و فقر را ساخته است با خود فریفته شدن بآن
 و از حق سبحانه و تعالی عاقبت شدن خنده مرا که اگو من بنوعه که کم آید
 اعتبار من داری که آن وعده را وفا کنی فدای تو گردم هرگاه اعتبار تو
 نداشته باشم بگو خواهم داشت حال آنکه تحت الهی و امام زمانی و خلیفه
 الهی حضرت فرمودند که پس میباشد که اعتماد بر حق سبحانه و تعالی
 بیشتر باشد نشینده که حق سبحانه و تعالی فرموده است که هر که با حق
 نبذگان من مرا از تو پس بدرستی که من بایشان نزدیک اجابت میکنم دعا
 و اعیان را هر وقت که میخواهند و دیگر فرموده است که ای امید مشوید
 از رحمت الهی و دیگر فرموده است که حق سبحانه و تعالی وعده میفرماید
 شما را از ترس کناهان در آخرت و فضل و رحمت خود را در دنیا بخواهد
 حق سبحانه و تعالی بیشتر از دیگران داشته باشد و در خاطر خود در دنیا
 مگر خیر را بدرستی حق سبحانه و تعالی می آید بر دمیهای شما که اگر است
 یا آنچه در خاطر شما درمی آید بی اختیار شما حق سبحانه و تعالی از برای آمرزش
 شما از این عیب گیر و در حدیث کالیج منقولست از حضرت امام

علیه السلام که مرکه خنجر بگوید یا رب تا نفسش منقطع شود خطاب با او می رسد
 که لیت چه حاجت داری و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که
 هر که در مرتبه یا رب بگوید خطاب با او می رسد که لیت چه حاجت
 و اگر در مرتبه بگوید یا الله میگوید لیت چه حاجت داری و اگر بگوید
 یا الله یا رب تا نفسش منقطع شود حق سبحانه و تعالی فرماید که سلو
 کن چه حاجت داری و اگر بگوید یا رب یا الله تا نفسش منقطع شود
 یا او میگوید لیت چه حاجت داری و فرموده اند که حقه حق
 میجوین مسکنت یا رب یا الله از آسمان نازل می رسد که ای عجب لیت
 حاجت را طلب کن و از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که فرمود
 که نام هشت یاد و پنج برآید و بدهد بایستد و سه مرتبه بگوید
 آئی رب آئی رب آئی رب از بالا ای سرور من می رسد که سوال
 چه حاجت داری و فرموده اند که بهار در مرتبه بگوید یا الله ند
 می رسد که سوال کن چه حاجت داری و فرموده اند صلوات الله علیه
 فرموده اند که هر که هجده بجهده رود و سه مرتبه بگوید یا الله یا رب یا
 یا سبیل و خوش بختانه و تقا فرماید که لیت ای بنده من چه حاجت
 داری بطلد و از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست که شخصی خدمت
 سید المرسلین علیه السلام و الله آفرید گفت یا رسول الله که ها
 من بسیار است و عبادت من قلب است پس حضرت فرمودند که سجده
 بسیار کن که گناهان را میزد و گناه عکسین الحسیر صلوات الله
 علیه منقولست که بخنده الله هم آن است که عَصِيكَ فَاَقْبَلْ
 اَعْتَابَكَ فِي احَبِّ لَاشْيَاءِ اِلَيْكَ وَهُوَ لَا يَمَانُ بِاَمْنًا مَتَا مَتَا عَمَلُ

لا اله الا الله

الاعتق

لا مَنَافِعَ عَلَيْكَ وَتَرَكْتَ مَعَصِيَتِكَ فِي اَمَلِ الْاَشْيَاءِ اِلَيْكَ وَهُوَ
 اَنْ اَدْعُو لَكَ وَلَكَ اَدْعُو لَكَ سِرًّا كَمَا مَنَعَكَ عَلَى كَمَا مَنَعَكَ
 عَلَيْكَ وَعَصِيَتِكَ فِي اَمَلِ الْاَشْيَاءِ عَلَى عَمَلِ مَكَابِرِهِ وَامَانَةِ
 وَلَا اَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ عَمَلِ دُنَاكَ وَلَا اَجْعَلُكَ لِي كَيْفَ تَكُنْ وَلَكِنْ اَسْتَعِيذُ
 هَوَايَ وَاسْتَعِيذُ لِي بِمَا اَنْتَ بَعْدَ الْحُجَّةِ عَلَيَّ وَالْبَيْتَانِ الْمَرْفُوعَيْنِ
 فَإِنْ تَعَذَّرْتُ فَيَذَرْنِي غَيْرَ طَالِبِي وَإِنْ تَعَذَّرْتُ فَيَذَرْنِي وَتَرْجُوْنِي فَيُجِيبُوْنِي
 وَكَرَمِيكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَمَنْ قَوْلُكَ كَمَا اخْبَرْتُمْ صَلَوَاتُ
 عَلَيْهِمْ رَجُوعِي دَعَا رَاسِيُوْا نَدْنُوْا وَطَاهِرُ الْاَنْتِ كَدَرِيْعِدْ شَرِكُ
 سَيِّدَانِدْ بَاشَنَدِ چُون در سجده نماز رعایت تخفیف فرمودند چون
 غالب نماز را بجا آید واقع بدینا هستند و ترجمه این است که خدا
 اگر عصیان تو کرده ام اما اطاعت کرده ام نزار و جزیر که بجزیر
 جبرهاست نزار و توان ایمان بتو است که اعتقاد دارم با آنکه تو
 الوجود بالذاتی و بیکانه در ذات و صفات و قدرت و کبر و در ذات
 نیست و اعتقاد دارم که محمد صلی الله علیه و آله برسانت فرستاده
 و ائمه اثنا عشر که هم عصمتند و اولیایان با امامت مقرر فرموده و
 اعتقاد دارم بجمع آنچه پیغمبر و اولاد خبر داده است این اعتقاد را
 حق تعالی است و تراست عنت بر من و معرفت ندادم بر تو که مرا
 بنور آورده ام بلکه تو ایمان بردل ما بجادای و عقل کرامت فرمودی که با آن
 ترا شناسیم و توفیق ازلت و دیگر ترک کرده ام مخالفت ترا در حق
 ترین جبرها بسوی تو آن است که قابل شوم که فرزندی یا شریک
 داشته باشی و در بعضی نسخ آن لا ادعوا لك و لا اله الا الله است و در

بیان ترک معصیت است و صورت اولیایان معصیت است و این نور
 شرفی را انعام است و تزلزل است بر من و بر عالمیان و بر غیر ایشان
 نیست بر تو و عصیان و مخالفت کرده ام ترا در چیز چند نه از روی مکاره
 و معاندی و کردگشایی از بندگی تو و نه از روی انکار پروردگاری تو و نه
 متابعت کردم هوای نفس را و شیطان را لغزید بعد از تمام حجت
 و برهان و ظاهر و حق پس اگر عذاب کنی پس بسبب گناهان است
 و ظلم نکردی بر من و اگر بیامیزی و بختی پس بسبب جود و کرم خواهی
 بود ای بخشنده ترین بخشنده گان و در هیچ از این بر من منقوبت
 که دریم حضرت امام رضا صلوات علیه سه انگشت خود را بر سر کسی نهاد
 بجز او که گویا شیخ را میفرمودند و بعد از آن سر را سجده برداشتن و بعد
 بنماید که حضرت سه تسبیح فرموده باشند و انگشتان خود را بر
 رانده باشند که در توشه بگردد پس بحالت که تعذر فرموده باشند
 کثیر التوبه و یا آنکه شمرین یا نکشت غیر خدا داشته باشند و ممکنست که
 اینها را و تضرع حالت سجده باشد و الله تعالی انعم و در حدیث معتبر
 از ابو حمزه که گفت شنیدم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله که
 در حال سجده این دعا میخواندند که **اَسْتَغْفِرُكَ بِحَبْلِ جَبَرِ** **عَزَّ وَجَلَّ**
عَلَيْهِ وَاَلِهَ الْأَبْكَاتِ سُبْحَانَ حَسَنَاتِ وَحَسَنَاتِ حَسَنَاتِ حَسَنَاتِ
 پس در سجده دوم که تضرع حاجت میخواستند و در نماز و روزه
 واجب نیست در سجده دوم این دعا خوانند **اَسْتَغْفِرُكَ بِحَبْلِ جَبَرِ**
عَزَّ وَجَلَّ **عَلَيْهِ وَاَلِهَ الْأَبْكَاتِ سُبْحَانَ حَسَنَاتِ حَسَنَاتِ حَسَنَاتِ حَسَنَاتِ**
 در سجده سیم که سجده اول است دوم یا بر خاک مالیدن جانب چپ

استخوان

باشد بخواند که **اَسْتَغْفِرُكَ بِحَبْلِ جَبَرِ** **عَزَّ وَجَلَّ** **عَلَيْهِ وَاَلِهَ الْأَبْكَاتِ**
سُبْحَانَ حَسَنَاتِ حَسَنَاتِ حَسَنَاتِ حَسَنَاتِ **عَزَّ وَجَلَّ** **عَلَيْهِ وَاَلِهَ الْأَبْكَاتِ**
 چهارم گفتند **اَسْتَغْفِرُكَ بِحَبْلِ جَبَرِ** **عَزَّ وَجَلَّ** **عَلَيْهِ وَاَلِهَ الْأَبْكَاتِ**
سُبْحَانَ حَسَنَاتِ حَسَنَاتِ حَسَنَاتِ حَسَنَاتِ **عَزَّ وَجَلَّ** **عَلَيْهِ وَاَلِهَ الْأَبْكَاتِ**
 و حق تعالی علیه و آله و ع ممکنست که در سجده شکر کرده باشند یا آنکه
 مطلوب باشند از بیک یا چهار و ترجمه دعاها اینست که خداوند از تو
 میگذرد بخوبی تو و محبوب تو محمد و ائمه پس از این دعا را دست خود را بر
 مکرانکه مبدل سازی گناهان را بچسبات یا آنکه توبه کن و بعبود کن گناهان
 حسانت بجا آورم یا بفضل خود گناهان مرا از نامه اعمالم بجزو گردان
 و بعبود کن حسانت را بنویسی چنانکه وعده داده اند که **فَاُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُ**
رَبُّهُمْ حسانت یا صفات و صیغه را مبدل سازی بصفات
 حسنه و حساب کن بر حساب امان سوال میکنم بخوبیست که
 کفایت کنی مقامات را و وضع کنی مخوفی را که در پیش داریم از احوال دنیا
 کنند تا گذشتن از صراط لما نبتشید خوانده اند یعنی که مستغنی
 آن مقدار باشند یعنی هم امری را مقدم نداری برین امر یا دست از دنیا
 و طلب منبر داریم مگر آنکه گناهان اندک و بسیار را بیامیزی و دعا
 قلیل را بقبول کنی و تخفیف خوانده اند که لازم آن تا بگذرد قسم باشد
 و این لازم دلالت بر قسم دارد و بیان میکند که قسم مقدار است و در
 که قسم مطلق باشد و در اینجا که ظاهر است معنی چنین است که لغزیدن
 ما را بدست از حجت تخفیف لفظ و همچنین دعای چهارم در نماز و روزه
 جایز است که سوال میکنم دخول حشر را و آنکه را اوستا گناهان هشت گانه

الله

و نبات دمی از نسای بشره بسبب سوختن در آتش با حق و حیات
و صلوات فرستادن نادانستاید شود و دعاها می بخورد و نیاید
همین که تماشای و بیعتی این سجده الشکر آن یقین در اقیه
حق که از حق و یقین جوهر با لایق و سفت است که شخصی که سجده
شکر کند دستهای نامرق بر زمین گذازد و سینه اش را بر زمین
منقولست بر حسن کالشیخ از ابن حجر از جعفر بن علی که گفت دیدم
حضرت ابو الحسن با صلوات الله علیه و ظاهر ابو الحسن اولی باشد و
دوم نیز دارد که بعد از نماز سجده کردند و هر دو دست را مرق بر زمین
چین کردند و در دو عا سینه را بر زمین رسانیدند و در همدیگر
دعائه فی شایه است و از کلین و ابی کرده است و ظاهر این
کلین و شیخ چنین بوده است و ظاهر اسامی و اشخاص کلینی شده است
و مراد نیست که لازم نیست که سینه را بر زمین نهاند و برخاک مالده
بلکه هر که گواشتن آن بر زمین کافیست و روایت کرده است علی بن
ابراهیم از محمد بن عبد الرحمن بن خاقان که گفته دیدم حضرت امام علی
نقی با صلوات الله علیه که سجده شکریجا آوردند و بر زمین رسانیدند
همه و فراموش و سینه و شکم خود را بر زمین از حضرت پرسیدم که فعل
این سجده را بجا آوردید نمودن در سجده و این و اینست و ممکن
که بجهت معنی سقط باشد یعنی همچین خود را بر زمین می اندازد
و در بعضی نسخ مجس یعنی چنین دوست میدارم و این تصحیف
نسخ است و علامه ترجمه کرده است و جویبار بر شکر است
و اسباب و ممکن است که مراد و جویبار می باشد مثل وضو

انتهی

از جهت غار سنت و احوط آنست که هر چه عنوان بجا آورد چون
بخوبی دیگر وارد شده است و فی و ابی الحسن اسکری رضی الله
عنه اتا الصادق صلوات الله علیه قال اتا یسجد المصلی سجده
بعدها یسجد لیسکر الله تعالى ذکره فیها علی ما من به علی شه
من آله فیه و اذن ما یجری فیها شکر الله تبارک و تعالی و مدد
از جمیع کبریا و شیخ خود نقل کرده است از ابوالحسن که از قبله
بنی اسد است حق سبحانه و تعالی از و راضی باد که حضرت صادق که
امام جعفر با باشد با صاحب الامر چون ابوالحسن از ابواب
آنحضرت و بنابر اولی مرسل خواهد بود چون یقین است که ابوالحسن
آنحضرت ندیده است و لهذا صدوق تغییر اسلوب کرده است
چنانکه همیشه اسلوب و در چنین جاها ترک اسلوب است که آنحضرت
فرموده اند که نماز گزارنده که سجده میکند بعد از نماز فیه از
جهت آنست که تا شکر کند خداوندی که ذکر او از ان بالاتر است که
ادراک کند یا بی توفیق و تواند گفت بر نعمت توفیق و بی و و کثرت
چیزی که محرم است در سجده شکر آنست که سه مرتبه شکر الله بگوید
یعنی شکر میکنم خدا و بند خود را بر نعمت عظیم که کرامت را بشکر که
او باشد و محتملست که سه هزار نسخ شده باشد و بدلائل از رضا
الصادق نوشته باشد چون صدوق همین حدیث را در روشنی
کمال شیخ آنحضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است
و بعد از آن این فضا اشوال میکند که چه معنی دارد شکر الله حق
فرموده اند که یعنی این سجده را میکنم بشکرانه نعمتیک که حق سبحانه

مرا کرامت فرمود که خدمش را بجا آوردم و واجب را ادا کردم و شکر
 بسبب زیادتی نعمت و اگر در نماز تقصیری شده باشد یا در سجده
 تمام میشود و اگر بنواقل تمام نشده باشد و روی خسته باشد
 عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَرَبٍ عَنْ حُزَيْنِ بْنِ مُرَّازٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ لَمَّا كُنْتُ فِي حُجَّةٍ وَاجِبَةٍ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَسْتَجِيبَ لِي
 صَلَاتِي وَأَنْ يَرْجِيَّهَا لِي وَأَنْ يَجْعَلَ لِي مَلَكًا مَلَكَ مَلَكَ وَأَنْ يَكْتُبَ لِي
 إِذَا صَلَّيْتُ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةً فَتُحَرِّقُ الْمَرْيُومَ بِكَ وَتَقَالِي الْحُجَابَ بَيْنَ
 الْعَبْدِ وَرَبِّهِ الْمَلَائِكَةُ يَقُولُ يَا عَبْدُ اللَّهِ انْظُرْ إِلَى عَبْدِي أَدَّى
 فَرِيضَتَهُ وَأَتَى عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ
 مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ عِنْدِي قَالَ يَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمْتَ
 ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ بَارَكَ وَتَقَالِي فَمَاذَا لَهُ يَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا
 جَسَدُكَ تَقْبَلُ الرَّبُّ بَارَكَ وَتَقَالِي انْشُرْ لَهُ كَأَشَدِّ رَاقِلٍ
 إِلَيْهِ بِفَضْلٍ وَارِدٍ وَتَقُولُ مُصَنَّفٌ هَذَا الْكِتَابُ وَحَمْدُ مَنْ
 وَصَفَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ بِالْوَجْهِ كَأَمْ فَقَدْ كَفَّرَ وَاشْرَكَ وَوَجْهُهُ
 أَيْسَرُ وَأَوْجَحُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَهُمْ الَّذِينَ سَوَّجَهُ بِهِمْ لَأَسْأَلُ
 إِلَهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَكْبَرُ عَمَلُهُ وَمَعْرِفَةُ وَرَبِّيهِ وَالنَّظَرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ
 الْقِيَمَةِ ثَوَابٌ عَظِيمٌ يَعْرِفُ كُلُّ ثَوَابٍ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كُلُّ مَنْ
 عَلَيْهِمْ فَإِنْ وَبَقِيَ وَجْهُ رَبِّكَ ذَوَا حُلَاكٍ وَلَا كَلَامٍ وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ
 فَأَيُّهَا تَوَلَّوْا قَوْمَ وَجْهِ اللَّهِ بَعْنِ قَوْمِ الْعِبَادَةِ لَوْ جَعَلَ اللَّهُ وَلَا يَجِئُ
 أَنْ يَكُونَ مِنَ الْخَبَرِ الْفَاطَةُ الْقَلْبِ وَلَسَنَدٌ جَمِيعٌ مَنْقُولٌ مِنْ أَحَدٍ
 بِرَقِ رُوي که دهیست از دهای قم از پدرش محمد بن خالق از محمد بن

ابی حمزه از حمزه بن سنان از ابراهیم و جمیع فقه از حضرت امام جعفر (ع)
 صلوات الله علیه که فرموده اند که سجده شکر واجبست یعنی سست و سست
 بر هر مسلمانی که از او عقبه فرایض بجا آورد تمام میکند یا بر سجده نماز
 خود را و خشوع کردنی بان برورد کار خود را یعنی ثواب عظیم کرامت
 میفرماید و فرشتگان را این گفت و روی آوردی ز خود که خشوع شود و خشوع
 میشوند بر روی که چون بنده نماز کند و سجده شکر بجا آورد خشوع
 و تقای می کشند بر درها علی سنانها را و سجده ای را بر میدارد از میان
 بنده و فرشتگان ممکنست که حق سبحانه و تعالی فرشتگان را مأمورست
 باشد بعبادت و بسبب آن نتوانند که متوجه احوال بنی آدم شوند
 چون حق سبحانه و تعالی رخصت دهد و متوجه ایشان شوند
 گویا که چون مانع برخواستند و درها کشوده میشود بجا
 پس حق سبحانه و تعالی میفرماید که ای فرشتگان من نظر کنید بسوی بنده
 من که بجا آورد نماز را که بواجب گردانیده ام و تمام کرد عهد مرا بجا
 در احادیث صحیح که گفته که هر که نماز را بشرا بط و حدود آن بجا آورد
 او را عهدی نیست نزد حق سبحانه و تعالی که بر خود لازم گردانیده است
 که او را بیاورد و چون عهد و پیمان مرا بجا آورد سجده میکند و فرشتگان
 این نعمت که انعام کرده ام بر او آنکه بوفیقش کرامت کرده ام ای فرشتگان
 او را چه باید داد ملائکه گویند که برورد کار رحمت بر شماست حال و کلام
 پس الله تبارک و تعالی فرماید که دیگر چه باید داد او را ایشان گویند
 بهشت با و کرامت فرمایا پس فرماید که دادیم دیگر چه ایشان گویند برورد
 کفایت کردن مهمات او را از دفع آعادی و بلاها و مضایب پس حق سبحانه

فرماید که دیگر چه پس حضرت فرموده اند که هر چه هست از خودهای
 فرشتگان می آید پس حق تبارک و تعالی فرماید دیگر چه فرشتگان
 گویند برود کار هر چه از خیرات که میدانیست حق تعالی دیگر چه چنان
 بخاطر ما می رسد پس حق سبحانه و تعالی فرماید که من شکر او بگویم چنان
 او شکر من بجا آورده است و آنچه صیرف نماید حق سبحانه تعالی آنرا
 شکر الهی است و اقبال میکند بچنان و با فضل خود یعنی با ضاعت غفله
 آنچه او مستحق گشت از دوی تقابل با او خواهد بود و با و غایم دوی خود را
 و در تهنیت و از این رحمتی است یعنی رحمت خود را در دنیا و ایمان
 که مصلحت باشد چنانکه گشت و ایمانی خوب بشارتست مومنان را
 که با ایشان مینماید صدوق میگوید که هر که حق سبحانه و تعالی را شکر
 کند که روی در مقابل پی دم او کافراست و مشرک است که حق سبحانه و تعالی
 شریک خلاق کو داند باشد و در رحمت و روی خدا سپهران و نعمت
 این و ایشان را از بخت وجه الله میگویند که ادرمان باشد کان
 هدایت ایشان متوجه جناب قدس و میشود و ایشان سبب
 خداوند و معرفت دین او بند و در روز قیامت همه توانی باین بنمید
 که بندگان مومن ایشان را ببینند و ندانست که این لفظ مخصوص حق
 باشد بلکه در قرآن مجید نیز وارد است و همین معنی یا قریب باین مراد
 الهی است چنانکه فرموده است که هر چه در دنیا است فانی است و لا الهی
 و آنچه باقیست و بکار بندگان خواهد آمد دوی پروردگار است
 و اکثر مقسین دورا بعضی ذات گرفته اند و فانی معنی موت گرفته اند
 و در اخبار بسیار از آنکه اطهار صلوات الله علیهم وارد است که مراد آن

در حق تعالی

دین برحق تعالی شکر است و باین مراد این خواهد بود که هر چه که غیر دین
 ایشانست فانی خواهد شد در زمان حضرت صاحب الامر و در آن
 خواهد بود تا انقضای دنیا یا آنکه غیرین ایشان باطلست دین ایشان
 حق است و در اخبار بسیار وارد شده است که آنکه هدی صلوات الله
 علیهم وجه الله اند که معرفت و دین الهی را ایشان را خدایند و دنیا
 برین مراد این خواهد بود که هر چه که هست غیر ایشان در حکم عدمند
 و ایشان حق و حودند چون حق سبحانه و تعالی دنیا و آخرت را از حق
 ایشان آفریده است و ضافاتی نیست میان این روایات و هر دو حق است
 که ایشان و در این حقند و غیر ایشان و مذهب غیر ایشان باطلست
 و فانی و لهذا وصف خود خود را بد و الحلال و الا کرام چون جلال و
 عظمت فراعیت مقتضی است که باطل را نازل گرداند و اکرام و احسان
 از جمله صفات جمالت مقتضی احقاق حق و بقای است و دیگر حق سبحا
 و تعالی فرموده است که هر چه که رو کند از رحمت عبادت پس نظر حق
 یعنی باز توجه است بجناب قدس یعنی اگر امر فرماید که رو بجنبه کنند
 مانند نصاری بار و بعبادت کنند مانند یهود و مسلمانان در مدتی
 رو بجنبه کنند مثل الحال که هر گاه بندگان را میست که از جهت اتفاق
 ایشان در عبادات الهی و واجبیت طاعت حق سبحانه و تعالی نه آن
 که حق سبحانه و تعالی در حق باشد بلکه رو باین اطراف کردن محض تبت
 و بندگی است و باینکه گذشت که این آیه در قبله متجه بود و در آن فله
 یا در هر دو نازل شده است همین معنی بر میگرد و یعنی در حالتی که قبله را
 نمایند هر چه که رو کنند و در سفر هر طرفه که رو و سواره باشند نظر قبله

شماست و توجه شما حق سبحان و تعالی است یعنی شما را دید در بندگی او که
 به طریقی خواهد دید و کند و غرض از ذکر این آیه آنست که چه در قرآن
 مجید بعضی توبه را نیز آمده است پس اگر در اخبار اهل البیت سلام الله
 علیهم وارد شده باشد باید که آنرا نیز طرح نماید که این خبر از معصومین
 نیست چون در قرآن مجید نیز وارد شده است و چون ایضا که بعضی
 دلالت بر تجسم میکند هر تاویل میکنند و حضرت عمر صلوات الله علیه
 نیز تاویل کرده اند و باید که قرآن را میگردانند اخبار را بر همان تاویل کنند
 حاصل مراد صدوقی نیست و حیث است و را چنین مینمایند خوانند که
 ینا که محمول باشد و الفاظ مرفوع باشد با آنکه مفعول بجای فاعل آن
 باشد یعنی واجب نیست انکار کردن لفظ قرآن هرگاه در اخبار وارد
 شده باشد که نفی کنند و در آن از معصوم بلکه میباید که تاویل کنند
 اخباری که قرآن تاویل میکنند و صدوقان در کافی و توحید اخبار
 بسیار نقل کرده اند و تاویل الفاعلی که در قرآن مجید وارد شده است
 که بحسب ظاهر دالت بر تجسم و تجریدی از عامه گفته اند که ما را کار
 نیست که تاویل کنیم متشابهات قرآن را بلکه میباید تصدیق کردن اما کار
 بنا بر این نباید داشت ما را تاویل کنیم که مراد آتی نباشد چنانکه گفته اند
 که ما میگردانیم استوی علی العرش را ولیکن میگردانیم کثرت استوار او این
 سخن خوب نیست در جای که حضرت سید المرسلین و ائمه معصومین
 سلام الله علیهم را تاویل کرده باشند و هرگاه ایشان بیان فرموده
 باشند بیان ایشان متبع است و عقلا هم
 عین کمال صباح و مساء این باب است در بیان آنچه مستحب است در دعا

در هر چه درین باب ادبیه بسیار آمده معصومین علیهم وارد شده است
 و صدوق قلیله از آنها را ذکر کرده است و کما یصح منقول است که حضرت امام
 محمد باقر صلوات الله علیه فرموده اند که شیطان که لغتهای آتی را درین
 میکند لشکرش در وقت غروب آفتاب و لشکر و وزیر در وقت طلوع
 آفتاب پس شما درین دو ساعت در کسوت بجا ندهد و لغای بسیار بکشد
 برید بخت جان و تعالی از شر شیطان و لشکرهای او و اطفا خود را نیز
 تقویت کند و ایشان را نیز در پناه خدا در آورید و درین دو ساعت کاین دعا
 غفلت و شیطانی غافل میمانند و نموانند از یاد آتی و از حضرت امام
 جعفر صادق منقول است که دعا کنید پیش از طلوع شمس و پیش از غروب
 شمس که دعا میشود و کما یصح از آنحضرت منقول است که میفرموده اند
 که هرگاه آفتاب در شود مثل غول فکر آتی بخا نشانه شوید و اگر آتی
 باشد که ایشان ترا از یاد آتی باز دارند بر خیزان ایشان ایشان در عاکن
 و از آنحضرت صلوات الله علیه منقول است که هر روز که میاید بر زمین
 آدم آن روز بریان با مقال میگوید که ای برادر من روزیم باز و مرا که
 اند بر تو پس درین خوب بگو و خوب بگو تا کوهی در دم بر تو در روز قیامت
 بان خوبی که دیگر مرا شوی دید و چون شب داخل شود و نیز چنین بگوید
 و احادیث بسیار بر شمعون وارد شده است روى عبد الله بن
 عبد الله بن الصديق صلوات الله علیه انه قال من قال اللهم لا اله الا انت
 ان تقطع الشمس و قتل غروبها لا اله الا الله و خذ لا شريك له
 که المالك و له الحمد حی و حی و حی و حی لا یموت بید الخیر
 و هو علی کل شیء قدير کانت کفارة لذنوبه فی ذلک الیوم یسجد

در هر چه درین

در هر چه درین باب ادبیه بسیار آمده معصومین علیهم وارد شده است
 و صدوق قلیله از آنها را ذکر کرده است و کما یصح منقول است که حضرت امام
 محمد باقر صلوات الله علیه فرموده اند که شیطان که لغتهای آتی را درین
 میکند لشکرش در وقت غروب آفتاب و لشکر و وزیر در وقت طلوع
 آفتاب پس شما درین دو ساعت در کسوت بجا ندهد و لغای بسیار بکشد
 برید بخت جان و تعالی از شر شیطان و لشکرهای او و اطفا خود را نیز
 تقویت کند و ایشان را نیز در پناه خدا در آورید و درین دو ساعت کاین دعا
 غفلت و شیطانی غافل میمانند و نموانند از یاد آتی و از حضرت امام
 جعفر صادق منقول است که دعا کنید پیش از طلوع شمس و پیش از غروب
 شمس که دعا میشود و کما یصح از آنحضرت منقول است که میفرموده اند
 که هرگاه آفتاب در شود مثل غول فکر آتی بخا نشانه شوید و اگر آتی
 باشد که ایشان ترا از یاد آتی باز دارند بر خیزان ایشان ایشان در عاکن
 و از آنحضرت صلوات الله علیه منقول است که هر روز که میاید بر زمین
 آدم آن روز بریان با مقال میگوید که ای برادر من روزیم باز و مرا که
 اند بر تو پس درین خوب بگو و خوب بگو تا کوهی در دم بر تو در روز قیامت
 بان خوبی که دیگر مرا شوی دید و چون شب داخل شود و نیز چنین بگوید
 و احادیث بسیار بر شمعون وارد شده است روى عبد الله بن
 عبد الله بن الصديق صلوات الله علیه انه قال من قال اللهم لا اله الا انت
 ان تقطع الشمس و قتل غروبها لا اله الا الله و خذ لا شريك له
 که المالك و له الحمد حی و حی و حی و حی لا یموت بید الخیر
 و هو علی کل شیء قدير کانت کفارة لذنوبه فی ذلک الیوم یسجد

صحیح منقولست از عبدالکریم که آنحضرت فرموده اند که هر که ده نوبت پیش
 از طلوع آفتاب ده نوبت پیش از شام این تهلل را بگوید کفاره گناهان
 او باشد که در آن روز گناه نباشد و در روایتی دیگر هر که این تهلل را در صبح
 و شام بگوید ثواب کسی مثل او نباشد مگر کسی که او نیز این تهلل را گفته
 باشد و برین مضمون احادیث بسیار وارد شده است و در بعضی روایات
 از عیسی و عیسی بن مریم و توحیدش است که بپشت خداوند عز و جل
 از آنکه اسم ذات واجب الوجود است که مستجمع جمیع کالات است و
 آنکه واحد من جمیع الوجود است که وجود او عین ذات است و
 وجودش یعنی تالیف وجودیت و درین معنی وحدت و غیرین کسی را
 او نیست مگر او است و مخصوص است باشاهی و مخصوص است خداوند
 زنده میگرداند در حشر و می میراند در دنیا یا زنده میکند در رحم
 می میراند در دنیا و می میراند در قبر بعد از حیات و چون زمان آن
 حیات قلیل است آنرا ذکر نکرده اند صحت اما از لفظ ضمه معلوم میشود
 و باز در حشر زنده میکند و او زنده است که هرگز نمیرد و بدست است
 همه خوب نمایانی و توفیق کرامت میفرماید و او بر هر قدر تواناست
 و کمال حق آنحضرت ص منقولست که فرموده اند که دعا پیش از طلوع
 آفتاب و پیش از غروب سستی است واجب که اهتمام بسیار
 آن هست تا طلوع صبح و شام ده مرتبه بگوید لا اله الا الله
 لا شریک له که الملائکة و الرسل و الجن و النبی و عیسی بن مریم و
 میگوید یا الله الشیخ العظیم من قرأ فی طیار و أعوذ
 یا الله ان یخفروا ان الله هو الشیخ العظیم و استعاذه را نیز قبل

از طلوع و غروب

از طلوع و غروب میگوید و اگر این تهلل را استعاذه را فراموش کنده
 قضا میکند چنانکه عمار را قضا میکند و در اخبار دیگر نیز همین لفظ
 وارد شده است یا قضا و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ص
 علیه السلام وارد شده است که در تعقیب نحر لازم است شیخ فاطمه زهرا است باین
 تهلل و آنحضرت صلوات الله منقولست که هر که این تهلل را ده مرتبه
 بگوید و ده مرتبه صلوات بخواند بر محمد و آل و سی و پنج مرتبه سبحان الله
 و سی و پنج مرتبه لا اله الا الله و سی و پنج مرتبه الحمد لله بگوید در صباح و آذان
 و نیت میفهمند و اگر در شام بگوید در انقباض و از غافلان میفهمند
 و در وقت صلوات الله علیه حفص بن عمر بن الخطاب را که کان توح
 علیه السلام و مولی اصابه و عسی الله ان یشهدک انه ما اشیع و اشیع من
 یغتر و خافیه لا یزین او ساقینک و حدیث لا شریک لك الا انک الخلد
 و انک الشکر بها علی اربک حتی یرضی و بعد از صلواتها اگر آشیع
 و انی غفر فی ربی لا اله الا الله شکو را و پسند صحیح منقولست از
 حضرت زکریا امام جعفر صادق ص صلوات الله علیه که فرموده اند
 که هر که صبح و غروب در صبح و شام این تهلل را بخواند که ترجمه اش
 اینست که خداوند را تو گواه میگیرم که هر که صبح و شام کند برین تعقیب
 یا دفع بلائی را در این باب بسیار آن نعمت زشت حال آنکه تو واحد
 و شریک نداری در آن انعام یا مطلقا از جمیع شاهان و جمیع شکرها
 بیست آن تعقیب که انعام کرده است بر من ای پروردگار من تراست آن
 مقدار حمد و شکر تا تو را رضی و خشنود شوی و بعد از آن خشنودی بر من
 حکما ترا در صبح ده مرتبه میگویند و در شام ده مرتبه پس بعد از است

برین کلمات حضرت نوح را حق سبحانه و تعالی شکر و نامیده می بسیار
 شکر کند و در حقش کمالی را تحمیت منقولست که اگر در صبح و شام
 ده مرتبه این حمد را گوید اگر در خواهی بود شکر نعمت از روز و آن
 و قریب باین از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست
 که اگر چه مداومت برین حمد از جهت حق سبحانه و تعالی شکر و نامیده
 و از رسول الله صلی الله علیه و آله کان يقول بعد صلواته الحمد لله
 اے اعوذ بک من لطمه و الحزن و الکسل و الخلل و السجین و ضلک
 الدین و غلبه الرجال و قور الایم و العذله و الذله و البسوة و الخیلة
 و التکذبه و اعوذ بک من یغنی لا یشبع و من کلک لا یغنی و
 من عین لا تبصر و من دعا لا یشفع و من صلوة لا تدفع و اعوذ
 بک من امرت شیئی قبل ان یمنی و اعوذ بک من وادیة
 علی ربنا و اعوذ بک من ما لیکون علی عذابا و اعوذ بک من صاحب
 حذیفة ان رآی حسنة ذنبها و ان رآی سئئة فشاها اللهم
 لا تجعل یقار علی شیء و لا بد و منقولست از حضرت که بعد از
 نماز صبح و احتمالاً نافله صبح نیز در این دعا را بخواند و در سجده
 که خداوند پناه بنویسم انعم و انده و عاجز بود و در سجده غبط
 و بی دلی و ثقل دین و از غلبه مردان برین کس مر که باشد یا مغلوب
 بودن مردان بعنوان ابنه و از کساری و شوهری بی زن که کسی
 بهر سده که دختر یا پسر یا خواهر و امثال اینها را یا از برای مردی
 دست بهم نهد و از غافل شدن از حق سبحانه و تعالی و از غافل
 در دنیا و عقبی و از مدکلت و تساوت دل و از بریشانی یا عیال باری

یا ربنا یا ربی

یا ربیشانی و بی جنز بودن دنیا و تنوی ورم از نفسی که سیاه نشود و از دعا
 که مقبول نشود و از غافل شدن از آیه الاین و ندای عباد رهم شد و یا یغنی
 نیز که دفع نماز بسیار است یکی آنکه کسی می کند نماز و دنیا و دنیا
 ورم آنکه از سلیقه که مرید بدین دنیا می کشد پری و دنیا و تنوی ورم از دعا
 برین سلیقه باشد یا مرید محتاج فرزند مکن که او و لی نعمت من باشد و یا تنوی
 ورم از دعا که سبب غلبه من باشد و یا تنوی ورم از دعا صاحب کار می
 اگر خوی مریدان جهان کند و اگر بدین سلیقه ظاهر کند از خداوند و یا جنان
 که فاسق بر من متحی است و قدرتی داشته باشد و در وی عجز و فریاد
 عجزی بر خداوند علیه السلام الله قال کان ابی صلوات الله علیه یقول
 اے علی العذرة یا من هو قریب الی من جسد الوریة یا من یجوز بین الله
 و قلبه یا من هو بالمنظر الاعلی یا من لیس حسیله شیء و هو بالعلیم
 یا من یجوز من سبل و یا اوسع من اعظم و یا اعظم مدح و یا افضل منی
 و یا اسمع الساجین و یا ابصر الشاظرین و یا خیر الساجین و یا اسمع
 الساجین و یا ارحم الراحمین و یا ارحم الراحمین و یا ارحم الراحمین و یا ارحم الراحمین
 الی الخ و یا اوسع علی فی رزقی و امددنی فی حرمی و کثر لک من عبادک
 و اجعل من تقرب لیدینک و لا تستعبد فی عتبی اللهم اے
 تکلمت برزخی و در قسطنطنیه و یا اوسع علی و یا ارحم الراحمین و یا ارحم الراحمین
 العاصع الحلال و یا ارحم الراحمین و یا ارحم الراحمین و یا ارحم الراحمین و یا ارحم الراحمین
 کما الله من کاتبین اکتبنا صحتنا الله علیه و آله ان لا اله الا
 و حده لا شریک له ان محمد عبده و رسوله و انفسه ان محمد الذین
 کاشع و ان الاسلام کما وصف و ان الکتاب کما انزل و ان

وَأَنَّ الْقَوْلَ كَاحَدٍ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 عَشْرَةَ مِائَةً فَضْلَ الْحَيَّةِ وَأَفْضَلَ الصَّلَاةِ أَجْمَعِ وَرَحْمَةً جُودًا أَجْمَعِ
 لَا شَيْءَ يَكُونُ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا أَدْعَاةَ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا يَخْذَمُ مِنْ دُونِهِ وَلَا
 أَجْحُثُ عَبْدًا مَاتُوا لَا أَفْلِكَ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا أَجْحُثُ لَأَسْتَطِيعَ أَنْ
 أَسْوَ قُلُوبِي بِفَيْضِ خَيْرِ مَا أَرْجُو وَلَا أَصْرُقُ عَنْ شَاوِرِ مَا أَسْتَعِيزُ بِهِ
 مِنْ خَيْرِ مَا أَعِيزُ بِهِ وَأَجْحُثُ فَقِيرًا لَا أَفْقَرُ مِنْهُ بِاللَّهِ أَجْحُثُ بِاللَّهِ أَسْتَعِيزُ بِاللَّهِ
 أَسْتَعِيزُ بِاللَّهِ أَسْتَعِيزُ بِاللَّهِ أَسْتَعِيزُ بِاللَّهِ أَسْتَعِيزُ بِاللَّهِ أَسْتَعِيزُ بِاللَّهِ
 مَا حَضَرَ فَمَامُ جَعْفَرُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَمَا فَرَّغَهُ مِنْهُ أَنْ يَكُونَ بِمَنْ صَلَوَاتُ اللَّهِ
 عَلَيْهِ وَفِي كَلَامِ جَعْفَرٍ لَيْسَ كَرْدَنًا بَلْ عَاقِبَتُهُ نَدَى كَلَامِ جَعْفَرٍ لَيْسَ
 أَيْ خَدَائِعُهُ كَمَا تَوَدُّ بَعْضُ بَنِي أَنْزَلَهُ كُودَنْ سَبَبِ حِصَانَتِ وَأَنَّ كَلَامَ
 بَرِيدٍ مَعْتَقُودٍ يَمِيرُ دَهْجِيَارَ كَلَامِ حَقِّ بَعْدَانَهُ وَقَالَ فَرَضُ خُورِ الْكَلَامِ
 أَنْزَلَهُ بِرُورِ دَعْدُومَ بِالْكَلَامِ مَشْهُورًا وَأَنَّ كَلَامَ جَعْفَرٍ لَيْسَ
 أَزْهَرُ قَبِيحٍ جَوْنِ بَعْضِ دَرِينِ أَيْ فَرَّغَهُ مِنْهُ أَنْ يَكُونَ بِمَنْ صَلَوَاتُ اللَّهِ
 أَدْمِي مَلَكُوتِهِ وَأَنَّ كَلَامَ جَعْفَرٍ لَيْسَ كَرْدَنًا بَلْ عَاقِبَتُهُ نَدَى كَلَامِ جَعْفَرٍ
 هَرَقِي كَرْدَنِش بِجَبِّ حِصَانَتِ أَيْ خَدَائِعُهُ كَمَا تَوَدُّ بَعْضُ بَنِي أَنْزَلَهُ كُودَنْ
 مِيلَانِ أَدْمِي وَدَلِشِ يُونَى دَادَهُ كَلَامَ جَعْفَرٍ لَيْسَ كَرْدَنًا بَلْ عَاقِبَتُهُ نَدَى
 بِطَرَفِ كَلَامِ جَعْفَرٍ لَيْسَ كَرْدَنًا بَلْ عَاقِبَتُهُ نَدَى كَلَامِ جَعْفَرٍ لَيْسَ كَرْدَنًا
 كَلَامَ جَعْفَرٍ لَيْسَ كَرْدَنًا بَلْ عَاقِبَتُهُ نَدَى كَلَامِ جَعْفَرٍ لَيْسَ كَرْدَنًا
 وَبَشَرِ تَوَارِثِ بِالْكَزَانَتِ كَلَامَ جَعْفَرٍ لَيْسَ كَرْدَنًا بَلْ عَاقِبَتُهُ نَدَى
 دَسِيدِ خَدَائِعِهِ كَلَامَ جَعْفَرٍ لَيْسَ كَرْدَنًا بَلْ عَاقِبَتُهُ نَدَى كَلَامِ جَعْفَرٍ
 أَزْهَرُ حَسَنٍ لَفْظِ بَابِ مَشْهُورٍ وَبَعْضُ كَلَامِ جَعْفَرٍ لَيْسَ كَرْدَنًا بَلْ عَاقِبَتُهُ نَدَى

شبهات

۳۷
 شبهات عقلیات و دانسته باشد چه جای مثل او نشود است یعنی عالم است و عالم
 و دانسته هر چیزی را ای خداوند که خود تو بیش تر است از هر چه بود و آن
 سوال کنند و دهد زیرا که تو فطریه بیدار هستی و دانسته چنانچه و تو
 و توابع آن و مثال این نعمت را عظیم هیچ کس بدان قادر نیست و ای خداوند
 عطای واسع تو بیش تر است از هر چه دانسته و ای بهترین کسانیکه ایشان
 از همه طالب خوانند و ای افضل کسانیکه محل اسب خلافت اند و ای نشو
 ترین سامعان که اجابت میکنند دعوات خلائق را و ای بنابرین خلائق که
 که مطلق و مضافند کانت و ای کنندگان و ای خداوند که از هر چه
 کنند و تو در حسابات کونی چنانکه گفتی که حق سبحانه و تعالی در
 حساب جمیع خلائق را کند چنانکه هر کس را کان این باشد که خطاب است
 با او است و پس پس محاسب برسدند که چگونه ممکن است بعضی حضرت
 سید المصلین صلی الله علیه و آله فرموده اند که هیچ کس روزی پیدا
 در کساعت هر خلایق را و بسبب مشغول شدن بجمعی از جمعی دیگر غافل
 نیست و ای بختندم ترین بختندم کان و ای حکم کنند و ترا هر حکم کنندگان
 در دنیا و عقبی صلوات الله بر محمد و آل محمد قریب و فرخ کن روزی بر او
 کن هر عمل و هر کن بر من از رحمت و بگردان مرا از انکسایت از رحمت دین
 کنند و مبرر را غیر از که بعضی من بیاوری چنانکه فرموده جمعی که اگر نیست
 کیند شما را میارم و جمعی بعوض شما را میارم و آنرا که ایشان مثل شما باشند
 خداوند تا وضامن روزی منی روزی هر چنان داری پس فرخ کن گردان بر من
 و بر عیال من از روزی تو که حلال باشد و فرخ کن و در کن این فقر را پس
 خطاب نویسد کان عمل میکند که بدست است و چپ نشسته اند

اجمعت است یعنی هیچ کدام من و حال آنکه پادشاهی و پادشاهی و پادشاهی
 و نیز کوار و دانش و بزرگی و عظمت و جاه و جلال و فرمان و پرورد
 باری و جل و جلال و متزه بودت از انانی و انصاف و بیجا لایست با
 جلال و عظمت و جمال و مکرمت و خوبها و حسن و خوبی و قوت
 و مقدس داشتن او یا منزه کردن و بزرگی داشتن و بزرگی یا
 کردن و منزه داشتن و بزرگی او کردن و تقدس کردن و او را
 بکبریا و صف کردن و توحید او و کردن او را یگانه داشتن
 و بخشش و کریم و بزرگواری و انعام کردن و احسان عودن با
 خوبها و فضل و احسان و فراخ کردن و بزرگی و قوت و قوت و قوت
 یا جلیل و ماضی شدن از عجزیت و پادشاهی و قدرت و قهرای
 و شکافتن و هم آوردن و شب و روز تاریکیها و روشناییها و
 دنیا و آخرت و از دادن جسمانیات و روحانیات که هیچ و لفظ
 موجود شدند و از پدید آمدن عالم عالم میگویند با آنکه امروز
 فرمان هر آنچه نام بردم و آنچه نام نبردم و آنچه نامیدم
 آنچه نام نیدم و آنچه نبردم است و آنچه نخواهد بود هرگز ملک و
 مخصوص خداوند است که پروردگار عالم است جمیع کالای
 و محامد مخصوص خداوند است که شب را بر روز آورد و حال
 در میان نعمت و عافیت و نفع درستی نام یا بفضل عظیم آفرید
 و سپاس مخصوص خداوند است که از دست بخیر در شب و روز
 ساکنند و او است دانا و شنوا و احد و ستایش مخصوص خداوند
 که شش ماه اندک اندک شب را داخل روز میکند و شش ماه

برعکس

برعکس و بیرون می آورد زنده و از مرده مثل حیوانات را زنده کرده و تخم
 می آورد یا محسن را از کافر بیرون می آورد و تخم و بی را از حیوان زنده و کافر
 از محسن و او را از است با آنچه در سینه هاست خداوند باری و لطیف
 و صمیم و شام میسر و چون نوزد کانی و بقیه تو می میرم و پس بتو بازگشت
 میگردم یا به تو می گردم از آنکه کسی را بخوانم و یا بخوانم یا کسی را بخواند
 یا کسی را بخواند یا کسی را بخواند یا کسی را بخواند یا کسی را بخواند یا
 من جنک و سفاقت کنم یا کسی نیست من درستی و بخیر می کند یا کسی
 در اهل تو میگردانم یا نیست کسان در اهل تو که فرمان برده اند یا خد
 ترا و فرمان برده اند یا خد و ترا را که در اهل تو که باطل شود بعد
 از آنکه هدایت کرده اند و بد بخش ما را از نزد خود رحمتی عظیم می رسانی
 که تویی بخشاینده بسیار از زنده ها یا بسیار از بخشنده تویی پس گو
 این دعا را که تر جارش نیست که خداوند این شب و روز و خلق و
 از آنچه های تو را بخشنده کن در این شب و روز یا آنکه جرات به من
 بر کنایان و مخالفت تو و یا آنکه بر تو شکویم و بمرامات تو و روزی
 ما را عمل مقبول و سحر که تو ما کن یا خدای شکوای کند در آن و بخار که
 زبان نداشته باشد و روزی من متعجب گردم از آنکه قال صلیت
 مع البر علیه الله علیه اربعین صبا حاکمان انا انقلع فی
 الاله و قال صبحنا و اجمع الملائک لله اللهم انما عید
 و اتنا عیدک اللهم احفظنا من حین خلقنا و من حین
 لا تحفظنا اللهم اخرنا من حین خلقنا و من حین
 تحفرین اللهم اخرنا من حین خلقنا و من حین خلقنا

وینده اش را بر زمین رساند و حاجت خود را در سجده از حق میخواست
 بخواند و حضرت فرمود که ای سرور عالم بگو آنکه **اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ**
بِیَسْرَتِکَ الَّتِیْ لَا یُعْلَمُ بِهَا شَیْءٌ وَبِیَسْرَتِکَ الَّتِیْ لَا یَعْلَمُ بِهَا شَیْءٌ وَبِیَسْرَتِکَ الَّتِیْ لَا
تُعْلَمُ بِهَا شَیْءٌ وَبِیَسْرَتِکَ الَّتِیْ لَا یَعْلَمُ بِهَا شَیْءٌ وَبِیَسْرَتِکَ الَّتِیْ لَا یَعْلَمُ بِهَا شَیْءٌ
 فرمود که **عَنْ یَسْرِیْ عَلَیْهِ السَّلَامُ** و حاجت خود را طلب کند و بگوید
 رود و صد مرتبه بگوید یا حی یا قیوم لا اله الا انت بر خدایت
 استغفرت فاکفی ما اکتفی و لا یکتفی الیه فکتی و احادیث
 صحیحه وارد شده است در فضل این تسبیحات اربع بعد از هر نماز
 چهار مرتبه و هر مرتبه ده مرتبه صحیح وارد شده است که در ده مرتبه
 قل هو الله احد و عقبت بر این چهار نماز و سوره حمد و شهادت و آیه
 الکرمی و قل اللهم ما لك الملك در عقب از این فضیلت بسیار
 دارد و اگر کسی خواهد دعا می نماید بطلحات و غیر اینها پس رجوع کند
 بکتاب ادعیه و کتاب دعا های کافی کافی نیست و بعضی کماله
 کاملست و صاحب کبیرا خواهد با کثران گردانست و منجم الذخائر
 از جهت دفع بلاها تاملست
 این باب است در بیان احکام مهور و نماز ایمنه مشهور است در میان
 اکثر مجاهدان است که فراموش کرده باشند یعنی یقین دانستن نماز ایمنه
 و نقصان آنرا سهو میگویند و اگر طریقی را هیچ یک ندانند آنرا شک
 میگویند و اگر یک طرف را چ شود طریقی را طعن میگویند و مرجوع را
 دهم بر طلاق الحادیت غالباً سهو را بر طلاق و میمانند و طریقی را
 و هم میگویند و در هر حال اشاره خواهد شد باینکه مقصود است و در

مهور و نماز ایمنه مشهور است

اصحاحان

استغفر الله ان من عظم العباد عن ابائهم صلوات الله عليهم ان رسول الله
 صلى الله عليه وآله انا هو و صلوات الله عليه فقال يا رسول الله انك اشدنا
 الكرم من المومنين في صلواتك لا تعقل ما صلواتك من زيادة ان
 نقصان فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله انك اشدنا في
 صلواتك فاعلم انك الميسر يا جدك يا جدك يا جدك يا جدك يا جدك
 و يا جدك لو كنت على الله اتقوا يا جدك يا جدك يا جدك يا جدك يا جدك
 فاكفيتك و تخرج و تذكروا عظمك روایت کرده است که در صلوات بر رسول الله
 صلوات الله عليه از پدران خود یعنی شخصانی پدرش و پدرش پدرش تا
 حضرت امیر المؤمنین صلوات الله عليه که شخصی حضرت حضرت سید
 المرسلین صلوات الله عليه را آمد و گفت یا رسول الله شکایت میکنم
 که مشتاق شده ام بوسواس در نماز و کثرت اوقات عبادت و عبادت
 نماز کرده ام زیاد کرده ام یا که کرده ام حضرت صلوات الله عليه و الله و
 فرمودند که چون داخل نماز شوی انگشت ششانه دست راست را بر راس
 خود گذارد و زور کن و بگو که یاوری بخیر از اسم حق سبحان و تعالی و الله
 اکبر یا الله جوت استعانت از و بخیر و حال آنکه وجود و بقای من بآب
 تو شکل بر میگویم در جمیع المور و فیما مبرم بخداوند بگو شنو او را تا از شر
 شیطان رانده در کارهای پس بدستی که هرگاه این کلمات را بگوید و بگوید
 کشته یا می کشی و را و زجر می کشی و را و از خود دور می کنی و زوری
 عن غیر من یزید انک قال شکوت الی الله عظم الله صلوات الله عليه
 الصبر و القرب فقال صلوات الله عليه فقال صلوات الله عليه و قل یا الله
 انک یزیدون ففعلت ذلک فذهب عني و روایت کرده است در صحیح بخاری

نام

بن برید که گفت شکایت نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که شیطان بر من مسلط گشته است و سه روز نماز تمام نسیب نمیکند و غالباً گفتم که بعد از اتمام شش میگویم که دو کمره ام یا سه حضرت فرمودند که بعد از نماز تمام را بسم الله قل هو الله احد و قایما ایضا الکافرون بخوان پس چنان کردی سه روز من بر طرف و ظاهرا صحت این دو سوره اینست که شیطان را از خود طرد دور میکند و سه روز شیطان است و محتملست که در اول سوره های در این سجده باشد بسبب کوتاهی این دو سوره از سه روز بایل شده باشد و اول اظهار است و در حق بوجوه المانی غرضه علیه صلوات الله علیه و آله ان الله قال انما لنستحيضك الله عليه و آله رجلا فقال يا رسول الله انك من صفية صديقي شده و آقا رجلا مغيل سديني حجج فقال له كذا هذه الكلمات نوكتت بحجج اي الذي لا يموت و الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبه و لا ولدا و لم يكن له شريك في الملك و لم يكن له ولي من الدنيا و الآخرة تكبير قال فكم تكلمت ان خادك قال فقال يا رسول الله اذهب الله عني و سوسه صديقي و قصي ديني و شمع ربي و باسانيد منكره منقولست از ابو حمزه كه حضرت امام جعفر صادق فرموده اند كه شخصی خدمت حضرت سيد المرسلين صلى الله عليه و آله آمد و گفت يا رسول الله از سوسه ای که در دلم افتاده است بسیار در غلظت و من مری عیال با در قرض دار و محتاجم علاوه جمله هه را عرض نمود میفرماید حضرت صلوات الله

عنه و آله و سلم

چند و آله فرموده اند که مکرر این کلمات بخوان که هر چه در دل هست که توکل نموده ام بر خداوندیکه زنده است که هرگز غایب و جد و نماند و مخصوص شد که او را ترک و فرزند نیست و در پادشاهی و خدایندگی شک نیست و بدو بنوده است و در لشکری و مددکاری که او را نه هلاکت و خواری را نه نکاه دارد و بنوده است و تکیه بر کون خداوند خود را و از این که یاد کنی حضرت فرموده اند که اندک زمانی شد که شخصی خدمت حضرت آمد و گفت یا رسول الله خداوند عالمیان را بپادشاهت و سوسه مرا و قرض مرا دفع و روزی من فریخ کرد ایند و همین مضمون در چند حماد بن عثمان کا لفظ منقولست و عرض صدوق از نقل این اخبار ایست که در آن اوقات این سه و شش بسبب شیطان و سوسه از این کس صادر میشد و علاج آنرا اولاد عامی باید کرد و بعد از آن بضبط حساب و انکسری و اشاکان و سه روز بختد الله ای المعصومه ان الله قال لا یاسی ان بعد الرجل صلواته بحقیقه او بحقیقی یا خدیجه فیعذبه و در صحیح و حسن کا لفظ منقولست از عبد الله که حضرت امام جعفر صادق فرموده اند که بایستی که شخصی عدد در کلمات غار را ضبط کند یا انکسری یا انکه شاک انکسری از انکسرت کوچک یا انکسرت بعد از آن کند در رکعت دوم و در رکعت سیم در انکسرت میبایست کند تا شک نکند یا بسبب دوزخ که در دست گیرد مثلا در نماز چهار رکعتی سنک ریزه یا خورنکاه دارد و در هر رکعتی که بجا آورد یکبار بگوید یا تا آخر عدد زبان حفظ نماید و ظاهرا مرسل باشد چون عبد الله بن محمد خدمت حضرت صادق رسیده

از حضرت

و لهذا صدوق نفس و اسلوب نموده است و روایت کرده است شیخ بسید
 صحیح از حبيب که گفت شکایت نمودم بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 سهو میکنم در نماز حضرت فرمودند که بنماز رکعت نماز را بنسبت روزه
 و با حفظ و با کمال بسند روزه و شکر از او نیست درین دو چیز است و این
 حدیث و امثال این از احادیث صحیح و ظاهر میشود که امثال این را تمام
 در نماز سبب بطلان نماز نمیشود چون متفرقه است و مع هذا عین
 و دیگر خواهد و قال لروضا صلوات الله علیه علیه اذا اکرع علیک
 السجود فی السجود فامض علی سجداتک ولا یقعد و از آنحضرت
 صلوات الله علیه منقولست که فرموده اند که هرگاه در نماز سهو
 بسیار کنی نماز را تمام کن و عاده ممکن و همین مضمون در حدیث
 صحیح از ابن سنان از عیسی بن یونس منقولست که حضرت امام جعفر صادق
 صلوات الله علیه فرموده اند که هرگاه در نماز سهو بسیار کنی نماز را
 تمام کن و روزه بحکم این حدیث صحیح از عیسی بن یونس منقولست که علیه السلام
 قال اذا اکرع علیک السجود و روزه فانه یؤشک ان یدعک انما
 هو من الشیطان و کما یحیی منقولست و در شیخ در صحیح روایت کرده است
 از آنحضرت صلوات الله علیه که فرموده اند که هرگاه سهو در
 بسیار شود پس نماز را گذار و ملتفت شو شیطان که هرگاه ملتفت
 نشوی غفیر است و نیز دست راست از تو بر میدارند در سستی که این سهو
 از شیطان است و در حدیث صحیح از زهره و ابو بصیر منقولست که ایشان
 گفتند بخدمت آنحضرت صلوات الله علیه عرض نمودیم که هرگاه شخصی در
 نماز شک بسیار کند و نداند که چند رکعت کرده است و چند رکعت

توضیح

حضرت فرمودند که نماز را عاده میکنند چنانکه خواهد آمد که هرگاه شخصی نداند
 که در نماز چند رکعت کرده است حتی که گفت بنماز را از نماز باطلت یا زهره
 فرمودند که کثیر الشک شده است و حضرت عاده میکنند و در آن عاده نیز شاکست
 حضرت فرمودند که درین صورت نماز بر نماز نیست و الحاقات نمیکند آن
 شک پس حضرت فرمودند که عادت میکنند و شیطان را بخود راه میدهد
 با آنکه نماز خود را باطل کند و او را بطع نماز بدین شیخی که شیطان عادت
 اینست که کسی گفته او عمل میکند او برود دست یابد او را مستحق خود میکند
 پس هرگاه شخصی وسواسی میشود و گفت الشیطان عیب یابد که چون شیطان فعل
 گوید که نکرده بگوید که کرده ام و اگر فعل که سبب بطلان نماز باشد
 او گوید که کرده بگوید که نکرده ام و بسینا نماز را نگفته او بر زمین
 و چون مکرر چنین میکند شیطان دیگر متوجه خواهد شد و اینست که
 که حضرت فرموده اند که مطلق شیطان خبیث نیست که اطاعت نکند
 و چون مخالفت میکند دیگر نزد شما نمی آید و علم اینها ازین جهت است که
 خود حفظ میکند که بداند که چه میکند و چه میکند پس اگر قطع کند او را
 اقدس الهی و بنای او بر دو بنا طریقه است و او سازد سهو نخواهد کرد چنانکه
 بحولیت و علم نیست که چون خاطرش جمعیت از قنای عمل که سهو سبب بطلان
 نماز نیست و اینها مساوی میباشد و ملا خطه نمیکند در آیات و اخبار که
 نماز چنین مقبول در کاه است و او خود را نماز بهر ندارد و احادیث صحیح
 وارد شده است که از نماز قهری مقبولست که در آن سجده و قنای باشد و که
 اصلاً دل و باطن و ظاهر و تعالی باشد نبوده است آن نماز را می بخشد و برکت
 او میبخشد و لیکن حق سبحانه و تعالی قصصها را تمام میکند بنوا فلان نیست که

اگر شلایه کند در نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا در دو رکعتی و یک رکعتی
 یا آنکه اگر کثیر التسهو باشد نماز او باطلست تا چون کثیر التسهو و التثاب
 شده است بنا بر پیشین صحیح میگردد پس اگر شک کند در دو رکعتی
 میان یک و دو بنا بر دو میگردد و اگر شک میان دو و سه بنا بر دو
 میگردد و در افعال اگر کثیر التسهو باشد یا شلایه کند یا غفلت کند و اگر
 باشد و شک کند میگوید که کرده ام و اگر یقین دارد که نکرده است
 آنرا بجا آورد و اگر یقین داشته باشد که نکرده است پس اگر سهوا
 باشد میگوید که کرده ام بلکه علم و سواسی نیز اعتقاد دارد بنا بر آنکه
 محرم است که اعتقاد را تنه و هم است و قوه میکند که علم دارد
 و بعضی گفته اند که اگر تکرار کند کثیر التسهو چیزی را که تلاوه داشته باشد
 مثل یک سجده آنرا بعد از نماز بجا می آورد و لیکن سجده سهو معتقدند
 و ظاهر اخبار آنست که ملتفت نمیشود و فی روایتی اینست
 عَنْ عُرَيْشَةَ بْنِ مَرْثَدَةَ قَالَ سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 قَالَ إِنْ كَانَ أَحَدُكُمْ يَتَذَكَّرُ فِي صَلَاتِهِ أَنْ يَتَذَكَّرَ أَنْ يَتَذَكَّرَ
 التَّهْوِيَّ وَبِأَسَانِدٍ مِنْكَ صَحِيحٌ وَحَسَنٌ لَهُ دَوْرُهُ سَنَدٌ صَحِيحٌ وَتَمَامٌ
 حَسَنٌ كَالصَّحِيحِ فَقَوْلُهُ بَابُ تَهْوِيٍّ مِنْهُ فَهُوَ كَمَا فِي حَقِّهِ أَنْ يَتَذَكَّرَ
 صَلَاةَ اللَّهِ عَلَيْهِ فَمِنْهُ أَنْ يَتَذَكَّرَ هَكَذَا وَفِي هَذَا مَنْ يَتَذَكَّرُ
 بِأَشْيَاءَ كَثِيرَةٍ وَكثير التسهو است و ظاهر کلام حضرت آنست که سهوا
 بی سهو نباشد که در هر سهوا یک سهو کند و جمع گفته اند که کثیر التسهو
 آنست که در یک نماز سهو کند و یا در سه نماز بی دربی سهو کند تا
 لفظ که وقت که اقلش سه است و اگر گفته اند که رجوع بفرمان میکنند

در بعضی

در غیر موضع نص و آنچه جماعت گفته اند مخالف عرف نیست و لیکن مخالف
 منصوص است در بعضی از صور احوط آنست که در غیر موضع فعل جمل
 کند تا موافق منصوص شود و زود میشود بلکه بنا برین حدیث که کسی
 کثیر التسهو نیست و اگر در سهوا نماز سهو کند ملتفت نمیشود و احوط است
 آنکه با چنان نشسته باشد که سهو بی دربی کند با احتیاط عمل کند
 و تا جمیع شود احوال فقهاء و حدیث و عرف نهایت احتیاط خواهد بود
 ولیکن ظاهر بر کار نباشد چون حدیث صحیح و قوی در آنست
 جَعَلَ صَلَاةَ الْفَقِيرِ عَلَيْهِ اللَّهُ قَالَ لَا تَعَادُ الصَّلَاةَ إِلَّا بِرُفْقَةٍ
 الْقَهْقُورِ وَالْوَقْتُ وَالْقَبْلَةُ وَالْكَوْفُ وَالْحُجُورُ ثُمَّ قَالَ الْفَقِيرُ سَلِّ
 وَالتَّهْوِيَّ سَلِّ وَلَا تَفْضُضْ السَّلَاةَ الْفَرِيقَةَ وَبِأَسَانِدٍ صَحِيحَةٍ
 منقولست از راه از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند
 که عاده کرده نمیشود نماز مگر بی سهو و غسل و تیمم اگر کسی وضو داشته
 یعنی پاک کننده از حدیث مثل وضو و غسل و تیمم اگر کسی وضو داشته
 نباشد واجب و خایض و نفسا و مستحاضا باشد بتفصیلی که گذشت
 نماز کند عدا یا سهوا پیش از غسل نماز را عاده میکند در وقت و خارج
 وقت و ممکنست که طهارت را اعمیانی از حدیث و حدیث کبریم چون
 عاده نماز واجب یا عدا یا نجاست نماز کرده باشد و سهوا بگذرد وقت
 عاده میباید کرد و دیگر وقتست که اگر شخصی نماز را پیش از وقت بجا
 آورد و اگر سهوا باشد عاده میکند در وقت و خارج وقت و دیگر
 قبله است که اگر کسی عدا بغیر قبله نماز کرده باشد عاده میکند اگر
 جاهل باشد یا سهوا در وقت عاده میکند اگر در مجزب و شرق

در نماز چهار پس بوقت که اعاده کند و کسی که شک کند در دو و سه
و چهار یعنی شک کند در دو و سه یا در سه و چهار یا در دو و چهار یا در
و چهار و در بعضی پنج چنین است که او **و انما لکنه** و الزامی یعنی شک
نکند در دو و سه یا در سه و چهار در بصورت حکم در صورت مذکور
کیده است و بقیه را خواهد گفت و نتیجه اول بهتر است چون شامل
چهار صورت گشت و بقاعه انبیاست و اینها چهار دفعه است که
چون مابق نخواهد گفت و عملی حال بنا بر آن میل دارد و چون سلام
دهد تمام میکند یا بخیر کند و در بعضی حال میدهد که اگر کرده باشد
پس در صورتی که شک میان دو و سه باشد بنا بر سه میل دارد و اما
میکند نماز را و در رکعت نماز نشسته یا میکرگفت ایستاده میکند که
اگر غافش سه باشد چهار شود و همچنین است اگر شک کند میان سه
و چهار بنا بر چهار میل دارد و در رکعت نماز ایستاده میکند که اگر دو
چهار شود و اگر شک کند میان دو و سه و چهار بنا بر چهار میل دارد
و در رکعت ایستاده میکند که اگر دو باشد چهار شود و در رکعت نشسته
میکند که اگر سه باشد چهار شود و بخوبی دیگر نیز خواهد آمد اما
در دو رکعت اول چهار یعنی که سبب ابطال صلوات پس غلط
در سجده زلزله و سجده رها نموده و سجده محمد بن مسلم و سجده ابو بصیر
و سجده فضل و سجده وسأ اخبار است بسیار که اینجا را اینجا و آنجا را
تجرب دیگران حسن و موثق وارد است که بنا بر اقامه میکند و نحو سبب ابطال
یا بخانه خواهد آمد و بنا بر بخیر عمل یا بخیر را سجده مشهوره و معجزه
کردن اولی است چنانکه در ذغره و اما بطلان صلوة سبب شک

کرده باشند و در خارج وقت نماز عاده می کنند اگر پشت باده کرده باشند
شماره مشهور و اخبار سابقه ظاهر شد که حکم استند بر همین ^{نشد} و بسیار
مکرر آنکه گویند این خود ظاهر نیست که در خارج وقت عاده باید کرد
مطلقا و چون همین و بسیار اخبار بیرون رفت استند بر این که اما
طهور محل کلاست و دیگر کج و سجود است که بترک هر یک از اینها
نماز باطل می شود و هر خواهد آمد مفضل پس حضرت فرموده اند که اگر
جدایا اعم از حدیث دوسره است یعنی وجوب هر دو است ^{نظایر}
شده است نه از قبیل مجاز یا جمیع سابق که وجوب آنها از قرآن ظاهر است
و در اوایل کتاب صلوات گفت و نمی شکند ترک سنت فیهما را که
وجوبش از قرآن ظاهر شده است چون نماز از قرآن ظاهر شده است
پس اگر کسی بپوشاید یا قرات ترک کرده باشد کند نماز باطل است
و نقصان گرفت و دیگر خواهد آمد و الاصل فی الشهور ان
مَنْ سَلَّ فِي الْكُتُبِ لَا يَلْتَمِزُ وَلَا يَلْتَمِزُ وَلَا يَلْتَمِزُ وَلَا يَلْتَمِزُ
فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ وَمَنْ شَكَّ فِي الْعَرَبِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ
مَنْ شَكَّ فِي الْعَرَبِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ وَمَنْ شَكَّ فِي الْجُمُعَةِ
فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ وَمَنْ شَكَّ فِي النَّاسِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْأَنْبِيَاءِ
أَخَذَ بِأَلَا تَقْرَأُ مَا سَمِعَ أَمْرًا مَاهِنًا أَنْ قَدْ نَفَسَ وَاصِلًا
كَلِمَةً مِنْ شَكٍّ أَنْتَ كَسْتُمْ كَسْتُمْ كَسْتُمْ كَسْتُمْ كَسْتُمْ
از نماز عاقله و عموغنا پس بدوست که عاده کند نماز را و کجا
شک کند در نماز شام پس و اجابت بدو که اگر عاده کند نماز را
که شک کند در نماز صبح پس بدوست که عاده کند و اگر کسی که شک

در نماز حج و شام و بعد پس در سجده عار و ادب است که اگر شک درین نماز
 کند نماز را عاده میکند و در سجده جلوی و سجده جفای و ایضا عیال و غیر
 او و ادب است که سهو در نماز حج و شام سبب عاده است و در سجده عیال است
 و سجده بوی صبر و ادب است که شک در نماز شام سبب عاده است و نه
 همه و ادب است حدیثی که حسن کا یحیی و موفق کا یحیی و قوی کا یحیی
 است و در حسن کا یحیی و ادب است که سهو نیست در نماز سفر و شک در
 آن سبب بطلان نماز است چون همه دو رکعت یا سه رکعت و اخبار
 صحیح و آورده است که شک میان رکعت اول و دوم مبطل صلو است
 نماز سفر و نماز طواف در آن داخل است و در موفق عار و ادب است که در
 در نماز حج و شام بنا بر آنکه میگذارد و شیخ حمل کرده است بر آنکه طواف و عار
 باشد بنا بر آنکه باشد در نماز بهمان باشد بجز او طرح آن تضعیف شد و
 اولی است و ثانی بطلان عیده و بنا بر طواف اخبار بن محمد بن عیال
 میان بنا و بطلان و بطلان اولی است چون اخبار بن احم و آنکه نیست
 با آنکه اخبار بن عیال بن علی بن یحیی و ابن امان که قدم اخبار بن و اخبار
 کرده اند با آنکه اخبار بن احم از مردم را از آن کتاب ایشان استنباط میگردانند
 و آنچه از تنقیح ظاهر میشود اخبار بن و اخبار بن علی بن ازی بن علی بن
 الحسین و هملوات الله علمها از زید بن و زید بن کرده اند و علی بن یحیی و ابوبکر
 عمل معتبر و اخبار بن عیال بن علی بن یحیی و ابوبکر و اخبار بن در میان سه
 و چهار رکعت در حسن کا یحیی و حسن کا یحیی و حسن بن ابی العلاء
 و موفق کا یحیی بن ابان و صحیح محمد بن مسلم و مرسله حمید و ادب است که
 اگر یک طرف غالب شود بر طرف آن بنا بر آن میگذارد و اگر هر دو طرف مساوی

باشد از آنکه

باشد بنا بر آنکه میگذارد و تمام میکند و در رکعت غایت نشسته میکند و اخبار بن
 که اگر سه باشد چنان باشد شود و اخبار بن زید بن یحیی و عیال بن یحیی و در هر دو
 جبهه دارد است و اگر خواهد بود یک رکعت یا سه رکعت میکند و اگر خواهد بود دو
 نشسته میکند که بجای یک رکعت یا سه رکعت است اما چون اگر اخبار بن و در رکعت
 نشسته است عمل آن اولی است و ظاهر صحیح زید بن احم و اخبار بن علی بن
 که بنا بر آنکه میگذارد و اخبار بن یحیی و اخبار بن علی بن احم و اخبار بن یحیی
 چون مذهب اکثر عامه بر آنست که بنا بر آنکه میگذارد و صد و بیست و یک رکعت کرده
 و هرگاه غیر باشد عمل کردن یا غیر سه رکعت است و اخبار بن و اخبار بن و اخبار بن
 در میان دو سه رکعت قبل از اتمام رکعت بن باشد نماز باطل است و اخبار بن
 در هر حال که یک طرف شک و یا باشد و اگر پیش از سجده بن باشد باطل است اما
 اگر سجده دوم رفته باشد و اگر سجده بن نگفته باشد نماز صحیح و اگر
 بعد از سجده بن باشد اخبار بن علی بن احم است که بنا بر آنکه میگذارد و اخبار بن
 عار که خواهد آمد و در سجده بن و ادب است که بنا بر آنکه میگذارد و تمام میکند
 اگر بعد از تمام شدن رکعت دوم باشد یعنی بعد از سجده بن و ظاهر صحیح
 عبد الله بن یحیی بن احم است که بنا بر آنکه میگذارد و اخبار بن یحیی و اخبار بن یحیی
 عبد الله بن یحیی بن احم است که بنابر آنکه میگذارد و اخبار بن یحیی و اخبار بن یحیی
 جعفر صراف و آن شخص که نماز بن و رکعت نماز کرده است یا سه رکعت
 حضرت فخر و ند که نماز را عاده میکند عرض کردم که آیا بن چنین است که
 منقولست که عاده میکند نماز کسی که فقیه و عالم باشد حضرت فخر و ند
 که آن در صورتیست که شک در میان سه و چهار باشد و شیخ حمل کرده است
 این حدیث بر نماز شام و میتوان حمل کردن بر آنکه شک در حال نماز باشد

فَأَتَيْنَا طَائِفَةً مِنْكَ فَاذْفَقْنَا وَنُفِثَتْ دُرُوءُكَ كَذِبًا مِنْ أَمَامِ جَعْفَرِ
الصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَمَرُودُهُ انْدَحَرُوا رَدَى الْخِزَانِ جَمِيعَ غُفُوقِ
وَأَحْكَامِ سَهْوِ الزَّهْنِ تَوْجِيعَ مَيْكَمٍ دَرْدِ وَكَلِمَةِ هَرَاكَ شَكِّ كِتَابِ بَشِيرٍ
ذَارِسِ جَوْنِ سَلَامٍ دَرِ غَمِّ كُنْ بِخَدِّهِ إِحْتِمَالِ مَيْدَلِي كَمْ كُودِ بَاشِي وَ
ظَاهِرِ كَمْ لَمُورِ كَلَامِ اسْتِ وَحَالِ أَتْلِيكَ كَلَامِ اسْتِ وَدِيمِ يَكْ كَلَامِ
وَمُكَمَلِ اسْتِ كَمُخَيَّرِ مَرِ اسْتِ وَمَرَادِجِ اَوْفَى بَاشِ وَنَابِ اسْتِ تَوْجِيعِ
وَتِيمِ اَوْفَى بَاشِ وَمَعْنَى كَلَامِ ذَوِي أَنْ الْعَيْشَةُ لَاعِبَةُ الْعُقَدِ الْعُقَدِ
أَتَمَّ هُوَ فِي الثَّلَاثِ وَالْأَرْبَعِ لِأَنَّ الْأَوَّلَيْنِ وَمَعْنَى حَدِيثِ كَلِمَتِ
كَلِمَةِ عَالَمٍ خَازِنِ اِعَادَةِ تَبَكُّدِ دَرْشِ وَدَرْكِ اسْتِ خَرَابِ اسْتِ دَرْدِ وَدَرْكِ
اَوْ دَرِ اسْتِ مَضُونِ حَقِّ عِبِيدَاتِ وَكَذَبِ اسْتِ بَدْعَا وَمِثَالِ اسْتِ تَابِ اسْتِ
وَكَوْكَ اسْتِ تَدَارُشِ رَايِمَا بَدِ خِلَافِ جَاهِلِ كَلِمَتِ اسْتِ مَسْكَدِ خَازِنِ اسْتِ
سَرِ مَسْكَدِ رَايِمَا كَلِمَتِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ
شُورِ وَكَوْكَ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ
اَنْكَلِ خَازِنِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ
سَوَالِ كُودِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ
نَبِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ
عَرِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ
دَرِ كُودِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ
بِكُودِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ
سَدِ وِعَالِمِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ
دَرِ حَالِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ مَسْكَدِ اسْتِ

و بدانند که رکعت و قیامت یا سیم در صورتی که حقیقت شک کرده است در صورتی
و در وجوب حضرت ائمه یعنی خواهد داشت که اگر در حالت قیام شک کند می
سه و چهار سجده است چون راجع میشود بشک میان دو و سه و اکثر و کما
شک در میان دو و سه در حالت قیام واقع میشود و بنا بر این هر حدیث
جوابی بود مطمئن و بسوال بود بحسن بخلاف آنکه گفته اند که اگر
میباشد که حصر اضافی نمی کند حقیقی و صحیح کرده اند بدانکه این شک قبل
از آلال سجده است باشد و این حمل بر شک است اینچه مذکور شد چون این مطلب
و سابق مفید و این هر خاطره جمع غث و رقیق و احاطه آنست که احتیاطا غایب
اعاده کند خود را قبل از یک رکعت بنا بر حدیثی در آورده و خود بنا بر آنکه اگر
بنا بر حدیث عام را و اگر شک کند رو چهار پس در حدیث صحیح این
و صحیح این مسلم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام وارد است
که بنا بر رو چهار میگذارد و نماز را تمام میکند یا بخونتها که اندر و باشد
نشود و اگر پنج باشد این دو را حق سجده و قیام یا فذنب و لم یسجد و
ظاهر صحیح و زبانه و صحیح ابو بصیر و حسنه کمالی و صحیح
آنست که بنا بر اقل میگذارد و تمام میکند و در صحیح ابو بصیر و حسنه
سجده سه رکعت و سلام کن بعد از سجده است و در صحیح مسلم از حضرت
صلوات الله علیه منقول است که فرموده اند که هرگز شک کنی میان
دو و چهار نماز را اعاده میکند و حمل کرده اند بدانکه قبل از آنکه سلام
سپردند چنانکه گذشت و باقی احکام شک خواهد آمد و قال ابو
عبد الله صلوات الله علیه یقاربن من یؤمن یا عتار ارجح لک
الشکوک کما فی کتابین منی شککت فی ذلک یا کبر فإزانت

و این عبارت در موقوف کا اصحیح از زاده منقولست که گفت سوال کردم
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که با قرصه صلوات الله علیه که یا حضرت سید
المرسلین صلی الله علیه و آله سجده سهو کرده است هرگز حضرت فرمودند
که نه و نکرده است این دو سجده را فیهی و ظاهر امر در سجده معصوم است
و در سجده از جنسین حرمت منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
الله علیه فرمودند که هرگز فیهی نماز عاده نکرده است حیلها و تدبیرها
نمیکنند تا عاده نکند و از جمله حیلها یحرب است که در اول نماز الحیا
سجده ای قدری ببرد و از روی حضور قلب چند مرتبه این آیه را بخواند
که رَبِّی اَشْجَع لِّی صَدْرِی وَ یَسِّرْ لِّی اَمْرِی وَ تَخْلَعْ عَنْکَ مَظْلَمَاتِی
بِقَهْقَرِ قَوْلِی یعنی هر ورد کار سینه مرا ستور گردان بنور هدایت
یا معرفت با فایز گردان که کجایش علوم و حکم و صبر داشته باشد
و آسان گردان کار را در هر کاری خصوصاً در نماز و حضور قلب و
اخلاص و یکشای کرده زبان مرا تا بگویم صد سخن مرا و که بخت سجده
الاستیذان علیک من قعد فی حال قیامیه او قائم است خالصه و در
آو ترکت الشهود او که بیکر مراد ام نقص و واجب نیست دو سجده
سهو مگر بر کسی که بغشینه در موضعی که باید ایستاد یا بایستد در
جائی که باید نشست تا ترک کند نشسته را یا نداند که زیاد کرده است
یا کم کرده است اما حکم اول در سجده معویه بر عمار و موقوفه عمار واقع
نشده است که سجده سهو میکند و این دو سجده یعنی شیطان را بخواند
میتواند اما حکم بوجوب مشکلات و شدت نیست که احوط آنست که
بجای آورد بقصد فریت و اما ترک نشسته پیش از رکوع بخاطر آنکه

پس کرده

کتابت شد

می نشیند و نشسته را بخواند و اگر بخاطرش نرسد تا بر رکوع رود بعد از آن
دو سجده سهو بجای آورد و بر بنضمون و ادرات سجده عبد الله و سجده سلیمان
و سجده نعلین یعقود و حسنه حسین مکه را و موقوفه ابو بصیر و اگر نشسته
آخر باشد پس در سجده محمد بن اسماعیل و احوط آنست که بعد از آنکه ایستاد و ادرات
که هرگاه شخصی نماز فارغ شود و فراموش کرده باشد نشسته پس اگر موقوف
نماز نزدیک باشد و یا نماز او در وقت نشسته بخواند و اگر در مکانی پاکیزه باشد
و نشسته در سجده نعلین پس حضرت فرمودند که نشسته است در نماز یعنی در
و جویز از این ظاهر شده است بنزد آن سوره غار یا طالعین شود و حضرت
در بنصورت سجده سهو فرموده اند و در حدیث حلی بن منقولست که
گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که شخصی که سهو کند نشسته
حضرت فرمودند که بر میگرد و نشسته را بخواند و فرمودم که سجده سهو میکند
حضرت فرمودند که نه در سجده سهو نیست و ظاهر آنست که نشسته آخر
و اگر احکام گفته اند که نشسته مغسیه را هر دو صورت بجای آورد و
موقوفه ابو بصیر ظاهر میشود که نشسته بعد از سجده سهو بخواند بجای
نشسته است که فراموش کرده است و مصنف نیز خواهد گفت و آنجا
مذکور خواهد شد و اما آنکه نداند که زیاد کرده است و اگر در رکعت باشد
بآن بر میگرد و شک کند در میان سه و پنج و اگر علمای فایزند سبلا
و خواهد آمد در ضمن حدیث و حمیرا که مصنف کرده است اضافت
و خواهد آمد در موضعی که خود قایلست بوجوب سجده سهو در آنها و خواهد آمد
التشکک فی الزیاده و النقصان و این دو سجده سهو را بعد از سلام
بجای آورد بخواب زبانه کرده باشد یا که کرده باشد که سبب سجده باشد

چنانکه در احادیث صحیح و تفصیلان تشدید وارد شده است که سجده سهوا
 بعد از سلام بجا آورد و بعد از سجده سهوا و از آنکه سجده سهوا
 بعد از سلام است و قال لا یزال یسأل صلوات الله علیه سجده سهوا
 بعد از تسلیم و قبل الکلام و بعد از تسلیم و بعد از تسلیم و بعد از تسلیم
 علیه منقول است که فرموده اند که دو سجده سهوا بعد از سلام و پیش از
 کلام است و احادیث صحیح و حسن وارد شده است که بعد از سلام و پیش
 از کلام است اما حدیث صفوان بن یرمیه این حدیث را نقل کرده است
 صلوات الله علیه و آله قال سألته عن سجده فی السجود فقال
 إذا نقصت قبل التسلیم وإذا زدت بعده فائت فیها تسلیما
 النسخه و اما حدیث صفوان شریان از حضرت امام جعفر صادق
 صلوات الله علیه که گفت از حضرت سوال کردم از دو سجده سهوا حضرت
 فرموده اند که اگر نقصانی در نماز واقع شده باشد مثل نسیء یا سجده
 یا تشهد پس آنرا بشتر از سلام واقع ساز و اگر از جهت زیادتی باشد
 مثل سلام و کلام سهوا پس آنرا بعد از سلام واقع ساز بجز تسبیح
 فتوی سلام میدهم آن در حالت نسیء و مثل این حدیث است آنچه
 روایت کرده است شیخ در صحیح از حضرت امام ابی الحسن علی بن
 موسی الرضا صلوات الله علیه که در حدیث ابی جبار و وارد است
 پیش از سلام نیست و بعضی عمل باین حدیث کرده اند که مطلقا
 پیش از سلام است و محتمل است که بخیر باشد و بر تقدیر غیر این منبهر
 کردن او نیست چون اخادیث صحیح بعد از سلام قریب ثبوت است
 و سنا که عمار الشافعی عن سجده فی السجود هل یجوز ان یکبر و

و سجده

و تسبیح فقال لا یجوز تسبیحان فقط فان کان الذی سبی هو الکلام
 تسبیحا و لا یجوز و از آنکه تسبیح تسبیح است و تسبیح تسبیح است
 آن تسبیح و تسبیح و لا یجوز تسبیح بعد از تسبیح و منقول است در روایت
 از عمار که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
 از دو سجده سهوا که آیا در آن تکبیر هست در وقت سجده سهوا و در سجده سهوا
 نماز هست تا تسبیح خاص و در سجده سهوا که نه بلکه دو سجده است و پس از آن
 آنکه سهوا کرد و استنشاق نماز است تکبیر یکبار و در وقت زانو سجده و در سجده
 تا آنکه تسبیحان بمانند که او سهوا کرده است و واجب نیست بر او تسبیح بگوید
 درین دو سجده و تسبیح در وقت سجده سهوا و تسبیح در وقت سجده سهوا و تسبیح در وقت سجده سهوا
 تسبیحان نیست و منافات ندارد که ذکر دیگری بگوید در آن باشد و تسبیحان
 تسبیحان نماز ندارد بلکه تسبیحان در وقت سجده سهوا و تسبیحان در وقت سجده سهوا
 و چون احادیث ضعیف است در کار نیستان تا ولایت دارن و الله تعالی
 یعلم و احادیث خواهد آمد که تسبیح ضعیف است و تسبیح ضعیف است و تسبیح ضعیف است
 علیه صلوات الله علیه و آله قال یقول فی سجده فی السجود تسبیح و الله
 و تسبیح الله علی عجل و آل محمد قال و سمعته مره آخره یقول تسبیح و الله و
 یا الله السجده علیک انما البی و رحمه الله و برکاته و اما حدیث صحیح است
 از جلی که آن سجده الله است هجا که مطابق گویند و شیخ ذکر کرده است تسبیح
 که حضرت امام جعفر صادق فرمودند که میگوید تسبیح سجده سهوا و تسبیح سجده سهوا
 عبارت کافی در قول و قال از تسبیح انما الله است و تسبیح تسبیح
 جمعی شده است که در نظر کتاب دیگر نگذاشته اند و از تسبیحان اعتقاد نیست
 شیخ داشته اند لفظ کتاب دیگر نگذاشته اند و چنین فهمیده اند که حضرت شیخ

قیصر مقدم آورده ذکر فرمود است و من استغفر الله ثم انزل الله
 و لا تأتوا به فداكم و لم یکن قد قرأ آية التوبة فلا بأس بتركها
 فليحتمل على النبي صلى الله عليه وآله و ليل قد قامه الصلوات
 عبادت فقه رضویت بغير خطاب لعنت و کسی که این کند که ادا
 واقامت نکند است و او بخاطرش رسد و اگر سوره را خوانده باشد
 پس با کمالیت که ترک کند از آن راجع صلوات بر محمد و آله و عترت و بگو
 قد قام الصلوات و در فقره صوی دوم تبه مذکور است و در صحیح علی شاه
 منقول است از محمد بن مسلم که حضرت امام جعفر صادق فرمودند که اگر
 شخصی بپوش کند از آن واقامت را تا آنکه داخل شود در نماز اگر بخاطرش رسد
 پیش از قرائت بر صلوات فرستد بر نبی و آل و صلی الله علیه و آله و آقا
 بگوید و اگر شروع در قرائت کرده است نماز تمام کند و منقول است در
 و ذکر این آدم که گفت عرض کردم حضرت امام رضا صلوات الله علیه که
 فدای تو کردم در نماز ببرد و در رکعت دوم در اثنای قرائت بخاطرش رسد
 که اقامت نکند چکن حضرت فرمودند که در موضع قرائت خاموش شود
 بگوید قد قام الصلوات قد قام الصلوات قرائت بالجماعة که گفته
 تمام کن و نماز تمامست و در حق کا یحیی بن حسین از حضرت امام جعفر
 صادق صلوات الله علیه منقول است که هرگاه شخصی بپوشد بپوشد
 و بخاطرش رسد که اقامت نکند است بر این پیش از رکعت باشد سلام
 بر رسول خدا صلی الله علیه و آله پس قاهر را بگوید و نماز را از سر گیرد و اگر
 بعضی بنسب و خوانده باشد نماز را تمام کند پس ظاهر شد که عبارت منقول
 بجلست صلوات و تبه قطع صلوات مثل سلام و قد قامه و تبه القضا

فانما وان

یا تمام این طهارت و هر و خیار است خاک در اجمار صحیح گذشت که اگر پیش
 از رکوع بخاطرش رسد قطع متواند کرد و یا آخر نماز نیز قطع جائز است چنانکه در
 صحیح علقین قطبان بود و عدم قطع مطلق این خیار است چون اذان و اقامت
 سنت است چنانکه در صحیح مراده و صحیح یادین سراج گذشت و من
 و من استغفر الله که لم یکن قد قرأ آية التوبة فلا بأس بتركها
 و کيف لا یأتی یستغفر عبارت فقره رضویت و مضمون صحیح
 مسلم از احدهما صلوات الله علیه ما که فرموده اند که هر یک یقین کند
 که تکبیر احرام را فراموش کرده است پس باید که نماز را اعاده کند و لیکن
 چگونگی این یقین بهمین سبب چنانکه هر گسسته ادعی و فعل خود را فراموش
 میکند و یا آنکه سهو یسینا کرده ام بخاطر بدم کرد و بدست عرض کرده
 باشم تکبیر احرام را و همچنین نشنیده ام که آن کسی بن سهو واقع شده
 و قد روی عن الصادق صلوات الله علیه أنه قال الا انسان لا
 یفتی تکبیر الا فیه کسح و در فقره رضویت که از حضرت امام جعفر
 صادق منقول است که فرموده اند که آدمی فراموش کند تکبیر احرام را یعنی انما
 حکمت که کسح واقع نیچنین باشد چون با عبادت صحیح که بنا بر آنست و
 نشکند نشنیده ام که فراموش کرده باشند و اگر نماز را کسی صادر شود تا
 می که که انسان نیست تا از طهارت و الا میبایست که امری هم
 سلطان صلوات الله علیه کردند و متعارف ایشان نیست که مسلم فرموده است
 کونوا و سألوا الحلی فی ابی عبد الله صلوات الله علیه و آله عن رجل
 ان یکره حتى دخل فی الصلوة فقال لیس کان فی نیته ان یکره
 قال نعم قال فلیتموه فی صلواته یا شایند صحیح منقول است نه عید الله که

گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که از شخصی که در سوگند
 تکبیر احرام را تا داخل شود نماز حضرت فرموده اند که آیا در پشت و سینه و کمر
 بگوید گفت علی حضرت فرمودند نماز تمام کند و این حکم را بر پشت که از آنجا
 شک میکند و ضعیف حاصلست را پیش از آنجا که نمیتواند که فراموش کرد
 لهذا حضرت فرموده اند که آیا قصد نیت که بگوید و هرگاه قصد داشته
 البته گفته است و سوا این میکند که گفته پس حال میکنم بر آنکه اشخص
 و سوا می فرموده است و حضرت واقع را میدانست است چنین فرموده اند و
 اوقات و سوا اینها را شک در تکبیر احرام حاصل میشود و چنانکه عزیمت
 پس از آنست که هرگز مرتبه میکوبد و اعتقادش اینست که گفته است شخصی
 آنکه بگوید صلا باین بلا میداند و بود و نیز این شده آمد که بعضی از بزرگان
 که هلاک شده ام و نماز عینکم چون نیت وضو میکنم و سوا میکنم تا
 آفتاب برآمد و نماز ظهر و عصر چون وقتی را در آن وضو ساختن مرتبه
 گرفتار قوی ملاحتی بصلوات و سوا می و طریق نیت و تکبیر نیت و
 چون آنان خارج شده ام و تکبیر نیت اعتماد نیت که گفته و تکبیر
 میکنم شام و همچنین تا صبح گفته که اگر اعتقاد گفته من رازی من نیت
 نماز و واجب نماز نیت من و جواب حق بخانه و نماز بین یا آنرا
 قبیل عبارت گفته شد بعد از آن که گفته آمد که الحمد لله که از سوس
 خارج شده ام اما خدا را تمهیدی نیت است گفته آیا میدانی که وضو
 گفت علی گفته است گفته که بسیاری گفت حق سبحانه و تعالی گفته نیت
 همین است و بنابر این کسی که مؤاخذه شود و الحمد لله که از سوس
 خلاص شد و این تا و بابت بنا بر آنست که در عین برآورد و همچنین

میکوبد

در سجده

و حقیقت علی بن قتیبه و موفقه کا بنی عبد و غیر ایشان از آنکه هدی صلی
 علیهم منقولست که هرگاه کسی در سوگند تکبیر احرام را اعاده میکند نماز
 و اشائی از اخبار دلالت میکند بر نیت تکبیر احرام و قانون تعیین است که اگر در
 و سختی نماز با هم زد میکند و در باری و باریان میکند اخبار را که با آنها
 و شرط واجب و سنت و تکبیر نماز حیوان و غیره و نیت آن تکبیر و
 الا فیلح حتی یکسر للبرکات فقال لکراهه و باسانید و همچنین گفته
 از بر علی که گفته سوال کردم از حضرت صلوات الله علیه شخصی که فراموش کند
 تکبیر احرام را تا آنکه تکبیر رکوع بگوید حضرت فرموده اند که اگر بجهت نیت
 از هر چه و کافیت تکبیر احرام از تکبیر رکوع کافیت اگر چه قصد نیت
 و ظاهر اخبار باشد خواهد افتاد کند اما می و وقتی خبر باشد که
 امام تکبیر رکوع را گفت بخاطر رسید که تکبیر احرام گفته است یا تکبیر
 بقصد هر دو و بجای آورد و لیکن ظاهر خبر آنست که تکبیر رکوع قائم مقام
 تکبیر احرام میشود و استدعای نماز که سنتی واجب شرعی باشد و لیکن
 مرویت در صحیح از ابان از فضل و ابن ابی قیس و حضرت امام جعفر صادق
 الصادق صلوات الله علیه که پرسیدند از شخصی که تکبیر احرام را فراموش
 کرد و باشد تا تکبیر رکوع را بگوید آیا تکبیر رکوع مجرب است و از تکبیر احرام
 حضرت فرموده اند نه بلکه اعاده میکند نماز هرگاه یقین دارد که تکبیر
 احرام گفته است و اشعاری و اردلان یقین کی می رسد بلکه حال و
 شکست و خیال میکند یقین است یا آنکه نمی و در اول حمل میتوان کرد
 و تا و اول ظاهر است و بنابر آنست که فایده از حدیث بر علی بن
 از اینجا ظاهر شد که تکبیر احرام آن تکبیر مجرب است در اینجا ظاهر میشود و تکبیر

از کبریا سلام بخیر نیست و عملت که مراد از کبریا افتتاح تکبیرات مستحبه با
چنانکه ظاهر حدیث مراد است و قدری زکراهه عن آنکه جعفر صلوات
علیه قال قلت له رجل یسئ اقل تکبیر فی الافتتاح فقال ان ذکرها
قبل رکوع کبر خمس رکعات و ذکرها فی الصلوة کبرها فیها
فی موضع تکبیر قبل الفلاة و بعد الفلاة قلت فان ذکرها بعد الفلاة
فان فلیکضها ولا شیء علیه و اما ان یسئ منقولست از زبانه از حضرت
امام محمد باقر که گفت عرض نموده ام تا تخفیت که هرگاه شخصی فراموش کند
تکبیر اول افتتاح را حضرت فرموده اند که اگر نماز طریقه بعد از رکوع
بگوید و قرات کند رکوع رود و اگر نماز طریقه بعد از رکوع
هرگاه نماز طریقه بعد از رکوع تکبیر را در جای تکبیر پیش از قرات یا بعد
از قرات عرض نموده ام که اگر بعد از نماز طریقه بعد از رکوع که قضا
کند آنرا و رویاری نیست و محو است بر تکبیرات مستحبه هر تکبیر
مستحب است که از چهار اذن و اقامت برگردد و همچنین از جهت تدارک آن
ممکن است که مستحب باشد و محتمل است که مراد از تیشا آن شک باشد
باستجاب جوع لیکن چون احادیث صحیح وارد شده است که
شک بعد از نماز و محل اعتبار ندارد و محل اول و لغت و در موضع تکبیر
تدارک نمودن آنست که مثلا وقتی که خواهد قنوت گفت شش تکبیر
مستحب یا بگوید یا پیش از رکوع و پیش از سجده اول و بعد از آن پیش سجده
دوم و بعد از آن چون سر از سجده دوم بردارد تکبیرات مستحبه با
بیجا آورد و ممکن است که مراد از موضع تکبیر این باشد که در آنجا و قرات
نباشد و پیش از قرات و بعد از قرات بر سبیل شال باشد و از جهت

تکبیر

این باشد که در آنجا قرات بخواند و در مثل این خبر است و شفعه سماع از ابو
بصیر از آن حضرت که فرموده اند که هرگاه تکبیر فراموش کرد و باشد پیش
از رکوع نماز طریقه بعد از رکوع و اگر بعد از رکوع باشد مستحب است
تکبیرات مستحبه باشد و روی زبانه از آنکه جعفر صلوات الله علیه
قال اذا انت کبرت فی اول صلواتک بعد الاستفتاح یا جادی و
عشرین تکبیره ثم کثرت التکبیر کله او کثر تکبیره آخر فی التکبیر
الاول عن تکبیره الصلوة کرها و اما ان یسئ منقولست از زبانه از
حضرت امام محمد باقر که فرموده اند که هرگاه در اول نماز بعد از آن تکبیر
بیت و یک تکبیر بگوید و دیگر فراموش کن تکبیرات در موضع خود یا
بعد رکوع و در تقدیم بجای او و اوست و بیان سابقه است بحاکمیت
تکبیراتی که در اول نماز گفته اند و تکبیراتی که در نماز نیست است و این
این ضعیف سیده است و محل این حدیث آنست که چون پیش از رکوع
شد در نماز مستحبه که عرض از وضع هفت تکبیر در اول نماز آنست که
استفتاح با فعال صلوة در هفت موضع است افتتاح قرات تکبیر
احرام است و افتتاح رکوع اولی و سجود اول و سجود ثانی تکبیرات
و در نماز و رکعت ششم افتتاح از هفت رکوع و سجود است و یک افتتاح
تکبیر احرام پس اگر کسی هفت تکبیر در اول نماز بگوید و بعد از آن قرات
کند که در مواضع خود بگوید ضرر ندارد و درین حدیث همه تکبیرات
مقدم دانسته اند و نماز چهار رکعتی چون در هر رکعت یک تکبیر است
یکی از اینها و چهار رکعتی سجده یک از جهت رفعت و سر برداشتن هر یک از این
تکبیر از جهت کوعات سجود است و یک تکبیر احرام است و یک تکبیر لغت

بخواند در جانی سزاوارست بخدمت خواندن در اینجا و هسته بخواند در جانی
 که سزاوارست هسته خواندن در اینجا و تریو کند قرأت را در جانی که سزاوارست
 قرأت است در اینجا مثل در رکعت اول یا هر رکعت کند در جانی که سزاوارست
 قرأت است در اینجا حضرت فرموده اند که هر یک از اینها را که سزاوارست و بکنایه از آن
 باشد و بجزی نیست و ظاهر از آنکه در مرتبه سوال کرده باشد چون
 وجود این اختلاف بسیار را در احکام الهیه و در اینها و اینها و اینها
 بسیار است چون هر یک از اینها را در نظر گرفته اند و اینها را در اینها
 اجازه کنند و در اینها مثل حدیث بن سعید این کتب اقسام خود هر یک را
 امثال او و روایت کرده است که هر یک از اینها را در نظر گرفته اند و در اینها
 درج کرده است کتاب را در اینها و خواننده است و کتب فضلاء و کتب
 صلوات الله علیه بر ایشان خوانده است و در کتب
 خود تریب قرآن داده است و لهذا کتاب را از اصول ادب خوانده اند و
 از دیگر حرات تریب بهتر و از اینها که در کتب خود از اینها تریب
 باشند و اینها را در اینها جمع نموده است و اینها را در اینها
 آن کتب هم در میان بود و چون مقابل میگردند کتب حاد را با کتب
 از آن دو و فاعله بخود بخوبی بخوبی که معاصم را در اینها و اینها را در اینها
 و لیکن مثل صفیان و اینها را در فضاله و یونس و زکریا و اینها را در فضاله
 اجماع کردند بر اینها و اینها را در فضاله و یونس و زکریا و اینها را در فضاله
 و در حدیث صحیح باشد که هر یک از اینها را در فضاله و یونس و زکریا و اینها را در فضاله
 منقول است که گفت خال کردم از برادر حضرت و چون جعفر صلوات الله
 علیه که اگر شخصی نماز جعفر را کند میتواند که بلند بخواند حضرت فرمودند

اگر چه

اگر خواهد بلند بخواند و اگر خواهد بخواند و اینها را در فضاله و یونس و زکریا و اینها را در فضاله
 و اینها را در فضاله و یونس و زکریا و اینها را در فضاله و یونس و زکریا و اینها را در فضاله
 بود که در رکعت اول کند و اگر نه نادر از دوم و در میان سوال کرد و اینها را در فضاله
 با و میگوید که بر سبیل تقیه گفته ام و بخوبی است که او نقل کند پس از آنکه
 که جهرا و خفایا در مواضع خود بر سبیل استیجاب کند باشد و در حدیث
 موثق که از صحیح انصاری در فضال از بعضی از اینها منقول است که منقول است
 که خاد رو در آن هسته بخواند و منقول است که ما و اینها را در فضاله و یونس و زکریا و اینها را در فضاله
 جمیع اینها را در فضاله و یونس و زکریا و اینها را در فضاله و یونس و زکریا و اینها را در فضاله
 در حدیث که در ظاهر از اینها تریب بخوبی علی جعفر و افضل است که در اینها
 روز را که هسته بخواند و اگر بلند بخواند جایز است چنانکه گفته است و اینها را در فضاله
 بران میکنند و احادیث بسیار در جهرا و خفایا و او در حدیث است و در حدیث
 و منقول است که حضرت سید المرسلین و ائمه معصومین صلوات الله علیه
 ملازم بودند و لیکن ظاهر نیست که اینها را در فضاله و یونس و زکریا و اینها را در فضاله
 مستحبات است که بلند بخواند و از کار دیگر و وجود و فضیله نامی و اینها را در فضاله
 بشنوند و ما موافق دانسته است چنان بخواند که امام زین العابدین و سید مرتضی
 در کار میان جهرا و خفایا و ما سوم در قنوت بخیر است میان جهرا و خفایا
 و بر بعضی از اینها احادیث صحیح و او در حدیث است و خواهد آمد و جهرا را در فضاله
 صحیح و در رکعت غانم و در رکعت غانم و در نماز جمع و در نماز خفایا است
 بنا بر شیوه و در حدیث صحیح از حدیث قیس منقول است که حضرت امام محمد
 باقر علیه السلام فرموده اند که حضرت سید المرسلین و ائمه معصومین صلوات الله علیه در رکعت
 خافیه و عجم آهسته میخوانند و در رکعت آخر هر دو تسبیح میخوانند و تسبیح

غار خفتن و طهارت آنست که تسبیح را بلند خوانده باشد و ایستاده خوانده
 و اقل مرتبه اخفات آنست که خود بنشیند مگر آنکه تفرقه باشد که اگر نماز
 حدیث نفس بر زبان جاری شود که از خواهر یا پسر یا کنیز یا
 اخفات بنا نشود آنست که هیچ قریب نشود و یا برین بسند و شکل
 میشود که اخفات با قریب هر چند صد و آن آنست که هیچ قریب
 قریب نشود و بعضی از اصحاب گفته اند که اقل قریب آنست که خود
 صورت ظاهر شود این خوب بود اگر مستمسکی می داشت و لیکن
 و جویب هر دو اخفات ظهوری ندارد کارشکل نیست اگر چه
 آنست که در اخفات چنان بخواند که هیچ قریب نشود و خود نیز
 حروف بگوید و اما آنچه در سجده دراز مکرر است که اگر کسی قریب
 قریب نشود در رکعت اول قضا کند تا در رکعت دوم قضا فعل آ
 یعنی محل خود را ترک میکند اگر چه اگر قریب نشود بود تسبیح اول
 بود و لیکن در بی صورتی و قی قرائت تا نمازش بی فائحه الکتاب
 نباشد و اما در تکبیر و تسبیح مکتوم که قضا معنی فعل باشد و ممکن
 که بعضی خود را باشد و یا آنکه در موضع تکبیر بگوید و در موضع تسبیح
 نشستن تسبیح بخواند و ایستاده آنست که قصد قضا نکند و از سجده
 نراره ظاهر میشود که در رکعت آخر تسبیح اول است که متعین و انحصار
 خواهد آمد و ازین خبرش ظاهر میشود که اگر در رکعت اول تسبیح بخواند
 سه و سجده سهو نباید کرد و انصاف قرائت دومین باب خواهد آمد ان شاء الله
 و رَوَى الْحَكِيمُ بْنُ حَامِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَمَّا رَأَى اللَّهَ عَلَيْهِ أَنَّهُ
 قَالَ أَسْبَغُ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى قَالَ قَرَأَ فِي الثَّانِيَةِ قَا

الخواص

اقْرَأَ فِي الثَّانِيَةِ قَالَ قُلْتُ سَمِعْتُ فِي صَلَاتِي كَلِمَةً فَقَالَ إِذَا حَفِظْتَ
 الرُّكْعَ وَالسُّجُودَ فَقَدْ قَسَمْتَ صَلَاتُكَ وَكَالْتَحِفَ مَقُولَتُهُ لِمَنْ حَسِبَ
 حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که حسین گفت من سهو کنم
 و فراموشی کنم در رکعت اول فرموده اند که در رکعت دوم بخوان
 یعنی در رکعت دوم که بخوانی نمازت قی قرائت نیست نه آنکه دو مرتبه
 الحمد بخواند حسین گفت عرض نمودم که فراموشی کنم در رکعت دوم نیز
 یا در رکعت دوم و پس فرموده اند که در رکعت سوم بخوان عرض نمودم
 که در هر غایت سهو میکنم حضرت فرموده اند که هرگاه رنج و سحر در حفظت
 و ترک کنی نمازت قیاست و صحیح است و رَوَى زَيْدُ بْنُ عَدِيٍّ عَنْ أَبِيهِ صَلَوَاتُ
 عَلَيْهِمَا قَالَا إِنَّ اللَّهَ بَارَكَ وَفَعَّلَ فِي صَلَاتِهِ الْكَلِمَةَ وَالسُّجُودَ وَالْقِرَاءَةَ
 وَنَسِيَ لَمْ يَنْسَ الْقِرَاءَةَ سَجْدَةً أَعَادَ الصَّائِلُ وَمَنْ نَسِيَ فَلَا يَسْأَلُ عَلَيْهِ
 بایستد سجده منقولست از زبانه که از یکی از امامان عظام قریب امام جعفر
 الصادق صلوات الله علیه شنیدم و من دانم که آن کلام یک شنیدم
 که فرمودند که حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید واجب ساخته رکوع
 و سجود را آنکه فرموده است ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا و ظاهر حدیث دلالت میکند
 که باینکه اگر قرآن از برای وجوب و علایق یافته اند از آنست که لا
 باسئالی من حدیث بالانکه متواتر فرموده اند که قریب حد و ضعیفها
 یا حد و سوره سنت است یعنی وجوبش از قرائت ظاهر نشده است بلکه
 از سنت حضرت سید المرسلین ع ظاهر شده است که حضرت فرموده
 لَا صَلَاةَ إِلَّا بِالصَّلَاةِ الْكِبْرَى وَبَعِيْ غَارِ حَبِيبَتِ مَكْرُخَوَانِ فَاغْتَابَ
 چون وجوبش از سنت ظاهر شده است لکنی حدیثی که در حدیث قرائت را

اعاده ميکند نماز را و اگر کسی بپوشد بر روی چهره بخت نه کند نماز
 و این حدیث و اشغال این حدیث بسیار ظاهر میشود که هر چه را سجد
 و تعالی برین مکان واجب ساخته است ترک آن عذاب و سزاوار نماز باطل
 میشود مثل یکبار احرام و نیت علی المشهور و رکوع و سجود و طهارت
 و وقت و استقبال و هر چه را آنحضرت تفریض یا اتم از تقویض
 و غیر آن واجب ساخته است مثل قنوت و از کادر رکوع و سجود
 و نشستن و سلام علی الخلاف برین آن نماز باطل میشود و ظاهر
 میشود که استدلالی که کرده اند از قرآن مجید بر وجوب قنوت بلکه
 حق سبحانه و تعالی فرموده است که فاقرءوا ما نزلکم من القرآن
 یعنی بخوانید از قرآن آنچه را آنگاه باشد بر شما مکمل باشد خوب نیست
 چون ایه در عمل شب وارد شده است و اگر قنوت در نماز باشد قنوت
 در نماز شب را خواهد بود چنانکه خواهد آمد و مثل حدیث مذکور است
 صحیح حدیث مسلم از احدها صلوات الله علیها لفظا و معنی و در بعضی
 کالصحیح از منصور بن حازم منقولست که گفت عرض نمودم بحضرت امام
 جعفر صادق صلوات الله علیه که نماز واجب بجا آوردم و فرقی
 نکردم در جمیع نماز که قنوت کم حضرت فرمودند که ایاد رکوع و سجود را
 نکرده گفتیم بلی آنها را بجا آوردم و فرمودند که حضرت فرمودند که
 نماز صحیح است چون ترک قنوت نسیاناً واقع شده است و ظاهر
 مراد از قنوت فاتحه الکتاب باشد و چون در حدیث صحیح از علی بن
 و باب در صحیح از زبیدی از حضرت امام جعفر صادق ص وارد شده است
 که فاتحه الکتاب نماز فریضه تجزیت و صفات ندارد با صحیح حدیث

مناجات

از حضرت

از حضرت صلوات الله علیه که فرموده اند که با نیت که در نماز واجب است که
 بفاتحه الکتاب هر که کاری تحصیل داشته باشد یا خوف داشته باشد یا
 که واجب تحصیل در کارها باشد قطعی شود بلکه تحصیل سبب عدم کراهت
 که اگر تحصیل یا ضرورتی باشد ترکش کرد و نخواهد بود و در صحیح از عوف بن
 وهب منقولست که گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله
 علیه که گاه هست که سوره میخوانم و سه و سیصد و در آخر نماز میگویم که سوره
 برگردم یا اول سوره یا بیکدم فرمودند که بگذر و اگر سوره واجب میشود بقیما
 برگرد و در قوی از دیگر منقولست که با آن حضرت عرض نمودم که بسیار است
 که شک میکنم در سوره میخوانم که خوانده ام یا نه ایامی انگاه که نماز حضرت فرمودند
 که اگر در نیت نه و اگر بگویند نیت غادر کن و همچنین اشغال این احادیث که
 ظاهرشان استیجاب است اگر چه احوط آنست که ترک نکند سوره را اگر چه
 بعضی از سوره باشد و در حدیث صحیح از محمد بن مسلم منقولست که از حضرت امام
 محمد باقر صلوات الله علیه سوال کردم اگر کسی فاتحه الکتاب را در نماز خواند
 یعنی نمازش صحیح است حضرت فرمودند که نماز نیست و اگر کسی فاتحه را
 بخواند بلند یا آهسته و مثل این عبادت در احادیث صحیح وارد شده است
 و در اشغال و ادب یکی آنکه بلند بخواند در هر چه و آهسته بخواند در لفافه
 یا آنکه خفیه است میان جهر و خفیات و چون مجلس استدلال بان میشود
 که در انطباق و در صحیح دیگر از محمد بن مسلم منقولست که گفت از حضرت صلوات
 علیه سوال کردم از شخصی که فاتحه الکتاب بخواند و نمازش صحیح است حضرت فرمودند
 که نماز نیست و اگر کسی آنرا بخواند در جهر یا خفیان هر چه بودم که اگر کسی
 داشتند باشد یا تحصیل داشته باشد که لازم است که محجوب تر است نزد شما یا سوره

بخواند ما حد حضرت فرمودند که حمد و در حدیث صحیح است خداوند تعالی
 که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که هر کس این دعا را بخواند و سجده را
 در قرآن مجید واجب گردانیده اند یعنی که اگر شخصی از مسلمان شود و قرآن
 نخواند که نیست و الا که تکبیر را بگوید و تسبیح بخواند یعنی تسبیحات اربع
 بدو را بخواند و نماز کند و با آنکه تکبیر و تسبیح را بدو را بخواند و در حدیث
 از معویه بن عمار نقل است که عرض نمودم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که
 شخصی بر من گفت که قرآن را در هر رکعت تسبیح بخواند پس پرسیدم که حضرت فرمود
 که رکوع و سجده را تمام کرده است گفت من حضرت فرموده اند که هر کس تسبیح را
 که آخر نماز را و تسبیح یعنی قرآن را در هر رکعت آخر بخواند و با حدیث سوره
 در هر رکعت آخر بخواند و این معنی اظهار است در جمیع این اخبار و الله اعلم
 بعلم و روی العلا عن محمد بن مسلم عن ابي جعفر صلوات الله علیه
 فی رجل سئل ما اتخذ الله له برکة فان استقبل الله کبر برکة فلیق
 السجدة بین اللین لا رکوع لها و تسبیح علی صلاته التي علی التمام و رکعة
 کون تسبیحها الا بعد ما فرغ و انما تسبیح فلیق و تسبیح رکعة و سجدة
 و الا تسبیح رکعة و بدو تسبیح منقول است از علا از حدیث از حضرت
 امام محمد باقر صلوات الله علیه در شخصی که شک کند که آیا رکوع کرد
 یا نه حضرت فرموده اند که نماز تمام میکند و قرائت صحیح است مگر آنکه
 یقین داشته باشد که رکوع نکرده است که اگر یقین کند رکوع نکرده است
 پس باید از آن دو سجده را که رکوع قرار داده ایم بخواند همان که تمام کرده است
 یعنی بر رکعت سابق و نماز را تمام کند و اگر بعد از آنکه از نماز فارغ
 شود یقین به رکعتی که رکوع نکرده است بخیزد و بگوید رکوع و دو سجده بخواند

تقدم
 فلیق

الله و روی

خبری نیست که نه و سجده و بوی این حدیث ششم است بر دو رکعتی است
 در رکوع بعد از رکعت اول در سجده و این اعتبار ندارد و نماز صحیح است و در حدیث
 در بعضی احادیث صحیح و وارد شده است دو رکعتی است و آنکه یقین به رکعت
 که رکوع نکرده است اگر نماز را بخواند که نماز صحیح است و بر بعضی و اگر
 شد که است احادیث صحیح و مثل صحیح و رفاعه و صحیح ابو بصیر و ایضا
 صحیح رفاعه و صحیح ابو بصیر و مؤلفه که صحیح است بن عمار و کاتیب
 شیخ حل کرده است ابو بصیر و مخالف این اخبار نیست بحال ظاهر مگر
 همین حدیث بر آنکه سه رکعت در هر رکعت آخر باشد و بحسب جمیع احادیث
 طریح این خبر چون مشا راست و بر تفسیر عمل قایل میتوان شد بخبر و یا
 بخبر عمل یا حدیث شهویه کردن اولی است و اگر کسی نماز را بر این عمل
 تمام کند خصوصاً هرگاه سه رکعت آخر بوده باشد و بعد از آن
 نماز را از سر گیرد نهایت احتیاط خواهد بود و الله تعالی اعلم و اما حدیث
 صحیح حکم بر حکم که گفت سئوال کردم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که
 هرگاه شخصی فراموش کند رکوع یا تسبیح یا تسبیح یا تسبیح یا تسبیح یا تسبیح یا تسبیح
 حضرت فرموده اند که همان را عاده میکند یعنی ایما از عاده میکند
 فرمودند که محسوس است بر آنکه وقت آن باقی باشد یا آنکه در رکوع تسبیح
 باشد و در سجده رکوع نرفته باشد بخواند در سجده رکعت و تسبیح و
 صحیح عمار و صحیح ابو بصیر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که
 منقول است که هرگاه شخصی ایستاده باشد و شک کند که رکوع کرده است یا نه
 فرموده اند که بر رکوع رود و کاتیب منقول است از فضل که گفت عرض نمودم
 بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که چون راست می ایستم شک

میکنم که رکوع کرده ام یا نه حضرت فرمودند که رکوع کرده و نمازت صحیح است
و این وسواس منیط است پس ظاهر آنست که وسواس داشته است
بقرینه آنکه ظاهر آنست که سر از رکوع برداشته است و مع هذا شاک
کرده است و لهذا حضرت جنیت فرمودند و همچنین حمل بر کثیر التمسک کرد
میشود و حدیث کا لفتح عبد الرحمن که گفت عرض نمودم بحضرت اما جعفر
صلوات الله علیه که شخصی خود را بسجود انداخت و عینا که رکوع نکرده
با نکرده حضرت فرمودند که کرده است چون ظاهر آنست که رکوع بسجود
کافی باشد و لهذا حضرت فرمودند که کرده است و شک میکنند چنانکه در
وسواس است و اما جعفر عیسی که گفت سوال کردم از حضرت اما جعفر
صادق علیه السلام شخصی که فراموش کند بیک رکوع از نماز تا قیام شود و بعد
بجای طریقی که رکوع نکرده است حضرت فرمودند که بر سجده و رکوع میکند
و در سجده ظاهر آنست که رکوع نکرده است رکوع را بعد از نماز میکنند
و در سجده سهو میکنند و لیکن حمل کرده اند بر آنکه رکوع نکرده است
و بسیار است که تغییر میکنند از رکعت رکوع و در سجده و رکوع عینا که
از سبب آن عزیر علیه السلام صلوات الله علیه که الله قال انما هی
منیما من رکعت رکوعا او سجودا او تکبیرا ثم رکعت قال فقص الله
قال انک سوا سوا و در تفسیر فاصبح الذی قال انک سوا سوا
و بسند صحیح منقولست از عبد الله که حضرت اما جعفر صادق علیه السلام
علیه فرموده اند که هرگاه فراموش کنی چیزی از نماز را خواه رکوع و غیره
و خواه تکبیر و خواه طریقه سجده که فراموش نموده و قیام پس بجا آورده
انقوت شده است نماز قضا اقل است بقرینه نسخی نسخ فاصبح

و ظاهر اینست

و ظاهر سهو نسخ باشد و همچنین سهو بد از سهو است و جمولت
بر آنکه در وقت که بخاطر سهو بد چنانکه گفت در احادیث صحیح و خواهد
آمده در سجود و قیام و غیر آن و در حدیثی که لفتح از امام جعفر منقولست
که گفت از حضرت صلوات الله علیه سوال کردم از شخصی که بر سجده و قیام
و طریقه کند فاصبح انک انک انک فرموده اند که بگوید است عینا که الله
من الشکای ان الله هو الکیف الکیف بل شخصی که فراموش کند که طریقه
ما و ی که بر سجده باشد پس بد سجده که در آن صحیح یا کامل نیست یا ابتدا
نکند یا ستعاذه یا فاصبح یا خفت و اگر فراموش کند رکوع یا سجده یا
انشاء الله و روی بر شکان عزیر علیه السلام قال سئل انما عبد الله صلوات
علیه عن شخصی که سجده و رکعت فکرها و هو قائم قال سجده اذا
ذکرها و لم یکن فان کان قد ذکر فلیقم علی رکعتیه فاذا انقوت قضاها
و هذا و لیکن علیه سهو و بسند صحیح منقولست از عبد الله بن سنان
انا ابو بصیر لیثی که گفت سوال کردم از حضرت اما جعفر صادق علیه السلام
از کسی که در سجده از سجده عن رجل از روی فراموش کند که سجده را بکند و بعد
نکند بخاطر سهو و روی که ایستاده باشد حضرت فرمودند که آن یک
سجده را بکند هرگاه بخاطر سهو ابتدا رکوع نکرده است و اگر رکوع نکرده
و اگر رکوع نکرده باشد و بخاطر سهو صد غایز تمام میکند و چون از نماز
فارغ میشود همان سجده را میکند و سجده سهو بر واجب نیست یا سهو
بطولان غایز میشود و همین منقولست صحیح اسمعیل بن جابر از حضرت
تا آنکه فرموده اند انما سجده را قضا کند و بعد از آن فرموده اند که اگر شاک کند
در رکوع بعد از سجده بکند و منقلبت فیما و چون وقتش گذشته است و اگر

ما لم یکن

شکستند در سجده بعد از قیام بکنند و هر کس که بکشد و نقش گذاشته باشد و
در فعل دیگر داخل شده باشد پس بگوید و الحاقات کند و در سجده کا لیس بگوید
منقولست که گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پس بفرمودند و شخصی که شکستند
و نماند که بکشد سجده کرده است یا و سجده حضرت فرمودند که سجده دیگر میکند
و بعد از آن سجده سهو میکند و بر نفس منقولست حدیث کا لیس ابو بصیر
فرمودند شما و در موقوف کا لیس از عبد الرحمن بن ابی عبد الله انصاری
جمع حدیث قاضی است که علیه و آورده است که گفت عرض نمودم بآنحضرت
که شخصی که سر سجده برداشت پیش از آنکه در است بشنید و عمدت که
یک سجده کرده است یا و سجده حضرت فرمودند که سجده دیگر میکند
نمودم که چون خواست که بر سجده و در انشای برخواستن همین شک
کند حضرت فرموده اند که سجده رود و حاصل آنکه محل عدم اعتبار است
فعل دیگر است چون داخل شود در فعل دیگر شک اعتبار ندارد و داخل
نشده است آن فعل میکند و محل سهو رکن است تا برکنی داخل نشد
آنچه را سهو کرده است بجای آورد و ظاهر شد که رکوع رکن است ترک
آن عمدا و سهوا غایب باطل میشود و هر دو سجده رکن است و اگر بگوید
ترک کند سهو باطل میشود و بجای آورد آنرا پیش از رکوع اگر بگوید سهو
و لا بعد از نماز و سئال منصوص است جایز عین فعل صلی فذلک الله قد
را و سجده فقال لا بعد صلوای من سجده و بعد هاشم رکوع
و در سجده و موقوف کا لیس بر روایت شیخ منقولست انصاری که گفت سهو
کردم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که هرگاه شخصی نماز کند و بخواهد
که یک سجده زیاده کرده است حضرت فرمودند که از جهت یک سجده نماز را اعاده

عمر

میکند یعنی از جهت زیاده و نقصان و این امر است بحسب لفظ و اعاده
نماز از جهت ترک رکوع اگر زیاده کرد یا اگر نقصان نکرد و همین منقول
منقولست در موقوف کا لیس از آنحضرت صلوات الله و در حدیث دیگر از ابن
ابی یعقوب از آنحضرت منقولست که فرموده اند که هرگاه شخصی یک سجده را
فراموش کند و یقین دارد که ترک کرده است از آنجا که سجده را بکشد
بعد از آنکه بشنید و نشنید بخواند پیش از سلام و اگر شک داشته باشد
یعنی ظن داشته باشد که ترک کرده است پس چون سلام بدهد سجده را
بجا آورد و نشنید خفیف بخواند و این سجده را عامه نفر می خوانند و
مستادن در کلا غایت رحمت است بدانشین و ما این سجده را نفر
نمیدانیم بلکه نفر از امتیازیم که سجده را سبک کند مانند مفارقت
کلاغ و سابقا گفت که بعد از سلام بجای آورد سجده پس سهو را لیکن
اگر کسی جای این حدیث کند بدینست چون سجده است بی معارض بحسب
ظاهر و اما اگر سهو کند و ذکر رکوع و سجده را نکند نماز باطل میشود
و چون واجب غیر رکن است بر جمیع منقول اخبار معتبره و آورده است
از صادق و کاظم صلوات الله علیه و از روی عامر بن خدا ع
عنه صلوات الله علیه أنه إذا سلمت از رکعتان الأولى انزلت
المطکوة و رویت در موقوف کا لیس از عامر و او مختلف بنده است از
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که آنحضرت فرمودند که
هرگاه دو رکعت اول سالم باشد نماز سالمست و سجده و این حدیث
مستندست که هرگاه از این باشد که سالم باشد از شک دو رکعت چنانکه اگر
سجده و آورده است است که شک در دو رکعت اول سبب بطلاق است

و محتاج است که مردان این امر از سهو و شکی در رکعت یا در افعال باشد
 و در سجده بر زنی وارد است که گفت و الی کرم از حضرت امام رضا صلوات
 علیه از شخصی که میگفت نماز بکند و چون رکوع برود در رکعت دوم رکعت
 دوم بخاطر آنست که یک سجده را در رکعت اول کرده است حضرت فرمودند
 که حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه میفرمودند که تکیه داند که
 در رکعت اول سجده را ترک کرده است و بگوید که سجده را ترک
 کرده است یا دو سجده را نماز را از سر بگیرد تا یقین هر یک که دو سجده
 کرده باشد و در طبع هر خطا است و معنی از احتیاج هر یک نیست
 استدلال کرده اند که شکی و سهو در افعال در رکعت اول سبب
 بطلان صلو است و این حدیث صحیح نیست بلکه بعد از تأمل
 میشود از تعبیر جواب و نسبت بدیهی داد که بقیه بوده است
 و جواب جنم ترک مطلق سجده و شکی در رکعت و دو است و این
 معنی دیگر است غیر آنچه او سؤال کرده است یا آنکه اخبار است یا
 شده است بر عدم بطلان و خواهد آمد و روی غیر التماس
 الرأی آنکه قال قلت مع احتیاج لی فی سفر و أنا امامهم
 فصلیت بهم المغرب فسلمت فی الركعتین الاکثرتین فقال
 احتیاجی انما صلیت بنا رکعتین فکلمتکم و کلمتکم فقالوا
 انما نحن قنید فقلت لا یتبی لا اجد و انتم برکعة فاقمت
 برکعة ثم سرتا و اتیت ابا عبد الله صلوات الله علیه فذكر
 له الذي كان من امرنا فقال انت كنت اصوب منهم فقلنا
 یعبد من لا یبصری ما صلی و مرویت بسند قوی از ائمه که از

در رکعت

رکعت که گفت من با جمعی در سفر بودم و من پیش از ایشان بودم و نماز شام را با
 ایشان کردم و در رکعت دوم سلام دادم پس احتیاج من گفتند که در رکعت
 نماز کردی و ایشان با من سخن گفتند و من با ایشان سخن گفتم پس ایشان
 گفتند که ما اعاده میکنیم و من میگفتم اعاده نمیکند و میگفتند که میکنیم
 پس من رکعت دیگر را کردم و آمدیم با آنحضرت حضرت امام جعفر صادق
 صلوات الله علیه بر سر میز ایستادم و بر ما واقع شده بود عرض نمودم بر حضرت
 فرمودند که آنچه تو کردی درست تر بود از آنچه ایشان کردند و چون ایشان
 عذر سخن گفتن بودند نه فعل ایشان بد نبود مگر آنکه ایشان نیز مثل ائمه آن
 شیخان حرف زده باشند و ظاهر ایشان آنست که سخن گفتن با عاده نکرده
 بلکه بسبب آنکه چون امام ایشان سلام داد کار ایشان این بود که نماز و احوال
 شده است و سبب بطلان نماز ایشان نیز شده است و در بعضی ایشان
 خطا کرده اند پس حضرت فرمودند که اعاده نمیکند مگر کسی که نداند که چند
 رکعت نماز کرده است و در پیشا معلوم شد که در رکعت نماز کرده است و
 اضافت و آیین را جانی عاده میکند مثل مثالیان یا در دو و چون یک سجده
 و مع هذا عاده میکند و منقول است در حسن کاتیب از ابو جعفر که در پیشا
 اصحاب خود میگفتم در نماز شام پس چون دو رکعت نماز کردم سلام پیش
 ایشان من گفتند که در رکعت نماز کردی پس من اعاده کردم نماز را پس خبر
 دارم حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه را با عاده دیدم حضرت فرمودند
 که شاید نماز را عاده کرده باشی گفتیم علی آنحضرت تسبیح فرمودند و فرمودند که
 پس بود ترا بجزی و رکعت نماز که تا سه رکعت بخوابی و در سنی که حضرت سید
 صلی الله علیه و آله سهو کردند و چون دو رکعت نماز کردند سلام دادند و چون

ذوالشمال را فرمودند پس حضرت دو رکعت نماز دیگر کردند و در سجده منقولست
از حارث نضری که گفت عرض نمودم بخداست حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
علیه که ما نماز شام میگیریم امام ما سه رکعت و در دو رکعت سلام در این
نماز را اعاده کردیم حضرت فرمودند که چنانچه نماز کرده اند حضرت سیدنا
صلی الله علیه و آله سلام دادند در دو رکعت دیگر را کردند و چنانچه تمام کردند
نماز خود را و روی عتبه عثمان بن عفان را که من سلامی را از عتبه بن ابی طالب
المتصر و الحارثی و النبی و الاخری من ذکر فلیتین علی صلواته و کونان
الجبین و لا اعاده علیه و پسندید منقولست از عتبه که حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام فرمودند که هر که سلام دهد در دو رکعت
یا عصر یا مغرب یا عقیق و چنانچه تمام کند که نماز تمام نکرده است پس باید
بنامند بر پیشانی خود دست و نماز تمام کند و اگر چه پیش از این رسیده باشد
که پیش از این راهت بخیم از منتهی شرف تا اینجا و اعاده میکند نماز را
و روایت کرده است شیخ در صحیح از زبانه آنحضرت امام محمد باقر علیه السلام
علیه که گفت از حضرت سوال کردم که هرگاه شخصی در دو رکعت نماز چهار رکعتی
در دو رکعت بگذرد و بعد از آن در دو رکعت بماند یا نه و یا در سه رکعت بماند
رسید که دو رکعت کرده است فرموده اند که دو رکعت دیگر را در آنجا بگذرد
و محال کرده اند بر این امر و آن بعد از آن بسیار باشد که کرده باشد که
کرده است و این بر سبیل احتیاط باشد و منتهی آنکه عتبه بن عفان را که
عبداللہ صلی الله علیه و آله علیه عن الرجل یفتی الخاءة رکعة و ینتہی
و ینصرف و ینذهب و یجئ ثم ذکر الله انما صلح کفة قال کیف
الشیخ لکة و کایف و شیخ در صحیح روایت کرده اند از عتبه که گفت سوال

کردم از حضرت

کردم از حضرت صلوات الله علیه از شخصی که نماز صحیح را بیک رکعت و ینتہی
چنانچه سلام دهد و برود و بیاورد و بعد از آن چنانچه بیک رکعت کرده باشد
حضرت فرمودند که بیک رکعت دیگر را آن اضافی میکند که دو رکعت شود و
منقولست صحیح بخاری مسلم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند
کرده است بر آنکه تا آنکه بیک رکعت دیگر باشد و الله تعالی اعلم و منقولست در
کتاب القیم از حسین بن ابوالعلاء که عرض نمودم بخداست حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
علیه که شخصی نماز را تمام کرد و در دو رکعت و نماز صحیح سلام داد و من بعد از آن
تمام شده است من فرمودم سلام دادم و در دو رکعتی مشغول بودم تا آنکه آن
برخواست و نماز تمام کرد که امام بیک رکعت بیشتر کرده است حضرت فرمودند که اگر
همان جای خود بمانی بیک رکعت دیگر را بکن و اگر جای دیگر رفتی بیک رکعت اعاده
نماز یعنی اگر بیک رکعت دیگر کرده باشی یا فعلی انجام آورده باشی و در صحیح از مسلم بن الحجاج
که بیک رکعت بیکر میکند اگر بیک رکعت بگذرد یا نه و لا اعاده میکند نماز را و از
سوفقه سماعه ظاهر میشود که فعلی بیکر کرده باشد و احوط آنست که با فعلی بیکر
رکعت دیگر را تمام کند و احتیاطا اعاده کند و سأل ابو بصیر
أما عبد الله صلی الله علیه و آله عن الرجل یفتی الاکثرین فاکان الجکست
و ینتہی المستفاد فقلت و انا جالس المستفاد علیه السلام ایضا الشیخ
و ینتہی الله و ینکانه ایضا و منقولست در ترقی از ابو بصیر
و من ترک صیانت سد حوله که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر
صلوات الله علیه اند و در دو رکعت و لا که هرگاه بعد از آن بیکر
تستفاد و صحتی که نسبت به آنست بگوید السلام علیک یا ابا عبد الله
پس روی ایام حضرت فرمودند که اگر بگوید السلام علیک یا ابا عبد الله

می آید بدانکه این حدیث بحال محتمل که مراد او این باشد که السلام
 عليك سلامت حضرت فخریه بود باشند که نه بلکه السلام عليك سلامت
 واحتمال دارد که مرادش این باشد که اگر کسی چهار رکعت اوله بگوید در
 اول نماز یا طاعت میشود حضرت فرموده باشند که نه عبارت ثانی مطلق
 و برین مضمون اخباری دیگر وارد شده است و خواهد آمد به بعضی
 آنست که محل بر بعضی کتب و این لازم دارد معنی اولیا و روی الحاکمین
 علی عبد الله صلوات الله علیه آنکه قال اذا قرأتم انت سبحانک
 أم أقرأتم بکذهب و هم الک المصنوع فتنه که در سبک کتب
 رکعتین و أربع سجلات نقرأ فیها یا أم الکتاب ثم تشهد و سلم
 فان کنت ایتما صلیت رکعتین کانتا هاتان تمام الاربع و ان کنت
 صلیت أربعاً کانتا هاتان نافله و با سبب صحیح منقول است از بعضی
 که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه ندای کرد
 نماز کرد یا چهار رکعت و هیچ طرفین در مضمون تو نباشد بر تشهد
 بخوان و سلام کن و بعد از آن دو رکعت نماز است از هر یک بدو رکعت و چهار
 سجده و اگر در نماز یا در سلام میدی پس اگر در رکعت کرده باشی یا بعد
 باین دو رکعت چهار رکعت میشود و اگر پیشتر چهار رکعت کرده باشی این
 دو رکعت را نافله حساب میکند خوشبختانه و تعالی هر چند احتیاط واجب
 و نیت و وجوب میباید کرد در آن ولیکن باین بر میگردد که متبر باشد
 یا نافله و همین مضمون است صحیح ابن ابی عمیر و صحیح حماد بن عمار
 صحیح زراره و صحیح ابی بصیر و حسنیه کالیجی علی آنست که بنا بر آن
 میگذازد و در رکعت یکم میکند که اگر دو باشد چهار میشود پس ناچار است

از آنکه قابل شیویم بخیر و بنا بر غیر عمل بنویس و لیست و کنت در وقت
 جنتین در سجده صلوات الله علیه آنکه قال فی رجل صلیت سبعا
 ایتکان جلت فی المیزان فیکذا و الفقه فی کذا و کذا و کذا و کذا و کذا
 منقول است از بعضی از حضرت امام جعفر صادق و صلوات الله علیه که
 آنحضرت فرموده اند در شخصی که پنج رکعت نماز کند یا چهار رکعت یا که اگر
 در رکعت چهارم بمقدار تشهد نشست باشد پس عبادت و یا نماز
 او جایز و صحیح است و همین حدیث شیخ روایت کرده است در صحیح حماد
 از زراره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که از صاحب حدیث کرده اند که شنیده
 خوانده باشد و اخلاص اسلام کرده باشند و سلام و اجابت پس
 رکعتی زیاده کرده است و یا بجه و اجابت سجده کرده است و عملی است
 که با وجود آنکه تشهد در سجده یا در رکعت یا در سجده یا در رکعت کرده است و آن
 رکعت تا بر طاعت سهواً یا از غلطی یا از اشتباه یا از غفلت یا از
 تشهد بعد از رکعت و روی الهام عن محمد بن سنان عن ابي عبد الله
 علیه السلام صلوات الله علیه قال سألته عن رجل صلی الظهر
 خمساً فقال ان کان لا بد من سجدة فی الاربعه أم لم یجعل سجده
 أربع رکعات منها الظهر و سجده و تشهد فیکون نافله و هو جائز
 رکعتین و أربع سجرات و یصلیها إلى الخامسة فیکون نافله و یصلیها
 صحیح منقول است از بعضی از حضرت امام جعفر صادق
 صلوات الله علیه از شخصی که از ظهر پنج رکعت میکند پس حضرت فرموده
 که اگر ندانند که در رکعت چهارم تشهد است یا نشسته است پس چهار رکعت
 بظهر حساب کند و بنشیند و تشهد بخواند پس اگر در رکعت نماز نشسته

و بدان گفت بچشم منم سازد که دو رکعت نماز شود و شیخ روایت کرده است
در قوی نعل از سجده است که گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
علیه السلام که بعد از آنکه نماز ظهر کرده باشد یقین هر سجده که پنج رکعت
نماز کرده است حضرت فرموده اند که چگونه یقین هر سجده را عرض نمودم که
علم به هر سجده حضرت فرموده اند که اگر علم داشته باشد که در رکعت چهارم
نشسته است پس نماز ظهر تمام شده است پس برخیزد و یک رکعت استاده
و بدان گفت منم سازد که دو رکعت نماز شود بر وجهی نیست و این حدیث
سواء حدیث جمعیست که احتمال ندارد که سموی شده باشد چون این حدیث
حضرت امام محمد باقر روایت کرده است بخلاف قنبر و در حدیث مکن علم
علم با قی و نشسته است هرگاه علم بخیر نشسته نداشته باشد و محکم است
که در صورتی بخیر باشد میانه ابطال و انعام و لیس آنچه عرض است در
کا لیس از راه دیگر از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرموده اند
که هرگاه یقین کند که نماز واجب را کرده است آن نماز احسان است
و اعاده نکند نماز هرگاه یقین هر سجده که زیاده کرده است و در موقوف
کا لیس از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که فرموده اند که هرگاه
زیاده کند در نماز پس بروست که اعاده کند پس موقوف بر صورتی که بقدر
نشسته نشسته باشد و از او اسامه منقول است که از آنحضرت سوال کردم
از شخصی که نماز عصر را شنید گفت کند یا پنج رکعت حضرت فرمودند که اگر یقین
و اندک شش رکعت یا پنج رکعت کرده است اعاده نکند و اگر نداند که زیاده
کرده است یا کم کرده است و در رکعت نماز نشسته بکند که اگر سه باشد نماز
شود و اگر یقین هر سجده که دو رکعت کرده است یا سه رکعت و فارغ شده باشد

سلام و سخن گفته باشد و ندانسته باشد که نماز تمام کرده است یا نه است که
نماز تمام کند یا نه را سه و کرده است پس حدیث ذوالفقار بن ابی یحیی فرموده اند
و سأل الفضیل بن یسار یا أبا عبد الله صلوات الله علیه عن النبي و قال
من حقیقه سجدته فأمته فلیس علیه سجده الشکر و إنما الشکر علی من
یذکره آنکه در صلوات بر آن شخص نماز و کا لیس منقول است از فضیل بن که گفت
کردم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که از من عرض نمودند که
هرگاه حفظ کند سه و بخورد و نماز تمام کند یا آنکه در محل خود نشسته باشد و در میان
و نماز احسان بکند بر سجده سه و نیست و نیست سجده سه و بر کسی که نداند که
در نماز زیاده کرده است یا کم کرده است و ظاهر آنست که شک کرده باشد
در میان سه و پنج و در آنست که احتمال سه و داید و رکعت نشسته و زیاده
بر و سجده سه و چنانکه در حدیث ابواسامه گذشت و احتمال داد که بخیر
سه و کافی باشد و ظاهر آنست و نکات نماز احسان ضرر ندارد چون
عرض سجده سه و است و همین عبارت منقول است و موقوف کا لیس از
منقول است در حسن کا لیس از راه دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
صلوات الله علیه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند
هرگاه کسی زشتی کند در نماز و نداند که زیاده کرده است یا کم کرده است
پس دو سجده نشسته بکند و حضرت ابن دوس سجده سه و را عرض نمودند
یعنی یعنی بنحوی که از نماز میمالد چون سجده است که نماز تمام را باطل میکند
شما علی رغم و سجده میکند و از لیل میشود و موجب عبادت شماست این
که شک کند که آیا دو رکعت نماز کرده است یا سه رکعت یا پنج رکعت یا دو سجده یا
شش سجده سه و از نماز احتمال بخیر و شش باشد و چنانکه شک کند که یک سجده

که در است با سه سجده یا سوره خوانده است یا در سوره خوانده است و علی
مطلقا متوجه این معانی نشده اند و در شکی میان سه و پنج و دو و پنج
و امثال اینها قایل بطلان صلوات هستند اندک آنرا چون این عبارات صحیح
بست درین مطلوب و لیکن ظاهر و کافیهست چنانکه خواهد آمد و بعضی
از فضلا احتمالی داده اند که ملازمین جنابت شکی میان چهار و پنج باشد
که نمیدانند که یک رکعت یا دو رکعت است یا از زیاده کم کرده است که تمام
ولیکن القائلین و تعبد است و در کلام معصوم لا یزنیست و روایتی
عنه صلوات الله علیه ایة قالوا انکم تدبرون انما صلواتکم فیما
ان یزنیست انکم نقصت فتمتد و سلم و آنچه در حدیثین غیر از این و لا
قرآن و کتب حقیقه و با ساینده صحیح منقولست از حدیثی که حضرت امام
جعفر صادق و صلوات الله علیه فرموده اند که هرگاه ندانی که چهار رکعت
کرده یا پنج رکعت یا زیاده کرده یا کم پس تشهد بخوان و سلام بده و در سجده
سپو کن بی رکوع و بی قیامت و بعد از سجده بنشین و خفیفه بخوانی و آن
آنست که آن لا اله الا الله و تشهد ان محمدا رسول الله الا هم صل
علی محمد و آله است و سلام خواهد آمد و ظاهر عبارت با زیاده کرد یا کم
آنست که مذکور شد سابقا با احتمالات سابقه و در اینجا احتمالی دیگر دارد
که در نماز زیاده یا نقصان بعمل آورد و باقی سهوا و انقضای بعد نیست و
این معنی است محمد بن ابی عمیر از بعضی اصحاب ما از صفیان بن محمد که
ممد و حضرت امام جعفر صادق و صلوات الله علیه که فرموده اند که
دو سجده سهو میکنند و در هر زیاده که داخل میشود بر توبه یا نقصانی که بکنی
در نماز و احوط آنست که در هر زیاده یا نقصانی که مبطل نباشد دو سجده

سپو کن

سپو کند و تا شکی میان چهار و پنج اگر بعد از سجده بنشین باشد یا اگر در سجده
تمام میکند و دو سجده سهو میکند از جهت تقدیر احتمالی یا در نماز که صحیح
عبد الله بن مسعود و صحیح ابو بصیر بن منقولست از حدیث امام جعفر صادق
صلوات الله علیه که فرموده اند که هرگاه ندانی که چهار رکعت نماز کرده یا پنج
پس دو سجده سهو میکنی بعد از سلام در وقتی که نشسته باشی و بعد از سجده
سلام بکن و تشهد در حدیث جعلی بود پس تشهد و سلام در سجده ایست
و ذکر دو سجده که نشسته در حدیثی و روایتی محمد بن عیسی بن عقیل
صلوات الله علیه آنکه سئل عن رجل دخل مع الإمام فی صلاته
وقد سبقه برکعة فلما فرغ الإمام خرج مع الناس و ذکر رکعة
ذکرت آنکه فایده رکعة قال فیکبر رکعة واجبة و منقولست از صحیح
و بر و است شیخ در صحیح از حدیثی که بر سیدنا امام محمد باقر و صلوات الله علیه
از شخصی که داخل شود یا امام در نمازش و امام پیش از رکعت کرده باشد
و چون امام سلام دهد او نیز تسبیح یا سلام دهد و بامر دم از سجده ببرد
رود بعد از آن بخاطر این رسید که یک رکعت از وفوت شده است حضرت فرمود
که او عاده میکند یک رکعت یا یعنی بجای آورد و گذشت محمد بن عبید الله
آن و سنانید دیگر از سلف و غیره از حدیث مسلم منقولست و همچنین
از عبید بن زراره و روایتی عبد الرحمن بن الحجاج عن ابراهیم صلوات الله
علیه قال قلت لابی عبد الله صلوات الله علیه رجل لا بدیهی
انتم بین صلی انکم ثلثنا انکم اربعها فقال لیصلی رکعة من فیه انکم
یسلم ثم یصلی رکعتین و هو جائس و منقولست در صحیح علی القلی
و المشهور از عبید الرحمن از حضرت امام موسی صلوات الله علیه که عرض نمود

بخدمت امام جعفر صادق ص و ق صاواته علیه و آله که هرگاه شخصی بداند که دو
 نماز کرده است یا سه رکعت یا چهار رکعت حضرت فرمودند که بدو رکعت یا سه
 میکند و سلام میدهد بعد از آن دو رکعت نشسته میکند پس اگر در وقت
 سه رکعت کرده باشد چهار میشود و بر رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته
 تا قضا دهد بود و اگر در وقت دو باشد باین هر دو چهار میشود و در
 کمالی که این احوال منقولست که از بعضی از شیخ خود روایت کرده
 اند حضرت امام جعفر صادق ص صلوات الله علیه در شخصی که نماز کرده و بداند
 که دو رکعت کرده است یا سه رکعت یا چهار رکعت حضرت فرمودند که دو
 نماز ایستاده میکند که اگر دو باشد چهار شود و بعد از آن دو رکعت
 نشسته میکند که اگر سه باشد چهار شود پس اگر در وقت چهار رکعت
 باشد این چهار رکعت نافله خواهد بود و اگر نیت نماز خواهد بود و شهور رمان
 علماء این حدیث است و عمل آنچه صدوق ذکر کرده است اول است و آنچه
 ظاهر است که چهار باشد در عمل بعد از آن که خواهد و در وقت نماز
 عَزَّ وَجَلَّ صَلَّاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَكَسَّ اللَّهُ سَمْعَ الْمُجْرِمِينَ
 فَلَا يَسْمَعُونَ وَآيَاتُ اللَّهِ صُلًى أَمُ اثْنَتَيْنِ أَفْتَدَى الْوَارِثَةَ الْكَلْبِيَّةَ عَلَيْهِ صَلَواتُ
 فَكَأَنَّ كُلَّ ذَا ثَقَلَتْ نَفْسُهُ قَالَ فَكَيْفَ تَصِفُ صَلَاتَهُ وَآيَاتَهُ يَا اللَّهُ مَرِ
 السَّيِّطَانِ الْمُجْرِمِ فَإِنَّهُ يُؤَيِّدُكَ أَنْ يَكْتُمَ حَقَّهُ وَبَسَدَ حُجَّتُكَ
 از بعضی از علما بن اجماع گفته اند که تعالی و ظاهر نقل این ماحول عد و الله
 پیش از طهوریت و بوجه است و در هر ماحول پیش از تعین ایتقه و رسید
 که این ماحول رسید و بنای واقعی شدن این شک شد و احتمال دارد که
 شما بیابید و آنچه است و خوش عنقا و بسبب اشتغال حدیث از روایت

اضداد

می کند و در روایت کرده است که از بنده صالحی که حضرت موسی بن جعفر صلوات
 علیه سوال کردم از شخصی که شک میکند و نمیداند که دو رکعت نماز کرده است یا دو
 رکعت یا سه رکعت یا چهار رکعت و مشکیه شده است بر نمازش و نمیداند که
 چند رکعت نماز کرده است پس حضرت فرمودند که این مقدار شک و از بعضی شیخ
 ظاهر میشود که مثل این شک را پسندار میگردانند است و کبریا را قبول کرده است
 من کفتم بل حضرت فرمودند که نماز را بیک نیت یا باینکه نماز کرده یا باینکه
 بر هر چه خواهد کرد و بنیاد بخداوند تعالی برادرش شیطانی مردود درگاه
 آتی غفر بک شک و سواس از نماز را خواهد شد و این غلطیت نیز ظاهر
 که سواسی و کبریا الهی بوده است و علی بنی حال ضرورت که این خبر را
 از جهت ضعف ترک کند باطل کنند بر کبریا الهی و چون روایات صحیح
 که شک میان یک و دو و سبب بطلان نماز است و در خصوص این سهو نیت
 روایات صحیح و وارد شده است بر بطلان نماز مثل صحیح صفوان از حضرت
 ابی الحسن موسی بن رضا صلوات الله علیه که حضرت فرمودند که هرگاه ندان
 که چند رکعت نماز کرده و طریقه مضمونیت نباشد نماز را عذر و کن و صحیح زیاده
 و ابو بصیر که هر دو گفته اند آنحضرت که حضرت باقر است یا حضرت صادق صلوات
 علیه و آله عرض نمود که شخصی شک بسیار میکند تا آنکه نمیداند که چند رکعت
 نماز کرده است و چند رکعت نماز است حضرت فرمودند که اعاده کند هر قدر
 که کبریا شک فرمودند که مکتب فتنه دو گذشت صحیح از بعضی معقول و آنحضرت
 امام جعفر صادق ص که فرموده اند که هرگاه شک کنی و ندانی که سه رکعت کرده
 یا یک رکعت یا چهار رکعت عذر و کبریا این نماز را و بنا بر شک مکرر و صحیح علما بن
 جعفر که گفت سوال کردم از پدرم حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیه

از تخیلی که بیا از استند و نداند که چه می گوید است یا نه حضرت فرموده اند که از آن
 سر بود و فرق میان این حدیث و حدیث سابق آنست که در سابق علم بود
 بیک رکعت و در اینجا احتمال می دهیم که رکعت اول باشد که ایستاده است و علم
 بیک رکعت وقتی حاصل می شود که رکوع و سجود کرده باشد و در اینجا آن علم را خدا
 و روی سهیل انما البیع فی ذلک عن الرضا صلوات الله علیه انکه بگوید
 علی بن عقیله و یحیی بن محمد بن النعمان و غیره از حضرت امام رضا علیه السلام
 و در حسن کا لعمریه منقولست سهیل در منزل از حضرت امام رضا صلوات
 علیه که فرمودند که بنابر حقین می گویید که یک باشد و در سجده سهو می گویید
 بعد از سلام و نشسته و حضرت می گویید از جهت سجده سهو و شیخ طوسی در حسن
 کرده است نه سهیل که گفت که سوال کردم از حضرت ابی الحسن هم از تخیلی که بنابر
 که سه رکعت کرده است یا دو رکعت حضرت فرموده اند که بنابر تفصیل آنکه دو
 و عمل بجزم می کنند و بعد از فراغ نماز نشسته و حضرت می گویید که بجزم است یا دو رکعت
 اول نماز و آخر نماز یعنی بنابر اول می گویید یا پس شامل باشد آنچه از حضرت
 کرده است و در هیچ از عملی بن بقعان منقولست که گفت که از حضرت امام رضا
 کاظم سوال کردم از تخیلی که بنابر آنکه یک رکعت بوده است یا دو رکعت یا سه رکعت
 حضرت فرمودند که بنابر جزم می گویید و در سجده سهو می گویید و نشسته و حضرت
 بجای آورد و شیخ حمل کرده است بر آنکه یقین اعاده است و حمل بر یقینه آنکه
 چون موافق مذهب شافعی است و قد روى عنه فی بعض النسخ کتبنا و
 من پیام و رکعتین و هو خالی و لکن هذی الاختیاران لکن الله
 الله و یحیی بن محمد بن النعمان و غیره از حضرت امام رضا علیه السلام
 شد که است که دو رکعت است یا سه رکعت که اگر دو باشد چهار شود و دو رکعت

نسخه

نسخه می کند که اگر سه باشد چهار شود و اگر یک باشد با هر دو چهار شود و بنابر شیخ
 بیک رکعت است یا سه رکعت می گویید که آن یک باشد و اگر اعتنا از کرده اند پس
 آن احتمال صریح بر بیان صلوات و صدوق می گوید که اگر چه این اخبار را شیخ
 مختلفند و لیکن در واقع اختلاف و نزاع بدون صاحب سهو نیست و هر چه را که
 صحیح است و درست عمل کرده است صدوق اخبار صحیح که سبب بطلان آنها
 عمل نکرده است و این اخبار را که موافق عامه است و یقینه وارد شده است عمل
 و روی عن شیخی بن محمد انکه قال لا یؤتی الحزن الا اول صلوات الله علیه
 انما لک لکتابین علی الیقین قال قلت هذا اصل قال نعم و در روایتی
 منقولست از ابی الحسن که گفت حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه
 کنی بنابر یقین که از تخیلی که شیخ فرمود که این قاعده کلیست حضرت فرمودند که
 بل و ظاهر آنست که بنابر اقامه کرده و بعینت گفت که بنابر آنکه می گویید از روایتی
 که صدوق را نقل می کند بنابر ابی رافعی و بنابر آنکه از ابی الحسن که گفت و جمعی را نقل
 کرده اند از ابی رافعی که ابی رافعی را که ابی رافعی را که از ابی رافعی را که از ابی رافعی را که
 در آن الله است و نشان هیچ است زیرا که اگر در واقع اکثر باشد بجای آورد و در این
 زیادتی نماند باشد و اگر کم باشد بن ستم باشد بخلاف بنابر اول که که باشد و در روایت
 اکثر باشد و نماز زیاد و می شود و زیادتی در عمل نماز باطل می کند و حمل بر ما ظاهره و
 این خبر را با اختیار بکر بر منضمون وارد شده است مثل حدیث حسن کاظم علیه السلام
 ابی حمزه و یحیی بن محمد و شیخ کا لعمریه منقولست از ابی یعقوب و توفی عبد الرحمن بن
 حجاج که هرگاه شک کنی میان یک و دو بنابر یک می گویید و تمام می کنند و بنابر دو
 بر نماند که هرگاه که از حدیث متواتر وارد شده است بر بیان صلوات که
 شک کنی میان یک و دو و یعقوب از آن گذشت و سأل عبد الله بن ابی یعقوب

صدوق می گوید

صدوق می گوید

اَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي الرَّكْعَتَيْنِ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ فَلَا
 يَجْلِسُ فِيهِمَا فَقَالَ إِنْ ذَكَرَ وَهُوَ قَائِمٌ وَالْثَلَاثَةَ فَلْيَجْلِسْ وَإِنْ لَمْ يَذْكُرْ
 حَتَّى يَكُنْ قَائِمًا فَلْيَمْصُوفْ ثُمَّ يَجْلِسْ يَتْلُو وَهُوَ جَائِسٌ قِيلَ إِنَّ شَكَاكَ
 وَبِاسْمِهِ هَجْرٌ مِنْ قَوْلِكَ أَنْعَبِدُ اللَّهَ كَقَوْلِكَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَلَا تَحْتَضِرُ مَا أَذْهَبَ
 كَمَا دُرُكْتَ غَاثُ وَاجِبٌ عَاجِزٌ أَوْرَدَ فَرَامُوشَ كُنْدَ كُنْشِيرٍ لَا حِجَّتَ قَشِيرٍ فَهَقَرَتْ
 فَمَرَدُونَ كَمَا لَوْ جَاءَ طَرَفٌ بِسَدْرٍ وَرَقَةٍ كَمَا دُرُكْتَ تَحْتِ الْمِسْطَرَّةِ بَابُكَ كَمَا
 بَنَيْنَا وَنَشْرُفُ بِجَوَانِدِ الْأَكْبَادِ طَرَفٌ نَسْبُ تَابِرُ لَوْحِ رُودِ غَاثِ أَعْمَامٍ كُنْدُودِ
 سَجْدَةٍ سَبُوكُنْدَ نَشْرُفَ دُشْتِ الْأَنْبَارِ حَتَّى كُنْدَ وَهْمِ مِمْصُولِ حَتَّى
 سَلَامُ الْبَنَاتِ وَحَسَنَةُ الْبَنَاتِ حَسَنُ بْنُ الْبَنَاتِ وَحَسَنَةُ دُكُورِ
 فَوَيْدِ دُكُورِ وَرُصُورِ تَدَارُكُ سَجْدَةٍ نَادِرُ عِلَاطِ الْطَّاهِرِ وَحَفَلَتْ كَمَا سَقَاوُ
 بِهَرِ وَبَاشَدَا أَرْجَحُ بَعْدَ اسْتِ وَدُرُفُوقِ كَالْبَحْرِ نَابُوبِصِيرٍ مِنْ قَوْلِكَ
 كَقَوْلِكَ تَحْتِ سُبُوحِ الْكُودِمِ أَنْ تَحْتِ كَقَوْلِكَ كُنْدَ قَشِيرٍ بِحَضْرَتِ فَمَرَدُونَ كَمَا
 دُرُجِدَ سَبُوكُنْدَ وَنَشْرُفَ بِجَوَانِدِ دُرَانِ بَعْدَ رَسْمِ دِينَ وَنَشْرُفَ
 سَبُوكُنْدَ مَسْكُودَ قَشِيرٍ بِرَاكُ فَرَامُوشِ كَرْدِ اسْتِ وَشَلِ بْنِ خَيْرِ اسْتِ حَتَّى
 عَلِي بْنِ الْحَمَنِ أَنْ حَضَرَتْ أَمَامَ جَعْفَرِ ضَارِقِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَدُرُجِدَ حَتَّى
 صَرِيحَ نَدِيدِوَامِ كَقَوْلِكَ مَسْكُودَ قَشِيرٍ بِرَاكُ فَرَامُوشِ كَرْدِ اسْتِ وَشَلِ بْنِ خَيْرِ اسْتِ حَتَّى
 مِلَانِ أَصْحَابِ وَدُرُجِدَ حَتَّى كَالْبَحْرِ فَنَصِيلِ أَنْ حَضَرَتْ أَمَامَ جَعْفَرِ ضَارِقِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ
 عَلَيْهِ وَحَسَنُ كَالْبَحْرِ جَعْفَرِ أَنْ حَضَرَتْ أَمَامَ جَعْفَرِ ضَارِقِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَنَشْرُفَ
 كَمَا كُنْدَ قَشِيرٍ أَوْلَادُ فَرَامُوشِ كَرْدِ وَبَرِخَانِ دُشْتِ الْأَنْبَارِ كَوْنِ عَاجِطِ طَرَفِ سَبُوكُنْدَ
 مَسْكُودَ وَنَشْرُفَ بِجَوَانِدِ وَبَرِخَانِ دُشْتِ الْأَنْبَارِ كَوْنِ عَاجِطِ طَرَفِ سَبُوكُنْدَ
 وَكَلْبِ بَعْدَ نَابُوبِصِيرٍ بِحَضْرَتِ سَدْرِ غَاثِ أَعْمَامٍ كُنْدُودِ وَبَعْدَ زَنْجَارِ نَشْرُفَ الْأَنْبَارِ كَوْنِ عَاجِطِ طَرَفِ

دو سجده



دو سجده سهو میکند و آنکه در نماز چهار سجده است نه از کفر فرموده اند ظاهر است
 همین باشد که چون سجده سهو را ذکر فرموده اند و نشانداده و کافیه بود از آنست که
 منتهی نشاندی دیگر فرموده اند و اگر کسی احتیاط کند و نشاندی را پیش از سجده سهو
 یا بعد از آن بجا آورد و حوط خواهد بود تا آنجا گفت صاحب بگوید باشد اما آنکه
 سهو که دو باشد اگر بجا آید و در سجده که در حدیث صحیح است از آنست که بنابر
 علم ما منقول است در شخصی که از نماز خارج شود و بجا طریقی برسد که نشاندی را از آنکه
 و سلام گفته است حضرت فرمودند که اگر نوبت باشد بجا بیاورید و در وقت نماز
 بنزد و اگر بجا آید از آنکه رود و نشاندی را بجا آورد و بدینست که نشاندی سهو است
 در نماز یعنی و چون نشاندی را بجا آورده است و نشاندی را بجا آورد و بدینست که نشاندی سهو است
 و در قوی کالصحیح از آنکه بجا بیاورد و نشاندی را بجا آورد و بدینست که نشاندی سهو است
 صلوات الله علیه از آنکه بجا بیاورد و نشاندی را بجا آورد و بدینست که نشاندی سهو است
 و نشاندی را بجا آورد و نشاندی را بجا آورد و بدینست که نشاندی سهو است
 سهو نیست و ظاهر از آنکه سجده سهو باشد که تلاذی کرده است و اخبار و روایات
 وارد شده است در آنکه هر چند تلاذی کند سجده سهو ندارد و اگر سلام را قرائت
 کند کرده باشد و فاصله بسیار باشد و نشاندی را بجا آورد و نشاندی را بجا آورد و بدینست که نشاندی سهو است
 کالصحیح از آنکه بجا بیاورد و نشاندی را بجا آورد و بدینست که نشاندی سهو است
 عرض نمودیم که اما متوجه میگردیم و نشاندی را بجا آورده و بدینست که نشاندی سهو است
 از روی فراموشی پس ما میگوییم که نشاندی را بجا آورده و بدینست که نشاندی سهو است
 که در وقت نماز نشاندی سهو میگوید سلام بگفتی گفتیم طریقی حضرت فرمودند که با کمال است
 و اگر با کمال فراموشی کرده بودی و ایشان می گفتند که سلام نکرده میباشی
 که در بایستادن کنی و بگویی السلام علیکم و ظاهر عبادت است که سلام بجا آید

میباشد تا مع ما مومنین و همچنین اگر ما مومنین شک داشته باشیم ما مومنان
 و اعتقاد ما را عمل میکنند دیگر بهیچ وجه نیست در صورتی که در غایت ما مومنین
 نماز است اگر شک باشد نماز را نذر و همچنین سهوی نیست در غایت ما که شک
 در رکعات است سبب بطلان نماز است و همچنین سبب بطلان شک
 در رکعات است و اگر نماز را نذر کرد شک در رکعاتی و قصد بیعت که
 و اگر شک باشد تا فایده شک نیست یعنی در نماز دعا نیست اگر چه در رکعات
 باشد و همچنین است که بنا بر یک کلام یا بیشتر اگر چه بنا بر یک کلام است پس اگر
 ما مومنان مختلف شدیم چنانکه در این مثال واقع شده است پس ما مومنان
 و ما مومنان در احکام طاعت که نماز را عبادت کنند و آنچه دقیق است
 عمل نمایند که نماز را از سر گیرند و نیز هدیب و اکثر نیزه کا فی چنین است
 بنا بر آنچه که لا عذر و او داشته باشد و احتمال دیگر آنکه مراد این باشد
 بر هر یک از این است که عمل کنیم خود کند پس در صورتی که جماعتی
 که بجز در سه رکعت دارند دیگر میکنند تا چهار رکعت و در
 جماعتی که بجز در چهار رکعت صلوات می دهند و اما هر یک از این طایفه
 متفق باشند با طایفه دیگر تمام میکنند و طایفه دیگر قصد نظر
 میکنند و اگر امام شک داشته باشد رجوع بیک طایفه میکند که
 علم داشته باشد و بعد از آن رجوع بعلم امام میکند اگر چه
 الاشتهار داشته باشد مثل آنچه مذکور شد که طایفه اولی
 شک میان دو و سه داشته باشند و طایفه شک میان شک
 میان سه و چهار داشته باشند پس شرط آنکه دو و سه یقین داشته
 و طایفه اولی یقین بطلان آن ندارند امام رجوع بیقین ایشان میکند

بهتر است غایت ما
 بر یک کلام و سه

در این

و عمل می کنند و طایفه اولی نیز عمل می کنند و اگر امام الاشتهار داشته
 شک آنکه شک طایفه شک در میان یک و دو و اگر طایفه دیگر در میان سه و چهار
 و امام احتمال دهد و در این است که شک که هر یک جدا شوند نماز طایفه اولی
 و امام باطل است چون شک میان یک و دو است و طایفه دوم شخصی را از این
 خود امام میکند و بنا بر آنکه می کند بنا بر سه و چهار یا بنا بر یک و دو رجوع
 خود را ظاهر میکند و اگر در صورتی که امام شک کند در میان دو و سه طایفه
 اولی با امام بنا بر دو می کند و تمام میکنند و طایفه دوم بنا بر چهار می باشد
 می کنند و تمام میکنند و محتمل آنست که در صورتی که امام شک کند که در
 شک در آن دارد و چون طایفه دوم بجز در سه و چهار بجز ایشان عمل میکند
 و تمام میکنند و طایفه اولی نیز می بینند که بجز عمل بجز خود کردن بطلان
 و احتمال دادند که چون امام شک در میان دو و سه است و رجوع نظر
 دوم کرد و طایفه اولی نیز رجوع امام کنند چون شک طایفه امام دو و سه و یک
 این بعد است بنا بر آنکه این طایفه اولی بجز دارند که شک کرده اند چون
 کنند که بجز خلاف آن داشته باشند و بنا بر این ظاهر شد که شک فقه که او
 بطلان است که مراد از اینست که هر یک از این طایفه خود در راه که در عمل بجز می کنند
 در جاتی که بجز در راه باشد مثل شک میان یک و دو و او را که در میان
 که تا از این طایفه که در میان شک در میان دو و سه باشد و چهار عمل می کنند
 کنند و قریب با فقه است حدیث صحیح عبد الله بن عمر بن الخطاب از حضرت امام موسی
 کاظم در سبب در آنکه حضرت فرمودند که بنا بر یقین می کنند و عمل بجز می کنند
 و این طایفه می کنند در هر نمازها و محتمل است که بنا بر آنکه می کنند و قریب
 احتیاط می کنند تا بجز می رسد و در حسن کا شیخ از حضرت امام جعفر صادق

شاید غار احتیاجا با سجده
با خازان و اعتبار ملازمت
میکنند.

مكتبة

شنيديم كه فرمودند كه حضرت رسول خدا صلى الله عليه وآله در سفرى مى فرمودند
 نزول فرمودند و بلال را فرمودند كه پيدا باش كه چون چيزى داريان بگوئى
 و ما پدا را بشويم اتفاقا بلال را فرمودند رفت و پيدا نشدند تا وقتى كه از كوفى
 پيدا شدند پس ما را جمع كردند حضرت ديوكوت نماز نافله بخواند و فرمودند
 بعد از آن خارج شو و حاجت گزارى فرمودند كه اى بلال ترا چه شده
 بلال گفت كه اتفاقا و ديكر كه ترس خواب ببرد و من خوابم بر دبير حضرت از آنجا
 كوي فرمودند و فرمودند كه درين وادى شما طين بسيارند و توقف درين
 وادى ميكند و اخبار در خواب اخذ ميست و من خوابم را مشغول نميست و بخير
 كوفى روات بسيار و عبادات و ليكن محتملست كه از درى فقيه و اديبانه
 چون اين كليات نزد عامه مشهور است و از حضرت شافعه معصوم ص
 عليهم سوال ميكردند ايشان موافق عامه جواب ميديد و در چنانكه
 مشغولست در صحيح از اين بگير از ديداره كه گفت سوال كردم از حضرت امام
 محمد باقر صلوات الله عليه ايا حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله عهديست
 كردن حضرت فرمودند كه اخذ نميست بخنده ميروند و فقهى مني معصوم
 بخنده ميروند وند قاله مني معصوم هذا الكتاب رحمه الله ان الفاء
 والميم منه لعنه الله يكرهون سبوا النبي صلى الله عليه وآله يقولون
 لو جاء سبوا سبوا الله عليه في المصطفى خاذ ان سبوا النبي صلى الله عليه وآله
 القكوه عليه و يسمون ان المصطفى عليه فريضة وهذا لا يجوز
 و ذلك لان جميع الاحوال المشتركة تقع على النبي صلى الله عليه وآله
 فيها ما يقع على غيره وهو مشعبد بالصكوة كغيره و من ليس بنبي وليس
 كل من سوا النبي صلى الله عليه وآله انما اخفى بها هي النبوة والمصطفى

من زيارتها

من زيارتها ولا يجوز ان يقع عليه في التكبير ما يقع في المصطفى لانها
 عبادة مخصوصة والمصطفى عبادة مشتركة و يضاف اليه المصطفى و
 ما يضاف اليه من غير حكمة ربه و غير ذلك من غير ارادة له و قد قيل
 ان النبي صلى الله عليه وآله لا الذي لا تأخذه سيرة ولا نوم هو الله الذي
 القيوم و ليس هو النبي صلى الله عليه وآله و الله سبحانه و تعالى لا يمشي
 عز وجل و كما اسماها لعلم لانه ليس مخلوق فلا يجوز ان يعبود و الله
 و يعلم الناس به و هو حكيم البري سبوا و سبوا من المصطفى ان وليس
 للمصطفى ان على النبي صلى الله عليه وآله صلوات الله عليه علمه سلطان انما سلطان
 على النبي صلى الله عليه وآله و الذين هم به مشركون و على من سبوا من الغاوين
 و يقولون لا فكون يسوء النبي صلى الله عليه وآله و الله انه لم ينكر سبوا
 سبوا لعنه الله و انما لا و لا يدرك و الله لا اصل للرجل ولا للغير
 و كذا لان الرجل معروف و هو المصطفى و الله عليه يعرف و الله
 اليه فكيف فعل عنه المصطفى و المصطفى و قد اخبرني عنه ايضا
 في كتاب وصف قتال الفاسطين يصفين و كان شيخنا محمد بن الحسين
 احقر الوفا رحمه الله يقول اقول در حديث في الفقه في النبي صلى الله عليه وآله
 صلى الله عليه وآله و كذا جازان تركوا الاخبار القوارفة في هذا الخبر
 لجاز ان ترك جميع الاخبار و في رواها انما قال الذين و الشريعة و انما
 احسب لاسم في تصنيف كتاب مفرد في ايات سبوا النبي صلى الله عليه وآله
 عليه وآله و الله عليه منكره انما الله تعالى جبار كعبه منصف لئلا
 يحد منها بويده كه رحمت خدا بر او باد و سبوا طائفة عالمان كه ان سبوا الله
 معصومين صلوات الله عليهم بجا و كردند و جمعي ايشان عرب و عجم و

خلدند و بعضی بعضی را باقی می ماند و جمیع آنها را صلوات الله علیه
 بر حق تعالی علیه و آله می دانند و جمیع آنها را می دانند و طایفه موقوفه که
 ایشان نیست که حق تعالی از ایشان آفته هدی و خلاق ایشان را با ایشان گذاشت
 و ایشان را خالق و ذی و مجنون و محبت و اکثر ایشان متاع است که کرده اند و
 عفو که لغت خدا بر ایشان با دانکار می کند و می بیند و می بیند که ایشان
 سهو و غصه و ایشان باشد بلکه جمیع شیعه بغیر از صدوق و شیخ شریک انکار
 سهو و غصه و ایشان را صلوات الله علیه بر آنها می رسد و زیست و زیست و زیست
 و شیخ او داده اند و همه چنین گفته اند که اگر بخواهند که آنحضرت در میان
 که وقت حضور قلب ایشان است و خداوند آنها را می گوید که عفو که در تبلیغ احکام
 نیز می گویند و نیز که غایت ایشان را حبست خدا که تبلیغ بر ایشان واجب است
 علی شیعه ذکر کرده اند که گفته که خلافت ذکر کرده باشند و علی چنین گفته
 که در جمیع می سهو بر ایشان جایز نیست و اگر می گویند سهو ایشان را باید که
 منافی می شود و اعتقاد ایشان را باید می شود و صدوق جواب گفته است
 این مقصود بر ما لازم نمی آید بلکه آنچه در این عقلی نکات می کند استماع
 و تبلیغ احکام الهی است و نیز که شکی نیست در آنکه از بسیاری از امور دنیا و آخرت
 با امت شریک است و خوردن و آشامیدن و بخت و محارفات و امثال آنها
 و در احوال شریکه هیچ بر امت واقع می شود و بر آنحضرت صلی الله علیه و آله
 نیز واقع می شود و آنحضرت ماحور بود و همانا امت که می شود و پس چون
 سهو را و قایم است که در عذاب واقع می شود غیر از آنکه پس از آنکه آنحضرت
 می شود و منافات با نبوت ندارد و حاکمی که مخصوص آنحضرت است بها نیست
 و تبلیغ انوار نبوت و جایز نیست که در آن سهو واقع شود که اگر احتیاج است
 و آن

و در حق

و در اعتقاد دینی و آن که در جمیع امری چون تحت است که آن حکمی که فرماید سهو و کره
 و چون تبلیغ رسالت در جمله دنیا و آخرت مخصوصه با آنحضرت جایز نیست
 که با امت شریک باشد بخلاف آنکه از جهات است که است و پس ایشان را
 آنحضرت ظاهر می شود و اگر آنحضرت قبل خواب بیدار کند که از او و از خدمت آنحضرت
 و آنها باز ماند ظاهر می شود و عقلا بر عوام که آنحضرت خدا نیست زیرا که کسی که از
 بشک و خواب نیست آن خداوند نیست که زنده است که هرگز می رود و قیوم است که
 قوام وجودش با او است و اگر کسی را و رافقت حاصل شود عالم می بیند
 و معجزات سهو آنحضرت مثل هوای است زیرا که ماهر هوای آنحضرت می بیند و اینها
 بلکه می بیند که حق سبحانه و تعالی ایشان را بخواهد و می بیند و اینها حق سبحانه
 آنحضرت سهو و نبوت را علاوه بر آنکه آنحضرت در بشارت و مخلوقات و تعالی
 نیست آنحضرت را نیز می بیند و نیز که نکند و تا آنکه حکم سهو را امت می دانند
 اگر ایشان را سهو واقع شود بخلاف سهو که از شیطان است و شیطان
 تسلی نیست بر حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و آله و معصومین
 صلوات الله علیه بر جمیع و سایر انبیاء و اوصیا صلوات الله علیه بر نبوت
 تسلی شیطان مگر بر کسانیکه تابوت می کنند بدوستی و طاعت و آنکه
 اولاد را طاعت شریک حق سبحانه و تعالی می دانند و صدوقی که در بر سبیل
 اقتباس آورده است و مراد آنکه آنها را نشان است که هر که طاعت شیطان کند
 کویا عبادت می کند چنانکه جانی دیگر فرموده است که اگر آنحضرت را بگویم
 الخ یعنی یا عهد و پیمان از شما فرزندان آدم نکرتم که بندگی شیطان می کند
 که او دشمن خودی شماست و عهد گرفتیم که بندگی نکنید و ظاهر است که شیطان
 شیطان را بخواند و می رسد است بلکه طاعت شیطان باز له عبودیت و کبریا

که متاع است و میکنند شیطان بر نشان سلطنت دارد و جاهتی که منکر است
 آنحضرت اند چون جواب بگویند یکی نگردد میان شما آنحضرت کسی نبود که
 دوست داشته باشد و صلاحین شخصی بود و چنین لری واقع نشد بلکه
 محض برای بوی هر که لذت است و مهمان هر طایفه را داشت روایت کرده است
 باختلاف بسیار چون دروغ کوها فظه نمیدار و چنانکه عیاری و مسلم
 از روایت کرده اند و مهمان داشت و روایت کرده اند که دلالت میکند بر آنکه
 در زمان خود شمشیر بود و بکذب و افترا و اگر کسی خواهد رجوع بآن گفت کند
 چون ذکرش موجب غلو میشود و صدوق ذکر کرده است که جمعی که نمی دانند
 کرده اند و دروغ میگویند باینکه این مرد معروف است و کینت را بوی محمد است
 عبد الله بن عبد الله است و مشهور است بدین و کما و اینها و گفت
 میخواند و سنن و شیعیان از روایت کرده اند و مقبول الطریق است
 و من از اخبار نقل کرده ام در کتابی که مضبوط کرده ام در میان خرمک
 که حضرت سید المرسلین هم بجهت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
 که یا علی غریب جوار خواهی گردی با کسانی که با تو بیعت کنند و فایده بیعت
 نکنند و آنها طایفه و زبیر و عایشه و اصحاب ایشان بودند در جنت جمل
 و قتال خواهی گردی با فاسقان که معاویه و اصحاب او بودند که حق سبحانه
 در شان ایشان فرموده است که همیشه جهنم خواهند و سایر با رفاق
 که آنحضرت هم فرمودند که از دین بیرون خواهند رفت چنانکه تیر از نفس
 تیر و همیشه شیخ ما این ولید میگفت که اول درجه در غلو بیعت است
 از پیغمبر و اگر جایز باشد که در کنیم اخبار بسیار که درین باب وارد شده است
 جایز خواهد بود که در کنیم جمیع اخبار را و در جمیع اخبار سبب طاعت و

ذوالبدین

در حدیث

و مراد خاطر است که آنحضرت رضای آنرا بی جلد نویسم در اثبات همین
 علیه و آله و در بر منکران سهوا آنحضرت و این عبارت محتمل است که کلام صدوق
 باشد یا کلام شیخش این ولید حاصل آنست که صدوق و شیخش مجوز اینها
 کرده اند و مجوز خواب آنحضرت تا نماز قیامت شدن و غیر ایشان از علما
 مجوز نکرده اند و هر دو مطلقا و در خواب مجوز کرده اند و جمعی مجوز نکرده اند
 چون اخبار مستفیضه وارد شده است که خواب و بیداری آنحضرت و شایسته
 آنکه معمومین صلوات الله علیه بکسان بود پس مجوز خواب مجوز
 ترک صلوات است نسبت آنحضرت علی و مسلمانی مجوز نمیکند که آنحضرت
 عذر آنرا بخازن کردند و جواب ایشان اینست که این حالت آنحضرت را آنحضرت
 اقدس آنرا حاصل شده بود پس ممکن است که حق سبحانه و تعالی در مدینه آنحضرت
 سلب کرده باشد و بخواب برفته باشد مانند سایر مردمان از جهت صحت
 و حکمتی که حق سبحانه و تعالی ندانند بآنکه هر چه بی در قریب مجوز است
 آنست که است و مشهور است که خواب را در آنجا واقع شده مجوز است صدوق
 مجوز کرده است از آنها و نامهم بهمان قطعی است که آن ظاهر نیست که
 وقوع این دو معنی نیز قطعی نیست چون اخبار احاد است و معنی قطع نیست
 هر چند سهو و اسباب بسیار واقع شده است ولیکن آنچه ما رسیدیم
 هر چه توان رسید است و بر فقه نیز توان رسید که مجوز بر فقیه باشد
 ما آنکه حدیث معارض نیز دارد و مذکور شد و جمعی که از اهلای مازکیست
 ذکر کرده اند که در دو قطعی تعارض نمیکنند و ظاهر از فقه تعارض نیست
 و در صورت منازعه لفظی است و چون ادله صدوق ظاهر الدلالت نورش
 جواب نشد و شیخ الطائفة بهاء الدین محمد علی و دیگران مکرمین بودند که نسبت

بارج با بود اولی است از نسبت آن معصومین صلوات الله علیه بر جمیع و تقاضای
انکه در سلطانیته در میان سلاطین محمد خدا بنده رحمه الله مدبر است
درین صفت شیخ الفاروق و الواصلین و الفاضلین شیخ صفی الدین محمد بن
کلیج صاحب الاثر المعصومین در حق خود فرمودند و در صفت علایم دیگر علی شیخ
الدین محمد در حق میگویند و در صفت دیگر در حق شیخ بخاری میگویند و باینجه
رسیدند که حضرت سید فرمودند و سلام دادند پس پرسیدند که آیا تا کنون
شد یا فراموش کردید حضرت فرمودند که کل ذلك لم یکن تا آنکه ذوالحجّه
که واقع شد حضرت برخاستند و در رکعت دیگر ایما آوردند تا گویند
گفت که این چه عجب بار داد و لایسوس کردن می باشد در عبارت دوم که در حق شیخ
بیکر الله بخاری میگویند است شیخ گفت کل ذلك لم یکن میباید که بی سبب
و بی غرض باشد و در حق میگویند است آن شاکر و بخیر است و آن را علی گفت عین جواب
شدند تا آنکه شیخ صفی الدین شیخ فرمودند که کل ذلك لم یکن
چنین بود که چون نماز عروج مؤمنان و تقوی مقام شهودت و سلام مقام
دران روز سیر حضرت سید المصلحین هفتاد و دو و مقام حضور رسیدند
کردند و چون هجابه این رتبه نداشتند از ایشان که این معارف از همین حضرت
سید بر خود فرمود و برخاستند و در رکعت دیگر ایما آوردند تا مرمان حکم
بدانند و آن قاری میخواند و باینجه رسیده وقت و همه عجب نمودند و آن
کردند بر حقیقت کلام شیخ پس شیخ چهار اربعین حمد الله فرمودند که الله
حال بهمانها که ما نیست که حق سبحانه و تعالی و ستان خود را قیام نماید و باین
آنچه شیخ را با کلمات و مذاکره میخواند بکلیه فضل دران مجلس و گفت که اینها
مقصودت و این اخبار است و البته شیخ صفی الدین شیخ بنفیه فرموده اند و فرمودند

که شیخ

که ما نمیتوانیم بدان اخبار شیخ میگویم و قریب بدو حدیث جمیع درین بار واقع
و اکو این اخبار شیخ طرح کنیم اما برین فرمودند عرض نمودم که کل ذلك لم یکن
شیخ فرمودند که بگو عرض نمودم که چون اخبار شیخ بسیار از او مدعیان و او
شده است ممکن است که ایشان فرموده باشند و سهواً واقع نشده باشند
و چون سهواً میگویند و بر حضرت استاده و تقیه فرموده باشند شیخ عجب
بسیار فرمودند و همه فضلا که حاضر بودند تحسینا بسیار فرمودند و
شیخ فرمودند که چنان وجه ظاهر بشود و ما باین وادی نرفته بودیم
و بعد از آن عرض نمودم که شیخنا تعظیم از شما و از آنکه شما که هر یک از شما
ذکر کرده اند که قاضیان در و فطی محال است و در تقیه محکمت
تحسین بسیار فرمودند و باین شیخ صفی الدین شیخ فرمودند که اینها
محمول بر تقیه است که اگر آنحضرت سهواً کرده باشد چنان خواهد بود چنانکه در
جمیع این اخبار همیشه مدار بر نیست و الله تبارک و تعالی اعلم و مستأکر
خدا ذیون عظمی انما عبد الله صلوات الله علیه عز وجل فانه شیخ
الصلوات و ذکر عظمی طایع الکفین و جند عظمیها قال قل یحیی بن
یذکر و پسند شیخ منقول است از جواد که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه از شخصی که فوت شده باشد از عاری از نماز
و نماز نکرده باشد برآمدن آفتاب یا فرود آمدن آفتاب حضرت فرمود
که نماز قضا میکند در وقت که بخاطرش سهواً وقت که باشد اگر چه در وقت
ناقل باشد او که هر دو دارد و غیر آن که هست در خصوص نماز قضا و اخبار
صحیح و وارد شده است و در باب خود مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی
صلواته المبیض و المعفی عینه و التوفیق و التوفیق و التوفیق

حیدر

چونکه بران توان کردن حضرت فرمودند که بچش بجانده و تا و را نکند و اگر
مگر آنچه را طاعت داشته باشد با شما برپایه او بنویسند بعد از آنکه از نفسش
ببرد و آنست بیکدن بران اید که بعد از آنکه بماند و بعد از آنکه بماند
و در هر کس که حقش منقوض است از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در
ابداً لکن لا یغنی عنک کما یامر بیکدن خداوند خود را در حالت ایستادن و
و برپایه های خود فرمودند که هیچ نماز مسکند ایستاده و درین فائز
استاده و درین فائز مسکند نشسته و کسی که خوابید و نماز نشسته نتواند
برپایه نماز مسکند و آیه اولی غیرین عنوان فقرش از حضرت حماد و در مسکند
و در وقت دعا حاجت راست بعد از نفسش فرمود است و دعا در غایت
در آنکه احوط آنست که اگر نماز نشسته نماز کردن برپایه ای است بخوابد
و بعد از آن برپایه ای بچوب و بعد از آن برپت خوابیدن و اولیست که ایستاده
دارد که بعد از نفسش بخوابد یا نشسته ایستاده و در هر کس که بعد از نماز
باشد حیثان و در خوابی و ایستاده و در ایستاده و در ایستاده و در ایستاده
بجای خود در استطاعت و عدم آن در هر بنده و اما آنچه مذکور است از
که از دست پیشانی بر سر و در سجده عبدالمؤمنین و از دست و در سجده
جلی و او است که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه از نماز هرگاه که بنویسد ایستادن و سجده کردن حضرت فرمودند که ای
مسکند در سر و اگر پیشانی بر زمین گذارد مجبور است نماز کند و از زمین
ظاهر میشود که اگر بنشیند مجبور است بر سر سجده و در سجده عبدالمؤمنین
و غیر آن و او است که بنویسد ایستادن در سجده و در سجده و در سجده
که سر و بر و واجبیت و آنکه ایستادن در سجده و در سجده و در سجده

۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰

۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰

۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲
 ۴۸۳
 ۴۸۴
 ۴۸۵
 ۴۸۶
 ۴۸۷
 ۴۸۸
 ۴۸۹
 ۴۹۰
 ۴۹۱
 ۴۹۲
 ۴۹۳
 ۴۹۴
 ۴۹۵
 ۴۹۶
 ۴۹۷
 ۴۹۸
 ۴۹۹
 ۵۰۰

بر خاکی است و میداند و لیکن میگوید که علی در غم شیعه سجده بر آن نمیکند
 بلکه بر بالای سنان دستمال میبندد و سجده میکند با آنکه در هیچ سجده
 روایت کرده اند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند
 ما سرورم که سجده کنم بر هفت مخلوق بیشانی و دستها و زانوهای و انگشتان
 پاها و خوردن کتب است ذکر کرده اند که سجود وضع جبهه است بر زمین
 و امثال این خبر را اخبار بسیار قطع نظر از اخبار و خبره که حضرت بر آن
 سجده میفرمودند و خبره را از جهت بیانی میافزاید و گذشت در بحث
 ما سجده التبت علیه مفصلا و این خبر نیز ظاهر میشود که وضع جبهه بر خاک
 یا وضع جبهه بر پیشانی بهتر باشد و واجب نباشد و ممکن است مراد از افضل
 و خوب باشد تقریبی در بر عامه و احوط آنست که همما السکن تر کند
 عمل را این حدیث است و سَأَلَ الْحَبَشِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَنْ يَنْبَغِي
 عَلَيْهِ الصَّلَاةُ إِذَا أَخْبَى عَلَيْهِ فَقَالَ لَا إِلَّا الصَّلَاةُ الَّتِي أَكَاثُ وَ
 بَأْسَانِدٍ حَسَنَةٍ مَقُولَتِ الزَّهْرِيُّ كَقَوْلِهِ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَنْهُ
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بِشَيْءٍ يَنْبَغِي عَلَيْهِمْ أَنْ يَنْزِلُوا
 وَتَحَالَاتُ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ بَأْسَانِدٍ حَسَنَةٍ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَنْهُ
 نَزَلَ فِي حَضْرَتِ فَرُودَنْدِ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ بَأْسَانِدٍ حَسَنَةٍ وَرَوَيْتُ عَنْ
 وَكَتَبَ أَبُو بَكْرٍ بْنُ دُرَّاجٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ النَّوَائِبِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَنْهُ قَاتِلَهُ مِنَ الْهَكَوَةِ أَوْ لَا تَكُنْ
 لَا يَقْبَلُ الْعَرَضُ وَلَا يَقْبَلُ الْفَكَوَةُ وَبَأْسَانِدٍ حَسَنَةٍ مَقُولَتِ الزَّهْرِيُّ
 كَقَوْلِهِ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ بَأْسَانِدٍ حَسَنَةٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 سَأَلَ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ بَأْسَانِدٍ حَسَنَةٍ بَأْسَانِدٍ حَسَنَةٍ بَأْسَانِدٍ حَسَنَةٍ

که از فوت

که از فوت شده است یا نه حضرت نوشته اند که قضا میکند و زود را قضا
 نمیکند نماز را و آن نماز که وقت نماز در پاچه است در آنجا که سجده نیست
 قضا میکند یعنی بجای آمدن در وقت و اگر قضا کرده باشد قضا میکند پس نماز
 نذر و باطل نیست باین وجهی اخبار دیگر که وارد شده است طلاق امریست
 برین مثل علی بن مریر و حقیقه ابویوب و کا لیحیی و غیره و حقیقه
 حقیق و غیر اینها از اخبار بسیار و که وارد شده است که حقیق علیه السلام
 هیچ نمازی را چون در حدیث صحیحی بسیار وارد شده است که حقیق علیه
 قضا نمیکند هیچ نمازی که وقت نماز در پاچه باشد و سَأَلَ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَنْ مَنْ يَنْبَغِي
 عَلَيْهِ الْمَسْئَلَةُ فَقَالَ لَا يَقْبَلُ الْعَرَضُ وَالصَّلَاةُ وَكُلُّ مَا عَنِ اللَّهِ
 عَلَيْهِ قَاتِلَهُ أَوْ لَا بِالْعَدَمِ وَبَأْسَانِدٍ حَسَنَةٍ مَقُولَتِ الزَّهْرِيُّ
 حَضْرَتِ سَأَلَ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ بَأْسَانِدٍ حَسَنَةٍ مَقُولَتِ الزَّهْرِيُّ
 نماز را و هر چیز که حق بجهان و قضا نمیکند و در آن بی اختیار کرده باشد
 پس و نیست قبول عذر آن بیده یعنی هرگاه مخلوق بر مخلوق اگر او کند
 و از سجده بردارد بجز چیزی حق بجهان و قضا آن مکرر را بعد و هر چه در کار
 خود را و مکرر ساخته باشد البته عذر او را میبرد و همین مضمون در کتاب
 صحیح و معنی بسیار وارد شده است قَاتِلَهُ الْأَخْبَارُ الْخَيْرُ وَرَوَيْتُ عَنْ أَبِي
 أَنَّهُ يَقْبَلُ شَيْءٌ مَا قَاتِلَهُ وَنَازِلِي أَنَّهُ يَقْبَلُ صَلَاةَ شَرِّهِ وَنَازِلِي أَنَّهُ
 يَقْبَلُ صَلَاةَ نَفْسِهِ أَيَّامَ فِيهِ حَيَّةٌ وَكَذَلِكَ عَلَى الْأَسْبَابِ لَا عَلَى الْبُحَا
 وَالْأَصْلَ أَنَّهُ لَا قَضَاءَ عَلَيْهِ وَا بَأْسَانِدٍ حَسَنَةٍ مَقُولَتِ الزَّهْرِيُّ
 میکند جمیع نمازهای را که از فوت شده است و آنچه مرویست که او قضا
 میکند نماز یکی را و آنچه مرویست که قضا میکند نماز سه روز را صحیح است

و لیکن محولت بر استیفاء به موجب و اصل آنست که برو قضایست چنانچه
متواتر و آورده شده است بآنکه برو قضایست مگر آن قاضی که وقتش در نماز
باشد اما آنچه آورده شده است که هر نمازها را قضای میکند منقولست در
منصور و صحیح و دفعه و صحیح و حدیث مسلم و صحیح ابن شهاب و غیر
اینها اما اخبار اینها بسیار و اما قضای یکایه پس در حدیث صحیح از زید بن
شعوبست که گفت سئوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه از کسی که پیشویش شده باشد یکجا چه مقدار از نمازها را قضای میکند حضرت
فرمودند که هر روز قضای میکند امرها از پیش رو است و ترشاق عظیم آنحضرت
و ظاهر این خبر داده کل است نه یکجا مگر آنکه خبر دیگر بصورتی رسیده
و اما قضای سه روز منقولست در مصنفه جامعه و حکم صدوق و غیر آن
موافق اصطلاح قدماست و در حدیث صحیح و اوراست که در روز قضای
میکند پیشوایان اخبار این غویبها بداند که منقولست مؤلف که نماز کرده
قضای کند و بعد از آن در فضیلت نماز سه روز است و بعد از آن یکجا و بعد
از آن هر یک یکسال باشد که شعور را داشته باشد تا اگر بخواهد شده باشد
و بعد از آن عاقل شود قضای آن خانه که نکرده است تا در حالت جنون
کرده است شست و شست و الله یعلم و روی محمد بن مسلم علیه السلام جعفر صلوات
الله علیه و آله قال ما کما یطهر الغالب یوقضه و یجوز علی صلواته
و باستانی است که مؤلفه کا صحیح منقولست از زید بن جابر امام زید
صلوات الله علیه که فرمودند که هرگاه کسی ایستاده باشد که در نماز
علیه کند و بید و وضو میسازد و الا بخوابد یا بنهد و بعضی حق ساخته اند
بآن کسی که بسبب ضعف معده یا از وجع اسهال و چون آنرا بزمطون میگویند

در حدیث

و بعضی حکم بطلانست و محل آورده اند این حدیث را بر کسی که زمانی نداشته باشد
که در آن زمان از حدیث نیاید که اگر چنین دفعی داشته باشد نماز او باطلست
خواهد کرد و قال مراد من حکم الا در وقت قضای آنکه اگر نماز آنوقت
قضای آنکه لا یقضی الله صلوات الله علیه فقال لیست علیک قضاء
آن المریض لیست کا صحیح علی غلبه الله علیه قاله آلی یا بعد و لیست
حسن کا صحیح منقولست از زید بن جابر امام زید صلوات الله علیه که فرمودند
در بیماری ترک نماز کردی است بآنکه در وقت نماز فرمودم این معنی بحضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه پس حضرت فرمودند که برو قضایست بدین معنی که
بما وصل صحیح نیست و هیچ را حق بخانه و نماز بر اینکس و او نماز از نمازها
و بلاها پس او اولیت بقبول عذر آن بنده و مثل این خبر است صحیح عیص
الاحضرت صلوات الله علیه که فرمودند که قضای میکند و اگر قضای کند که منقولست
و تصدیق بهر است بخانه اگر در صحیح عبدالله بن مسعود در آخر کتاب صلوات
خواهد کند و در حسن کا صحیح از محمد بن مسلم منقولست که گفت آنحضرت صلوات
علیه فرمود که شخصی نماز کند و نافله نکرده حضرت فرمودند ای محب نماز را
نیست که قضای کند خبر نیست که بجای آورد و اگر قضای کند برو چه چیزی نیست
و در حدیث صحیح و اوراست از حضرت صلوات الله علیه که چون بنده قضای
نافله را حق بخانه و نماز میسازد بآن بنده با فرشتگان و سفیر باید
ای فرشتگان من بنده من قضای کند چیز را که برو واجب کرده ایم و در حدیث
صحیح از عیص منقولست که گفت سئوال کردم از آنحضرت که شخصی یکسال یا بیشتر آن
نماز نافله نکرده است حضرت فرمودند که قضای میکند و در حدیث کا صحیح منقولست
از زید بن جابر که گفت آنحضرت صلوات الله علیه سئوال کردم باینکه تا در وقت نماز

فرمودند که حق سبحانه و تعالی بر سرینده آورد و اولی است بقبول علیه و ظاهر
 غیر آنست که بواسطه عرض ترشد ناله میتوان کرد و ممکنست که اعجاز ناله
 و نیتیه باشد و مراد این باشد که اگر نتوان ناله ایستاده نشسته بجا آورد و همچنان
 تا جمیع مراتب علم و حد و است و غرض مقبولست و در حدیث موثق کاظمی
 از سید مرتضی نقلست که بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه عرض نمودم که آیا
 نشسته میکند فرمودند که تا بر سر نهام و رویه شده ام مانهای نافذ را
 همه نشسته میکنم در حدیث دیگر از حضرت صلوات الله علیه نقلست که
 پیادایا بایستاده یعنی با تقدیر کعبه و سجود و سجده و کعبه و کعبه و کعبه و کعبه
 بن جعفر صلوات الله علیه که این المیزان را بنویسد که آن بستاندالی حاکم
 المیزان و هو یسکی و یضع یدیه علی الخایط و هو قائم بین غیرین و لا
 غلبه فقال لا بأس و بالمانند بحضرت منقولست از علی که گفت سوال کردم از زید
 حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از شخصی که نماز کند یا ناکند بر روی
 میتوان کرد یا دست بر دیوار سجد میتواند کرد یا نه در وقتی که ایستاده است
 بی مرضی و بی علقی حضرت فرمودند که باکی نیست و سوال کردم و سوال کردم
 که در نماز واجب باشد و در روی کعبه و کعبه و کعبه و کعبه و کعبه و کعبه و کعبه
 سجد میتواند کرد یا نه گفت که مذهب او باشد در برخواستن بی ضعفی و سجدتی
 که باکی نیست و قریب باین است مؤذنه عبد الله بن بکر و سعید بن بسیار
 از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و سجود نکردن بر عضا و دیوار
 در حالت نماز و اگر علی اصل کرده اند این اخبار را بر یکدیگر کردن که اگر کسی را بگوید
 و مستثنی نیست چون در بعضی از مسان از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
 منقولست که فرمودند نیکه مکن بر دیوار و در نعت و امثال آن در حالت سجده

گذاشته

مکان

مکررند باغی و تقی المیزان حلایین و ایتا حل بر کاهت کرده است و عملی
 سابقه کرده است و ظاهر پیشوند که صدوق نیز چنین کرده باشد و این قول
 قوی است و آنچه احوط عمل بشهر است و الله اعلم و قال حماد بن عثمان قال
 لا یحب صلوات الله علیه قد استثنی علی الغیام فی الصلوة فقال اذا
 اذنت ان تدرك صلوة الغایم فاقرأه فاتت جالیس فاذا بقی من الصلوة
 و ایتان فقم و اقم ما بقی و ارفع و اتخذ فلانک صلوة الغایم و بالمانند بحضرت
 منقولست از حماد که گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 علیه السلام و شوالست برین ایستادن در نماز حضرت فرمودند که هرگاه خواهی که نماز
 نماز ایستاده داشته باشی پس بفرموده نشسته بخوان بر چون دوایه از تو
 مانده باشد بر غیر و سوره یا تمام کن و بر کعبه رو و سجود در که از غایت ایستاده
 چون قیام بپوش از کعبه و گفت و آنرا ایستاده کرده است هر اشد که نماز ایستاده
 کرده است و همین عنوان بپسندید از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله
 علیه منقولست و قریب باینست صحیح ابان از زید از حضرت امام محمد باقر
 صلوات الله علیه و اگر احباب حمل کرده اند این احادیث را بر ناله و ممکنست
 تعیین آن چنانکه شامل فرموده باشد هرگاه چه با ضعیف یا بجا باشد و نتواند که
 همه نماز را ایستاده بجا آورد و همه اصحاب باین حمل کرده اند و سنا آن حمل بر
 النسخ ابو الحسن الاول صلوات الله علیه عن ابی جعفر علیه السلام انک اذا
 و لم یکن به علة فسر از حضرت صادق علیه السلام لا بأس به و در حسن کالقی منقولست
 از حضرت زید که گفت سوال کردم از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیه که اگر
 که نماز ناله نشسته کند بی علقی در سفر یا حضر حضرت فرمودند که باکی نیست
 و حدیث سدید بر وجهی نیز بخوان گفتند و لیکن با علقه پیری و قال ابو بصیر

قَالَ لَا يَجْعَلُ صَلَاتُكَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَنَا شَيْءٌ دَقُّوهُ مِنْ صَلَاتِكَ وَهُوَ جَاءَ
 مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ كَأَنَّهُ صَلَاتُهُ رَأَيْتُمْ بِرُكْعَةٍ وَجَعَلْتُمْ سَجْدَةً فَقَالَ
 قَسْرٌ هَذَا فِي تَأْتِيهِ لَكُمْ وَدَرْوَنَ ابْرُصِي مَقُولَتِ كَلِمَتِ عَرَضِي
 جَعَلْتَ أَمَامَ خِدْمَةِ قَرْنٍ كَمَا حُدِّثَ سَيِّدُهُ أَمْتُ وَجَعَلْتَ احْتِقَادِي كَمَا هُوَ
 خَارِجُ نَفْسَةٍ كُنْتُ فِي عِلْقَةٍ وَرُكُوعٍ لَا يَكْرِيحُ حَسَابِي كُنْتُ وَدَرْوَنَ
 بِيَاكُ سَجْدَتِي بِكُلِّ رُكْعَةٍ حَسُوبٌ بَأْسُ حَضْرَتِ فَرُودَنُ كَلِمَتِ بَرِيَّتِ
 بَلَكَمَا قَامَ حَسُوبُ نَفْسَةٍ بَعِي نَفْسَةٍ خَائِبِي أَيْتَانَهُ حَسُوبُ دَقِّ
 انْتِخَابِ شُعْبَانِ أَمَّهُ مَعْصُومِيْنِ أَمْتُ وَاحْتِقَادِي أَرَادَ كَمَا هُوَ شَائِبِي وَ
 ضَعِيفَانِ بَأْسُ دَرْوَنَ اذْهَلَهُ مَرْوِي بَأْسُ كَرِيحَةٍ دَرْوَنَ كَلِمَتِ حَسَا
 كَرُونِ بَعِي أَيْتَانَهُ مَقُولَتِ دَرْوَنَ كَلِمَتِ كَالِخِيَارِ نَحْنُ صِفَلُ كَلِمَتِ
 حَضْرَتِ أَمَامِ جَعْفَرِ صَادِقِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَرُودَنُ كَلِمَتِ هَوَاةٍ خَفِي غَاةٍ
 كُنْتُ بَلَقَدَرَتِ بِلَايَتِ أَدْنَى هَرِيكُ دَقْتُ دَرْوَنَ كَلِمَتِ بَلَدِي وَكَأَلِخِي
 أَنْتِخَابِ رَسْمِ مَقُولَتِ كَلِمَتِ سَوَالِ كَرُونِ أَنْتِخَابِ رَسْمِ أَنْتِخَابِ كَلِمَتِ
 دَانِشَةٍ بَأْسُ غَارِ نَفَاةٍ رَأْفَتِ كَلِمَتِ حَضْرَتِ فَرُودَنُ كَلِمَتِ
 بَلَدِي كَلِمَتِ حَسَابِ كَلِمَتِ دَرْوَنَ كَلِمَتِ خَرَانِ بَلَدِي عَنْ أَحَدِهَا صَلَوَاتِ
 عَلَيْهِ فَاذْكَ كَلِمَتِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ إِذَا صَلَّيْتَ جَالِسًا تَرْتَعِبُ فَاذْكَ كَلِمَتِ
 رُجُلِي وَشَيْخِ بَسْمِ دَرْوَنَ كَلِمَتِ أَنْتِخَابِ أَنْتِخَابِ أَمَامِ جَعْفَرِ
 صَادِقِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ كَلِمَتِ فَرُودَنُ كَلِمَتِ سَبْدَا لَسَا جَرُونِ بِلَايَتِ
 أَنْتِخَابِ رَسْمِ وَتَقِي كَلِمَتِ نَفْسَةٍ نَاخِبِ كَرُونِ تَرْتَعِبُ يَنْفَتَنُ وَجُونِ بَلَدِي
 كَلِمَتِ كَلِمَتِ بَاهَايِ فَرُودَنَ وَرُكُوعٍ أَنْتِخَابِ كَلِمَتِ أَنْتِخَابِ بِلَايَتِ
 وَكَلِمَتِ بَاهَايِ نَفْسَةٍ كَلِمَتِ بَرِيَّتِ بَأْسُ دَرْوَنَ اذْهَلَهُ بِلَايَتِ كَلِمَتِ بَاهَايِ

امام محمد باقر صلوات الله عليه و آله

نقد

سازیدین باشد و زانوها بر زمین باشد و زور بر شکم باها داشته باشد و
 یک شود که در حالت رکوع ایستاده یک می شود و ایضا و با اعتقاد که سرش بخانه
 زانو ها شود و این نحو بر سبیل احتیاط است چون اخبار بسیار و آورده شده
 که هر کس که خواهد بنشیند و این احتیاط شامل آن ذات و فرموده است
 با علم و روی معویه بن میسره که سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَاتُكَ صَلَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ
 أَصْلِي الْبَيْتِ وَهُوَ جَالِسٌ تَرْتَعِبُ وَبَسُوطُ الْمِثْلَيْنِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِكَ إِلَّا
 وَبَسْمِ حَسْبُ مَقُولَتِ دَرْوَنَ سَلَسَةٍ كَلِمَتِ وَبَسْمِ فَرُودَنُ است که او سَلَسَةٍ
 کرد از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که یا غار بنشیند و اگر
 کرد و بنشیند که چهار بار از بنشیند باشد یا سه یا هر چه می توان که سابق
 گذشت و یا باها را در رکعت حضرت فرمودند که یا کَلِمَتِ کَرِيحَةٍ چهار بار
 بنشین که اَهْتِ دارد ولیکن بعضی اخبار وارد شده است که چهار بار
 سه بار و آنست که چهار بار بنشیند و یک بار بدارد و بعد از آن زانو
 بگذارد و این نفسان متکبر است اگر چه مکنت که این نوع کراهت بیشتر
 باشد و قَالَ لَصَادِقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الْكَلِمَةِ فِي الْحَالِ صَلَاتُكَ صَلَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ
 وَتَعْدُدُ الْكَلِمَاتِ كَيْفَ مَا تَسْكُنُكَ وَبَأْسُ حَسْبُ مَقُولَتِ دَرْوَنَ
 سه در نماز هر کجا که و اخبار آن که که فرمودند که چهار بار نماز گذار و یا دراز
 کرده و هر کس که مکنت باشد و اشعاری دارد که باشد در بنشین
 چنین نماز می توان کرد و ظاهر آنست که اینست زیرا که صحاح وارد شده است
 در اخبار صحیح که نماز را در رکعت می توان کرد و هیچ از دو اخبار صحیح
 وارد شده که نماز را در رکعت می توان کرد و در راه می توان کرد و هر چه در
 سوره می توان کرد و در رکعت می توان کرد و در رکعت می توان کرد و در رکعت می توان کرد

سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که خون
 از بینی او آید و بند نشود تا وقت نماز داخل شود و حضرت فرمودند که چیزی
 از پیشه و اشغال آن بینی پاره میکند و نماز میکند و نماز را طول میدهد که
 ترسد که خون روان شود و حضرت فرمودند که اگر نماز را واجب بشود
 خارج شدن از آن دور از قبله بگردان نماز را اعاده کن اگر انقضاء
 فاحش باشد یعنی روکنه به پشت قبله یا بیهوش بگرد و الله تعالی اعلم
 و مثل این حدیث است در عارف و حدیث موقوف سماعه از حضرت صلوات
 علیه و دو نفر از ائمه صلوات الله علیه آنکه آنکه آنکه
 غیر الحلی بیعت زوال المشرق ید هب اللیل قال یوئی بها
 بر آید عزت صلوات الله علیه صدوق است و حدیث ثقه ذکر کرده است
 و ظاهر این کتاب و بر راسخ است و اگر اوقات نماز را بگذرانند
 بن مسکن روایت میکند و طریقی بعد از آنکه جمیع اوقات نماز را بگذرانند
 که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که
 خون از بینی او روان شود و از پیشه و بند نشود تا آنکه بترسد
 فرمودند که ایضا میکند برش از پیشه رکوع و سجود در هر نماز تا آنکه شود
 و در حدیث حسن کاظمی از حلی منقول است که گفت سوال کردم از حضرت
 جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که خون از بینی او آید و بند نشود
 تا وقت نماز داخل شود و حضرت فرمودند که چیزی از پیشه و اشغال آن بینی
 پاره میکند و نماز میکند و نماز را طول میدهد که ترسد که خون روان شود
 و حضرت فرمودند که اگر نماز را واجب بشود خارج شدن از آن دور از قبله
 بگردان نماز را اعاده کن اگر انقضاء فاحش باشد یعنی روکنه به پشت قبله

از حدیث

بگرد و الله تعالی اعلم و مثل این حدیث است در عارف حدیث موقوف سماعه
 صلوات الله علیه و دو نفر از ائمه صلوات الله علیه آنکه آنکه آنکه
 بیعت زوال المشرق ید هب اللیل قال یوئی بها
 بر آید عزت صلوات الله علیه صدوق است و حدیث ثقه ذکر کرده است
 و ظاهر این کتاب و بر راسخ است و اگر اوقات نماز را بگذرانند
 بن مسکن روایت میکند و طریقی بعد از آنکه جمیع اوقات نماز را بگذرانند
 که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که
 خون از بینی او روان شود و از پیشه و بند نشود تا آنکه بترسد
 فرمودند که ایضا میکند برش از پیشه رکوع و سجود در هر نماز تا آنکه شود
 و در حدیث حسن کاظمی از حلی منقول است که گفت سوال کردم از حضرت
 جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که خون از بینی او آید و بند نشود
 تا وقت نماز داخل شود و حضرت فرمودند که چیزی از پیشه و اشغال آن بینی
 پاره میکند و نماز میکند و نماز را طول میدهد که ترسد که خون روان شود
 و حضرت فرمودند که اگر نماز را واجب بشود خارج شدن از آن دور از قبله
 بگردان نماز را اعاده کن اگر انقضاء فاحش باشد یعنی روکنه به پشت قبله

کند و هنوز اعاده

در خانه حضرت میبودند که اگر کسی میخواست در میان راست یا چپا و در میان
 رو بفرستد آنرا که خود را نماز تمام کند و اگر نماز را بهیچان رسد تا در آنجا
 بگردد اند یا بعضی گویند پس عازش باطل است و در صحیح از ابن وهب و بعضی
 که گفت آنحضرت صلوات الله علیه شوال کردم از عارفی که آیا
 وضو را حضرت فرمودند که اگر شخصی در آنجا نماز عارف خود را فرمود
 او باشد یا کسی باشد که در آنجا که آنرا بگوید و یا در بشوید و بنا
 نماز در میان نماز و قطع نکند نماز در حین کا لفتحی نام عمل نشود
 که گفت آنحضرت صلوات الله علیه سوال کردم از شخصی که در خانه
 جماعت باشد و نماز واجب و در عارف سر کند حضرت فرمودند که
 بیرون میروید پس اگر بعضی از آنکه سخن کند بی بیاید لاله خون کند
 و بنا بر آنکه اگر در نماز است و سخن کند که وارد شده است که در عارفی که
 نماز را محو و نیست بر عارفی که مستلزم استند باریا فعل کثیری شود که او
 نماز گذاردند و نگویند یا سخن کند و همچنین محسن علی بن جعفر که گفت
 سوال کردم از پدرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از شخصی
 که در نماز باشد و کسی چیزی بر سرش بزند و خویشتن شود پس روا نشود و
 بشوید و سخن کند تا ایمان سجد بر کرد و آیا اعتدالی بر آن نماز میکند
 که بنا نهاد یا نماز را از سر بگیرد حضرت فرمودند که از سر بگیرد حضرت
 فرمودند که از سر بگیرد و بنا نمی بگذرد که نشسته چون غایب و قانع
 که نیست و ظاهر حدیث نیز استماعی دارد بر آنکه از آن قبله و ازین جهت
 ظاهر شد که کلام عمل را مطلقا نماند و در آنجا خواهد آمد و کمال که آنست
 آنچه از آنست و آنکه عارفی که در آنجا که آنست و آنکه عارفی که در آنجا که آنست

آنکه عارفی که در آنجا که آنست

و آنرا فی الصلوة قال لهم وان كان بينك وبين صلواتك الله و قال
 اذا صلى لغير الله فانه كان في وقت فليعد وان كان قد مضى وقت
 فلا يعيد و پسندیدند و گفتند از این بصری که گفت آنحضرت صلوات الله
 علیه عرض کردم که من میفهمم که کسی عطسه میکند و من حدیثی که در آنجا
 و نماز را و صلوات را بر سجده و آنرا و میفرستم و در نماز حضرت فرمودند که بی
 خربست و نیست عا طوس کن و اگر چه فاصله میان تو و او را باشد
 چون از حقوق و من گفت که چون او عطسه کند بسمیت و کند بکفایت
 با حق و صلوات و در یک حضرت فرمودند که هرگاه او عطسه کند یا از کرده باشد و بعد
 ظاهر شود که در دفعه قبله کرده است پس که وقت باقی باشد نماز را اعاده کند و اگر
 وقت بیرون رفته باشد اعاده نمیکند نماز را و اگر در وقت بیفهمم بسیار
 وارد شد است و صاحب بآن عمل کرده اند و همچنین اگر خود نیز عطسه کند
 حد میکند حق سبحانه و تعالی در نماز آنکه دلالت میکند بر آن حدیثی که
 در آنجا و اگر در وقت نماز و وارد شده است در آنجا که آنحضرت فرمودند
 آنست که چون عطسه کند و را نیت کند و پسین و پیشین هر دو آمده
 و در حین کا لفتحی و ادانست که چون کسی عطسه کند گوید الحمد لله رب العالمین
 و صلوات الله علی محمد و آهل بیت و حضرت امام جعفر باقی گفتند بعد از عطسه
 بسم الله حضرت فرمودند که بفرموده الله که اگر در نماز و چون کسی نیت آنحضرت
 عطسه میکرد حضرت فرمودند که بسم الله تاسع عطسه را نیت میکند
 که در دنیا و در کار نیست و از حضرت امام جعفر رضا در آنست که هرگاه
 عطسه کند و دست خود را در آنجا بپوشد و بگوید الحمد لله رب العالمین
 که نماز او باطل است و صلوات الله علی محمد و آهل بیت و سلم و در آنجا که چپ چپ و مرغی

که در بیابان پشت کردن آنست که در بیابان پشت کردن که به پشت سر و به پشت سر
و عادی پشت خود را که این فریاد است و اگر فریاد را از آنکه گفت و ظاهر است
که چیزی خبر می کند عادی آن معصومین صلوات الله علیه بیان حکم آن
میکنند و بعد که اطمینان است که سالک و شایسته که بعد از تدبیر و در خواست خلافت
عالم است و الله اعلم و سأل عبد الرحمن بن الحجاج أبا الحسن صلوات الله
عليه عن الغيبة حيث الرجل في غيبته وهو يستطیع ان یغیبه علیه
أبشیر علی ثلاثا محال له ان لا یقبل فقال ابن الحجاج الغيبة و لم یجبت
الحجاج الا عن الصلوة فلیصل و یصبر و در حین نماز بعد از آنکه
که گفت سوال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از غیبت که او
نابند و میتوانند که بیان بکنند و بعد از آنکه یا باین حال غایب بکنند یا
ناتوان بکنند چون خافست حضرت فرمودند که اگر صبر کنید و سبب غیبت شما
کردن نباشد مسلماً به که غایب نماند و صبر کنید بحسب غیبت که است و میباید که
اگر سبب غیبت بشود و از حضور قلب باز نماند قطع غایب نمیشود که در احتمال الله
است که با یا حدیث دیگر واقع کند و وضو بپوشد و نماز کند در حضور قلب
چون دلالت غیبت می باشد و احوط آنست که این غایب باین حال نماز
کند و احتیاطاً نمازی دیگر بکند با حضور قلب و توجه تام و بعد از آنکه قبل
صلوات به پشت بپوشد و در حضور و داخل نماز را و سایر احادیث جهان را که
و السلام از حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه و الله منقول است که فرمودند
که غایب نمکن در حالی که یا بی درخورد چیزی زیاده و غایب را از حضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که قطع نمیکند نماز را مگر در غایت
صلاتی که آنست که باشد بپوشد و نماز کند و بپوشد با آنکه پیش از نماز

حدیث کام

و کذا

و اگر نماز حاصل شود پیش از آنکه با درخورد آن با حدیث صحیح نماز بکنند یا اینها
واقع نمایند و بعد از آن نماز را سرگردان یا با غیبت و چون این احتمال است
استدلال باین حدیث عقیقین کرد و قال الصادق صلوات الله علیه
لا یقطع الصلوة و یقطعها الفقیه و لا یقطع الصلوة و لا یقطعها الفقیه و لا یقطعها
سوفی انما عه منقول است که گفت از حضرت سوال کردم از غیبتیدن آن
قطع میکند نماز را حضرت فرمودند که اما بستم که صدای داشته باشد نماز
قطع نمیکند و فقیهه که با صدایت قطع میکند نماز را و در حین نماز
نماز و منقول است که حضرت امام جعفر صادق فرمودند که فقیهه و در
تمیز کنند و غایب نمیشوند و در حین نماز بپوشد و منقول است از آنکه
از آن حضرت شنیدند که فرمودند که بستم در نماز وضو نمیشوند قطع
نماز نمیکند مگر بخند که فقیهه داشته باشد و در وقت فقیهه خند
میکنند که صد بگرشور بخند که ظاهر لفظ قد نه است یا خند و خند
میکنند و علی حال لازم دارد که صدای داشته باشد و چون بعضی از
عامة فقیهه را ناقص و غیری مانند بعضی فرمودند بعد از بعضی
التیم علی المصلی سأل الخليل بن مسلم أبا حنيفة صلوات الله علیه عن رجل
یسلم علی القوم فی الغیبة فقال إذا سلم علیک سلموا و أنت فی
الصلوة فسلم علیه نقول السلام علیک و علی آبائک و علی من یحبک و قال الخليل
انما یجوز ان یسلموا و الله اعلم و الله منقول است که فرمودند
در نماز پس از آنکه فرمودند که هرگاه مسلمانی سلام کند بر تو و تو در نماز باشی
توسلام کن بر او و میگوید السلام علیک یعنی چنانچه سلامتی را از آنجا که تو

و با گفتن ان شاء الله که بفرمود که جواب سلام و داده یعنی آهسته جدا
 بده و مثل آنچه گفته است جواب داده و لهذا گفت که جواب ده بلکه
 تو سلام کن برو و آنچه او داده است جواب آهسته ظاهر است یعنی
 یا اتفاقا و او شده است چون جواب عامه جواب سلام با دو تمان یا بر صید
 و می گفته اند که با اشاره جواب دهد پس چون خوف ضرر است جانی
 که نفیته باشد آهسته جواب دهد و اشاره کند اگر نفیته باشد جواب
 بگوید بخوبی که او بشنود چنانکه در صحیح و ترمذین مسلم و تواتر است که در خط
 شد بر حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه و آنحضرت دعا را بود گفت
 السلام علیه که حضرت فرمودند که السلام علیه که تفرقه حال دارد
 جواب نداد چون حضرت از نماز فارغ شدند عرض کردم که تو سلام در
 میا بود گفت حضرت فرمودند که بل مثل آنچه با و گفته اند و در وقت
 کا بعظم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که اگر
 سوال کردند از کسی که در نماز و سلام کند حضرت فرمودند که در می کند
 سلام علیه و میگوید علیه السلام بفرمود که حضرت رسول خدا صلی الله
 و آله ایستاده بودند و نماز میکرد و عمار بن یاسر بران حضرت گفت و بر
 سلام کرد حضرت چنین جواب دادند و سَأَلَ عَمَّا زَالَاتُ أَيُّهَا النَّبِيُّ أَمَا عَلِمْتَ
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِكَ وَ عَلَى الْمُصَلِّينَ فَقَالَ لَا نَسْتَكْمِلُ عَلَيْكَ رَحْمَةً
 مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ قَرَّةٌ عَلَى قَلْبِهِ فَمَا يَنْتَكَ وَ يَنْتَكَ هَيْكَلٌ
 وَ لَا تَرْتَقِ صَوْتُكَ وَ دُرُودُ نَفْسِهِ مَنْقُولٌ است که گفت سوال کردم از
 امام جعفر صادق صلوات الله علیه از سلام کردن بر نماز کننده حضرت

فرمودند

فرمودند که هرگاه شخصی از مسلمانان بر تو سلام کند و تو در نماز باشی
 تو در سلام او کن آهسته که خود بپوشی و آواز را بلند مکن و این
 نیز محمول بر نفیته یا اتفاقا چنانکه گذشت و زودی عَنِهُ مَقْصُورٌ
 جَابِزٌ أَنْ يَقَالَ إِذَا سَلَّمَ عَلَى الْكَلْبِ وَهُوَ لَيْسَ بِكَ وَ عَنِهِ خَوِيفٌ كَأَنَّكَ
 وَ بَسْمَلٌ حَسَنٌ كَالْحَيِّ وَ حَيٌّ مَنْقُولٌ است منقول است که حضرت امام جعفر
 فرمودند که هرگاه شخصی سلام کند بر روی که او نماز کند جواب سلام او را بگو
 چنانکه او سلام کرده است آهسته و عبارت شیخ چنین است که هرگاه شخصی
 بر تو سلام کند یا قَالَ أَوْ جَعَلَ لَكَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَلَامًا عَلَى رَأْسِهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَرَدَّ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَوْ جَعَلَ لَكَ اللَّهُ
 السَّلَامُ إِنَّ السَّلَامَ أَيْمَنُ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْقُولٌ است از حضرت امام
 باقر صلوات الله علیه که عمار بن یاسر سلام کرد بر حضرت سید المرسلین
 علیه و آله و آنحضرت در نماز بودند پس حضرت از سلام کردن بر او پرسید
 فرمودند که سلام اسلمت را اسماء و حق سبحانه و تعالی حاصل حدیث است که
 چون عامه قایل به مستحق جواب سلام با آنکه از عهد الله این مسعود را
 کرده اند که گفت ما سلام میکردیم بر حضرت سید المرسلین و آنحضرت عجل
 سلام ما میداد حضرت اولا استدلایل فعل حضرت فرمودند که فعل حضرت
 محبت و عامه گفته اند که سلام کلام آدمیت و در کلام آبی نمی باشد
 حضرت جواب فرمودند که سلام از اسماء الهیست و درین عبارت دعا
 و دعا جایز است با جمیع پس بنا بر آنکه اسم باشد حق آن چنین میشود که
 خدای تعالی رحمت و ولطف و شامل حال ما را و معقول بطن است و طهران است
 آقا است چنانکه گذشت و اگر سلام بلفظ غیر صحیح گوید یا عبارات غیر سلام

بموردی و بعضی از آن و بجزی صالحه بکند و دست خود را در جاک یا بر دیوار
 و اگر صالحه یا ناجی کند دست خود را بشوید اگر بر طوبی باشد بر سبیل و
 و اگر بر پوست باشد بر سبیل استجاب و احوط آنست که در زمین نیندازد
 بکند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه نقله
 که جواب کتابت واجبست مثل جواب سلام و هر که او را در مسکن اسلام
 او را می ستجدد و رسول یعنی رحمتی و شایسته است بنا بر صلوات الله
 یا با طاعت خدا و رسول او را است چون فرمان ایشان برده است
 در استیلا که در اسلام و چون کتابت نودین است از خدا کنند بدین الله
 الرحمن الرحیم و چون قلم کند و تر باشد خاک بر آن بیاید و هر چه
 و عدد در آن باشد میباید که بعد از آن انشاء الله بگوید و اگر نویسد
 الله بگوید و که غلبه نام الهی در آن باشد درست و یا نیت دارند و نیت
 و اسم الله با ب دهن پالت کنند المصلی عرض که السلام
 و المصلی هم میگوید این بابیت در بیان آنکه کسی از کند و در نیت یا
 گفته و بگوید و آنرا بکند و ظاهر اسمی است و سبیل است چون
 سبیل در بیابان ذکر کرده است سأل الحسن بن علی العلاء ابا جعفر
 صلوات الله علیه عن الرجل یروی الحیثه و العقیق و هو یصلی قال
 یقال لهما و کا لهما و در صحیح انحصار و او مدوح است منقولست
 گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه آن
 که ما را با عقیق یا بینه و در نماز باشد حضرت فرمودند که میتوان گفت شایسته
 هر دو و سأل الحسن بن علی ابا جعفر صلوات الله علیه عن الرجل
 یروی الحیثه و هو یصلی قال یقال لهما عقیق انشاء الله یا بینه

الحیثه
 و هو یصلی

صحیح و کا لهما منقولست که سأل اکر و محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر
 صلوات الله علیه از شخصی که او را دهد و از لایک و شیش و کینه و اینها را
 اینها را نکند حضرت فرمودند که اگر خواهدی از آنرا و در بعضی از اینها را
 که ام باشد بقیه سلام و ظاهر اسمی است و سبیل است چون فرمان ایشان برده است
 آنرا در مسکن و در دین قرینه آنست که ملدا و دایه منقولست و من
 میباید آنست خبر صحیح ابان از ابن مسلم که گفت حضرت امام محمد باقر هرگاه
 شبی در سجده بیدار ندیدم سرنگیزه دین میگردند و در صحیح عبد الله
 بن سنان منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند
 که اگر بای شبی در استیلا نماز آنرا در دین کن در مسکن و در مثل اینها فرمود
 ابو حمزه و حسنه کا لهما حسین که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر
 صلوات الله علیه از شخصی که در نماز باشد و شبی بیدار بید حضرت فرمودند
 که آنرا در دین در مسکن و در حضرت امام المؤمنین و غیرین میفرمودند
 و سأل الحسن بن علی ابا جعفر صلوات الله علیه عن الرجل یروی الحیثه و هو
 فی الصلوة قال لا بأس و سأل اکر و محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر
 و آنکه بای و آنکه بای فی الصلوة ایقن ذلك صلوته و وضوءه قال
 لا و لسانه صحیح منقولست از حلی که گفت سوال کردم از حضرت امام
 جعفر صادق که از شخصی که بدین نماز و بخارند در نماز حضرت فرمودند
 که با کی نیت و از حضرت سوال کردم از شخصی که پیشه یار لایک و شیش و کینه
 در نماز بکند آیا اینها نماز را باطل میکند یا وضو را بطلان حضرت فرمودند
 که نه و سأل الحسن بن علی ابا جعفر صلوات الله علیه فی الصلوة ایقن ذلك
 ضعیفی انسیه او شایسته یحاف ضعیفه او هله که فقال یقطع صلوته

اگر حاج نباشد و فعل آوردی نه با غایب شود و لیکن با حجاج کذا
 در حاج است تمام است تا برسد به زیارت اعیان یا بر آنکه قطع غازی عذر
 حرام است و مثل نیت در آنکه احوط عدم قطع است بی عذر
 برید حاجت روی عذر لغو بن آبی یعقوب و عزیر علیه صلوات الله علیه
 فی الرجل یزید الحاجة وهو فی الصلوة فقال یونی میسره و یزید و
 المرأة اذا اذت الحاجة تعقیق این بابست ضعیفان غایب از آنکه اگر کار
 باشد چکنه منقول است از حجه انجیل الله از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
 علیه در شخصی که کاری داشته باشد در نماز حضرت فرمودند که اشارت کند و دست
 میتواند کرد و اگر نیت کاری داشته باشد دست بر هم منقول اند و در آنکه منوجه
 و اشاره کند کاری که دارد و در آنکه حاجی است که عذر الرجل یزید الحاجة
 وهو یزید فقال یونی میسره و یزید و المرأة اذا اذت الحاجة
 تعقیق منقول است از حجه انجیل الله از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
 علیه از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که حاجت داشته باشد و در
 باشد حضرت فرمودند که ایما بر نمیتواند کرد و اشاره بدست نمیتواند کرد و در آنکه
 گفت و بلند نمیتواند گفت میگوید تا منوجه او شوند و اشاره کند بطول
 که دارد و زنی اگر کاری داشته باشد در نماز دستها را بر هم بزند و در آنکه
 همین حدیث ذکر کرده است که حلی گفت که از آنحضرت سوال کردم که
 در نماز نیاده کشد و گانگن کند حضرت فرمودند که از شیطان است و او
 آن نیست یعنی میباید که مقدمه آنرا که بر خود دست یا چیزی بر طرف کند
 تا نیاید و میتواند که خیانه را بخورد شکند و گانگن کند که آن اعتبار
 مکرر است و این را در آنکه فی نیت با آنکه شیخ از علی بن ابراهیم نقل کرده

عقرب

و عقرب الخافث مذکور خواهد شد و سئال که حسان بن سید بن ابی النضر
 فی الصلوة فقال یونی میسره و یزید و المرأة اذا اذت الحاجة
 تعقیق منقول است از حجه انجیل الله از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
 علیه از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که حاجت داشته باشد و در
 باشد حضرت فرمودند که ایما بر نمیتواند کرد و اشاره بدست نمیتواند کرد و در آنکه
 گفت و بلند نمیتواند گفت میگوید تا منوجه او شوند و اشاره کند بطول
 که دارد و زنی اگر کاری داشته باشد در نماز دستها را بر هم بزند و در آنکه
 همین حدیث ذکر کرده است که حلی گفت که از آنحضرت سوال کردم که
 در نماز نیاده کشد و گانگن کند حضرت فرمودند که از شیطان است و او
 آن نیست یعنی میباید که مقدمه آنرا که بر خود دست یا چیزی بر طرف کند
 تا نیاید و میتواند که خیانه را بخورد شکند و گانگن کند که آن اعتبار
 مکرر است و این را در آنکه فی نیت با آنکه شیخ از علی بن ابراهیم نقل کرده

والله اعلم

نیت و سود نشانه است چنانکه از حدیث ظاهر است که اگر خوف رفته
بودند عیانی دیگر البته راوی ذکر میکرد چون فعل کن بر می شد بحال صاحب
احباب آنچه ظاهر خبری است که اشیا این کارها آنچه سه فعل شود
آنرا که بر عکسند یا سبب طلال نماز عین و چنانکه گذشت و خواهی
مشاهده کرد طاعت باشد مثل این حدیث چون اعانت بر زمین توان
و قال ابو جحیف بن حنیة لا یحب الله من صلیت الله علیه و آله فی حج
الطعن فیما الیتمه فاقوم فاضل و انکم انک الغلام یام حاضر
انما یط لا یقطع قال نعم انت فی طاعة ذلک تطلب زوال
لا یس و بسند حسن نقول از آنچه که کنش ابو جحیف است که عرض
خود بجنبت و ظاهر کلام صدق است که از کتاب و نقل کرده باشد
از او و از کافی و تهبید ظاهر میشود که ابوالولید است که منکر باشد
خطا باشد و آنچه از سند صدوق ظاهر میشود و در کتابین در حدیث
کرده اند از بنی زبیر ابوالولید که گفت من نزد حضرت امام جعفر صادق علیه
السلام بودم که نجیه ابو جحیف را بخدمت سؤال کرد و گفت حق سبحان و
مقدس تو گوید اند بهی که مرا آسایا می هست که بگذرد از خود و دیگر
و روغن میگیرم و بسیار است که بفراش بر می خیزم و می آمیزم از بسیار
اسیای از گوشه غلامی که اسبابی می کند بخواب رفته است من در میان
بازم که علامت را دیدم از آنجا باز است حضرت فرمودند که بلی تو در طاعت بود
و طلب و زنی که کنیت و باکی نیست در کتابین و از آنکه تغیر لغوی در خبر
سابقه گذشت که در کتابی ما از فضیله و ما مستوان کرد و هر چند در مواد
ضمیمه ما از ندارد و هر چند خوف کردن را بارشاده و در حدیث صحیح است

تبرکات

انصهر که گفت سوال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که گاه
که خانه میگویم و گنیزک میگذریم و او را درین میگویم حضرت فرمودند که گاه
نیت و در حدیث موقوف از حار و مقبولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
علیه فرمودند که با نیت که زن طفل خود را در غار بر دارد و در وقت
تخت میآید و نشیند و در سجده از خود بر جای مقبولست که با نیت که زن
خود را که شخصی را میآورد و واجب باز گیر خود باری میکند حضرت فرمود که بپوشان
میکند عرض نمودم که چنین کرد چو نیت فرمودند که با نیت یعنی بخارن
با طریقی شود و در حدیث موقوف از حار و مقبولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که قطع میکند غار از یکدیگر غار طوطی و بوی و باد که بوداشته باشد با صدا و لغا
بسیار و در شده است که غار را که مسخر کرده باشند با طاعت و بیعت
گشت و آنچه گذشت بیان جوار است و اگر نه در حدیث در نیت که غار
مقبول است که چنان متوجه غار باشد که اصلاً درینا طوطی غار خود
و غار را که زن چنانکه در حدیث میگوید از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مقبولست که
فرمودند که چون متغول از شوی بر تو باد که دل را متوجه غار از روی که
از غار از قدرت مقبولست که دل با حق سبحانه و تعالی باشد و راست و سید
بازی که و چیزی بخاطر خود و دیگران غیر حق سبحانه و تعالی و جوار است
و گاه کنی کن و درست بدایای رست منه که این فعل چو نیت و گاه به
که سستی که چنین میکند بخورند و متعاقبت کبریا میکنند لهذا امام
سنت میداند و بدعت میداند و دهها نام دارند و خود را بچند مکن گاه از
در قیام و در رکوع و سجود کند یا بنشیند و شکر را غر و اقامت میبرد یا
پاشنشین

شکن که آنها را نقصان قنات و از کسل و تنبلی غافل و در وقتی که خواب
باشد و بنشیند غافل و غافل و میباید که غافل بر تو در آن باشد که اینها از صفات
مناقصات است بدی که حق سبحانه و تعالی فرموده است که غافل که در حالت
سستی یعنی وقتی که مست باشد و دیگر فرموده است که چون منافقان مشغول
میشوند با کسل و تنبلی مشغول میشوند و غافل بر ایشان سنگین و گواهی میدهد
میکنند در نماز که مردمان اینان به بینند که غافل میکنند و با می کنند و غافل
خود را میگردانند و در سجده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که فرمودند که چون نماز را میبینی بد آنکه حق سبحانه و تعالی ایستاده یعنی در نماز
بردارد و از همه مناجات با او و اگر تو را در نماز بد آنکه او را میبینی پس بد آن
منوجه غافل که هر چه با حق سبحانه و تعالی مناجات کنی و حق سبحانه و تعالی
و آنچه بیند از تو بد آنکه مکن و آنکه در حق سبحانه و تعالی نیت از شکستن
بدی که حق سبحانه و تعالی معذرت ساخت بسبب شکستن از شکستن
و بسبب نیت که بسبب صلا داشتن از نماز دست بردار که میفرمودند که
سر از رکوع برداری راستی است با فصلهای سخنهای پشت هر رشت
شوند و چنانچه در حدیث از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بسیار و در حدیث
در حدیث از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در حدیث که بارش باری کردن غافل باطل میکند و حق
سبحانه و تعالی در حدیث از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در حدیث که بارش باری کردن غافل باطل میکند و حق
و در حدیث که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در حدیث که بارش باری کردن غافل باطل میکند و حق
چون باطل شود در نماز بر تو بار بچند و اقبال و لغافل از آنکه حق سبحانه و تعالی
فرموده است که رستگار حق سبحانه و تعالی که در نماز خود خاشع اند و سجده
انگیزند و کف کنند کانت یعنی نهانیا اعم و کانت یعنی مقبولست که چون حضرت

سید الساجدین مشغول قاری میگردید بمنزله ساق دینت دیدند که هر چه
 انما عفا فی آنحضرت حرکت میکرد و در سجده آنحضرت امام جعفر صادق و صلوات
 علیه مشغولست که چون سید الساجدین بتاری ایستادند بکمال مبارک است
 پیشین و چون سجده میفرمودند سر از سجده بر نمی داشتند تا آنکه هر یک سر
 از آنحضرت از جای سجده و تعالی و رجوع کالهی از سجده مشغولست که
 حضرت امام محمد باقر میفرمودند که چون در نماز رو بقبله کنی رو بر آیه
 مگردان که نمازت فاسد میشود و چشم بدینرا نداز و بجا آسمان مکن بلکه
 میباید رو بر آورد و در موضع سجده نمانی و در وقت کمالی سجده را تا آخر وقت
 که سزاوار است که چون قیامت کنی و بایه رجعت برسد بگوید اللهم انی
 و چون بایه عذاب رسد بگوید اللهم انی رجعت و در سجده کمالی
 از آنحضرت مشغولست که چون در عقب امام باشند در جماعت و امام
 رجعت بخواند طلب کند از آنحضرت سجده و ثواب و چون ایه عذاب بخواند
 بیا و بجز سجده و ثواب و از شر آن و کالهی مشغولست که نماز که دیدم که
 حضرت سید الساجدین صفا نمیکردند و در آنحضرت افتاد و حضرت
 آنرا دست نکشیدند تا از نماز قیام شدند من سوال کردم که بجز دست نکشید
 در آنحضرت فرمودند که و بیکای حق رجعت بر تو باد و ای بر تو میدانی که
 در خدمت که ایستاده ام هر چه میگویم که از آنحضرت عفو و بیعت کردی در آن
 باشد باشد بگویم فدایت گردم هر هلاک شدیم با بر هر هلاک شدیم
 فرمودند که عاشقان که حق سبحانه و تعالی بفرستد تا تمام میکند بنوا فرود
 اخلاص حسنه و سجده مشغولست از صدای قیام صلوات علیه السلام که بسیار است
 که از نماز بنده بصلوات تا بایستد که در نماز عروا و بیک عاشقان را دلچ

یافتن تاریخ با خبر بیدار آمدند مگر آنچه دلیده با حق سبحانه و تعالی باشد
 و رسول بنوا فرمودند اندک سکر آنچه که تمام کند فرقی بنوا فرمودند که اگر با خدا باشد
 یاد و وفای فیصلت واقع نشاند آن نماز عجل و بر روی خاص من میزند
 آنچه در سجده نماز و آمده است از حق و در بقیه انبیا و علم است
 و خلافت در بطلان نماز و بعضی گفته اند که سکر و هت و در سجده
 مسلم بنی نمان و آورنده است و در سجده از من مشغولست که حق سبحانه
 امام محمد باقر که فرمودند که دست بجهت دست بجهت فعل محرم است
 و شکی نیست که لحاظ ترکست و حرم بجهت و بطلان و اگر هت شکل
 بلکه آنچه ظاهر است رجوع است از حرم و اگر هت و بر تقدیر است
 حرم بطلان مشکست چون فعل است که خارج است از حقیقه صلوات
 و شکی نیست که مسئله است که حق سبحانه بعد از آنکه از نماز قیام شده
 بجهت آن و منی نقل جماع نیز کرده اند و در حق کالهی مشغولست از حیل
 آنحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که هرگاه در
 امام باشی و از خواندن حمد فارغ شوی بگو الحمد لله رب العالمین و منی
 و کالهی مشغولست از حیل که گفت عرض نمود بحضرت آنحضرت صلوات
 علیه که چون از خانه فارغ شوم آیم بگویم بحضرت فرمودند که نه اما آنچه
 و راست در سجده از حیل که گفت عرض نمودم از آنکه مردمان در عقب امام
 آیم میگویند بعد از حمد امام حضرت فرمودند که ما احسن ما و آنحضرت
 الصلوات بیا یعنی خولیت و آهسته فرمودند و محملست که و حق سبحانه
 بلفظ استخوانند یعنی آیم را اگر کوئی بار داشته بگو که سبب اضلال است
 نشود و موی با نیست که حفظ مشرب است و اخلاص از یاد آمده است و حق سبحانه

میفرمودند که حکمت که نایه باشد و احسنها بلفظ مضارع باشد یعنی
 من این کلمه را میگویم اگر در واقع سنت میبود میفرمودند و احسنها
 میفرمودند که ما میفرمودیم یعنی حضرت را این کلمه را آهسته فرمودند چون
 بوده است یا بلفظ مضارع آهسته بگو یا آنکه او را خود در بلند سخن و ترجمه
 کن نقل کن یا آهسته سوال کن همین سبب است که اگر عامه مخالف
 میباشند الا ما لك كه سنت میدانند و راوی حدیث بیان در طرف عامه
 میرسد است و ابو حنیفه او را نقل نمیداند و عمر بن الخطاب را گفت یا
 عذرا لله و هذا المسكين ای دشمن خدا و ای دشمن مسکین و او بدو عرض
 دنیا بر می کرد که حیانت کرده و مؤید بقیه است آنکه در صحیح از معاویه
 بن وهب منقولست که باحضرت صلوات الله علیه عرض نمودم که هرگاه
 امام بگوید غیر المقصود علیهم ولا الصالحین من امین بگویم حضرت فرمود
 که ایشان یهود و نصاری اند و بحسب ظاهر این معنی دارد که مقصود
 علیهم میفرمودند و صلا لا نصاری اند و در واقع این مراد است که جمعه
 این کلمه را میگویند یهود و نصاری اند و بحسب معنی اول چون عدول
 کردند از جواب مطابق کلام دیگر ظاهر میشود که نقیصه بود و است که
 از مطلق جواب نداده اند و بنا بر احتیالی ثانی تا در مقابل نیست و معنی
 هر دو معنی است چنانکه در اکثر مواضع نقیصه نقل میگویند که عامه بگویند
 فهمیدند و خاصه بخوبی دیگر و الله تعالی اعلم
 الصلوة على المروة اذا كان ولا قامة ولا شجرة ولا حجارة اذا
 قاموا لمكة في صلواتهم اجتمع بين قديمها وكثيرها و قد روي
 يدينها على صديقتها لكانت تدينها فاذا ازلت وضعت بين يديها

در حدیث

و قد روي عن علي بن ابي طالب ان النبي صلى الله عليه وآله قال اذا اراد ان يخطب
 جئت ثم جئت لأخيه في الأرض ففتح و قد روي في الأرض قال اذا اراد ان يخطب
 الى المسلمين رفعت يميني المسجود و جئت على النبي صلى الله عليه وآله
 الى النبي صلى الله عليه وآله ليأمر من غير ان يفتح و قد روي في الخبر ان النبي صلى الله عليه وآله
 اذا قعدت للتشهد رفعت يميني و وضعت يديها و انحرى لا يخلو الا
 يفتح و الا انه يفتح يمينه فقام ابن بابويه في باب زمان در تعارض
 صدوق حدیثی روایت کرده است در خصاال از حماد که صدوق باجماع
 ایشان دارد در روایت و حدیث ایشان را حکم بحدیث کرده است اگر چه او را
 رجالی توثیق ایشان نکرده اند از حاج ابوجعفر از حضرت امام محمد باقر صلوات الله
 علیه و هفتاد و سه حدیث ذکر کرده است از خصایص نقیصه فائده در احادیث
 بسیار شرفیه مذکور است و اولش اینست که بر زنان اذان و اقامت طیب
 و نماز جمعه و جماعت طیبست و بقیه آنرا بعد از این شرفیه در مواضع خود ذکر
 کرده است و من در اینجا بجا آوردم که چون منقول است بر خواجگان پسند آید
 اینها بر سبیل نفی استیجاب سؤالات چنانکه در محبتشان از کثرت و کثرت
 جماعت خواهد آمد و در حدیث صحیح از زهرا منقولست که چون زنان نماز
 با صیقل و جمعی از اصحاب خیال کرده اند که سخن تکرار است ولیکن انکافی
 ظاهر میشود که از حضرت باقر روایت کرده است و صدوقی در صحیح از زهرا
 از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده است همین عبارت را
 باز یاد می که اذان و اقامت طیبست بر زنان و همین مختصر در دفعه رضوی
 و در حدیث جابر هست ولیکن صدوق حدیثی که کافی در روایت کرده است
 با در حدیث نقیصه روایت کرده است چون زن نماز با صیقل باها را از زمانیکه که کلام الله

در حدیث
 این باب است در ادب
 زبان

حضرت فرمودند و این در صورتیست که از قبیل جامه های سفارش باشد اما
 اگر چادری باشد که همه در این پوشانند و عذقه جاریست اگر چه سست است
 سه جامه داشته باشد چنانکه در موقوف کا بعضی عین این را بعضی منقول است که
 حضرت امام جعفر صادق فرمودند که زن در سه جامه غایت پاک و باطنی اندازد
 در جامه و پیراهن و مقنعه و اگر و پاک در سه جامه باشد آنرا بر سر بگذارد که
 کردن و در این پوشانند و اگر سه جامه نداشته باشد پس در جامه یکی باقی بماند
 پوشانند و یکی مقنعه باشد مانند جامه که سر را و باقی را پوشانند پس گفته
 که اگر پیراهن و چادری باشد خوب است هرگاه نداشته باشد حضرت فرمودند که
 خوب است هرگاه چادر را نداشته باشد بر سر بگذارد و اگر پیراهن هم بدین را بگذارد
 بر سر کند که بدن را بپوشد و در هیچ از این سه منقول است که از حضرت صلوات الله
 سوال کردم از زنی که غایت پاک و در پیراهن و در پاک سر حضرت فرمودند که اگر
 بر این لا ینهار می پوشد که همه در این پوشانند و لا یغنی عنکم الا حاضرت الا
 انکم با الا ان لا یجده تمکنت که تمه حدیث پوشش باشد و آنکه کلام صدوق
 باشد یعنی چنانچه نیست زن از راه گاه حایض باشد یا غایت پاک شده باشد
 چون غالب در راه حاضرات آنست که زنان در نه سال حایض میشوند مگر آنکه
 با مقنعه حائضند مگر آنکه نباید نداشته باشد و در صورت سر برهنه نماند
 میتوان کرد و پاک را پوشانند و سر برهنه نماند میتوان اند که چون مکلف نیست
 نماز و خواهد آمد بنی آنکه مردان را در راه در اوقات با غافه است و سبک
 علی بن جعفر که بعضی بن جعفر صلوات الله علیه ما عن المرأة انک علی
 الا مقنعه و جده یجب منک انک تلبس فیها و یجب انک تلبس فیها فان
 حرجت منک و لبست فقلید علی عیدک انک فلا لبس و لبس ایند و جبهه منک

افعال

۳۶۱
 زنی که گفت سوال کردم از برادر من حضرت امام موسی که گفت از زنی که نداشته
 باشد سر چادری چگونه نماید آن حضرت فرمودند که خود را بپوشد و آن چادر و
 بر پیشانده غایت پاک پس کپا های و پیراهن باشد و برهنه نباشد و چیزی یک
 نداشته باشد پاک نیست و ظاهر این سخن حضرت از آنست که انداخته اند یا جلاها
 بوده است و جلیها نوشته اند و گفتند حضرت قاطعه هم در لباس صحرایی
 قریبا لاستار و رایت کرده اند که از حضرت علی بن جعفر که گفت سوال کردم از
 برادر من حضرت امام موسی که ظم صلوات الله علیه که آیا جایز است که زن ازاد
 نماز کند در پیراهنی و مقنعه حضرت فرمودند که خوب نیست مگر در جامه
 که بر بالای آن بر سر بگذارد آنکه نداشته باشد و چوبست بر سبقت این مقنعه
 تنگ بآنست که نه غایت پاک چنانکه در حسن کا بعضی منقول است که حضرت امام
 جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هیچ نیست زن سست اند که
 باید از این پوشد که بنشیند بر زمین آنکه تنگ بآنست باشد و در حدیث
 موثق از ابن بکر از آن حضرت من منقول است که با غایت پاک زن ازاد سر را در
 مقنعه غایت پاک کند و محو است بر صبیحه یا در اضطرار که نداشته باشد چنانچه
 سر را بپوشد و فرموده که ای مصطفی بن جعفر هر آنکه عبد الله صلوات الله علیه
 قال سالته عن المرأة فی نیک فی روح و مقنعه لیست علیها ازاد و که
 مقنعه فقال لا لبس اذا التفتت بها فان لم تکر نکحها حرجها جعلتها
 طولا و در حسن کا بعضی منقول است حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
 علیه که علی گفت از حضرت سوال کردم از زنی که غایت پاک و در پیراهن و چادری
 و تنگ و مقنعه نداشته باشد حضرت فرمودند که با غایت پاک هرگاه چادری
 بر خود بپوشد و اگر بر خود غایت پاک بپوشد و در طول بر خود بپوشد و در حدیث این

از علی

آیه جعفر و قریب باین گفت و روی محمد بن مسلم عن ابی جعفر صلوات الله علیه
 قال کثیر علی لا یفعل فی الصلوة ولا یعمل المذیبة فیها فی الصلوة و فی
 صلوة حق مؤدی عن کثیرها و یجوز علیها ما یجوز علی المذنبین فی
 الخدود و کثیرها قال و سألته عن المرأة إذا ولدت علیها النجاسة قال لا یحرم
 علیها ان یتوضأ علیها إذا حیضت و لیکن علیها التیمم فی الصلوة و کان
 منقول استخاره که گفت حضرت امام جعفر باقر صلوات الله علیه فرمودند که کثیر
 لازم نیست که سرپوش بپوشد و نماز و بر مرد و زن لازم نیست نماز و مشروطه
 تا جایی که اگر آب باشد نهد و در و دیوار بر ملک است و برست چون نهد است
 گفت که سؤال کردم از حضرت حم که هرگاه نباید مقصود بر لازم است حضرت
 فرمودند که اگر بکنیز مقصود میبود جایز است و بی که حایض باشد میباید
 حرم بر کنیز مقصود در نماز لازم نیست و این حدیث صدوق در عین
 حسن کا یحیی روایت کرده است و نیز روایت کا یحیی نقل کرده است از
 که حضرت امام جعفر صادق و صلوات الله علیه فرمودند که اگر کسی
 بنزد او نماند تا شناخته شود حرم از او فرمودند که بدین صلوات الله علیه
 میزد ایشان و وقتی که میدید که در نماز مقصود بر سر میگردد و میزد آنست که
 با و بگوید که بعد از وفات من آزادی تاسوی میزد او بنده است و مکاتب
 قسم است یکی مکاتب طلق که بگوید سویی که هرگاه در بیخ نماند هراه بگو
 بهی آزادی و شرطی نکند هراه که میدهد نیست آزاد میشود و بر مقصود
 واجب نیست تا چیزی از مال کنایت نداده است میداد است و حکم ملوک
 دارد و و میباید که میگوید که هرگاه بگویند بهی آزادی اگر ندیده باشد
 مکاتب مشروط است و حکم بندگان دارد تا دنیا را نهد و احکام

استخاره

آمدند و با خود داشتند الله و در حج از عجمین مسلم منقول است که گفت حضرت امام
 جعفر باقر صلوات الله علیه سؤالی کردم که کثیر سرپوش انداخته از نماز حضرت
 فرمودند که مقصود بر کثیر لازم نیست و در حج از عجمین مسلم منقول است که گفت حضرت
 حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض نمود که کثیر سرپوش
 حضرت فرمودند که نه و نه ام ولد نیز بر لازم نیست سرپوشیدن هرگاه
 و لاش مرد باشد یعنی اگر ولد زاده باشد سرپوش بپوشاند و در واقع چنین
 نیست و ظاهر در آن مجلس بی بود است که حضرت از روی قضیه این خبر را
 فرموده باشند اگر چه دلالت مفهوم ضعیف است و ممکن است که مستثنا
 با وجود و لاش سرپوشانیدن او و الله تعالی علم و روای عجمین بن القاسم
 عن ابی جعفر صلوات الله علیه فی الرجل یصلی فی دار المرأة و فیها
 و یعین حمارها قال اذا کانت مائتة و در حج از حضرت امام جعفر صادق
 صلوات الله علیه منقول است و در حدیث که تا آنکه در آن زن و جامه زن
 یا مقصود زن را حرام کند بر سر یا جایز است حضرت فرمودند که اگر زن ملوک
 باشد و حیض نداشت یا کاند میتوان و بمقصود دلالت میکند بر آنکه او
 مؤمنه نباشد نتوان و منقول است بر کثیرها که گفت در احادیث صحیح که
 میتوان مطلقا و روی آن عجمین صاحب النساء البیوت و صلوات الله علیه
 فی بیوتهم و قبل من صلواتها فی صلواتها و صلواتها فی صلواتها افضل من
 صلواتها فی صلواتها و در آنجا افضل من صلواتها فی صلواتها و ذکره العکرة
 فی صلواتها و منقول است که بقیه مساجد ذات خانمهای ایشان است
 و همین عبارت در سون از یونس بن طیار از حضرت امام جعفر صادق
 علیه منقول است و روایت که تا آنکه در میان یونس بهتر است از آنجا

در صفت بهشت بود و ناز در صفت بهشت است از هزار درخت خانه و ناز در
 صفت خانه بهشت است ناز در صفت بام خانه و مکر و هست ناز کردن در
 بامی که فیصل داشته باشد و قال ابو عبد الله صلوات الله علیه لا تروى
 النساء الخرف ولا يلهون المكاتبه ولا يلهون سورة يوسف
 ويظهرن الخرف وسورة التوراة واذا استحيى المرأة عقدت على الاكل
 لا تروى سسولات يوم القيمة وروایت صحابی و جابر از صادقین
 صلوات الله علیه ما منقول است که فرمودند که زنان در بالا خانه ها می نشینند
 چون اگر خانه ها فیصل بلند ندارد و نمکست که تا بحرم ایشان راه دهند
 و نوشتن خط یا و مدید میاد چیزی نویسد بحقیق مردان از خط
 مفتون شوند و یاد مدید ایشان سوره یوسف چون در بالا خانه ها است
 و عاشقی است مباد مفتون شوند و یاد دهد ایشان هیچ رشتن ما
 رشتن که رشتن باشد و بخوبی که باشد و یاد دهد ایشان سوره یوسف
 چون ایه حجاب و حذر را و غیر آن از حکام زنان هست و ممکن است که
 این حکم مخصوص زنی باشد که عربی فحید و چون زن شیخ گوید
 اند به بند انگشتان کند چون روز قیامت از انگشتان بر سوار شود
 کرد که چه کرده اند کار چندی داشته باشند که جواب بگویند و خط
 تبع جان حضرت امام حسین علیه السلام افضل از آن باشد چنانچه
 و چون حریف جابر شقی بود بر خواهر بسیار ذکر آن ضرر است و
 در قوی کا لطف و نوز صدوق فی الصحیح از جابرین بریند جعفری فقه که
 گفت شنیدم از حضرت امام محمد باقر ع فرمودند که بر زنان اذان و اقامت
 و جمعه و جماعت نیست یعنی بر سبیل تاکید چنانچه بر مردانست و حیاتی

بازمان

بازمان بر ایشان نیست و تشیع خانه نیست یعنی جوکد و تشیع بلند که
 نیست و دیدن میان صغی و مرو نیست و خوردن بحر الاسود سوزن نیست
 یعنی جوکد و داخل شدن کعبه نیست یعنی جوکد و سرتاسیدن نیست یعنی
 حر است بلکه از سوی خود قصه میکنند در حج و عمره و قصه با ایشان
 تمیز دهند و ایشان را امارت عید دهند و با زنان مشورت نمیکند مگر
 ازجهه آنکه مخالف ایشان کنند و هیچ جوانان نمیکند مگر در
 اضطرار و در وضو ابتدا بشکم دست می کشند و بران ابتدا دست می کشند
 میکنند و سر می کشند مانند مردان بلکه بر ایشانست که مقفه را از دست
 سر بکشند و در نماز سجده و شام و صبح سر می کشند و در باقی نمازها انگشت
 خود را بر مقفه کشند و صبح سر می کشند و آنکه مقفه را بکشند و آنکه
 تفصیل و چون بنما از بر خیزند باها را تنگ می گذارند و دست را بر سینه
 گذارند و در رکوع دست را بر سینه گذارند و چون سجده و در سجده و در سجده
 و سجده و در سجده و سجده و چون سر را سجده و در سجده و در سجده
 و بعد از آن می خوانند و چون از سجده تشبه می بینند باها را باز می خوانند
 و در نماز بهم آورند و چون تشیع گویند به بند انگشتان حساب کنند
 زیرا که از بند هاست و می خواهند که در هرگاه حاجتی بحق سجانه و نماز
 باشند به تمام خانه روند و در رکعت نماز میکنند و سجده و برهنه کنند
 زیر آسمان که هرگاه چنین کنند البته دعای ایشان مستجاب میشود و آنکه
 و بر زنان غسل جمعه و روضه نیست و کذب نیست و چنانچه در بعضی از
 کنند غسل و شهادت زن در هیچ حدی مقبول نیست و شهادت ایشان در
 طلاق صحیح نیست و در دیدن ماه مسج نیست و کواهن زنان تنها مسج است

در جنسی چند که مردان بآن نظر میکنند که در شل و سوب بینان زنان و زنان
 در میان راهها راه میزنند و در کف راههای راه را درون و جایز نیست زنان
 در بالا خانه نشستن و خطیاد کردن و مستی است که هیچ دشمن ندارد
 و سوره نور باید که بر کند و مکر و هت قنایا یاد کردن سوره یوسف و هت
 زن تهنیت شود و راقبه میفرماید پس اگر توبه کند و نماز و الا در همیشه
 در زندان حبس میکنند تا برگردد و او را نمیکشند چنانکه مردم میدانند
 ولیکن او را حد میزنند و سوره یوسف را بخواند و خودی و آب نمیدهند و او را
 مکر آتش که سوزان و کند و طعام نمیدهند مگر چیزهای بیون و پود
 نمیدهند او را مگر پوششهای کند و در رشت و اگر نماز کند میزدندش
 تا نماز نکند و میزدندش تا روزی که توبه کند و از کفر برگردد و بر زنان
 جریه نیست و چون ولادت زن ظاهر شود واجبست که زنان را بیرون کنند
 از خانه تا اول تهنیت نظر زنان بجورست و تهنیت و این محمولست بر زنان
 زیاده از قدر ضروری و جایز نیست جنب و حیاض را حاضر باشد زن نزد
 تلکات نیست و در حالت رفیق زنوا که ملائکه شراری میشوند از آنجا
 و جایز نیست زن جنب و حیاض داخل قبر شوند در وقت بوقت نیست
 بقیه و چون زن از جای خود برخیزد یا بنیست مرد که در آنجا نیست
 تا سوره فتور و از مناجات شنیده ایم که مژگانها و در و چهار زن است
 که اطاعت شوهر نکند و رعایت خواش شوهر خود خوب کند و حق
 شوهر بر زن عظیم تر است از حق محلولین و شوهر بیعت است بهما از کردن
 بد زن بعد از بیعت زن و جایز نیست زن مسلمانی که برهنه شود و زن
 یهودی و نصاری و زنا که وصف میکنند بدن او را نزد شوهرهای خود

بیت زن

بیت زن که بوی خوش کند و قی که از خانه بیرون رود و جایز نیست زنا که
 شبیه مردان شوند زیرا که رسول خدا لعنت کرده است مردانی که شبیه
 شوند و لعنت کرده است زنان که شبیه مردان شوند و جایز نیست زنا که شو
 به نیست نگاه دارد اگر چه ریحانی در کون کند جای کردن بشود و چنان
 نیست که ناخنهای خود را سفید نگاه دارد اگر چه بجای آلوده کند که
 زن که بر در و در حال حیض دست خود را نشاند بداند که شیطان بر
 دست میاید یعنی شوهر را خوش می آید و شیطان دست میاید و شوهر
 و سوسه میکند تا او را غی نماید و چون زن در نماز باشد و کاری داشته
 باشد دست هر میزند و مرد یا یا بسجده در نماز و اشاره بر دست میکند
 و تهنیت میگوید و جایز نیست زنا بی مقعنه نماز کردن مگر آنکه کتبی یا
 که سر را زنا کند بی مقعنه و جایز نیست زنا که دیبا و حر بر پوشند
 در نماز و حریم حر است پوشیدن حر بر مردان مگر در ریحان و جایز است
 که انگشتری طلا دست کنند و در آن نماز کنند و بر مردان حر است و حضرت
 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند که یا هلی انگشتر طلا دست نکن که
 آن زینت است در بهشت و این شمشیر محض مجوش که آن لباس است
 در بهشت و جایز نیست زن را در مال خود آلوده بنده و خیرات کردن مگر آن
 شوهر و جایز نیست او را زنه سنتی مکن مگر با زن شوهر و جایز نیست که
 مصافحه کند با ناهرم مگر آنکه مستقر رجامه باشد و بیعت نمیکند مگر آن
 رجامه و جایز نیست دلچ سنتی مگر با زن شوهر و جایز نیست زن را که زن
 سوار شود مگر در حال ضرورت یا در سفر و بیرون زن نصف میراث مرد است

کذا روید

و در پیش نصف دین مرد است و مرد وزن در حرامی با بریدن تا نیش است
 رسد و چون از نیش زیاد شود و از مرد زیاد میشود و از زن کم میشود و از زن
 نصف مرد میشود و چون زن با مرد عازله اگر چه یک زن باشد در عقب مرد
 ایستد و پهلوی او ایستد و چون زن بر مرد ایستد در وقت نماز در پهلوی
 ایستد و چون مرد عازله بر زن ایستد و صدوق باین عمل کرده است
 و پس و چون زن با بریدن شوهر در موضعی ایستد که در نهان او را بگیرد و
 هر مرد بیک زن دینینه و سرش می ایستد و چیزی شقیع زن نیست نه در حق
 سحرانه و نه در حق غیر از نهضای شوهر و چون حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
 علیها السلام نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برو ایستاد در وقت نماز و
 خداوندان را چنین از دختر رسول خدا و ندا بو حشمت تبارک و تعالی
 باش خدا و ندا از اولاد و شوهر حیرت کرده است خدا و ندا قوا و اقرار
 بر صلح خود شد که روان خدا و ندا مظلوم از دنیا رفت حق را بر بردند و شهادت
 کردند ابو بکر و اقرار از او گرفت و عمر در پیش کشید و حسن با قضا شد
 و ابو سیرین از دنیا رفت خدا و ندا فرح کن از حبه او که تو بهترین حکم
 کنندگان فی تمام شد حدیث جابر و در قرب لایستاد چیزی درایت کرده است
 از عبدالله بن حسن انجدش علی بن جعفر که گفت سوال کردم از برادر
 حضرت امام موسی کاظم علیهما السلام علیه که اگر زنی امامت زن را بکند
 چه مقادیر آنرا خود را بکند کند در حالت قهر حضرت فرمودند که
 آنقدر که شنیده شود گفت سوال کردم که آیا بر زنان هست که قراءت
 بلند کنند بخوانند در نماز نهضه و ناخه حضرت فرمودند که نه مگر آنکه زنی

معلم کند

اما حفظ کند بداند میتواند آنقدر که خواستد شنیده پرسیدم که آیا افتخار
 صلوٰه و قنوت و نماز و فله بقیان و ناخه شیب بر زنان هست چنانکه
 بر مردانست فرمودند که بلی پرسیدم که زن تا اینکه عازف باشند یعنی امام خود
 شناسند و تا عیش باشند یا برقیان هست نماز کسوف و جمعه و غیری
 خوش کردن در روز جمعه و عید رمضان و عید قربان چنانکه بر مردانست
 فرمودند که بلی پرسیدم که گویز نماز میت و آن کرد دیک برهنه فرمودند
 که با کی نیست پرسیدم که هرگاه زنی در نماز واجب باشد و غرضش جد
 چهلوی او باشد و گریه کند و زن فشنه باشد میتوان که فرزند خود را
 بردارد و در کنار خود گذارد و او را خاموش کند و شیرش بدهد فرمودند
 که با کی نیست پرسیدم که زنان دنیا میتوانند فرمودند که با کی نیست پرسیدم
 که زنان سویی روی خود را تنگ میتوانند فرمودند که با کی نیست پرسیدم
 که زن انچه در شوهر چیزی بر دم میتواند فرمودند که نه مگر آنکه خصم بکند
 پرسیدم که زن حشمت شوهر را بکشد یا بر وی میتواند زنی فرمودند که نه
 پرسیدم که اگر زنی حرامت در برانش را دریا باشد آیا مردان نظر
 کردن و محالچه کردن آنرا فرمودند که نه پرسیدم که هرگاه در سجده
 یا نشستن کلاهش بر حقی باشد زن میتواند که نظر بکند و دعا و
 آنرا فرمودند که غیر عورت میتواند پرسیدم که مرد کجای زن را
 میتواند دید فرمودند که رو و دستها و موضع دست بنده پرسیدم که
 مرد قیچ زن را میتواند ببیند فرمودند که با کی نیست و احکامه که در
 دو حالت است اگر زن در موضع خود خواهد آمد و مردی گذشت
 آنرا در فی الاصله من الحاکمه این بابیت در بیان آن

در بابیت در بیان آن

عبدالقادر

فایز شدن از ناز که از کلام طرف روانه شود روی محمد بن مسلم علیه السلام
 جعفر صلوات الله علیه قال اذا نصرت من المکوة فانصرت من المکوة
 وکان یقهر من قولنا ان حضرت امام جعفر صلوات الله علیه که فرمودند که
 هرگاه فایز شوی از ناز دست است فایز شو مثل این حدیث شیخ
 در موفقی کا لقیع از نجاه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و
 کرده اند و ظاهر این دو حدیث است که چون خواهی که از جای نماز بر
 ان جانب دست راست بچرخد و احتمالی دارد که مراد از باشد که چون سلام
 رو بجانب راست کند موافق اخبار دیگر و ظاهر کتب معتبره است
 چون در باب سلام آوردن است و علامه مثل صدوق فیسده است حکم
 بصحت محمد بن مسلم کرده است در فضیله بسیار جانی و حق با او است
 بحسب واقع و لیکن مخالف قاعده اوست چون در سند روکس از اول
 برقی هست که از باب رجال ایشان را ذکر کرده اند و شیخ حسن نامیده
 شده است باین تحقیق و حدیثی که از حدیث محمد بن عطار در آنست محمد
 شمره است و گفته است که او صاحب کتاب نیست بلکه از شاخ ایشان
 و شیخ ماسولانا عبدالله سلفی شاخ اجازة را با اعتبار از صاحبان
 معتبرند است پس بحسب آنچه تجربه و عین ظاهر شده است از تتبع بسیار
 آنست که ضعف در مرتبه که از شاخ اجازة باشد ضرر ندارد و لهذا احسان
 سعید از قلم جوهری روایت میکند و اعتبار برآورده است چون صاحب کتاب
 بنوده است بلکه میتوان گفت که طریق متوسطین علی از شیخ طوسی
 تا علامه در این حال نظر است که نظر راوی اول میکند خصوصاً نسبت
 با مثال این فضل و بسبب است که در شیخ احادیث راوی اول را

محمد بن

ترجم میدهند و جعلی است تا حدیث که از اسطوخ ایشان خبر ندارد و حدیثی کرده
 که این ترجمه و تحریف است که هر دو در مرتبه ضعف مثل یکدیگر باشند و بقیه
 اسناد و حالی آنکه آنچه را شیخ داده اند شکی نیست بچند تضعیف این
 غلطی که کتب قدما پیش ایشان بوده است و بسبب آورده است که
 حدیث زبارة هر چند کتاب یا سایرین مختلف بوده است و مشک نیست
 بلکه دو بخ بر زبارة نه بسته اند بلکه زبارة را با ترجمه مسلم بن الحنفیه
 مثل امثال این فضل که احادیث بسیار در مدح ایشان از ائمه
 صلوات الله علیه و آورده اند است که ایشان را اعتبار عظیم میکردند
 لهذا صدوق باین سند محمد بن مسلم نقل کرده است در فضیلت با الله
 اسانید بسیار را و دامنه است چنانکه ترجمه یا بعضی کرده است
 در ابوجعفر ثمالی و یک طریق مجهول نزد ما نقل کرده است و بعد از آن گفته
 که طریق من یارب بسیار است از جمیع اختصار دیگر طریق نقل کرده ام
 و شاید آنکه بسبب نقل کرده است از ابوجعفر بطریق مذکور و بحسب روایت
 خود لهذا شیخ طوسی رحمه الله در هیچ جای خود مذمت و مسایط سخن نگفته است
 بلکه مذمت را وی نقل میکند و همچنین صدوق غالباً و ابن طاووس
 و محقق بسیار چنین کرده اند و الله تعالی اعلم
 قال الله تبارک و تعالی و اقموا الصلوة و اؤتوا الزکوة و ابلغوا مع
 الکمال این بابیت در بیان غار جماعت و فضیلت آن حجت است
 فرموده است که بیای داوید غارنا یعنی جای او را دید با شرط وادگان در
 آن و زکوات ما بخود بدیدید و غار کنید با جمعی که نمائند و تغییر
 از ناز بر کوه فرموده چنانکه بسبب فرموده است و بنسب و ذکر و غیر آن

باب الحاحد و فضائلها
 در بابیت و در این غار جماعت

باعتبار تنبيه کل با هم اشرف اجزا و آنکه مقتضی چنین تقصیر کرده اند و بعضی
 گفته اند که خطایست بهر دو که سلطان شوید و نماز بار کعبه بکند چنانکه
 مسلمانان میکنند و معنی ذل ظهارت ولیکن صدوق تا خبری ندیده
 حکم میکند چنانکه گفته است فاکر الله یا جماعه یا اقربا الصلوة فی
 در آنکه چنانکه حق سبحانه و تعالی امری را ذکر کرده است هر جماعت کرده است
 و بنا بر طریقه قدما و امر قرآنی و بیست و یک چون حرف صحیح بود
 وارد شده است مستحب است از ظاهرش عدول یا استحباب مؤکد کرده است
 و ممکن است که مراد از آن جماعت واجب باشد در جمعه و غیرت بلکه
 جمعه فقط و مراد از نماز اول صلوات نبویه باشد و از ثانی نماز جمعه
 یا بعدین و امر با وجود باشد و بنا بر اول مراد امر از واجب و سنت
 خواهد بود که در جمعه و بعدین سبیل محبوب باشد و در باقی سبیل
 استحباب بلکه ممکن است که نماز اول از واجب و سنت باشد و ثانی از اول
 نیز باشد و الله تعالی هر دو ذکر کرده است و تعالی علی الناس جمعة
 او جمعة خمس و ثلثین صلوة منها صلوة واجدة و منها اقله
 جماعه و هي الجمعة بطریق صحیح و حسن از نهاده از حضرت امام محمد
 سقولست که فرمودند که حق سبحانه و تعالی از هر جمعه تار و پود جمعه
 دیگر را در هفته ناهفته دیگر یعنی در هر هفته روزی پنج نماز واجب است
 و آن نماز جمعه است و از نه کس وضع کرده است آنرا و خواهد آمد این
 در باب جمعه و اما سایر الصلوة فلیس لا یحتاج الیهای فیها یغفر و فی
 و لکن سنت من ترکها رغبة عننا و عثر جماعه المسلمین من
 غیر عیلة فلا صلوة که این عبارت مضمون صحیح ندارد است و فصل

که گفتند

که گفتند عرض نمودیم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که آیا نمازها
 بجماعت واقع ساختن فرضیه است حضرت فرمودند که نماز واجب
 و اجتماع در نمازها فرض نیست در هر نمازها ولیکن جماعت سنت
 کسی که ترک کند جماعت با آنکه انفرادی بهتر داند و از جماعت اجتماع
 مسلمانان بگرداند بی علقی نماز و نماز نیست یعنی باطل است یا کامل نیست
 و بر هر تقدیر دلالت بر وجوب جماعت نمیکند زیرا که ترک جماعت در
 عینا حق است بحیث ظاهر و محکم است که بسبب این معنی نماز باطل باشد
 و بسبب ترک فقط با آنکه دانند که بد کرده است و خود را از فضیلت نماز
 جماعت محروم کرده است گناه نداشته باشد و غایتی صحیح باشد چنانکه
 ظاهر حدیث است اگر چه محکم است که مراد از این باشد که وجوب جماعت از
 ظاهر نشد است بلکه از سنت بنی ظاهر شده است و نه بدید آن ترا جماعت
 مجامع خود باشد ولیکن ظاهر بنی حدیث که مذکور است در ترک صلوة و نماز
 و بر ترک رغبة عنها و فرمودند فرضیه است که سنت جمعی خود باشد آنکه
 علی ای شیعه کافه بر استحباب و کمی قابل بوجود جماعت نبوده است نه
 عینا و نه کفایه خلاف عامه که بعضی را بر وجوب یعنی شده اند
 بکفای و اکثر با استحباب و من ترکها ترک جماعت مساوی است و من ترکها
 قسوسا فن منقولست در صحیح از ابو بصیر و محمد بن مسلم از حضرت امام محمد
 که فرمودند که فرمودند که هر که نماز جمعه را ترک کند بی علقی و منافی است
 و ذکر این حدیث در باب جمعه اولی باشد ولیکن چون جماعت طاعت
 ذکر کرد و نماز جمعه را اول ذکر کرد مناسب داند و نهایت منافات است
 در وجوب جمعه که ترک کردن سه جمعه مجزئه کفر است و صلوة الرجل فی

جماعة تفعل على صلوة الرجل وحده تجزي وعشرين درجة والجمعة قال
 في جماعة تفعل صلوة الفرد أربع وعشرين صلوة فكلون خمساً وعشرين
 صلوة مضمون حديث صحيح عبدالله بن سنان انما حضرت امام جعفر
 ص له فرمودند که نمازی که شخصی بخواند در روزی در روز نماز شبانه
 و پنج درجه در پشت یعنی مجموع آنرا صلی و زیاده بیست و پنج درجه است و پنج
 جماعت زیاده در روز نماز شبانه بیست و چهار نماز که با اصل بیست و پنج نماز
 و عبارت حدیث چنین است که حضرت فرمودند که نماز جماعت زیاده
 دارد و نماز فرد به بیست و چهار درجه که با اصل بیست و پنج نماز باشد و این
 عبارت در غایت مشابعت و مطابقت از وظایف و تقیید و نقل و نقل
 المعنی یا بخاطر رسانیده است و ممکنست که بخاطر جمع بوده باشد و نه
 از نسخ شده باشد و در حسن کما یصح من رواه منقولست که گفتند
 حضرت امام جعفر صادق ص صلوات الله علیه که روایت از حضرت سید
 صلی الله علیه و آله نقل کرده اند سنان که حضرت فرمودند که نماز
 افضل است از نماز شبانه بیست و پنج نماز حضرت فرمودند که راست میگوید
 و مضمون فضیلت به بیست و پنج نماز متواتر المعنی است و در وی حدیث
 مسلم عن ابی جعفر صلوات الله علیه انه قال لا صلوة لرجل الا
 یشهد الاصلوة من سجدة لا یقف الا مستقیماً و کما یستقیم
 از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که فرمودند که نماز نیست کسی
 که حاضر نشود به نماز جماعت از حساب نماز مسجد مگر نمازی با کسبی که شغل
 ضروری داشته باشد و در صحیح نیز آمده منقولست که حضرت امام محمد باقر
 صلوات الله علیه فرمودند که هر که نماز جماعت کند از وی عیب نیست و در

مؤمنان

مؤمنان فی غایت یسر و آسان نیست و در بعضی از حضرت امیر المؤمنین ص
 علیه منقولست که فرمودند که نماز نیست کسی که حاضر نشود نمازهای
 و سجده هفتایکبار مسجد هرگاه فارغ باشد و نماز باشد و این حدیث
 و حدیث محمد بن مسلم ظاهرشان نماز جماعت و احتمال دارد که مراد نماز
 باشد مثل حدیث حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله که فرمود
 که نماز نیست هیچ مسجدی مگر در مسجدش اگر چه این حدیث نیز احتمال
 جماعت دارد و مراد از مسجد مسجد کسی است که در عرف ایشان از همسان
 بنا بر شمول و میان انتخاب و در حسن کما یصح از حضرت امام محمد باقر ص
 و کما یصح از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله منقولست که حدیث
 همام بن محمد بن عیسی است از هر طرف و در حدیث صحیح از حضرت امیر المؤمنین
 منقولست که هر که بنشیند از آن نماز جماعت و جماعت حاضر نشود و از آن
 نیست و مراد از آنها نماز کاملست و قال رسول الله صلی الله علیه و آله انما
 یحضر المسجد الا لاجل من علیه صلوات الله علیه و من لا یحضر
 المرسلین صلی الله علیه و آله جمعی که فرمودند میباید که حاضر شوید یا
 والله که حاضر نخواهد شد و در مسجد نماز جماعت و اگر نه خانه ای بخارا
 بر شما خواهد سوخت یعنی آتش نمازهای شما میزیم که شما با خانه ها بسوزید و
 در احادیث صحیح از طرق عامه و خاصه وارد شده است از جمله در صحیح
 از عبدالله بن مسعود منقولست که حضرت امام جعفر صادق ص صلوات الله
 علیه شنیدم که فرمودند که جوهر زمان حضرت سید المرسلین صلی الله
 علیه و آله تاخیر میکردند و نماز جماعت مسجد حاضر نمیشدند حضرت فرمود
 که نزدیکست که آنجا که ترک میکنند نماز را در مسجد بخوانند که هر کس که بیاید

و در دهانهای ایشان کلام و برادر و هم و خانی ایشان را بایشان بسوزانم
 و در حسن کا لعمریه حضرت صلوات الله علیه منقولست که حضرت رسول
 صلی الله علیه و آله فرمود بر عیالهای خود که حاضر شوند باین روز و فرمودند
 که باید که ترک کنند جمیع کارهای دنیا و جماعت و حاضر شوند
 و اگر نه امیر مسلم بن حنفیه را که از آن واقفست گوید و امر میکند شخصی را اهل بیت
 خود را که آن عملی است صلوات الله علیه که بپوشای عیال بیا و در دهانها
 بسوزاند بر جمعی که بپای جماعت حاضر میشوند و کما الحق منقولست از عیال
 بزرگه یعقوب از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که
 حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله اراده کردند که بسوزانند دهان
 که در دهانها بخورد تا نرسد و بپای جماعت حاضر میشوند باین روز و فرمودند
 آمد و گفت یا رسول الله من ختم بدارم و بسپار است که از آن میشود و
 بهر عیال که در دهانها حاضر کنند که با تو نماز کنم حضرت فرمودند که
 بپای از خانه است تا بجمیع دست بر میان گیر و بپای جماعت حاضر شوند و
 طریقه عامه فرمود جمیع ایشان منقولست بخود حدیث سابق برین و با آنکه
 آنکه نماز جماعت سنت باشد اراده سوختن ایشان از چند تا و یک کرده اند
 یکی آنکه آنجا جماعت که حاضر میشوند منافقات بودند و سوختن ایشان
 جایز بود دوم آنکه ترک جماعت همه نمازها میکردند حتی نماز جمعه و سوختن
 با اعتبار ترک جمعه بود دیگر آنکه بخود میدید و وعید بود و جایز است
 مخوف دیگر آنکه سوختن دنیا غیر سوختن آخرت و واجب است که
 بر ترکان سوختن عقوبت آخرت شوند چنانکه در اذان گفتند و در ترک
 زیارت نیز خواهد آمد و بمعنی ظاهر است که بجهت عکس هر عمل و الله اعلم و قاتل

صلوات

صلوات الله علیه من صلی المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم و کما الحق
 با سناد رسوئی از حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه و آله منقولست
 که فرمودند که هر که نمازها را با جماعت کند یا و کما برید که همه خوبها دارد
 و عبارت کافی است که فقط و بپای عیال و در خوب و بد یعقوب از آن
 چنانکه در جمیع از عیال الله علیه یعقوب منقولست که عرض نمودم حضرت اما
 جعفر صادق صلوات الله علیه که بپای جماعت حاضر شوند عداوت شخصی
 در میان مسلمانان تا آنکه ستمهاست و مقبول باشد از برای ایشان و دفع
 و ضرر حضرت فرمودند که با آنکه شناسانه او را معاصی که عیال
 و عفت داشته باشد با آنکه احتیاط کند از ستمها و نگاهدارد و شکم خود
 از خوردن عیال و ستمها و همچنین فرج خود را دست خود را و زبان
 خود را و دانسته میشود با آنکه اجتناب کند از گناهان کبیره که حق
 و تقا بدینها و عذر کرده است از آن و در رخ بپوشد بپوشد و با و عفو
 بدینها و در کفر و غیر اینها و دلیل اینها آنست که بسوزاند عیال
 پوشیده باشد جمیع عیال و که ما علم نداشته باشیم با آنکه بر مسلمانان
 حرام باشد مختصر کردن گناهان و عیوب و و لغزشهای او را که چون
 بظاهر و مکتف نیستند بواجب و هرگاه عیوب و پوشیده باشند و
 بر مسلمانان که حکم کنند بعد از آن او و ظاهرها از عداوت او را و در
 مردمان و میساید که ملازمت داشته بر کردن نمازها در وقت خود با
 مسلمانان و مخفی کند از جماعت ایشان و بپوشاید ایشان در مساجد
 مکه یا عتی و هرگاه ملازمت داشته باشد که مجبور حاضر شود در نمازها
 چنانکه بپای از سوال پرسند در عیله او و محله او و اهل محله گویند از آن

مکرمی و ملاومت دار نمازهای و سجدهات اوقات نمازها میکنند و چنانکه
 خود بجماعت و اینچنین میدارند که شهادت و لا یقول کنند و حکم بعد از آنست
 در میان مسلمانان و بلکه نماز و کراهت و نماز است و نماز است و نماز است
 دادن بر کسی که نماز میکند هرگاه در مسجد حاضر نشود و با جماعت مسلمانان
 نماز کند و نماز خطا و بیست و پنج مرتبه ساخته است تا باشد که نماز کند
 و آنکه نماز میکند و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 کسی که نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 بدینکه حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله اراده فرمودند که
 جمعی را بفرستند و آنکه نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 قبول کنند و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 و رسول جاری شده باشد که او را با خانه اش بفرستند و حضرت سید المرسلین
 صلی الله علیه و آله میفرمودند که نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 با مسلمانان و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 میفرمودند که در خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام بودم که شخصی را
 و گفت فدای تو گردم من عسایه مسجد قوم خود که هرگاه با ایشان نماز است
 غیبت من میکنند و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 حضرت فرمودند که تو این را بگوئی و حضرت امیر المومنین صلی الله علیه و آله
 فرموده است که هرگاه از آن بشنود و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 نیست پس آنرا بخوابد که بیرون رود و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است

و در عقب هر ایامی نماز است که حضرت عرفان خود که برین دشوار است که جواب
 فتویایان را بچنین دادند که در عقب هر ایامی نماز است که هرگاه که نماز است
 من باشد حضرت تبتی فرمودند و فرمودند که این را و فرمودند که این را
 وضع رقیبانی ازینکه هر یک که فی علی و کلام علیت اعظم زیارت که نماز است
 من باشد و با او نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 کند و با او نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 علی اظهارات حل ازینکه هر یک که حضرت بن عباس فرموده باشد
 و زیاده و نشسته باشد با حضرت پسران من بخواند و فرموده باشد
 و بعد از آن گفتن فتویای که کرده باشد با حضرت مکرر نماز است و نماز است
 و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 مطلب حضرت را فهمیده باشد که نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 و تو فهمیدی با آنکه اتفاقا فرموده باشد که با آنحضرت بی نسیب است
 خوف داشتند که اگر با او بگویند که صورت نماز را بیا آورد و با ایشان
 بگویند و با او بی نسیب است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 اگر اوقات نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 با آنکه میدادند که نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 عدالت باشد و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 با آنکه و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است
 و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است و نماز است

که بداند قتل میکند چنانکه شوق است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله دیدند که نماز میکرد و بار خیزد میگرد فرمودند که اگر این مرد دل و سواد خدا میجو و در این اعضا و جوارح او خاشع میشود و بگوید که حق سبحانه و تعالی است و اینموی مجرب است که هرگاه دل با حق سبحانه و تعالی است در حق قیام چشم او موضوع سجود است و دستهای او در برابر او نهاده و پاها با فاصله و قبله است و کردن و پندن او راست است و آب دهان نمی زند و آب بینی نمی نالد و هیچ درسی را حواله نمیکند که گذشت و اگر دل با حق سبحانه و تعالی نیست هر معصومی بجا نیست و آنچه وارد است که مؤمنان بجا نیست یعنی در سبایل موجود با و نمیتواند کرد در شوقی با جنتها و همچنین در حکم و بجا خود عمل نمیتواند کرد و حدیثی که نقل کنند اخبار را و میگویند چوین مؤمن عادل است و فاسق و سوس نیست چنانکه اخبار منوانه دلالت برین میکند که فرصت مبادات اسلام و ایمان بسبب فتنی زانمان برتر می رود و اناسلام بیرون می رود مثل حدیث مشهور از ائمه علیهم السلام زنا کنند که در جین زنا مؤمن نیست و دزد در جین دزدی و موی نیست و شارب الخمر دران جین مؤمن نیست و آیات و احادیث درین باب و حصر و تجاوز است هر که خواهد در جوع کند با یواب ایمان و اسلام در کافی و محاسن و بجا بر و کتب صدوق و غیر آن از کتب عامه و خاص که در اینها مذکور است مبریده که جای شک نیست و جو اینها را در حدیث جمعی از عامه گفته اند که ایمان در لغت بمعنی تصدیق است و اصل عدم نفی است و غافل شده اند از تواضع اخبار بلکه تواضع آیات و روایات را کرده اند و آیات و روایات بارده و شکی نیست که اطلاق ایمان بر مطلق تصدیق

نوروز

نیز واقع شده است اما در دعای اسلام و ایمان و ارکان ایشان اخبار چند هست که احتمال تاویل ندارد و الله تعالی اعلم و حدیث صحیح شریف نیز خواهد آمد و صلی رسول الله صلی الله علیه و آله الخیر ذات یوم فلما انصرفوا قبل یومئذ علی محابه فمنا لکن انما بر لبهم با سماعهم هل حضر الصلوة قالوا لا یا رسول الله فقال حبیبهم فقال لا یا رسول الله قال انما انما لیتمیز صلوة انقل علی المناقین من هذه الصلوة و صلوة العترة و لا و کون علی الفضل لکن فیما لا یوسفنا و یوسفنا و یوسفنا و یوسفنا و یوسفنا بر بنیان بچند طریق از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که در روز حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله نماز صحیح کردند و چون نماز شدند و با صحابه خود کردند و رسول فرمودند از حق که بک یار ما نام برده که ایشان نماز حاضر شده بود و صحابه گفتند یا رسول الله حضرت فرمودند که که ای ایشای غایبید و در شهر نیستید که گفتند نه یا رسول الله فرمودند که بدرستی و راستی که هیچ نمازی دشوار تر نیست بر منافقان که کافرند و واقع و اخبار اسلام میکنند از خوف و ترس نماز صحیح و نماز حشا آخر که نماز خفایات و اگر میداشتند که چه فضیلت درین و وفای است هر آینه حاضر میشدند و اگر چه بسبب ضعف بر نشسته اند و مانند اطفال که تازه بر او ملحق شده اند و ممکن است که این جمیع منافق باشند و حضرت تعجب و تفرق ایشان نمیکند باشند و ممکن است که مسلمانان باشند و اشعار فرموده باشند که حاضر شدند نشد است با ایشان بقرینه آنکه فرمودند که اگر افضل این همه و نماز را بچند چون فضل و استحقاق فرج اسلام و اقیست یا ملامت باشد که اگر نماز افضل فضل بود و را می دانستند مسلمان واقعی میشدند و می آمدند و می

خلاف ظاهر مگر آنکه بقصد علم اظهار تفاوت ایشان چنین فرموده باشد
 یا ندانند منافق را مؤمن و چنین فرموده باشد تا مخصوصاً این فرق
 که وقت خوابت بر سر مناسبات است چون اعتقاد دارند ثوابت ایشان
 و منافقان که اعتقاد ندارند و از خوف محامد بر ایشان دشمنان
 و مسلمانی که جنس میکنند از جهالت که ثوابت را چنانکه هست
 میدانند و اگر میدانستند تاخیر میکردند تا چون نشنوندند
 تاخیر نکنند و قال الصادق صلوات الله علیه من ضل الهدى
 والعشاء الاخرى في جماعة فهو في دمة الله عز وجل ومن ضل
 فاعيا يضل الله ومن هضر فاعيا يحضر الله عز وجل وانسكون
 منقولست که آنحضرت صلوات الله علیه و آله فرمودند که هر که جمع و جمع
 بجماعت کند یا در پس و در میان آنی داخل شده است و کسی که چنین کسی
 ظلم کند حق بجهان و نقای را رستم کرده است و کسی که امان چنین کسی
 برهم زند امان آنی را برهم زده است در محاسن جفا قست هر که او را
 حقیر دانسته است خدا را حقیر دانسته است و ظلمی که بر خدا کند جزو
 کرده اند و حق بجهان و نقای از آن اعظم است که کسی بدو ستم کند
 ولیکن امثال این مقالات از باب مبالغه در استحقاق عقوبت است
 نه آنکه کسی که کسی با ستم میکند یا حقیر داند و آری آن مظهر و بروز عقوبت
 قیام و الجمل انت یصلی فی جماعه ولا یحضر المجدد لم یزل الله
 علیه و آله اذ ابتلیت لشمال فالصلاة فی الجمال و هرگاه باری
 و سرهای سخت باشد جایز است که آدمی در خانه خود نماند چنانکه
 حضرت سید المرسلین فرموده اند که هرگاه زمین سخت از باران تر

بهره از

بهره از باران در خانه نماند و هرگاه زمین سخت کفایت است که آن باران
 باران تر نشود و بخلاف زمین است که فرو میرود و مکت که مراد از غایت
 جمع نعل و مراد از باران است که بسیار است که زمینها بخت و سبب تلوین سجده
 میشود و اگر چه بخت باشد با اعتبار آنکه وقت آمدن باران باشد کجا را
 داخل سجده کردن منافق غفیم سیر است و خواهد آمد در باب غایب که
 با وجوب در وقت آمدن باران ترک میشوند کرد و احادیث در طرق عامه
 بسیار است و ظاهر این حدیث نیز از طرق ایشان باشد و بسبب تواتر
 ذکر کرده باشد و علی بن ابي طالب سیرا بیان خوب نیست مگر آنکه جمیع
 و حدیث وارد شده باشد زاعمه هدی صلوات الله علیه و لیکن بسیار
 بعد است و قال فی حقی الله عنه فی رسالته الی اهل بانی آن اول
 الناس بالتقدم فی جماعه اقرهم للقران فان كانوا فی القراءه سواء
 فافقروهم فان كانوا فی الفقه سواء فافقروهم و هم سواء فافقروهم
 فان كانوا فی المین سواء فافقروهم و جماعه و صاحبها مسجدی و بی
 ولیکن من فی الامام سکر الاول الا خلاصه و النقی فان فی الامام
 اولیا با فقه و مؤه و افضل المشوفا و لها ناولی الا الامام و بعد
 علی بن ابی طالب که خدا از اول فضل در همه آن که من نوشته بود ذکر کرده بود
 و عبارت عبارت فقه و فضیلت از آن اولی الناس تا آخر که بیان آن
 که اولی مردمان مقدم شدن و امامت کردن در جماعت کسی است که اولی
 بهتر داند و جودت قریب او بهتر باشد پس اگر هر فردی قرآن و علم و
 وجود و قریب مساوی باشند پس هر که اعلی باشد عبادت شریعت و او را
 فقه صلوات پس اگر در علم فقه صلوات با اعم مساوی باشند پس مقدم است

آنکه بیشتر هجرت نموده است از بلاد کفر ببلاد اسلام با جمیع حضرت علی بن ابی طالب
 علیه السلام و آنکه قبول کرده هجرت مسافر و بیابانده پس هر که در سن او
 در اسلام پیشتر باشد پس اگر در سن مسافر و بیابانده پس هرگاه خوش
 باشد از ایشان مقدم است و صاحب مسجد که در مسجدی امامت کند
 اولویت با امامت در آن مسجد از دیگران و میباید کسی که نزدیک باشد
 با امام صاحبان عقول و پرهیزکاران باشند که اگر امام بیوی کند
 در قراعت یا غیر آن یا مانده شود که نماند که کدام آن بعد از آن
 یا نماند که سه رکعت کرده است یا چهار رکعت مثلاً او را اعلام کنند
 یا آنچه باید کردند او را افضل صغیرها و افضل بزرگواران است و افضل جاهای صفت
 جایست که با امام نزدیک است در قراعت وضوی فی الجماعت و قیوست
 و این قول که بهتر است و ظاهر او از شاخ شده است و کلیتی صحیح است
 پسند صحیح و کان مبدع و ضعیف بنا بر مشهور است کرده است چون
 در سند سهل یزید یا از ابن عباس است و مکرر و مذکور شد که کلیتی از آن
 این محبوب برداشته است و سهل از شاخ احراز است و در خصوص
 اینجا حدیثی در صحیح با حسن کا یصح از این محبوب روایت کرده است
 از ابن عباس یا ابو عبیده که گفت سنان کردم از حضرت امام جعفر صادق
 صادق صلوات الله علیه از جمله اصحاب ما که محقق میشود و وقتان
 حاضر میشود و بعضی بیگویند که بیشتر یا بیستای فلان چه باید کرد
 حضرت فرمودند که حضرت سیدنا المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند
 که مقدم میشود و قوم راه که اقرا باشد قرا را پس اگر در قراعت مسافر
 باشد کسی که بیشتر هجرت کرده باشد پس اگر هجرت مسافر و بیابانده

کسان

که سالی بیشتر باشد و در سن مسافر و بیابانده پس کسی که اعلم باشد بیشتر
 حضرت سیدنا المرسلین صلی الله علیه و آله و کسی که اعلم باشد در سن مسافر
 مقدم نکند دیگر برادرش و نه صاحب طاعت و در سلطنت یعنی کسی که امام
 صلوات الله علیه امامت داده باشد او اول است و صدوق بعد از آن که این خبر
 در علل گفته است که در حدیثی دیگر وارد است که اگر در سن مسافر و بیابانده
 هر که خوشتر و تر باشد و ظاهر امر در فقره وضو است و کثرت یا زیاد و اندک
 روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که میباید که محقق
 نزدیک امام باشند که صاحبان عقل و خرد باشند که اگر امام فقیهانی باشند یا
 باند عقل و او را محقق بگردانند و افضل صغیرها و افضل بزرگواران است که
 با امام نزدیک باشند و فضیلت نماز جماعت بر نماز تنهایی است و در جماعت
 در هجرت و مسافر از آنحضرت روایت کرده است که افضل مسافرهای است
 چپ شال فضیلت نماز جماعت بر نماز تنهایی و کما یصح روایت کرده است از حضرت
 امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که شما را شرم نمی آید که کثرت یا
 نبوشید و او در خانه مولای که نالی بگوید که اقامت نماز جماعت حاضر شد
 و ظاهر میشود که نماز تنهایی مردم کردن در مسافرت یا بیابانده و صدوق و این
 خود روایت کرده است از آنکه نبی از عجمان بن مطعون روایت فرموده
 و اندوه او میباشید تا آنکه در خانه خود مسجدی مقرب ساخت که در آنجا
 عبادت کند و مشوجه دنیا نشود و چون این خبر به حضرت رسول الله صلی الله
 علیه و آله رسید با و فرمودند که ای عجمان بدین سخن که حق سبحانه و تعالی
 شوشیده است بهمانیت و گوشت کبری را بدین سخن که بهمانیت است چه آید
 در راه خلائی عجمان بهشتی است و امامت و در نماز را هفت بار است

عندادی که فرمای قیامت هر دیکه در این درها است رایانی که در کفر
 جسدیده باشند و شفاعت کنند ترا از حق سبحانه و تعالی و شفاعت و را
 در حق قبول کنند گفت ای محبوب منست سلطانان گفتند یا رسول
 از ما چنین خواهد بود در فرزندانی ما که بعضی از ما بودند چنانکه از برای حق
 حضرت فرمودند که با حق خواهد بود از برای کسی که صریح از حق برضای حق
 فرمودند که ای عتقان هر که نماز جماعت بکند و در صلا بخورد بنشیند
 و دیگر حق سبحانه و تعالی کند تا طلوع آفتاب او را در پشت آلود و بر هفتاد
 گنبد کند که از درجه تا درجه دیگر مقدار هفتاد ساله را هست و در
 باشند و هر که نماز جماعت بکند او را در جنت عدن بجا خواهد داد
 دنده باشد و هر که نماز جماعت بکند در جنت باشد که هفتاد ساله
 حضرت اسمعیل را آرد کرده باشد که همه صاحب خانه باشند و هر که
 نماز شام جماعت بکند او را ثواب جمیع مقبول و هر مقبول که است و ثواب
 و هر که نماز خفتن بجا آید در جنت باشد که شب قدر را بجا آید
 گذرانیده باشد تا صبح و باستاد خود را از غایت اسرار روایت که حضرت
 سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که حق سبحانه و تعالی
 در شبه ایست که نام او تحاشل است بنون و حا و مهمله که بر اینها نماز کرده
 کار نمیکند از حق سبحانه و تعالی نذر عذاب چون جمیع میشود بر میخیزند
 و وضو میسازند و نماز جماعت میکنند بر حق سبحانه و تعالی میگرد که
 در آن نوشته است که منم بخداوند باقی میزدگان من وای کنیزان
 شمار در پیشاه خود و در حفظ خود و در رعایت خود در آوردیم عزت و
 بزرگواری خود قسم باد میگویم که شمار از شما را نکند و کنایه آن شمار را بیامیزد

کس

نمونه

پس چون وقت نماز ظهر میشود و بر میخیزند و وضو میسازند و نماز میکنند
 و برات دوم را از حق سبحانه و تعالی میگرد و در آن نوشته است که منم بخدا
 قادری بندگان من وای کنیزان من کنایه آن شمار را بیدل ساختیم بخت
 و استیادت شمار آوردیم و چون از شمار را می شنیدم در آوردم شمار را بدار
 انجالی از طبقات بهشت و چون وقت عصر میشود و بر میخیزند و وضو
 میسازند و نماز میکنند از حق سبحانه و تعالی برات سیم را میگرد و در آن نوشته است
 که منم بخداوند جلیل که بزرگواری است ذکر من عظیم است یا دشمنی من ای
 من وای کنیزان من بدنهای شمار را برافش و در رخ حرم گردانیدم و شمار
 در آوردم در جانی که بزرگواری است در آنجا میباشند و شمار را بدار
 در آوردیم و چون شام میشود بر میخیزند و نماز میکنند برات چهارم
 از حق سبحانه و تعالی میگرد و در آن نوشته است که منم بخداوند بزرگواری
 مرتبه ای بندگان من وای کنیزان من فرشتگان من از پیش نما آمدن
 و از شما خشنودند بر من لا رست که شمار را خشنود گردانم و بدیدم شمار را هر چه
 آرزوی من دارم و چون وقت خفتن میشود و بر میخیزند و وضو میسازند
 و نماز میکنند برات پنجم از حق سبحانه و تعالی میگرد و در آن نوشته است که
 منم بخداوندی که بخیرین خداوندی نیست و پروردگاری بخیرین نیست ای
 من وای کنیزان من در خانههای خود وضو میسازید و بخانههای من آمدن
 و بیا و من بودید و حق را دانستید و نمازهای واجب را ادا کردید و کلاه
 بیکرم شمار ای بخایلی و باقی فرشتگان من که از ایشان خشنودم
 پس بخایلی سه صد امید دهد هر شب بعد از نماز خفتن که ای فرشتگان
 آتی بدینستی که حق سبحانه و تعالی از شما بزرگواری کنایه آن شمار را بدار

از حق سبحانه

برین می اندامی در هفت آسمان مکران که استغفار میکند هر چه غارت کرد
 و دعا میکند از همه ایشان که حق سبحانه و تعالی توفیق دهد ایشان
 بر عمل و مست بر نمازها پس کسی که توفیق یابد که نماز شب بخیزد از هر چه
 خالص الله و وضو بسازد وضوی کامل و نماز کند از همه وضای آقی به
 نیت صادق و دل سلیم و بدن با خشوع و خیم که باین حق سبحانه و
 تعالی در عقب آن صف از ملائکه باز میدارد که عذر هر چه می ماند بگوید
 از حق سبحانه و تعالی که بکفر آن در مشرق باشند و یکی در غرب چون نماز
 قانع شود و این فرشتگان در جایگاه و راندند و چون ظاهر شد
 در نماز جماعت بود در سجده می کردند و اگر اعم باشد توافقی مضاعف
 بود با مضاعف پس یا آنکه نهید تانی رحمه الله ذکر کرده است که تا
 برایت بابت و پنج نماز و اگر خلف عالم باشد برایت با هزار نماز مضاعف
 وارد شده است و در حدیث کا الحقیق وارد شده است که نماز جماعت
 بهتر است از نماز در مسجد کوفه منفرد یا آنکه نماز در مسجد کوفه برابر نماز
 و این حدیث را هر کس که اندر صلوة خلف عالم و این مضاعف در حضور
 که یک ماسوم باشد پس اگر پیشتر باشد مضاعف باشد مضروب و این را
 در شرح ارشاد نقل کرده است حدیثی بر مضاعف مضروب و این در حضور
 که نماز در خانه باشد پس اگر در مسجد جامع باشد خلف عالم یا یک نماز صد
 نماز است یا وحدت ماسوم و چون ماسوم د و شود صد هزار صد هزار
 و علی هذا القیاس تا ده ماسوم و بعد از ده دیگر عدد مضاعف را ضعیف
 کسی غیر از حق سبحانه و تعالی اگر چه تا ده عدد را اگر بحاسبات عالم
 عاجزند و کما رسول الله صلی الله علیه و آله امام القوم و قد هم قضا

اضلک

با فضلکم و ان تخشع شقوت که فرمودند که پیشتر از منی نماز شخصی است که
 از جانب قبله بنزد پادشاه و غیره و در آنجا بنشیند و حق گوید و هیچ
 نیست که بجز آن قبله را بفرستند بحسب علم و عقل و سایر فضایل بچین
 امام نایب مومنین است در ساجات با حق سبحانه و تعالی لهذا بلفظ
 میگوید که یا الله بعد از آنکه مقام شکست کی مقتضی از است چون بنشیند
 ماسومین سخن میگوید بلفظ جمع سخن میگوید بلفظ جمع سخن میگوید پس
 میباید که امام افضل شما باشد بحسب تقوی و روح و علم و فضایل و آن
 که چه میگوید و آنرا میباید که حق قرائت را بگوید و دعاها را بخواند
 که بلفظ جمع بگوید و نماز را با حضور قلب بکند و چنان باشد که عاقل
 ماسومین بپرکت نماز و مقبول شود چنانکه خواهد آمد در باب حقوق
 که میباید که حق امام را بدانی زیرا که او برگزیده خود گرفته است که آنرا
 ماسومین ساجات کنند با حق سبحانه و تعالی و از همه ایشان دعا کنند و
 کفایت کرده است از ماسومین هود و خوف لیستادن نزد حق سبحانه
 و تعالی را در ساجات با حق سبحانه و تعالی باشد و کما صلی الله علیه
 و آله ان سر حکم ان نزلوا اهلوا انکم قد و ایشا زکر و صدوق و غیره
 این سخنان روایت کرده است و سند صحیح با و دارد از حضرت امام
 که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که اگر خوشتر است
 شما را و خواهی که نماز خود را بکنی یا بر تشدید یا خواهی که نماز را
 بیکوشی یا بر تحقیق پس مقدم دارید کسی را که از همه شما افضل باشد
 یا مقدم دارید خود را چون شما را در حق خبر آمده است و کما
 رسول الله صلی الله علیه و آله من صلی یقوم و یقیم من هم اعظم

منه که بر سر آمدیم ای سقا الی یوم القيمة و مریدیت ددوی الهی
 که فرمودند که هر که امامت می کند و در میان ایشان کسی باشد که از علم
 باشد همیشه دین ایشان در پستی است تا روز قیامت چنانکه سفیان
 با عترت ایشان باعلیت حضرت امیر المؤمنین هم دیگر از با اهل بیت
 مقدم داشتند بنابرینست که روز بروز و شبی اند و حق سبحانه و تعالی
 دیده بصیرت ایشان را چنان گور کرده است که استدلالات کرده اند و لا
 ابوبکر را آنکه حضرت رسول الله ص او را امامت جماعت را دین خلافت
 انحضرت که بنایت حضرت سید المرسلین است و دیانت و دین دنیا
 تواند گردانند که در امامت نماز همه ایشان قابلند که اقتدا بروی او
 میتوان کرد و از لقب ایشان اظهر من الشمس است که حضرت همیش
 بودند و عایشه بدینش را گفت برو و عاز کن چون حضرت میفرمودند
 فرمودند که بلا وجه شد عرض نمودند که چنین کردند حضرت با آن
 کوفت یکدیگر بد و رخ حضرت امیر المؤمنین ص انداختند و درین
 بدوش فضل عباس و پس رفته ابوبکر را بپشت کردند و خود امامت
 تاشبهه نشود بر عوام و بخاری هم حکایت با آنجا مختلفه کثیر روای
 کرده است نهاده از بیست و وضع چون کتاب حافظه شد از دو تفاوت
 عایشه نیز ظاهر میشود بالغ و جوه هر که خواهد هیچ کس از روی انصاف
 و به بیند و قال ابودریس بن ابی اناسه عن ابی امامة عن ابی امامة
 عن رجل فلا جعل شفعوا لیسفیرها ولا فامیقا و کالشیع منقولست
 انابوز که خدا از روی یاد بدینست که امام نوشها عت لنده است
 بینا با قدس آقی پس بگردان شیع خود را جاهل و نه فاسق چون چنان

نمیدانند

نمیدانند که چنانکه و اسبق بر منی نماید که شفاعت را قبول کنند و ظاهر آنست
 و بود امثال این مختار انبش خویش بگویند بلکه عبادت حضرت و اهل بیت
 حدیث و نقل کرده اند و از امثال این اخبار استدلالات کرده اند چنانکه خدا
 در امام جماعت حضرت درین بوجوب ازین اخبار و شکیست و اخبار بعد از
 خواهد آمد که دلالتش بر حق است و دوی انجین بر کتار عتلی عتلی
 ملکوت الله علیه و آله انما سنا که نبجل عن القرآءه خلف الکلام فهاک
 لا کلام کلام حاسن لیسر لک و لیسر یفیس الکلام صلوه الذین همیر خلفه
 انما یفیس القرآءه و مریدیت انصاف من کتار و شیخ از این شیوه روایت کرده
 و هر دو محمولند از حضرت امام جعفر صادق صلو الله علیه که شخصی
 آنحضرت پرسید که در عقب امام قنوت میتوان کرد یا لازم است حضرت
 فرمودند که نه بدینست که امام ضامن قنوت است و امام ضامن نیست که نماز
 ما مومن صحیح باشد یا لازم نیست که نماز در واقع صحیح باشد تا نماز ما مومن
 صحیح باشد امام ضامن نیست که قنوت تابعی ما مومن قنوت میکند و قنوت
 امام بجای قنوت است و بعد از اخبار خواهد آمد و عرض از ذکر این
 حدیث در اینجا نیست که قاعده امامت صحیح اینست که قنوت امام از
 ما مومن کافی باشد پس امام فاسق باشد کافی نیست و بسیار اند که خود
 قنوت کنند و خود از آن واقعه بگویند و دوی خود شیع علی عزله جعفر
 ملکوت الله علیه انما قال خمسة لا یؤمنون الناس ولا یصلون
 بهم صلوه فوجیه فی جماعه الا برص و المجنون و الاخری حق
 یطاحیرو و لو انما و انحدود و کالشیع منقولست که حضرت امام جعفر
 با قرصوات الله علیه فرمودند که هیچ کس اند که امامت بر دامن نمیدانند

و میفرماید ایشان نمیکنند و در آن ولایت بجا میآید و بگوید که کسی که
 خواداشته باشد و اعزلی که ساکن بادیه است تا مهاجرت نکند بشیر
 با عهدت حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه و آنکه بنا بر آنکه بعد از فتح مکه
 هجرت ساقط نشده باشد و ولد بکه از آنجا بگریخته باشد و کسی که خود
 باشند و هیچ از آن مسکنان از ابوبصیر منقولست که حضرت امام جعفر صادق
 فرمودند که کسی که در هیچ حالی امامت زمان نمیکند و در هیچ ولایتی
 و ولد از آنجا و اعزلی و قال الامیر المؤمنین صلوات الله علیه لا یحکم الله علی
 خلق الا بحکمهم و الارض و الجنون و الخدود و ولد الارض و الارض
 لا یومئذ المناجیر کلهم و حسن کا لفتح از نهاده انحضرت امام محمد باقر صلوات الله
 روایت کرده است که فرمودند که حضرت امیر المؤمنین ص فرمودند که الله
 نماز نکند هیچ کس را تا مشیعیان در عقب مجذوم و صاحب بصر و دیوانه
 و کسی که حد نه بمانند اگر چه قویه کرده باشد و ولد از آنجا که معاق
 باشد که از آن است و این بی کس مطلقا امامت نمیکند و اعزلی امامت
 میکند چون مهاجر افضل است از و امامت اهل بی می تواند کرد و کالفتح
 منقولست از حضرت امام موسی کاظم ص که امامت کند کسی که در روی
 از آنها باشد یعنی از بیسی و در روایت کا لفتح از عبد الله بن زید منقولست
 که انحضرت امام جعفر صادق ص سؤال کردم از محمد بن و ابرس که آیا امامت
 مسلمانان میتواند کرد حضرت فرمودند که بلی گفتیم که آیا که حق خداوند
 بر رسول باین بلاها مبتلا نمیکند که آیا بلاها نوشته شده است که بر
 مؤمن یعنی همیشه مؤمنان محل بلاها الله ناصب کردند و راضی باشند و
 ثواب غیر متناهی باشد و از جمله جمع حمل کرده اند اخبار سابقه را بر کس

اجتمه

باز میفرماید

باز میفرماید که غیر مبتلا بوده باشد و کسی که در عقب یوانه خانجا زینت و در
 خصوص و ولد از آنجا داشته ست و از دست بعد جوان در پسران ادب است و غیر
 و احوط است که در عقب بعد و نماز نکند و هر چند توبه کرده باشد و هیچ از آن
 اجزم و ابرس مگر آنکه بیس چنان باشد و چون در دل است بر طرور دارد
 و محل طاق بر عهدت میفرمان کرد و اخبار بسیار را وارد شده است که از
 میگزیند چنانکه از شیر میگزیند بنا بر آنکه جدام سریت و صدوق ذکر
 کرده است جوان امامت بعد از او مناسب بود ذکر آن و احادیث جوان بسیار را
 از آنجا که در روایت شیخ محمد بن محمد بن مسلم منقولست از محمد بن و از حضرت
 امام جعفر صادق صلوات الله علیه که از ایشان پرسیدند که بنده شما
 جاهل می توانم که در هر کجا مسامان با و راضی باشند و بیشتر از ایشان قرار
 داند و فرمودند که با کسی نیست در حسن کا لفتح از نهاده منقولست که گفت هر چه
 بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که نماز در عقب بعد و جوش حضرت فرمودند
 که با کسی نیست هر گاه فیض باشد و کسی افقه و اعلم از و بنا شد و در روایت شیخ
 منقولست که آنحضرت سؤالی کردم که بنده امامت میتواند کرد فرمودند که نه
 مگر آنکه افقه ایشان و اعلم از ایشان باشد و سکونی از حضرت امیر المؤمنین
 روایت کرده است که بنده امامت میکند مگر اهل خود را و قال صلوات الله
علیه لا یومئذ القوم و ان کان اقراهم للقرآن لا یثبته من
 المسته اعظمها و لا یقبل که شهادت و لا یصلی علیه الا ان یقول
 ترک ذلک خوفا علی نفسیه و در روایت انحضرت امیر المؤمنین ص منقولست
 که آنحضرت فرمودند که ختنه ناکرده امامت مردم نمیتواند کرد و چند اقرار باشد
 با آنکه اقرار مقدم است بر آنکه اعظم سنتهای حضرت سید المرسلین صلوات الله

باقدر و امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که ای بخت که عملی از این
هر که صاحبان باور ضعیف شوند چون رضای مسلمانان در کار است بنا بر اخبار
قبلیه و بیشتر از دیگران قرات دادند و عاملی تر باشند ایشان و حضرت علی علیه السلام
صلوات الله علیه فرمودند که بخت که گوید مگر کجای که بخت که گوید مگر کجای که
در بعضی نسخ **إِنَّمَا الْإِسْلَامُ عَلَى الْإِقْلَابِ** یعنی بخت کوری مگر کوری در خانه که
حق جانان و قاضی فرموده است که جنم ظاهر کفار را گویند و لیکن گویند
و دلهای که در سینه است یعنی نفس مجرّی که بختی دارد بدین شکل صوری و ظاهر
این حدیث فی نفسه منقول است و صدوق عیاض است در اینجا ذکر کرده است
و محکم است که هر دو حق خبر باشد و در حدیث حسن کا القبح از زبانه منقول است
که حضرت خود میفرماید حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که من شربت
کرم را می نوشتم که در حضرت فرمودند که بلی هرگاه انسان افضل باشد و کجای
که او را و بقیه را بداند و یا از جناسات اجتناب فرماید و در هر چه از جنس منقول
از صادق صلوات الله علیه که فرمودند که ای بخت که بعضی امامت کند در آسمان
یا مومن او را بقیه را بداند و در حسن کا القبح از جنس منقول است از حضرت
در بعضی که امامت می کرده باشد بر خلاف قبله حضرت فرمودند که حق را
اعاده میکند و صاحبان اعاده میکنند زیرا که ایشان اجتماع خود را کرده اند
یعنی همه قصه کرده است و **وَكُلُّ الصَّادِقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ نَفْسٌ إِذَا**
خَلَّتْ لَهَا الْخُصُولُ وَالْأَعْلَى وَذِكْرَانِ يَقُولُ يَقُولُ و آنجا هر از جنس که
مستفصل است و بسند صحیح منقول است از خلف از روی انحضرت م که فرمودند
که سه گسند که در عقب ایشان نماز میخوان کردن کسی که بمول الحال باشد
در شمع و شستن و بهداشت و نفس خاکی که اکثر اصحاب گفتند و کلمه که خلوت کرد

حال او الله عليهم السلام امام زمانه حضرت دیجواب فرمودند که غما نمکن با قیام
 نمیتوان کرد در عقبت و چون کافر است تسلیم و ایمان شرط است باجماع و در بیان
 صحیح که نخواهد آمد و **وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ مَا جَاءَهُ اللَّهُ مِنْ بَيِّنَاتٍ مَعَهُ كِتَابٌ مِنْ رَبِّهِ**
فَعَنْ يَوْمِ الْآزْمِ يَفْرَقُ اللَّهُ عَنْهُ الْفَاسِقِينَ غافل خیرا نه کسی بود که کلام
 الفیلط را از کفر بظن کافر که خلفه فاکد لا اقرأ خلفه ما کفرین
 غافل و اقلع و در هیچ دو کاتبی منقول از کفر که گفت سوال کردم از حضرت
 امام جعفر صادق علیه السلام که ای بابا نیست و عجبی از عجب شریعه نداشتند و
 گناهان نمیکند نه صفیه و نه کبریا الا الله با پدر و مادر درشت سخن میگفتند
 که ایشان را تخم در کمر آورد و کرم مضطرب و در قیام و ای قیامت بگویم که
 صورتها قدرا واقع سازند و خود قیامت هم حقیقت فرمودند که نه قیامت
 در عقبت و اقدایا و بکن امام که عافیم و مادر باشد و اینانی قطع
 باشد ظاهر چو که صفای ضرر نداشته باشد و علی کرده اند نه بران
 الا که چون گوشت که صاف است ظاهر احوال و انش که با طبع درشت
 و از مشرق نام میشود و صفیه بدست که کرم نریزید باستغفار و لیکن اگر کافر
 باشد هر چند استغفار کند نماز نمیتوان کرد تا مکه هر نرسد او را و الا که صفیه
 بین الاحباب و محبه مشغوبین حادمان دلانی ظاهر برساند که مکه میباید
 و لیکن آن در حد التضرع داشت نه عدالت نامت و مکه که چون ظاهر
 غالب و ادعوی الناس است و دلخوا احیاء ضرر و برانند و در عدالت است
 همین کافر باشد که اقرار فرمودند شده باشد و روی بخورید علی الحدیث
 آنکه فاکد لا یصل خلف من شتمه علیک یا کافر و لا خلف من شتمه علیک
 یا کافر و در ولایت کرم است و در هیچ از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمودند

که تا نیک در عقیقه کسی که شهادت دهد بفرموده و نه در عقیقه کسی که شهادت
نکند و یعنی در اصول دین با تو مخالف باشد و کلامی که کند بر شهادت امان و در
سند بن جعفر بن محمد بن ابی حمزه عن ابی حمزه عن الصادق علیه السلام قال قال الله
عز وجل یقار فی الدنیا فیصل کلمته أم لا قال لا وروایت کرده است
شیخ در صحیح از سعد بن ابی حمزه و در اصول دین و لیکن ظاهر اینست که صدق
الفتاب او را ثابت کرده باشد و کلامی که کند بر شهادت امان و در
سند بن جعفر بن محمد بن ابی حمزه عن ابی حمزه عن الصادق علیه السلام
که آیا در عقیقه نماز میتوان کرد یا نه حضرت فرمودند که نه و ظاهر اینست
که فتوح است و علم شیعیان باید بداند آن وقت که حاصل میشود
که ظاهر شود عدالت او و در حق است و این مسلم است که سبب الیقین
صدقات الله علیه عن الصادق علیه السلام قال قال الله عز وجل قال
لیعبد کل صلیوة صلاتها حلیة و در موافق کافیه از کوفی منقولست
که از حضرت سوال کردند از آنکه در عقیقه کسی که باور نداشته باشد
قضا و قدر حق سبحانه و تعالی را حضرت فرمودند که باید عاده کند هر بار
که در عقیقه کرده است یعنی هرگاه راند که او را فوضه است و اعتقادش
اینست که قضا و قدر بر حق است و نه اعتقادش بر آنکه رای معتزله
و همچنین است کسی که قایل بجهنم باشد چنانکه از حضرت امام رضا
صلوات الله علیه منقولست که فرمودند که هر که قایل باشد بجهنم و روزه
مهرید و کواهی را قبول نکند و حادیت در کفر جوییه و قدریه زیاده
از حد حصر است بلکه میباید که بده اعتقاد و بقضا و قدر داشته باشد
و آنکه بجهنم نیست و فعل اینست است و توفیق حق سبحانه و تعالی است

توفیق

و توفیق الهی و توفیق حق سبحانه و تعالی از فضل الهی است و توفیق الهی
علیه السلام بن جعفر بن محمد بن ابی حمزه عن ابی حمزه عن الصادق علیه السلام
و یقول هو حب الی من حلقه قال هذا حلقه و هو عدو فلا یصل
و لا یؤک و لا یلمه الا ان یسقیه و در صحیح منقولست از حضرت جابر که گفت
عرض نمودم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که شخصی که هست دوست
میدارد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را و بر اینست از شما
تخفرت که خلافت از حضرت فضا و قدر و در حدیث ابوبکر و عثمان و عائش
لعمریه و میگوید که علی بن ابی طالب از شما آنکه مخالفت حضرت
کرده اند حال و جریست حضرت فرمودند که این سخن حضرت جابر
او را نمکن و اگر کسی نیست که سبب نیات او باشد یا او را دوست دارد
داشته که آنکه از روی حق در عقیقه و نماز کسی که خواهد آمد و عقیقه
با او دوستی کنی و بحسب طاعت با او سخن باشی و این جمع را تفصیل میگوید
و بعد از اینست متواتر و آورده است که بر ایشان از اصول دین است
چنین شخصی که قریب و مسلم ظاهری و در حق کافیه از حضرت امام رضا
عقیقه قبول باشد نه تنجید پس اگر قریب رسید که اذان و اقامه کند
قرابت قوت شود و تنجید که نام بگوید و در پیش از قریب پس بگوید یا
امام از ائمه است از اذان و اقامه که آن چهار تنی علی بن ابی طالب و ائمه
کن بعد از یکدیگر بگوید و با او هر چه از قریب حدیث در حدیث دیگر از حدیث
و این زیادتی در حق است تا اینجا حکم نماز در عقیقه سنیان بود و باقی عقیقه
و اگر نماز را ناله باشی و اقامت ناله گفته شود یا قد قامت الصلوة گفته
شود پس نماز را ناله قطع کن و نماز فریضه را با عادل بکند و اگر نماز را ناله

باشی و اقامت گفته شود آنرا قطع کن و نقل کن نیست یا ناله و در هر یک سبب
و سلام بده و خود را با امام برسان پیش از بگویم که اگر ناله است یا ناله و اقامه
باید که نماز را قطع مکن اگر ناله باشد و نقل یا ناله مکن اگر فریضه باشد
و لیکن راه را و نماز خود را بصفتان رسان و با فاسق نماز کن پس چون گفت
چهار چیز و مثلا و نماز تمام شده باشد و ناله یا بگویم و تشهد و سلام
در نماز ایستادن بجای آور و اما اخبار که درین باب وارد شد و است
پس در صحیح زیاده منقولست که گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه از نماز کردن در عقیقه سنیان حضرت فرمودند که
نیستند ایشان نزد من الا عذله و ناله یا بگویم که اقتدا بیدو و ناله
کردن اقتدا با ایشان نمیتوان کرد و در موافق کافیه از حضرت امام رضا
که گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام که با ما بیانشم و نماز
فارغ میشود پیش از آنکه امام سنی از قریب فارغ شود حضرت فرمودند
که بیا آیه را بگویم و ناله یا بگویم و ناله یا بگویم و ناله یا بگویم و ناله یا بگویم
آیه را نمیتوان و بگوید و در موافق کافیه از حضرت امام رضا که گفت
صلوات الله علیه سوال کردم که نماز عقیقه در عقیقه کسی که اعتقاد
نیتوان کرد پس اگر نماز از قریب فارغ شود و او فارغ نشده باشد چنانکه
حضرت فرمودند که تنجید بگو یا فارغ شود و کافیه منقولست از حضرت امام رضا
عرض کردم بحضرت حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که شیعیان
شما اختلاف بسیار در میان ایشانست است آیا در عقیقه همه نماز
میتوان کرد حضرت فرمودند که نماز عقیقه را بکند در عقیقه کسی که اعتقاد
داشته باشی بدین او و اما نقل و یعنی عدالت و فقط امانت در کافیه

در عقیقه

کرده باشد از نماز واجب حضرت فرمودند که اگر امام عادل باشد فقیران را
 واجب نیست و در وقت بخت و ملحق شود بلیام و اگر عادل باشد همان نماز
 بکند و بیک وقت دیگر بکند و بنشیند در رکعت دوم خودش افتد که نماز
 کبر و صلوة فرستد و نماز را با تمام کند هر چند آنکه تواند زیرا که امریست
 و هر ضم که بقیه کند منابت آتش الله و مقصود این حکم در وقت وضوی
 گذشت که عبارت بدین روایت کرد و قال ابو جعفر صلوات الله علیه
 ان رسول الله صلى الله علیه و آله صلى باجماعه جالساً فلما فرغ قال لا
 يؤمن أحدكم حتى يجعلنا من جملة من حضرت امام موسی باقر علیه السلام
 سید المرسلین صلوات الله علیه و آله نماز جماعت کردند با امامت صحاب
 و حضرت شمس بنه بودند و اصحاب ایستاده و چون از نماز فارغ شدند
 فرمودند که بعد از من دیگر کسی امامت نشسته نگردد ایستاده کار که اگر
 مامومان نیز نشسته نماز کنند امامت ایشان میتوان کرد چنانکه خواهد
 آمد در هر مکان که نشسته نماز میکنند و امام در میان ایشان می بنشیند
 و ظاهر این نماز آخری بود که آنحضرت جماعت می آوردند چون شنیدند که آن
 مقدم داشتند اندک بگذشت عایشه حضرت دست برد و حضرت امیرالمومنین
 صلوات الله علیهما انداختند و دست دیگر برد و شرفصل از عباس و عتبی
 نقل کرد و است که دست دیگر برد و شرفصل از خاندان آمدند و ابو بکر را
 و در کردند و نماز کردند چنانکه گذشت و بعد از آن نماز جماعت کردند
 پس حضرت که این حکم منسوخ شده باشد از آن وقت و ممکنست که طایفه
 خاصه حضرت صلوات الله علیه و آله و کان النبی صلی الله علیه و آله و سلم
 عن قریب شیخ شافعی الاثنین فصلی بهم جالساً فی عرفة اثم ابرهیم و ستمو

باشد و نقل اجماع کرده اند
 که چنانچه امامت شمس
 ایستاد و آنرا قال الصادق

انحضرت

انحضرت صلوات الله علیه که فرمودند که حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه و آله
 از اسب فراتر اند و چنانچه است حضرت شکست با جانب بدن چنانکه عامه
 و است کرده اند و در بعضی نسخ نیز نقل شده است که جمیع اهل انصاری و سید
 خا و اقم شده است و بعضی بخشی بدان واقع شده است و هر دو با جمعی است
 که زخمی شده بود که پوست شکافه بود و امامت صحابه کردند نشسته و با ایشان
 ماریه مادر ابراهیم فرزند آنحضرت و این واقع بنده بود و گذشت و حضرت مساجه
 و سنا که جمیع از جمیع ایضا افضل یصلی الرجل لبقیه فی اولی الوقت و
 یوخر علیه یصلی یا هیل سجده اذا کان امامهم قال یوخر علیه یصلی یا هیل
 سجده اذا کان الامام و منقولست از جمیع فقه عظیم نشان و ظاهر است
 که از کتاب و نقل کرده است چنانکه در اول کتاب گفته که چه طریقی
 بکتاب و ذکر کرده است که گفت حضرت صادق صلوات الله بر سر سید که این
 دو صورت کلام بدان فضل را که شخصی خوانده خود را نکند در اول وقت
 یا آنکه تاخیر کند و امامت اهل مسجدش کند بسبب آنکه اکثر شیعیان که
 تابع ابو حنیفه اند نماز را در میان سجده از جمیع انظار مامومین تا انشا
 جمیع شوند بفرقیه اندک تاخیر چون امام ایشان است و سناست که
 انظار مامومین اندکی بگذشت جمیع ترجیح وقت کم با جماعت حضرت فرمودند
 که تاخیر میکنند و با اهل مسجد با امامت ایشان تا انکه هرگاه امام ایشان
 باشد لازم است که رعایت ایشان کردن و ممکنست که اهل مسجد شرف
 باشند و نماز را ایشان از روی تقیه کنند رعایت نما باید کرده باشد که
 رجل فقال که ان لی مسجد علی باب داری فانما افضل اهلک فی منزل
 قال یصلی الصلوة او یصلی بهم و اخفف فکذب صلوات الله علیه و سلم

انجام داد در حسن کا لقم از جلی از حضرت امام جعفر صادق صلووات الله علیه
 و آنکه منقولست که فرمودند که هر که بایستد آن در صفا دل ایشان نماز کند
 از دو رویت که خود اذان و اقامت بگوید و خود قنوت کند یا اعم هر که
 شد بایستد چنان باشد که در حق حضرت سیدنا امیر مسلم صلی الله علیه
 و آله خاز کرده باشد در صفا و اذان و قنوت حقیقی آن حضرت را که
 قال عیسیٰ لک اذا دخلت محرم و انکنت لا تقبل عیب و در حق حضرت امام
 جعفر صادق صلووات الله علیه منقولست که فرمودند هرگاه داخل شوی در محراب
 سنیان و آنچه بایستد اقتدا میکنی بخود داخل شدن بایشان از رویت
 محسوب میشود و لفظ حسب لک در کافی و تهذیب نیست ظاهر اینست
 زیاده شده باشد چون حسب و کافست حاصل آنکه محسوب میشود از جهت
 توشه نویی که نماز میخواست با خدا دل که اقتدا با او نماید و در رویت
 بن صدقه آن قال قال جعفر بن محمد صلووات الله علیه ما جعلت و ذاک
 انما امر بقیوم ناصیه و قد ایتهم بالصاوة و اما علی بن ابی حمزة
 فان ادخل محرم فی الصلوة قالوا ما لنا و ان یقولوا فاصبر و صبر
 انوصا اذا انصرف و علی بن جعفر بن محمد صلووات الله علیه
 سبحان الله ما یخاف من یحیی علی بن ابی حمزة و انما اخذ الاثر من
 و کما لیس منقولست که خنجر حضرت امام جعفر صادق صلووات الله علیه
 عرض نمود که در این کرم میگردم بخیر و اچیزی نمی آید که اطهار اعدا
 اهل بیت میکنند و اقامه نماز که اندرون وضو و نماز پس اگر انداخت
 داخل شوم هر چه میخواهد میگوید یا ایشانی نماز می و وضو میکنم و بعد
 وضو بایستد و نماز و بعد از آن اوم پس حضرت فرمودند که سبحان الله

محمّد

یعنی شوی است حق بجانب و قال یا آنکه از جهت نماز می وضو کنند و بایکبار نه منقول
 پس را با آنحضرت فرموده باشند یا آنکه در حدیثی که در وضو آنکه در حدیثی
 و ظاهر اینست نماز کردن بی وضو روا باشد اما اگر بگوید که بگوید و بایشان
 نماز کند و بایشان را بدینا بگوید علیه السلام در حدیثی که در وضو آنکه در حدیثی
 در حق آنحضرت که بن معمره منقولست یا حج و حاکم و بن ابی حمزة و بن ابی
 از اهل اصحاب است که گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلووات الله
 علیه که من در خانه خود نماز میکنم حضرت فرمودند که قصد افله کن نماز کن
 که بایشان میکنی و بایکبار احرام نموده بایشان داخل نماز شوی بدینچه که
 افتتاح نماز میکنی یا راسته و کما لیس منقولست انجید که گفت یا حضرت عرض
 نمودم که داخل مسجد می نمودم و پیش نماز کرده ام و بایشان نماز میکنم و چنان
 نماز میکنم از حضرت فرمودند که بایکبار یا ایشانی نماز میکنم و چنان
 سبایم که سجده میکنم و سجده میکنم و در وی خفته زید الفخام آنکه قال یا
 قد خال فی السرا یخافکم صلووات الله علیه و بعد از آنکه و ایشانی
 چنانکه و ان استطعتم ان یكونوا الاشیة و المذنبین فافعلوا فانکم
 اذا فعلتم ذلک قالوا هؤلاء الجعفریة و جعفر ما کان احسن ما
 یجوب الحجة و اذا رآکم ذلک قالوا هؤلاء الجعفریة فعل الله بجعفر ما
 اسوء ما یؤوب احبابه و کما لیس و در حق از حدیث منقولست که حضرت امام
 صادق صلووات الله علیه با و فرمودند که اگر بید بایستد یا نعم معاشرت
 بطریق ایشان در مساجد ایشان نماز کنید و بپارا ان ایشانی عادت کنید
 و بپارا ایشان حاضر شوید و اگر توانید چنان کنید که بپارا ایشان با
 میا شوی ایشان که هرگاه بایشان چنین معاشرت میکنید میگوید که یا

بپوشانند صلوات الله علیه چاه و شیبی برودن آوردند و سن آنرا از مردم
 طوالت آن هفت ذوق بود بنوعی است و عرضش چهار ذوق بود که هفت
 باشد و اگر بخورند نمیند نیز جایز است چنانکه بعضی از ائمه و بعضی از اهل
 میگویند بدانکه اگر بخورند نمیند نیز جایز است اما بی وادامه است چنانکه
 در صحیح اسیهان بن خاله منقولست که گفت از حضرت امام جعفر صادق
 صلوات الله علیه سئوال کردم از شخصی که امام باشد و یک پاره بر او
 باشد و در این پاره باشد حضرت فرمودند که سزاوار نیست که یاد
 یا عمامه یاد کند که سر برهنه باشد بهتر از آنست که بی زده باشد و
 منقولست در صحیح از علی بن جعفر که گفت سئوال کردم از پدرم حضرت
 امام موسی کاظم که گفت آیا امام را خوبست که در جامه بپوشد و
 کلاه بر سر گذارد و درین دو جامه امامت کنند بی زده فرمودند که خوب
 نیست و سئوال کردم که آیا در جامه عوض کند خوبست فرمودند که
 بلی و اما درین دعا گذشت در لباس صلی و سَأَلَكَ مُحَمَّدٌ بْنُ يَزِيدٍ أَمَّا
 عَبْدُ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الْقَلْبَةِ الَّتِي يَرُونَ أَنَّهَا لَا يَبْقَى لَكَ
 يَهْوَى فِي وَفَيْتَ رَجُلًا مَا حَكَمَ هَذَا الْوَقْتُ فَقَالَ إِذَا لَمْ تَكُنْ الْمَقِيمُ
 فِي الْأَقَامَةِ فَقَالَ لَهُ النَّاسُ يَحْتَلِفُونَ فِي الْأَقَامَةِ فَقَالَ الْمَقِيمُ الْأَقَامَةُ
 بَصُلِّي حَقًّا وَبِاسْمِهِ بَعْضُهُ مَنْقُولست که گفت سئوال کردم از حضرت
 امام جعفر صادق صلوات الله علیه از و ابی که منقولست بروایت
 عامه با امر که سزاوار نیست یا فله در وقت و رنجنه کدام وقت است چنانچه
 فرمودند که آن وقت که شروع کند اقامت گویند که مؤذن است
 در اقامه پس عرض کردم که مردمان مختلف میباشند در اقامت کدام

انتهای

اقامه را درست حضرت فرمودند که آن قیچی که با و نماز میکنی با میکنند و ظاهر
 میشود که جائز است در یک سجد چند قرائت باشد بلکه مسکونه اند و نشان
 ندارد با حاجتی که وارد شده است که چون وقت قضای او باشد و نشان
 میتوان کرد با آنکه در هر دو وقت میخواند باشد بعنوان سجد
 یا کراهت یا در یک کراهت شد بدتر باشد یا آنکه در صورتی که اشتغال
 حاجت کشند یا جائز باشد بی کراهت چنانکه گذشت و سَأَلَكَ مُحَمَّدٌ
 بْنُ سَالِمٍ إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ يَوْمَ النَّاسِ عَلَى الْحَرَامِ
 أَوْ يَحْتَلِفُونَ حَتَّى يَجْعَلَ أَمَامَهُمْ قَالَ لَا يَحْتَلِفُونَ عَلَى الْحَرَامِ قَائِلًا
 إِمَامَهُمْ وَلَا يَأْتُونَ بِبَدَلِهِمْ فِي الْقَوْمِ قَدْ قَامَ بِلَا نِيَّةٍ حَتَّى
 مَنْقُولست از جعفر که گفت سئوال کردم از حضرت امام جعفر صادق و صلوات
 علیه که هرگاه مؤذن قدامت اقامه بگوید یا امامان برپا نهند
 اگر امام ایشان حاضر باشد یا میفتند تا امام ایشان حاضر شود
 حضرت فرمودند که برپا نهند اگر امام ایشان آمد و امامت میکند و اگر
 اندک فوقی کردند و او میامد دست یکی از آنها میباید برپا نهند و وقت
 میدارند و با اقتدا میکنند و از حدیث ظاهر میشود که میباشند
 در وقت اقامت مومن نشسته باشند و مؤذن ایستاده باشد
 و وقت ایستادن ایشان و قیامت که قدامت اقامه گفته شود
 نه وقت شروع در اقامه و اقام اقامت چنانکه بعضی قایل شده اند
 و دیگران که سخن گویند بعد از اقامت که چه در وقت امام باشد و اگر چه
 جایز است امام را ترکش و اول است دیگر هرگاه امام را ترک کند حق
 مامومان مستقیم است و دیگر بر مقدم میدارند و ظاهر میشود که نسخ و

جماعت کردن کافی باشد در سلامت و عدالت در کار نباشد و آنچه محل
میتوان کرد بر آنکه مقدم دارند کسی که خفایت امامت داشته باشد
ولیکن خلاف ظاهر است و نویزاده عزیزی جعفر صادق علیه السلام
عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا أَقْبَمْتَ لَنَا وَحُرِّمَ الْكَلَامُ عَلَى الْأَيَّامِ
حضرت امام محمد باقر صلوات الله فرمودند بر پا شود غایت کثرت
قد قامت الحکومة چنانکه الحال گذشت حرام است سخن گفتن بر ما
و اهل سبوح که با این امام خانیستند با اعم مکر در مقدم داشتن اما
چنانکه گذشت ولیکن بعنوان دست گرفتن اولیاست و احادیث
بسیار بر پی و جواز گذشت و اگر عمل کرده اند این حدیث را بر
ناجی شود میان اخبار آنچه احوط تر نیست مطلقا و در وقت عزیمت
سَبِيلَ آتِهِ سَبِيلَ فِرْعَوْنَ يَوْمَ الْحَجِّينَ قَالَ يَتَخَفَتُهُمَا وَلَا يَقُورُ
بَيْنَهُمَا وَخَرَّ الْحَجَّيْنِ تَحْتَهُمَا جَمَاعَةٌ قَالَ نَعَمْ يَجْعَلُهُ عَرْشَيْنِ
قَالَ وَفَالَيْكُمْ سُبْحَانَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَقْبَمُوا صَفْوَكُمْ فَارْتَفَعُوا
أَرْكَامُ مَنْ خَلْفَهُمْ كَأَنَّهُمْ كَهْمُ فُلَانٍ وَبَيْنَ يَدَيْكُمْ وَكُلُّهَا لِقَاؤُنَا
اللَّهُ يَنْقُضُكُمْ وَكَأَنَّهُمْ مَقْبُولُونَ وَبَيْنَ يَدَيْكُمْ وَكُلُّهَا لِقَاؤُنَا
امام محمد باقر صلوات الله علیه سوال کردند از مردم که امامت کند
حضرت فرمودند که پیش میایستند و در وقت بیست و در میان
ایشان نمی ایستد یعنی انتخابی و از حضرت سوال کردند که هرگاه دو
خواهند که خارج جماعت کنند جایز است فرمودند که بل و امام مومنان
در دست است خود را نمیدارد و اینصورت در صحیح است که مسلم از آن

منقول

منقول و خواهد آمد محمد بن سید گفت که حضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه فرمودند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که
صفهای نماز جماعت درست کنید که من شما را از بیت سرچنان می بینم که
از پیش و بر سر می بینم و پیش و پس می ایستد که حق سبحانه و تعالی شما
مرا از پیش و پس می بیند و شما را از پشت صورتی می بیند و در جماعت عرضی
و جزو آخر اصدوق در یونان را از پیش و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
علیه روایت کرده است یا زیاد قیل که در پیش بدوش می ایستند و در قوی از
ابو سعید خدری روایت کرده است که حضرت سید المرسلین صلی الله
علیه و آله فرمودند که میخواهید که دلالت کنی بر این که کفایت کفایت
شما باشد و سید بن ابی ذری حسانت شما گفتند یا رسول الله حضرت فرمود
که آن تمام کردن وضو است در هواهای سرد و بسیار کام برداشتن
مساجد و انتظار کشیدن غارت بعد از نماز و هرگاه انتظار که از نماز
خود بیرون بروید با وضو و نماز جماعت کنید با مومنان و نشینید
و انتظار نماز دیگر کشید و نهنگان از حرم شما استغفار کنند و بگویند
خداوند او را بامر بخشد و ندا او را بپوشش آید چون نماز ایستد نماز را
نیکو بجا آورد نه طولانی و نه کوتاه با صفهای خود را درست کند و
فرجه را بسد و در سایه و همه جا متابع است امام کینه بدستی که پیش
صفهای زنان پس ترازا سکونی منقول است که حضرت سید المرسلین صلی الله
علیه و آله فرمودند که مساوی کنید میان صفها را و در پیش بدوش می ایستند
تا شیطانی بر شما استولی نشود و درین باب اخبار متواتر است و جمیع
کتاب و نحو و تفسیر که ترازا نکند چون اولین باب فی معارضت

اولی

والله يعلم وقال ابو الحسن موسى بن جعفر صلوات الله عليهم اجمعين
 في الصف الاول كما تجاء في سبيل الله عز وجل وسقوت انما خفرت
 صلوات الله عليه که نادم صفا ودر ثواب جهاد ودر حق سبحانه و تعالی
 دارد یعنی جهاد بقصد قربت با آنکه جهاد را با اسلام را سبکاید بیست
 کفر و کافران حق تعالی است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
 علیهم فرمودند که ای محسن استیذان نماز یکی در سجده گفت بگو حضرت فرمودند
 که با ایشان نماز کن که شخصی که با ایشان نماز میکند مانند کلمات که
 شمشیر کشیده باشد و در هر حق سبحانه و تعالی و کلمه پس ممکنست که
 ملا از حدیث متن جماعت با عامه باشد یا عام باشد یا آنکه احادیث
 کذاست که در قرینت میان جماعت واقعی و صورت جماعت با ایشان
 در ثواب بلکه ظاهر شد که ثواب بی صورت نیست است چون احادیث صحیح
 و اید شده است که نماز در صف اول ایشان مثل نماز در صف اول است
 است مگر صلوات الله علیه و دردی الحلی عزله عبد الله صلوات الله علیه
 الله قال لا اری بالصقوف بین الاساطین کانتا وقال اخو
 صفوفکم اذ اذیتهم خللا ولا یقرکت انما تتأخر وراه که اذ اذیت
 ضیقاً الصف اول الصف الاول خلفک وفتی خیراً ویا سائنه
 صحیح و سقوت انما حلی گفت حضرت امام جعفر صادق و صلوات الله
 علیهم فرمودند که من با آن عیدم صفهای میان ستونها اعراض که ستونها
 انما قطع کرده باشد و صفی که در عقب ستون است که ستون حایل است
 و در صف اول چنانکه شاهد است و سجده کرده و بعد در نماز چنان
 اید الثوبین صلوات الله علیه همین عنوان بوده است و مسجد الحرام

مسجد الحرام

۳۹۱
 و مسجدی صلوات الله علیه و آله اگر چه تغییر یا قدرت اما انکسرت که در نماز
 ستونها بوده است خصوصاً مسجدی ۳۳ و در میان و عقب این ستونها نماز
 میکردند مثل حال و حضرت فرمودند که تمام کند صفهای خود را هر چه
 در نماز باشد که فاصله را در پیش از نماز و بعد از آن شروع در نماز کنند و اگر در
 انما ای نماز داخل میسرید یا بیشتر در نماز و نماز که خود را بصفت حق تعالی
 و در میان فرجه با حق تعالی و صف اول باشد و چون روی نماز اخراجی
 که پشت بقبله کنی یا آنکه پشت پشت یا ای آنجا بنشین بروی و بر آنجا
 شیخ در سجده از فضل نماز و است کرده است همین عبادت و عجز و در حق
 سماعه مدلول است مابین زیادتی و اگر در صفی باشد و خواهی که نصف
 بنشین روی یا کویست که بروی و در صفی روت لازم نیست که باشد
 باشد اما توان رفت زیرا که صف بیشتر توانیش بیشتر است از جمله
 ثواب جایز است به پیش رفتن و در سجده ابر سبیل انما خفرت م سقوت
 که پیش میرود اما پس میاید و محولت بر صورتی که عبت بیاید یا
 بار و در حق نموده و ای جعفر صلوات الله علیه الله قال یسجد للصقوف
 انما تكون نامة سواء حلة بعضها لبعض ولا يكون بین القماری
 نالاً لا یحلی ان يكون قله من ذلك مستقط حله انما انما یحلی و قال
 ابو جعفر صلوات الله علیه ان صلوات قوم و بین الامام لا
 یحلی فلیس ذلك الامام لهم باایم و ای صفی کان اهل صفی
 یصلوا امام و بینهم و بین الصفی انما یصلوا امام لا یحلی فلیس
 انما لهم یصلوا و انما کان ستم انما انما کان انما کان لهم یصلوا و انما
 انما حیال الاناب قال هذیه المقاصد انما احدیها الجبار و

وَلَيْسَ لِي صَلَواتٌ مُتَعَدِّدَةً بِصَلَوَةٍ قَالَتْ وَفَالِ
 أَيْضًا لَمَّا رَوَيْتُ صَلَواتِ خَلْفِ إِيْمَانٍ بَيْنَهُمَا وَبَيْنَهُ مَا لَا يَتَحَقَّقُ لَيْسَ كَمَا لَكَ
 بِصَلَوَةٍ قَالَتْ ثَلَاثُ فَإِنَّ جِلَّةَ الْإِنْسَانِ يُؤَدِّدُكَ بِصَلَوَةٍ كَيْفَ يَصْنَعُ
 وَهِيَ لَيْلَةُ جَانِبِ الْمَرْجُلِ وَتَحْدِيدُ رَجُلٍ شَيْئًا وَبِاسْمَيْهِ حَجَّةٌ وَحَدِّ
 كَأَنَّهُمْ مَقُولُ لَمْ تَحْضُرْ إِيْمَانُ خَلْفَ صَلَواتِ اللَّهِ كَمَا مَرَّ وَدُنْدُ كَمَا
 أَتَتْ كَمَا صَفَّاهُ غَامٌ بِأَشَدِّ كَمَا دَرِيَانُ صَفِّ وَاقِلٍ وَاسْتَرْجَا كَيْفَ بَاشَدَ
 وَبِكَ كَمَا مَقُولُ بِأَشَدِّ كَمَا دَرِيَانُ صَفِّ نَاصِفٍ دِيكَرَ فَاصِلُهُ بَسْمًا رَسَا
 دَرِيَانُ دَوْصَفِّ لَمْ تَحْضُرْ فَاصِلُهُ بِأَشَدِّ كَمَا كَامُ بِرَسْوَانٍ دَاشَتْ كَمَا رَافَا
 اَزْمِنْهُ مِيَانِ دَوْبَايِ مَسْتَوِي حُلُقُهُ بِأَشَدِّ كَمَا تَحْتَمَّاسُهُ شَرِيبَتْ
 تَابِجَاهُ شَرِيبَتْ كَمَا هِيَمِينَ قَدَرِ بِأَشَدِّ كَمَا وَقَعِي كَمَا بَجُودٍ رَوْدُ مَقْدَارِ رَحْمَةٍ
 وَنَرَا بِكَ كَمَا كَفَتْ كَمَا حَضَرَتْ إِيْمَانُ خَلْفَ قَدَرِ مَرَّ وَدُنْدُ كَمَا اَلْجَمْعِي فَالْجَمْعِي
 مِيَانِ صَفِّ قَدَرِ وَإِيْمَانُ زِيَادَةُ اَزْمَقْدَادِ كَامُ فَوَاحٍ بِأَشَدِّ اَنْ اِيْمَانُ بَاشَدَ
 اِيْمَانُ مِيَانِ وَهَمَجِيْنِ اَوْصَقِي نَاصِفِي دِيكَرَ اَكْرَ فَاصِلُهُ زِيَادَةُ اَزْ كَامُ فَوَاحٍ مَاشَدَ
 حَاثُ اَنْ صَفِّ مَاشَدَ فَارَ بَاشَدَ يَحْيَى فَارَ كَامُ مِيَانِ وَاَكْرَ فَاصِلُهُ بِأَشَدِّ
 بِأَشَدِّ وَبَايِ بِأَشَدِّ كَمَا بَجُودِ اِيْمَانُ اِيْمَانُ رَاسِتُو اَنْدَ دِيكَرَ قَطْعُ نَظَرِ فَاصِلُهُ
 مَاسُوِيْنِ زِيَادَةُ كَفَتْ حَضَرَتْ مَرَّ وَدُنْدُ كَمَا اِيْنِ مَقْصُودُهُ هَايُ كَمَا اَلْجَمْعِي
 كَمَا حَرَابِ دَاخِلِ مَرَّ بِجَدِاسْتِ سَمَكَا اَرَانِ بِمَرَّ بِمَرَّ مَاشَدَ اَنْدَ وَبَدَ اَلْجَمْعِي
 وَدَرْمَانِ حَضَرَتْ سَيِّدَةُ الْمُرْسَلِيْنِ مَرَّ وَدُنْدُ كَمَا اَفْزَاكُنْدَ بِأَشَدِّ
 دَوْصَفُّوهُ اَنْدَ اَزْطَرَفِيْنِ مَقْصُودُهُ فَارَ اِيْمَانُ فَارَ بَاشَدَ يَحْيَى فَارَ كَامُ مِيَانِ
 بِأَشَدِّ بِأَشَدِّ فَارَ اِيْمَانُ كَامُ مِيَانِ بِأَشَدِّ بِأَشَدِّ كَمَا اَرُوِيْ كَمَا
 كَمَا اَنْجُورُ كَمَا دَرْمَانِ اِيْمَانُ بِأَشَدِّ وَبَدَ اَلْجَمْعِي

مشهد

شد با هر چه در پیش از او من صلوات الله علیه در تمام خلالت ظاهری و باطنی
 ساخته چنانکه در سؤالی علیه است که حضرت میفرمودند که من تمام سازند
 و میفرمودند که محراب ما باشد بجای خود آن میماند و فرموده گفت که حضرت
 صلوات الله علیه فرمودند که هر آن که تا آنکه در محراب مای و میان آن زن قرار
 نیست غلظت آن فرموده گفت عرض نمودم که اگر میباید و خواهد که آن رخ
 افتد کند چنانکه در محراب آن زن در محراب آن مرد است فرمودند که مرد محراب
 امام میبایست و زن آنکه پس بیرون و محل کرده اند فحوا را در زن آن
 بر کلاهت چون در حدیث موثق چهار وارد شده است که گفت آن حضرت اما
 جعفر چنانکه صلوات الله علیه شوالی کردم از شخصی که امامت میکند و در
 امام خانه باشد که زن آن در محراب باشد آیا جایز است که این زن آن اقتدا
 کنند به حضرت فرمودند که بل ای کلاما است از آن زن باشد یعنی بلند تر
 نباشد عرض نمودم که اگر میان زن آن و امام دیواری باشد چنانچه حضرت
 فرمودند که با کونیت و احوط آنست که با مکان در عقب دیوار نباشند
 مگر آنکه سبب ترویج شود که با حایل مهرانست از زن آن و اگر محراب داخل
 دنیا باشد ضرر ندارد هرگاه چنانکه باشد چنانکه در مجمع انصوری
 حاتم منفولت که گفت حضرت امام جعفر چنانکه عرض نمودم که من در
 طاقی و محراب غازی که حضرت فرمودند که با کونیت هرگاه چنانکه باشد
 در عرض از زن آن در محراب قرار شد چنانکه باشد بر عار از زن آن که چنانکه
 غالباً در جامع چنین میشود اما احوط آنست که اعتقاد در داخل نباشد
 که مانند محراب داخل شود با آنکه طرفین صفا اقل امام را و کسی که
 دایمیت نه نیست که در انصورت غازیها هیچ نیست و سبب مردان و عباد

بنیسان عن ابي عبد الله صلوات الله عليه قال اقل ما يكون بينك
 وبين اهلك مرقع عتري واما يكون مرقع قسرب ودر وایت
 عبدالله منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود
 که کترین فاصله که میان تو و بنیان قیله میشود بود بعد بخواهند
 بنیت و ظاهر در طول برادر است زیرا که در عرض بر سجده عتین
 کردن و اگر فاصله میشود بدو میان تو و قبله محل خواستن
 اسبی است و مراد از قبله اوست و در وصف اول امام است که محمدا
 بنده اوست و در وصف دوم صف اول است و برین قیاس است
 که مراد این باشد که اگر در میان تو و دیوار که ستر است بمقدار
 باشد محتاج بسیر نیست که نصب کننده و دیوار ستر است و اگر
 فاصله بیشتر باشد احتیاج بسیر هست استحبابا و بعضی محققان
 اهرست اما صدق و حق و قد القید است و مستحب است و کرده
 استحباب در استحباب و اگر باشد که بمقدار محبت فیض است
 و واجب آنقدر است که هر فاکویند که با او افتاده است
 و بعضی از اصحاب تاسعین در عتور نموده است و بسیار بعد
 اما اگر فاصله صفوف باشد ضرر ندارد و چون بسیار باشد
 هرگاه تواند متابعت کردن نه آنکه تا آخر صف برکوب و درین
 سران کوب برداشته باشند و قال القاری مؤیدی شکر ابو عبد
 علیه السلام عن الامام بصیر و خلفه قوم اسفل بن المؤمن
 الذی یصلی فینه قال انکات الایام علی منبیه الذکان اول
 ارفع من مؤمنهم که تجز صلواتهم و انکات ارفع منهم یا ضعیف

ادنی

اذا قل اذا کان الایام یقطع شکر و انکات ارفع منبیه و کان
 فی موضع من الایام فقال الایام فی الموضع المرفع و قام من خلفه
 اسفل بنیه و الایام منبیه الایام فی موضع منبیه و الایام
 و در بعضی نسخ یقطع سبل و در کافی یقطع سبل و در بعضی نسخ قال یا
 به است و در سونق منقولست از امام که گفت از حضرت امام جعفر صادق
 صلوات الله علیه پرسیدند که از امامی که نماز کند و در عقب می باشد
 پشت بر موضع که امام نماز کند حضرت فرمودند که اگر پشت بر امام باشد
 صفهای بلند و دو کانه ای یا زار است که خجسته و درج بلند می باشد
 قالها یا ایها الی که بسیار بلند باشد از موضع ایشان نماز مومنان
 صحیح نیست و نماز امام صحیح است چون پیش از منفرد است و اگر پشت بر
 باشد بمقدار دینا نکشت یا پشت بر یا هرگاه بلند می مقدار می باشد
 قطع آن توان کرد بکام برداشتن یعنی ضرر ندارد بقرینه سابق و
 سوال دیگر کرده میشود و حضرت میفرماید که یا کی نیست و بر نسخه
 یقطع سبل یعنی هرگاه بلند می از پشت بلند می باشد که چون سبل
 زمین یا پیشتر باشد تا یکفرع غالی یا مسئله و دیگر فرموده باشند و جفا
 هر دو را فرموده باشند که یا کی نیست یا جوا یا اول را یا ظهر و کاشته
 باشند و سواد نیست سجده سبل چنانکه بخلاف شیخ محمد القزازی بود و چون
 قال لا بأس به خواهد بود بعضی از حضرت سوال کردند که اگر کسی
 در موضعی از آن بلند می باشد و امام در بلند می بایستد و ماموران
 در موضعی پشت بر موضع امام بایستند و زمین بین باشند و لیکن در
 سبب پیش از آن نیست با حضرت فرمودند که بای و علی و علی

فما هیست و عبادت مشورت است مثل سایر عبادات عمار که بی خبری نیست
 والله بشارت و قالی بولم و مثل صلوات الله علیه فان قلتم الامام اسئل
 بین مؤمنین من یصلی خلفه قال لا بأس به و قال صلوات الله علیه
 انک انما تجل حق بنی و علی ذلک و کما کان اذ غیره کان
 الامام اسئل من کان لا یصلی ان یصلی خلفه و یقتدی بصلواته
 و ان کان ارفع منه یشتی کبیر و عمار گفت که آنحضرت صلوات الله علیه
 پیغمبرند که اگر امام بایستد نیست ترا موضع مامومین که در حق
 نماز میکنند حضرت فرمودند که بایستد و آنحضرت صلوات الله علیه
 که اگر ماموم بر پشت پا می باشد یا غیر آن خواه و و کان باشد و غیر
 و امام بر زمین غلا کند و امام پشت از ماموم باشد ماموم با او اقتدا
 میتواند کرد و اگر چه ماموم بدن بر زمین باشد بسیار که با او اقتدا با و می
 گوید حاصل اینست که ماموم بر زمین میتواند ایستاد و امام میتواند
 ایستاد و اما آنچه در صحیح از صفوات منقولست که آنحضرت صلوات الله علیه
 عجلت و حضرت که گفت سوال کردم از حضرت امام رضا صلوات الله علیه
 از لای که نماز کند در موضعی و ماموم پشت از او بایستد با امام در
 موضعی باشد که مامومان بدن بر زمین باشند از حضرت فرمودند که
 میباید که جای همه مساوی باشد گفت عرض نمودم که اگر شخصی با پا
 بای نیست بر اثر سجده بر استیجاب و ثانی محمولست بر آنکه زیاده
 آنکست نباشد و همچنین سبب این حدیث قابل شده اند که اگر کسی
 سجده پشت باشد جایز است اگر چه زیاده از چهار انگشت باشد و صحیح
 ایستادان جایز نیست که پشت باشد تا جمع شود میان اخیر این

علامه

علامه اول جمع کرده اند و گفته اند در موضع سجده پشت بودن تا بایستد
 کراهت ندارد و مواضع دیگر کراهت دارد و این قول با حقیقا ظاهر است اگر چه
 قول اولی تا بی نفوذ نیست و لایحوظ آنست که مطلقا باشد و نیست باشد
 چنانکه گفت و سأل فی این باب که اگر کسی از حسن موسی بن جعفر صلوات الله
 علیه عن الرجل یقوم فی العرف و حقه قال لا بأس انما یبیه و العرف
 واحد بعد واحد منقولست از موسی و ظاهر کتاب و برداشته تا
 و کما فی معتقد باشد که گفت سوال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوات
 علیه و آله که در وضعی باشد بایستد حضرت فرمودند که بای نیست که صف
 جنین بپرسد که اول یک کسر میاید و می ایستد دیگری میاید با و سقیم
 و همچنین ناصف میاید غالباً چنانکه مشاهده است که کاهت که
 امام که شروع در نماز میکند اول یک صف است و از نماز که خارج میشود
 شده است و این در صورتیست که در صف پیشتر جای باشد اگر چه چهار
 آنست که شخص از صف پیشتر که باید که شخص قیامت مخوف بیاید که با او
 و او نماز باشد در صورت ثواب آن شخص مضاعف میشود چنانکه
 از حضرت سید المرسلین علیه السلام علیه و آله باین نحو منقولست و در
 در صحیح و موثق کالصحیح است که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق
 صلوات الله علیه آنحضرت که داخل مسجد شود که اقتدا کند به بدن که
 چنانکست در صفهای پیشتر بایستد تا امام از نماز فارغ شود آیا
 جایز است حضرت فرموده اند که بای نیست و در حدیث موثق معتقد
 است که بای نیست که آنحضرت یا مجازی امام بایستد در صفها و در حدیث
 معتقد ابو الصلتا مثل یمن وارد شده است و صدوق نیز همین را در

نقل کرده است و همچنین در حدیث سکونی از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و آله و اوست که تنها بایست که در صف پیشوا باشد و در امام می ایستد و اگر جای باشد و در صف تنها می ایستد تا از صف نماند چون خدا را گفت سنت کرده است و محولست بر خدا و حال و الله تعالی بعلوم و روی حضرت صلی الله علیه و آله که عَنْ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كُنْتُ يَأْمُرُ صَلَوَاتُ اللَّهِ يَقُولُ إِذَا صَلَّيْتُ الْمَسْجِدَ وَالْإِمَامَ نَأْكُمُ وَطَعْتُ أَنْتَ أَنْ تَسْتَلِمَ إِلَيْهِ رَفَعُ رَأْسَهُ فَكَبَّرَ وَأَرْكَعُ وَإِذَا رَفَعُ رَأْسَهُ فَأَسْجُدُ مَكَانَكَ فَإِذَا قَامَ فَأَتَخَيَّرُ بِالْصَّفِّ وَإِنْ جَلَسَ فَالْجُلُوسُ بِمَكَانِكَ فَإِذَا قَامَ فَأَتَخَيَّرُ بِالْصَّفِّ وَدَرَجَاتُ الْعِدَّةِ الْمُتَمَنِّعِينَ گفت که گفت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که میفرمودند که هرگاه داخل نشوی در مسجد و امام در رکوع باشد و گمان داشته باشی که تا بصف می ایستد سر برداشته باشد ایستاده بکیر بگو و بر رکوع و بپرس چون امام سر بردارد اینجا بسجود و بپرس چون برخیزد برو تا صف می و اگر نبینند از جهت شهادت بنشین متابعت امام و خواهد آمد که بر سر بایستند و نشاند بخوان متابعت امام استجابا و چون برخیزد خور را بصف رسان و اگر سلام دهد در اینجا تمام کن و بر میفوق احادیث صحیح وارد شده است و در تفسیر رضوی نیز مذکور است و خلاصه هر چه از علایم یاد دین مسئله نیست بحسب ظاهر بلکه نقل اجماع نیز کرده اند در غیر آن جمعه و در نماز خلافت و خواهد آمد و در صحیح منقولست از عوینه بن وهب که گفت دیدم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام صلوات الله علیه که دانه آمد

بجای

در مسجد الحرام در وقت نماز حضرت زید بن کثیر با سید فلان بر کعبه رفتند مردم حضرت نیز بر کعبه رفتند و بجز این زیجا آوردند و چون برخاستند رفتند با سید فلان و ظاهر است که انصورت نماز بوده است که از رکوع شکره واقع ساختند و لهذا تکبیر را نقل نکرد و در صحیح ترمذی از ابن عباس نقل شد منقولست که آنحضرت صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه امام را در رکوع در رکوع و راست ایستاده تکبیر بگوید و بر رکوع و در پیشانی آنکه امام سر بردارد او را تکبیر کرده است یعنی رکعت و جامع است و در صحیح ترمذی از احمد بن حنبل منقولست که آنحضرت سوال کردند از شخصی که داخل مسجد شود و در رکعت از وضو شست و وضو شست فرمودند که بر رکوع و پیش از آنکه بایستد رسد و در رکوع ایستد و تا بایستد رسد و چهار رکعت صحیح از حضرت منقولست که حضرت امام بخاری و امام جعفر صادق علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام فرمودند که اگر تکبیر بر رکوع را با امام در نماز داخل شود آن رکعت و در دو رکعت و اگر اعتقاد بر آن رکعت بکن و در روایت دیگر اگر تکبیر را در اوقات رکعت در نماز و جمیع محل بر آن جمعه کرده اند و جمیع بر این حال خصوصاً هرگاه رکعت یک مانده باشد و هر دو بختست چنانکه خواهد آمد در جمیع جایی که اگر در تکبیر بر رکوع نماز جمعه را در محلی و الا نماز ظهر را میبکن و نیز نماز ظهر را در بعضی اخبار و الله تعالی اعلم و روایتی نیز منقولست که عَنْ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كُنْتُ يَأْمُرُ صَلَوَاتُ اللَّهِ يَقُولُ إِذَا صَلَّيْتُ الْمَسْجِدَ وَالْإِمَامَ نَأْكُمُ وَطَعْتُ أَنْتَ أَنْ تَسْتَلِمَ إِلَيْهِ رَفَعُ رَأْسَهُ فَكَبَّرَ وَأَرْكَعُ وَإِذَا رَفَعُ رَأْسَهُ فَأَسْجُدُ مَكَانَكَ فَإِذَا قَامَ فَأَتَخَيَّرُ بِالْصَّفِّ وَإِنْ جَلَسَ فَالْجُلُوسُ بِمَكَانِكَ فَإِذَا قَامَ فَأَتَخَيَّرُ بِالْصَّفِّ وَدَرَجَاتُ الْعِدَّةِ الْمُتَمَنِّعِينَ گفت که گفت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که میفرمودند که هرگاه داخل نشوی در مسجد و امام در رکوع باشد و گمان داشته باشی که تا بصف می ایستد سر برداشته باشد ایستاده بکیر بگو و بر رکوع و بپرس چون امام سر بردارد اینجا بسجود و بپرس چون برخیزد برو تا صف می و اگر نبینند از جهت شهادت بنشین متابعت امام و خواهد آمد که بر سر بایستند و نشاند بخوان متابعت امام استجابا و چون برخیزد خور را بصف رسان و اگر سلام دهد در اینجا تمام کن و بر میفوق احادیث صحیح وارد شده است و در تفسیر رضوی نیز مذکور است و خلاصه هر چه از علایم یاد دین مسئله نیست بحسب ظاهر بلکه نقل اجماع نیز کرده اند در غیر آن جمعه و در نماز خلافت و خواهد آمد و در صحیح منقولست از عوینه بن وهب که گفت دیدم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام صلوات الله علیه که دانه آمد

آن تر که فقد قامت الکعبة و باسایند صحبه و کالشیخ منقولست
 از جلی که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه
 که هرگاه دریا بی امام را در حال رکوع و تکبیر رکوع بکوی پیش از آنکه امام
 سر بردارد از رکوع دریا فیه رکعت و اگر امام سر بردارد پیش از آنکه رکوع
 رکعت فوت میشود و شیخات چنین روایت کرده اند این حدیث را که
 فکبرت و رکعت و ظاهر لفظ و رکعت از قلم نسخا احتاده است
 ظاهر است که تکبیر که فی بیت بقیه و آن دفع الی و روی آقا ساسانه
 آنکه سأل عن رجل اشرف الی الامام وهو قائم قال اذا کبر واقام
 صلیه ثم رجع فقد أدرك و کالشیخ منقولست زید که گفت سوال کرده
 از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که ایستاده و او
 در رکوع باشد حضرت فرمودند که هرگاه تکبیر بگوید در وقتی که پشت دست
 باشد و بعد از آن رکوع رود او را سه رکعت کرده است و بحدیث شریف
 صحیح سلیمان دلالت میکند بر آنکه میباید در حالت تکبیر احرام التماس
 باشد بخانه که گفت و ذکر قامت صلیه از حضرت است که چون قال الباقی
 هرگاه در چنین وقتی سر بسایند بگوید در وقتی که رکوع بگوید چون
 خوف دارند که مبدا امام سر بردارد بنابرین نصیح فرمودند که وقتی سجده
 که فرمودند بخت راست باشند و تکبیر بگوید و قال رجل لا یحضر صلی الله
 علیه الی امام سجده الی قال نعم و انفع خفقات فاعلم و انما الی
 فقال صیر و کوعک و من کل رکوعک فان الله طمأن و لا فاستحب قال
 ظاهر نقل از بعضی کرده است صدوق یا عیاد و کالشیخ جابره که گفت
 فرمودم حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که من امام مسجد قبا

بر کعبه میروم صدای گفتنهای ایشان میشنوم که گویا میگویند که خود را بناد
 رسانند و من دیدم که حضرت فرمودند و بر سر رکوع که همیشه مسلکی است
 اگر سیدند و آنها و اگر نه سر بردار چون اینجا عت یزید دارند و اگر غلط باشد
 کشند که میگویند که علی الاطلاق اینند و علی عمل کرده اند اگر چه در بعضی
 غیرین شهر هست چون کتاب جابر سواتر بوده است خانه که از صدوق
 ظاهر میشود و ضعف شیخ اجازه ضرر ندارد و چنانکه ما آنها را میگویند
 و روی یحیی بن یزید فی عبد الله صلوات الله علیه و کبر و کبر و کبر و کبر
 آنکه هر که صلی الله علیه و آله و سلم را از صفیة خلفه در روی کالشیخ منقولست
 که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که خبر دادند که اما
 رعایت کن در حال صیغته من ماسومان را و عازن اسبک واقع سازد پس
 اگر همه قوت داشته باشند و بار بار طول نماز داشته باشند طول میدهند
 چنانکه گذشت و کالشیخ از یوم فی سجده علی عهد رسول الله صلی الله علیه
 و آله و یطیل المدة و انما مریه رجل فاقه سورة هود فکبر فکبر الی
 یقینه و صلی الله علیه و آله و سلم که بگوید که کبر و کبر و کبر و کبر و کبر
 فبعت الی معاد فقال یا معاد انما انما انما انما انما انما انما انما انما انما
 و دایما و منقولست که معاین بجل امامت بگوید در سجده در زمان آنحضرت
 صلی الله علیه و آله و حضرت فرمودند که بود در سجده حاضر شوند و از آنکه بچون
 دور بود ندید ایشان شکل بود که بنماهای آنحضرت حاضر شوند و معاذ را
 طول میداد و سوره بقره و انما انما انما انما انما انما انما انما انما انما
 که نماز جماعت میدید که معاذ سوره درازی میکرد که بخواند آنرا و خداوند در
 خود قزاحت کرد و نماز کرد و بر حله انما انما انما انما انما انما انما انما انما

در حضرت کی بسوی معاذ فرستاد که نظر در چنین باشد که مردم نترسند
 از حجت طولی غار و بر قریب و که سوره های دین قصیده خوان مثل سوره و انشق
 انشا الله و همین مضمون در صحیح است و قیاس خود صانعاری و ظاهر
 صد و قیاس نشان داری است و این است و این است و این است و این است و این است
 ذات يوم یؤدکم فی قلوبکم فی قلوبکم و کما انما فی قلوبکم فی قلوبکم و این است
 انما فی قلوبکم فی قلوبکم و این است و این است و این است و این است و این است
 همیشه در غار از حجت سبک میفرمودند و بنا بر نحوه روزی از برادر
 انحضرت ممانی میگردید صدای طفل را شنیدند و عازر سبک کردند و
 صحیح است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند که
 رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز ظهر و عصر را کردند و سبک کردند و
 صحیح عرض میوند که یا رسول الله ایام نماز می حادث شد که منسوخ شد
 نظریش شد حضرت فرمودند که چه واقع شد عرض کردند که در رکعت
 آخر را سبک کردند حضرت فرمودند که صدای گریه طفل را شنیدید و ظاهر
 بچان بوده است که ما طفل را قتل کرده بود و طفل را بر زمین گذاشته و
 میگردید است حضرت زد و کردند با طفل را بر دایره رد و شاورده و این
 عامه در صحیح خود روایت کرده اند و علی ایام آن یقین فی قلوبکم و سبک
 یات الله عز وجل یقول ولا تحزن لیسلا نیک ولا تحزن لیسلا نیک و این است
 در صحیح از عبدالله بن سنان که گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 علیه عرض فرمود که بایام آن است که آنقدر بلند میخواند که هر که در عقبه و یا
 پشت حضرت فرمودند که بایام آن است که قیامت چه به را نیاند بخواند بسیار
 بلند و نه بسیار زیست زیرا که حق سبحانه و تعالی خطا بر حضرت کرده

و این

و حضرت امام بوده اند یا خطاب امام کرده است یا با ایمان و شامل امام
 هست که بلند بخواند عازر است و آهسته بخوان و بر تبه میان بسیار بلند
 و آهسته را اختیار کن که آن وسط است و توبه هم است و توبه هم است
 از حضرت سوال کردم انقضای آن که فرمودند که اخفات آنست که خود
 و چه نهی عده آنست که بسیار بلند بخوان و بنا برین اظهار آنست که حکم
 مطول نماز باشد که چنان بخواند که خود نشنوند زیرا که اقل آنست
 آنست که خود نشنوند و بلند را از حد گذرانند و تفصیل آنکه امام
 بلند باید خواند و کلام را آهسته از تیره ظاهر نشود و از اخبار ظاهر شود
 در حسن کا یصح انحضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که میگویند
 از تبه تبه او قرائت و دعا میخواند و خود بشنود و گذشت در حضرت
 اخبار که در باب وارد شده است و از آنکه آیه ای که قرآن الله
 فلیقل الله کلّمه الحمد لله رب العالمین و در حسن کا یصح انحضرت
 و ظاهر اصد و قرائت بسیار بلند و آهسته و بلند باشد حضرت
 جعفر صادق علیه السلام فرمودند که هرگاه در عقب امام باشد و او از
 سوره حمد فارغ شود و توبه الحمد لله رب العالمین و میگویند و سبب
 در موضع آنست که چون امام دعا کرد از حجت خود و مامورین کو یا حق
 سبحانه و تعالی استجاب کرد مامورین شکر میکنند حق سبحانه و تعالی را
 بر استجاب شدن دعا امام و لا یخیر الله فی شئ شیئاً فاعلموا ان الله
 یمین یات ذلک کانت تقول له المهادی و جاز نیست ما ممانا که
 بعد از خواندن سوره حمد آیه بگویند بعد و فتح و خود خوانده اند و
 زیرا که این کلام را صادر میگردند ظاهر امام فرمود حق سبحانه

در گفت که فیهده باشد از حیثه معویه بن وهب که گفت حضرت
 جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودم که این یکم هرگاه امام بخواند
 غیر المقصود علیکم ولا اتقوا رخصت فرمودند که ایشان بهودو
 یعنی مقصود بعلوم و مالات بضار و یلید و جوابی بفرمودند که ایضا
 از جمله بقیه و گناه به دلالت میکند بر آنکه جمیع این لفظ باید که میزد
 گیرانند و صدوق بظاهر برده باشد که این جمیع را در تفسیر و تفسیر
 نمیدانند که مسلمات باین حکم که میگویند و بعد است این
 از صدوق و احادیث این در مسلمات قرار گرفت و در وی گفته
 و محمد بن عیسی بن عقیل علیه السلام قال کان امیر المؤمنین
 صلوات الله علیه یقول فی قراءه خاتم المکرم یا قمریه قرائت
 بخت علی غیر و غیره و با ساند صحیح و منقول از زمره و محمد بن
 امام محمد باقر صلوات الله علیه که حضرت امیر المؤمنین ص میفرمودند
 که هرگاه قرآن را بخوانی در عقب کسی که افتد تا کند که شیعه عادل
 باشد و غیره بی غیر فطرت اسلام مرخص خواهد بود یا خواهد بود و این
 حدیث محض است بر غیر چه کسی که شنود هر را که در آن صورت قرائت
 میشود اگر در بلکه در عقبه و خوب قرائت میشود چون احادیث صحیح
 و حسن و وارد شده است بلفظ المیزان و در عقبه نیست بر آنکه
 مولف که قرائت نشود اگر چه صدای باشد که غیر حرف نکند
 قرائت تمامی عینه است و اگر هم همه دانستند قرائت مطلوب است
 و اگر هاد اخفایه باشد بخیر است میان قرائت و ترک آن اگر
 تران قرائت و بی است بسبب اشغال این خبر از اخبار بسیار است

چند صلوات

تبریز

برین میکند که قرائت نکردن اولی است و برین مضامین اخبار بسیار
 وارد شده است از جمله در صحیح النعمان از حماد بن عقیل که گفت سئوال
 کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که اگر اقرآن را قرائت
 بکنم حضرت فرمودند که اما اخفایه را قرائت متعلق است بامام تو قرائت
 قرائت مکن و اما عادی هر چه را حق سبحانه و تعالی امر کرده است امام را
 به بلند بخواند تا ما سومان خاموش باشند و گوش دهند اگر قرائت
 امام را بشنوی گوش بده و اگر نشنوی خود قرائت بکن و در هر حال صحیح
 از ظاهر از احادیث صلوات الله علیه عام مقبول است که فرمودند که در غایت
 جهریه گوش ده در غایت خوریش و در حسن کا لقی حضرت امام
 جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که هرگاه افتد اقرآن بامام هادی
 در غایت جهریه و قرائت را بشنوی خود قرائت کن و اگر هم در شنوی
 قرائت مکن و در دو صحیح منقول است از سلیمان که گفت عرض نمودم بامام
 صلوات الله علیه که اگر در غایت خوریش و در قرائت میتوان کرد و حال
 آنکه نمیتوان دانست که قرائت میکند یا نه حضرت فرمودند که اگر
 نیست که ماموم قرائت کند بلکه قرائت را امام میکند و ظاهرش
 که اهل است و در صحیح از حضرت ص منقول است که هرگاه در عقبه عادی
 کنی در اخفایه در دو رکعت اول قرائت مکن و تسبیح میتوان خوانی
 در دو رکعت آخر قرائت نیز میتوانی و اگر علی احادیث امر بقرآن
 در جهریه و امر بخاموشی در اخفایه را حمل کرده اند بر استماع جهریه
 بن بقیان که گفت سئوال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله
 علیه که نماز کند در عقبه عادی در غایت جهریه و قرائت را بشنوی حضرت

در قرائت

فرمودند که میخواهد خاموش شود و میخواهد که قرائت دانشجو و حضرت
 فرمودند که قرائت کند و سوال کردم از وی که گفت اخفایته در عقیق اول
 آیا حدیثی فرمودند که اگر قرائت کنی با کعبه است و کعبه را می شنوی
 نیست و احادیثی که برین مضامین وارد شده است و حکمت که
 عمل کنیم قرائت را بر قرائت شیخ چنانکه در صحیحی معویه هر رسول است
 که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال کردم از قرائت
 در عقیق امام در کعبه حضرت فرمودند که امام فائده می خواند و ما سوا
 شیخ می خوانند و اگر نه اما از شیخ می خوانند و شیخ را عقیق می خوانند
 آمد و روی محلی عمرانی علیه السلام صلوات الله علیه علیه السلام قال اذا صليت
 خلت ليلك تا قمره فلا تقروا بغيره سمعت قرائته او لم تسمع الا انك
 تكون صلوته بغيره فيها بالقرآن فلم تسمع فاقروا و باسناد صحیح
 منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که
 هرگاه نماز کنی در عقیق ما می که اقتدا با و کنی با آنکه سنی و فاسق بنا
 قرائت کنی در عقیق و خواه قرائت می شنوی یا آنکه چه می شنوی
 یا نشنوی که اخفایته باشد حکایت کرده اند و قرائت را می شنوی
 که در مضمونت قرائت کن و در مضمونت کمالی منقولست از بونی که
 گفت از حضرت صلوات الله علیه سوال کردم از نماز در عقیق اول حضرت
 فرمودند که هر امای که از و یا شیخ می شنوی بد مذمت و فاسق بنا شده در
 او و راه مذمت و حکمت که عبارت سمعت قرائت را حاصل کنیم که خوب
 شنوی یا خوب نشنوی بلکه هر چه شنوی یا استنشاد صورت
 داشته باشد چنانکه گذشت و در مضمونت از سوا منقولست که گفت

الفرق

از حضرت سوال کردم از شخصی که امامت کند و مردمان صدای او را شنود
 و نفقه من که چه میگوید حضرت فرمودند که اگر صدای او را شنود و عقیقیت و اگر
 صدای او را شنود قرائت کند و قرائت عقیقیت را شنود عقیقیت را شنود
 سمع المحمدي فلا تقروا و کما یصح منقولست از عقیق که حضرت صلوات الله
 علیه فرمودند که اگر چه صدای او را شنود قرائت نکند یا می کند در حسن و کمال
 نیکو گذشت و در مضمونت سماعه بیان عقیق که گذشت که صدای او را شنود و عقیقیت
 که چه میخوانند چنانکه در لفظه نبوی آمده است و بر وی که عقیقیت را شنود
 صلوات الله علیه علیه السلام قال لا تقروا ان في العقیقین الا عقیقین من
 الاربع الکعبات لمقرضات شیخا اما انکنت او غیر امام قال قلت
 فما انکنت فیها فقال انکنت ایما او فخذت فقل سبحان الله و
 لله ولا اله الا الله فقلت انکنت تسبیح تسبیحات شکر و ترکیم
 و باسناد صحیح منقولست از فرموده که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
 که فرمودند که قرائت کن در دو رکعت از نمازهای چهار رکعتی و بعد طهارت
 خواه امام باشی یا با امام یا منفرع عن مردم که چه چیز بخوانی حضرت فرمود
 که خواه امام باشی یا منفرع یا از شیخ مدینه میگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
 الا الله که نه تسبیح تمام شود پس یکبار یکبار میگوید و یکبار میگوید ادر
 مستحب جمیع است که نه تسبیح قایلند و در نهایت که جمیع که تسبیح قایلند
 ازین حدیث ظاهر کرده باشند چون در این حدیث هست که یکبار میگوید سبحان الله
 بعد است و حکمت که جمیع کرده باشند میان دو رکعت چهار رکعت و حدیث
 دوازده رکعت است که از حضرت امام رضا صلوات الله علیه منقولست در سفر
 این حدیث را که گذشت که تسبیح اربع را از حضرت سید مرتضی میخوانند

و در سجده ای که می خواند منقول است که گفت عرض نمودم بحضرت امام محمد باقر
 صلوات الله علیه که چه چیز بخوانم در وقت سجده و در وقت ایستادن و در وقت
 که برخیزم که بگویم سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر و تكبير
 ركوع بگوئی و بر کوع روی در سجده و عجب منقول است که گفت سوال
 کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از دو رکعت آخر نماز
 فرمودند که تسبیح می خوانی و حمد آتی بگوئی و از کلمات آن استغفار می کنی
 و اگر خواهی فلقه بخوانی که آن حمد است و دعا و ظاهر آنست که همین
 کافی باشد که سبحان الله و الحمد لله و استغفر الله و لیکن جمع میان دو
 کرده اند که سبحان الله و الحمد لله و استغفر الله و تسبیح است و تسبیح حمد است
 میگردانند که تسبیح استغفر الله و الحمد لله و سبحان الله چون منقول است که هرگاه
 ضار باشد بگویند یا نا یا و در سجده ای که آخر نماز منقول است که فرمودند
 که هرگاه بایستی در رکعتی که فلقه بخوانی یعنی فلقه در آن و تسبیح
 که آن دو رکعت آخر است بگوئید الله و سبحان الله و الله أكبر و در سجده
 آخر نماز منقول است که فرمودند که هرگاه امام باشی در دو رکعت
 الحمد بخوان و اگر نه در دو رکعتی که الحمد بخوان و تسبیح بخوان و اگر نه
 تسبیح بخوان و در سجده منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
 اول نماز ظهر و عصر قنوت هفت مرتبه می کردند و در دو رکعت آخر تسبیح
 می خواندند و تسبیح را خفاه یعنی تسبیح بلند می خواندند و کلمات تسبیح را
 صلوات الله علیه منقول است که فرمودند که هرگاه امام باشی میباید
 که در دو رکعت اول قنوت کنی و اما مومنان تسبیحات را بعد از نماز
 یعنی در غفایته و در دو رکعت آخر تسبیحات را بعد از نماز و اما مومنان تسبیحات

در سجده

و در سجده ای که می خواند منقول است که گفت از حضرت امام محمد باقر
 صلوات الله علیه در دو رکعت آخر نماز منقول است که فرمودند که امام الحمد بخواند و یا تسبیح بخواند
 الحمد بخواند یعنی تسبیح را بخواند و کلمات تسبیح منقول است که تسبیح منقول است که علی بن
 خطابه سوال کرد از حضرت از دو رکعت آخر که در آن چه چیز بخوانم حضرت
 فرمودند که الحمد بخوانی و الحمد بخوان و الحمد بخوان و الحمد بخوان و الحمد بخوان
 که هر دو سوره و یا تسبیح بخوانی که تسبیح منقول است که گفت سوال کردم
 از حضرت امام موسی کاظم که در دو رکعت آخر حمد بخواند یا تسبیح فرمودند که
 حمد بهتر است و تسبیح را اگر خوانی که تسبیح منقول است که گفت سوال کردم
 از جمیع بنی الاشرار آنست که منفرودا غایب است از تسبیح اول وقت و امام را غایب است
 اول وقت و حسب حال هر دو و محتاج نیستی نیست که اگر نماز خود باید که تسبیح
 قنوت و ربط و انتخاب افسوس که تسبیح را صلوات الله علیه در آن بهتر باشد
 چنانکه در حدیث معراج ظاهر است و چون تسبیح خواند ظاهر است که کلمات تسبیح
 و هر یک از اینها تسبیحی که هر یک تسبیح خوب باشد الحمد تسبیحات را استغفار
 خواند بهتر خواند و در دو رکعت تسبیح بخواند استغفار بهتر خواند و در دو رکعت
 تسبیح که سه تسبیح اربعه باشد استغفار را هر دو رکعت خواند و در دو رکعت
 که پنج مرتبه بهتر است و بعد از آن هفت مرتبه و در دو رکعت که چهار مرتبه
 و لیکن احوط سه مرتبه است استغفار است و ظاهر اینها اینست که باشد
 و الله تعالی اعلم و روی و هیئت من حق عن ابن جابر عن ابي عبد الله
 صلوات الله علیه قال انی ما تجزئ من القنوت فی الرکعتین
 الا خیرین ان تقول سبحان الله سبحان الله سبحان الله و تسبیح
 تسبیح منقول است که فرمودند که اگر چه تسبیح را از دو رکعت

تفاوتت که سه تیر بگویند و ظاهر میشود که هر چند که بیشتر باشد
 بهر است و اگر سه تیر بگوید عمل بدین حدیث کرده باشد بخود
 و فی روایه و زاده عزیر جعفر صلوات الله علیه قال و ان كنت
 خلف الامام فلا تقرؤا ان شيئا ولا تؤمنوا وانضت بقراية ولا
 تقرؤا ان شيئا في الاخيرين فان الله عز وجل يقول لا يؤمنون الا
 قرؤوا القرآن يعني في القرآنية خلف الامام فاستمعوا له وانصتوا
 لعلكم تهتدون والاخيرين تبع لا وليين و در بعض از نسخ و الاخيرين
 تبع لا وليين اس و با سائید صحیح منقول است از زنده انحضرت اما
 عذرا بصلوات الله علیه فرمودند که هرگاه در عقب امام باقر علیه
 السلام دو رکعت اول قرائت کن چیزی از سجده و سر را و گوش ده با امام باقر
 میخواند و در دو رکعت آخر قرائت کن بکن بدستی که خداوند عزوجل
 میفرماید که هرگاه خوانده شود قرائت و لم یزل یست که هرگاه در
 واجب در عقب امام باقی و امام قرائت کند پس گوش دهد قرائت
 امام را و بخوانش باشد تا شاید که حق سبحان و تعالی بر شما بخت
 کند و در دو رکعت آخر تاج نور آید و است و بنا بر نسخه و در دو رکعت
 آخر نیز چنین است به بصیرت و در رکعت اول و ظاهر این حدیث
 است که آیه درین باب وارد است و مطلق شنیدن قرائت
 نیست و مؤید اینست آنچه شیخ ده روایت کرده است در قول الله
 کر و قد حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از قرائت در
 امام حضرت فرمودند که هرگاه در عقب امام باقی که او را دوست
 داری یعنی شیعه باشی و اعتقاد با داشته باشی یعنی عادل باشی

بافسقا

بافسقا و ظاهر اینست بدستی که قرائت و کفایت از قرائت تو و اگر گوش
 قرائت میتوان کرد در اخفایه و چون نماز جرییده باشد خاموش باش
 و گوش ده چنانکه حق سبحان و تعالی فرموده است که گوش دهید تا چیزی
 شود بعضی عرض نمود که اگر امام تخلف باشد که با و اعتقاد داشته باشد که
 بد مذمب با فاسق باشد آیا اقتدا با او کنم و قرائت کنم حضرت فرمودند که
 بشنید از و تا نیکو را بعد از و را وی گفت که در عقب چنین امامی عاده نماز
 سابق میتوان کرد حضرت فرمودند که اگر عاده توان کرد اصل آن که و
 نیز میتوان کرد ولیکن از سجده خود نماز نافله کن و یا اگر می کن از سجده
 نیت اما آنچه مرویست در برخی از معویه بن وهب که گفت از بعضی صحابه
 علیه سوال کردم از شخصی که سنی باشد و بعضی از کلمات در نماز غیر حضرت
 فرمودند که چون شنوی که کتابی خوانده میشود گوش ده بشنوی
 فرمود که امام مذکور را که فرمودند چون شیعه ام در عقب چنین کسی
 قرائت کنم فرمودند که اگر در عصیان کنی کند قرائت کن حق سبحان
 و تعالی را و اگر عرض خودم و صحبت ندانند که هرگاه امام سنی باشد در نماز
 خویش از کتب و بیرون آیم و با و صورت نماز با فضل آدم فرمودند که تو سنی
 بخوانی چنین کن و حضرت فرمودند که در روزی حضرت امیر المومنین علیه
 السلام نماز جمعه میکردم و این کوا لهن الله در عقب آنحضرت بود این آیه را
 روی کتابه آنحضرت که حق سبحان و تعالی فرموده است که و کفوا و
 انکم الخ یعنی محض باطل است خودم قسم یا دیگران که که می شنیدند عموماً
 و به بعضی از سابق و غیر ایشان که اگر شراب یا وری هزیند عموماً
 با میشوند و البته از آنجا که آن خواهی بود پس آنحضرت صلوات الله علیه

خاموش شدند آنچه تعظیم قرائت تا آن ملعون فاجع شد از این حضرت شریح
منور قرائت کردند آن ملعون باز همان آیه را خواند و حضرت خاموش شدند
و بیک حضرت هم شروع در قرائت کردند و حضرت گوش دادند و بعد از آن هفت
آن ملعون فرمودند این آیه که فاصح ای بعضی مگر که وعده حق سبحانه و تعالی
حق است و تو از خدا رها بیعیل نخواهی که بیاورد با خود ندارد پس حق
سوره را تمام کردند و برگرد و رفتند و ظاهر شد که آیه عام است و گوش
میباید داشتند و فراموش کرده بودند که آن ملعون از سجده ای
آن حضرت بخوابد چون سجده ای بود و اعتقاد مشهور این بود که چون
حضرت عظیمین را می شنیدند این رضا میفرمود بود و هر صغیره بود و هر صغیره
را که را کنایه بخواند و بعد از حضرت سدرت کوش دادند و بزرگ قرائت
فرمودند تا آخر آن آیه را خواندند که حق سبحانه و تعالی تسبیح حضرت
ستد المصلین صلی الله علیه و آله فرموده اند در ایضا کفار قریش که
صبر کن که وعده الهی حقیقت در کشته شدن منادید قریش شد
و جان شد و حضرت میخواندند و مراد حضرت این بود که عجب وعده
آهی تو و سایر خوارج بدست من کشته خواهد شد و جان شد که
هر بدست حضرت بجهنم رفتند پس هر استوان که و حدیث زبده و غیر
آنرا بر آنکه وجوب استماع مخصوص قرائت امام است و استماع حضرت
صلوات الله علیه از روی استجاب باشد چنانکه ظاهر لفظ تعظیم قرائت
تقریر آن دلالت دارد و الله تعالی بی علم و لحاظ است که دو جانی نماز
نکند که قرائت کند خواننده یا جمعی را هر نماز کند منفرد و دو و یا
تحت لا روی عن ابی عبد الله صلی الله علیه و آله و آله قال ان

لا

لا ادره لکن ان فصلی خلف الامام صلوة لا یجهر فیها بالقرآن و یقوم
خارجا قال قلت جعلت فداک تیضع ما ذا قال لا یجهر و یروایت صحیح است
منقول است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که این آیه
نمیاید که خفیه که در غلبه المومنین یعنی مومنین غایتند در عقب امام نماز
و در غلبه فی صلوة و در غایت که بلند بخوانند قرائت را بی دروغی
انفصایه و خاموشی استاده باشد چنانکه خبر خاموشی نیستند که قرائت را
پس چنانکه حدیث فرمودند که تسبیح بگوید و تسبیح استجاب و گذشت که
اربع را بگوید و ظاهر این خبر سخنان الله و ممکن است که مراد مطلق آنرا باشد
گفتند که چه سبحانه الله بهتر است و در وی غلبه آیت عر قرائت عر
جعفر صلوات الله علیه قال اذا أدرك الرجل بعض الصلوة و فاتته بعض
خلف الامام یجسب بالصلاة و خلفه جعلنا اذا أدرك اول صلوة ان ادرك
من التضرع و التضرع و الاخرة رکعتین و فاتته رکعتان فما
فی کمال لعمری فما أدرك خلف الامام فی تفسیه یا ای الکتاب قال اذا
سکر الامام قام فمکلی الاخرین لا یقروا فیها انما هو تسبیح و
قلیل و دعا و التضرع فیها قرائة و ان أدرك رکعة فله فیها خلف
الامام فان سکر الامام قام فقرأ اثم الکتاب ثم تعد تسبیحا ثم
قام فمکلی رکعتین لیس فیها قرائة و یاسانید صحیح منقول است
از حضرت امام عقیل باقر صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه ما مومند
امام را در وقت که امام بعضی نماز را کرده باشد و امام عادل باشد که اعتقاد
بما را و توان کرد بجهنم راه میباید و دعا خواند حساب میکند پس اگر در وقت
یا عصر یا غشا را در یابد و فوت شده باشد از ما مومند و رکعت آنکه

بعد از در رکعت رسیده باشد پس در آن دو رکعتی که در بایسته است ایستاد
میخواند و در آنجا طرخی و چون امام سلام میدهد ماموم بر پیشانی و در رکعت
دیگر ایستاده که در آنجا قرائت بخواند بلکه تسبیح و تهلیل و دعا بخواند و
در آن دو رکعت قرائت نیست و اگر رکعت بنام در بایسته در آن رکعت
قراوت میکند در عقب بنام پس چون امام سلام میدهد بر پیشانی و در
فائحه را میخواند پس بنشیند و تشهد میخواند پس بر پیشانی و در رکعت
بجای آورد که در آن دو رکعت قرائت نیست و همین روایت را شیخ طبرانی
نراه در تفسیر و استبصار روایت کرده است که چون دو رکعت آخر را
بامام در بایزد و در آنجا طرخی و میخواند الحمد و سوره و پس اگر بنویسد سوره
خواندن کند تنها کافیهست و چون امام سلام میدهد بر پیشانی و در
خازن بر ایستای آورد که در آن قرائت نیست زیرا که قرائت در دو رکعت اول
قراست در هر رکعتی الحمد و سوره و در دو رکعت آخر قرائت نیست
بلکه تسبیح و تهلیل و تکبیر و دعاست و در آن قرائت نیست و در آنجا
نسخه تسبیح با نسخه فقیه در دو چیز است یکی در سوره با حمد و دوم
در تکبیر که در فقیه نیست و دعا ممکنست که مراد الحمد لله باشد
چنانکه در حدیث بنوی صلی الله علیه و آله وارد است که بهترین دعا
حمد الهی است و معروفست که هرگاه مدح مخلوقی گفت هر چند مدح
و گوشت حمد و میباید که احسان میباید که در خالق که را بخواند
نیست و در بصورت موافقت با حدیث سابق که از زبانه آن
که اقل تسبیح تسبیحات ربیع است و ممکنست که مراد از دعا استغفار یا
چنانکه در حدیث سکری از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله وارد است

فرمودند

فرمودند که بهترین دعاها استغفار است و در بصورت موافق است با حدیث
شیخ عبید بن ذریاره در ضم استغفار و شیخ بهار المذنبین و در حدیث فایز بن
ضم استغفار و این حدیث را مومنان میبایست و لیکن صریح نیست اگر چه این
استغفار از اهل بیت کعبه لغت و آنچه ظاهر این حدیث است که در دو رکعت
آخر قرائت نیست بلکه تسبیح است محمول بر آنکه قرائت واجب نیست تا
جمع شود نشان اخبار و مؤید این خبر اخبار شیخیه و وارد است که هر
آمد و روی بنده الله بنی علی بن ابی طالب علیه السلام و در حدیث
عنه قال سألته عن رجل یقول خلف الانام فیطیل الانام للشیء
قال یشکر و یعنی بخواند ان احک و یا سائند شیخیه منقولست از راه که گفت
سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در بعضی از شیخیه
حضرت امام محمد باقر هم از شخصی که اقتدا کرده باشند بامامی و امام تفسیر
طوله حدیث فرمودند که اگر خواهد سلام میدهد و بجا نیست خواند و در
استغفار دارد یا آنکه کاری دارد و در بصورت مفارقت با فقه و افراد
جایز است بی غرضه و همین منقولست شیخیه حلی از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام و منقولست شیخیه از علی بن جعفر علیه السلام
سوال کردم از بزرگوار حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که در حدیث
که در عقب بنام باشند و تشهد را طوله دهد و ماموم را بول کرده باشد
یا مرسد که چیزی از وفوت شود یا غرض شود را و در شیخیه که حدیث
فرمودند که سلام میدهد و در بی کار خود میبرد و در شیخیه از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام منقولست در شخصی که در عقب امام باشند و بنشیند
ایام ده حدیث هم فرمودند که باکی نیست و این حدیث دلالت میکند

که مطلقا ایستادست مفارقت و لیکن اولی آنست که بی محذری مقارعت کند
وَسَأَلَ الرَّحْمَنَ عَنِ الْجَمْعِ فَقَالَ لَا تَدْخُلُ الْمَسْجِدَ وَتَقْدِرُ عَلَى الْإِثْمِ فَارْكَعْ
بِرُكُوعِهِ وَكَأَنَّهُ جَعَلِي وَاجِبٌ فَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسِي فَأَتَى شَيْئًا أَهْمٌ قَالَ
قَالَ فَادْهَبْ إِلَيْهِمْ فَأَيُّكُمْ لَمْ يَأْتِ بِمَا فَهَمُّهُ وَأَيُّكُمْ لَمْ يَأْتِ بِمَا فَهَمُّهُ
فَأَجْلَسَ مَعَهُمْ وَدَرَسُوا ثَلَاثَ لَيَالٍ مَعَهُ وَكَانُوا يَحْتَضِرُونَ
سُؤَالَ كَرِيمٍ أَنْحَضَتْ أَمَامَ جَعْفَرٍ ضَارِقٌ صَمٌّ لَهُ كَاهُ هَسْتُ كَهْ دَاخِلُ
مَسْجِدٍ مَشْنُومٌ وَالْأَمَامُ بِرُكُوعٍ رَفَعَهُ اسْتَمِنَ فَيُرِي بِرُكُوعٍ مَبْرُومٍ وَتَهَانِمُ
بِجُودٍ مَبْرُومٍ وَجُودٍ مَبْرُومٍ هَذَا لَيْلَا أَوَّلُ مَا جَعَلَ حَضْرَتُ فَرِيدُودُ كَهْ بِخَيْرٍ
وَعُودُ دَرَجَتِ رَسَانِ أَكْرَامِ تَهَادُوهَ بَايِشَانِ بَايِشْتِ وَكَرْمَنِ تَهَادُوهَ
أَرْجَمَةُ تَهَادُوهَ بَايِشَانِ مَشْنُومٌ وَتَهَادُوهَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ
بَايِشَانِ بَايِشَانِ بَايِشَانِ بَايِشَانِ بَايِشَانِ بَايِشَانِ بَايِشَانِ بَايِشَانِ
وَسَأَلَ كَهْ سَمَاعَةَ عَنِ الرَّحْمَنِ بَايِشَانِ الْمَسْجِدِ وَتَقْدِرُ عَلَى الْإِثْمِ يَكُونُ
الْمَكْتُوبَةُ أَوْ يَكُونُ فَقَالَ لَنْكَانَ فِي وَفَقْتُ حَتَّى فَلَا تَكُنْ بِأَيِّ
الْمَطْلُوعِ قَبْلَ الْفَرِيقَةِ وَأَنْكَانَ خَافَ خُرُوجَ الْوَقْتِ الْخَيْرِ وَ
كَيْدًا بِالْفَرِيقَةِ فَهَوَّضَ لَكَ خَرَجَ لَكَ لَيْتَ لَوْ قَبْلَ مَا شَاءَ وَ
دَرَسُوا ثَلَاثَ لَيَالٍ مَعَهُ مَقُولُ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنْ تَخْفَى كَهْ دَاخِلُ مَسْجِدٍ شُودُ وَاهِلُ مَسْجِدٍ مَا زَكْرَدَهُ بَا
أَيَا ابْتِدَاءَهُ وَاجِبٌ يَكُونُ بَا نَا فَلَ لَيْجَا عِي وَدَرَسُوا ثَلَاثَ لَيَالٍ مَعَهُ
وَعَصْرُ حَضْرَتِ فَرِيدُودُ كَهْ أَكْرَدُ وَتَقِي بَا شَدَّ كَهْ وَفَقْتُ نَا فَلَ بِرُكُوعٍ
بَا شَدَّ مَشْنُومٌ وَدَرَسُوا ثَلَاثَ لَيَالٍ مَعَهُ وَجَاهِ قَدِيمُ دَرَسُوا ثَلَاثَ لَيَالٍ مَعَهُ
كَهْ نَا فَلَ رَقَبُورُ از فَرِيقَةِ بَجَا آوَدُ وَكَرْمَنُودُ كَهْ وَفَقْتُ نَا فَلَ بِرُكُوعٍ

میرود و رود نَا فَلَ رَقَبُورُ از فَرِيقَةِ بَجَا آوَدُ وَكَرْمَنُودُ كَهْ وَفَقْتُ نَا فَلَ بِرُكُوعٍ
سَجْدَانَهُ وَتَقَالِي اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ
خَوَاهِدُ وَطَاهِرَاتِ بَيْتِ اِدَا وَفَقْتُ نَا فَلَ رَقَبُورُ از فَرِيقَةِ بَجَا آوَدُ وَكَرْمَنُودُ كَهْ
وَابْنِ حَدِيثِ سَنَاسَتِي بَابِ نَاشْتِ وَدَرَسُوا ثَلَاثَ لَيَالٍ مَعَهُ مَقُولُ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ
أَخَذَ هَذَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فِي الرَّجُلِ بِدَعْوَةِ الْمَسْجِدِ يَخَافُ أَنْ تَقُولَ
الْمَكْلُومَةُ قَالَ بَرَكْتَ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ إِلَى الْقَوْمِ عَشِيَّةً وَهُوَ رَاكِعٌ حَتَّى
يَبْلُغَ هَمُّهُ وَكَانَ يَخْفَى مَقُولُ كَهْ أَنْحَضَتْ أَمَامَ جَعْفَرٍ ضَارِقٌ صَمٌّ لَهُ كَاهُ هَسْتُ كَهْ دَاخِلُ
عَلَيْهِ بِأَحْضَرَتْ أَمَامَ جَعْفَرٍ ضَارِقٌ صَمٌّ لَهُ كَاهُ هَسْتُ كَهْ دَاخِلُ مَسْجِدٍ شُودُ وَاهِلُ
دَرَسُوا ثَلَاثَ لَيَالٍ مَعَهُ مَقُولُ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ
مَطْلُوعًا أَكْرَدُ دَرَسُوا ثَلَاثَ لَيَالٍ مَعَهُ مَقُولُ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ
يَكُونُ وَكَانَ يَخْفَى مَقُولُ كَهْ أَنْحَضَتْ أَمَامَ جَعْفَرٍ ضَارِقٌ صَمٌّ لَهُ كَاهُ هَسْتُ كَهْ دَاخِلُ
وَدَرَسُوا ثَلَاثَ لَيَالٍ مَعَهُ مَقُولُ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ
بِرُكُوعِهِ وَكَانَ يَخْفَى مَقُولُ كَهْ أَنْحَضَتْ أَمَامَ جَعْفَرٍ ضَارِقٌ صَمٌّ لَهُ كَاهُ هَسْتُ كَهْ دَاخِلُ
لَيْسَ مَقُولُ رَجُلٌ فِي الْفَرِيقَةِ قَالَ تَهَادُوهَ بَايِشَانِ بَايِشَانِ بَايِشَانِ بَايِشَانِ
إِلَى جَانِبِهِ وَكَانَ يَخْفَى مَقُولُ كَهْ أَنْحَضَتْ أَمَامَ جَعْفَرٍ ضَارِقٌ صَمٌّ لَهُ كَاهُ هَسْتُ كَهْ دَاخِلُ
كَهْ مَرْدِي بَا شَدَّ مَشْنُومٌ وَدَرَسُوا ثَلَاثَ لَيَالٍ مَعَهُ مَقُولُ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ
بَايِشَانِ بَايِشَانِ بَايِشَانِ بَايِشَانِ بَايِشَانِ بَايِشَانِ بَايِشَانِ بَايِشَانِ
صَحِيحُهُ وَدَرَسُوا ثَلَاثَ لَيَالٍ مَعَهُ مَقُولُ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ
بَيْتِ وَدَرَسُوا ثَلَاثَ لَيَالٍ مَعَهُ مَقُولُ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ
أَمَامَ جَعْفَرٍ ضَارِقٌ صَمٌّ لَهُ كَاهُ هَسْتُ كَهْ دَاخِلُ مَسْجِدٍ شُودُ وَاهِلُ مَسْجِدٍ مَا زَكْرَدَهُ بَا
وَدَرَسُوا ثَلَاثَ لَيَالٍ مَعَهُ مَقُولُ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ اسْتَمِنَ

و در حدیث دیگر وارد است که اگر اطفال باشند ایشان را پیش از زادن
می ایستند و زنان در عقب ایشان می ایستند اگر چه سیدکان باشند
و در حدیث دیگر وارد است که اگر بزرگوار باشند پشت سری ایستند و حمل
بر غنچه می توان کرد و حمل بر حدیث فضیل نیز می توان کرد که در پشت سر
باشد و دوست راست و احوط آنست که تمام بدن زن عقیقه نام
مرد باشند و روی عنه صلوات الله علیه عبا و استا با حق آنکه سید
عز الجبل یوزن و یقیم لیصلی و حده یحیی رحل الخیر یقول که
نصی حیاطه هل یجوز ان یصلی بکذلک الاذان و الاقامه
قال لا و لکن یوزن و یقیم و مرویست در موقوف از عمار که گفت
سوال کردند از حضرت امام جعفر صادق ص از مردی که اذان و اقامه
بگوید که تنها نماز کند پس من چه دیگر بگوید و با و بگوید که نماز حاکم
آنها جایز است که جهات اذان و اقامه نماز جماعت بکنند حضرت فرمود
که نه ولیکن اذان و اقامه دیگر می گویند و بآن نماز جماعت میکنند و اگر
اصحاب باین عمل غوره اند و منافات ندارد باین حدیث حدیث قوی
ابو مریم که گفت حضرت امام محمد باقر ص پیش نمازی نمی کردند و بر این
پوشیده بودند و نه در بر و نه انداخته بودند و اذان و اقامه
پس چون حضرت زین العابدین ص شدند عرض نمودم که حق سجده و طاعت
شما را چیست دهد شما انامت فرمودید بی لک و بی ردای اذان
و بی اقامه چه وجه داشت حضرت فرمودند که بپراهم کند و بودی
بود و برای لک و در او گذشتیم جعفر و اذان و اقامه می گفت من
سخن نکردم و اذان و اقامه او گفتا کردم و عدم منافات اذان و اقامه است

که ممکنست

که ممکنست که حضرت صادق ص اذان و اقامه از حجر نماز جماعت گفته باشد
چنانکه را بایشان بود که نفری نماز میکردند و اگر جماعت می نمود البتة
حضرت داخل میشدند با آنکه ممکنست که از حجر نماز جماعت می نمود البتة
چنانکه ترک و اگر نماز بخیزد و الله تعالی بعلم و کان امیر المؤمنین صلوات
علیه یقول لا یجوز ان یوزن الاذان و الاقامه قبل ان یحیی رحل الخیر
و یقیم لیصلی فان اتم جازت صلواته و قد صدق صلواته من بعد طاعت
و در موقوف کا ایضا از احادیث بن حمار منقولست از حضرت امام جعفر صادق
از پدرش صلوات الله علیه که فرمودند که حضرت امیر المؤمنین صلوات
علیه می فرمودند با کسی نیست که پس از طاعت صلوات باشد پس از آنکه عقیقه
و ابلغ شود اذان بگوید ولیکن امامت غایت دارد که تا بالغ نشود پس از طاعت
از بیوغ امامت کند نماز او جایز است و نماز مؤمنین باطل است و در حدیث
موقوف از حضرت امیر المؤمنین ص و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه منقولست که فرمودند که با کسی نیست که امامت اند و اذان بگوید پس
که محتمل نشده باشد و شیخ حمل کرده است بر آنکه بر وضو بخیزد و دیگر شده
باشد نماز باطل است باسن با کمال عقلی و جمیع حمل کرده اند بر امامت اطفال و این
بد نیست و الله تعالی بعلم و سنا لکما را لسانا علی انا قیدنا لله صلوات الله
علیه عز الجبل اذک الانام حیث لیکنهم قال علیه ان یوزن و یقیم
و یقیم الصلوة و سئل عن السجدة یا فی الحیوة هم فی الصلوة
و قد سبغوا الانام برکعة فیکبر فیصلی الانام فیما خذ بیته و
اد فی القوری الیه فقدمه فقال ینم بهم الصلوة ثم یجلس حن
اذا قرعوا من الشهد او ما سیده عن الیقین و کماله و کانه ذلک

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِمْ هُوَ مَا كَانَ قَائِمًا
 ودر وقت سقوط نماز که گفت سوال کردم آنحضرت انام حضرت
 صلوات الله علیه از شخصی که در نایب امام را در وقت سلام بجهت فرمود
 که بروست که اذان و قامة بگوید و نماز را بجا آورد و از آنحضرت سوال
 کردم یا کرده اند از شخصی که داخل مسجد شود و مردمان در نماز جماعت یا
 و امام بیک وقت نماز کرده باشند و ماموم تکبیر بگوید پس امام را علیه
 یا آنکه عرض خادش شود یا حدیث پس امام دست بر ماموم میبوی
 بگوید چون نزد دیگرین مردم نباشد با و و در بجای خود بدارد حضرت
 فرمودند که او یا امامت ایشان تا ناطق تمام میکند پس نشیند و از جهت این
 تا خارج شوند از مسجد پس بگوید یا میگوید بدست خود اندوخت راست و
 چپ اما اشاره است یا آنکه مفاسلام دهد تا اشاره است یا آنکه نماز
 تمام شده است تا ایشان سلام دهند و امام سبق بر خیزد و
 بگوید که مانده است سفر تا تمام کند اما سوالی اول و جواب آنحضرت
 که اذان و قامة بگوید یا آنکه هنوز صفوف منفرد نشده باشند محولت
 بر استیجاب و اخلاوت مقبره که وارد شده است که اگر صفوف منفرد
 نشده باشند اکتفا باذان ایشان میتوان کرد بر عدم تا که استیجاب
 و گذشت در باب اذان و اما سوال دوم ظاهرش آنست که سوال نماز
 باشد خصوصاً بر نسخه معلوم اما بر نسخه مجهول نیز اینست که
 از چهار باشد ولیکن شیخان در صحیح علی نظایرها را نه در تمام قریب این
 عبادت را رواست کرده اند باختلاف قلیلی در لفظ و علی قلیلی
 و محول به دلالت میکند بر جواز امامت سبوق اگر چه اولی آنست

اولی

اگر امام را یا نویسم به نایب آنکه مکرر گوید که اذان اقامت آن نماز کرده باشد
 و مکرر است که نایب سازد سبوق بخانه و در جمیع مسلمان بن خالدا
 امام جعفر صادق هم وارده است که فرمودند که نایب نکرده کسی که سبق
 باشد بیک رکعت و در قوی از آنحضرت صلوات الله علیه منقولست فرمودند
 که سزاوار نیست که مقدم دارند مکرر گوید که اذان اقامت کرده باشد
 و خواهده اند نیز در وی تحویل صحیح اینست که کاکر سائل الرضا علیه
 علیه السلام مع امام قوم بقدری که نکرده نکرده قبل امام قال
 بگوید و کوعه متعه و در حسن منقولست رسول الله صلی الله علیه و آله
 سوال کرد از حضرت امام رضا صلوات الله علیه از کسی که رکوع روزه
 با امام قوی که اقتدار با و توان کرد آنکه شمع عادل باشد پس سر برد
 بپندار امام حضرت فرمودند که مرتبه دیگر رکوع میرود تا امام سر بردارد
 و بعد برین منقولست صحیفه علی بن یحیی از حضرت امام موسی کاظم
 صلوات الله علیه و حمل کرده اند هر دو خبر را بر صورت ایشان چون
 در سون صحیح ابی حمزه منقولست از عیاذ که گفت سزاوار کرد از حضرت
 امام جعفر صادق صلوات الله علیه از کسی که پیش از امام سر بردارد آیا
 بر رکوع میرود اگر امام در سر بردارد حضرت فرمودند که نه مکنند
 که در خبر اول را حایل استیجاب کنیم و این خبر را بر حق و جواب و علی
 ای حال دلالت بر آنکه زیادتی رکوع سهوا در نماز جماعت سبیلان
 صلوات نیست و همچنین سزاوارند و شیخان پیش از امام بر رکوع و در
 سر بردارد و با امام بر رکوع میرود چنانکه در سون صحیح ابی حمزه
 فعلا منقولست که گفت نوشتم بخدمت حضرت امام رضا صلوات الله علیه

در خجسته و دعوت امام عادل باشد و پیش از امام بر کعبه و دو دیوانه آنکه
بر کعبه رفته است چون دید که امام بر کعبه نرفته است سر برداشته
و با امام بر کعبه رفت با این تکلید رکوع و نیت با فاسد میکند حضرت
فرمودند که تا از خود ناتمام میکند و یکبار رکوع سبب فساد نماز
نمیشود و سَأَلَ الْمُصَلِّينَ لِيَأْتِيَ أَمَّا عَبْدُ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ
رَجُلٍ صَلَّى مَعَ الْإِمَامِ يَا تَقِيَّةُ نَزَّ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الْجُودِ قَبْلَ أَنْ يَنْقُضَ
الْإِيمَانَ رَأْسَهُ مِنَ الْجُودِ قَبْلَ أَنْ يَنْقُضَ الْإِيمَانَ قَالَ لَيْسَ بِهِ دُودٌ
حَسْبُكَ الْبُخْبُ وَخَيْخُ يَزِيدُ قُوَى كَيْفَ يَنْقُضُ بِلَاغِي الْبُخْبُ أَرَضَيْتَ
و دومی روایت کرده است که گفته است سؤال کردیم از حضرت امام
عادل و صلوات الله علیه از شخصی که نماز کند با امام عادل و اگر
خجسته بردارد پیش از آنکه امام سر بخورد بردار حضرت فرمودند
که باید بخجسته رود و در حدیث و توفیق خود را راست از حضرت امام
عادل صلوات الله علیه همین معنوی و عمل اصحاب بر نیت و رکوع
عز الحسین بر پیشانی آنکه سَمِعَ رَجُلًا لَمْ يَرْضَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ
عَنْ جُلُوسِهِ لِيُجَانِبَ رَجُلًا فَقَامَ عَزَّيْزًا وَهُوَ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ
يَنْقُضُ إِذَا عَلِمَ دَهْوِي الصَّلَاةِ قَالَ لَيْسَ بِهِ دُودٌ وَ دَوَابٌ
گفته است که کتب و صحیح و شیخ در قوی از حسین گفته اند
و در بعضی از شیخ نیست و هر دو یکی اند خلاف
و دو نام بهره و است که گفت شنیدم که شخصی از حضرت
امام رضا صلوات الله علیه سؤ کرد یا میکرد از شخصی که نماز
کود و جانب شخصی و از جانب چپ امام ایستاد و امام نمیدانست تا الله

داستان را

داشت که با او آشنا کرده است چگونه حال آنکه در نماز است و شخصی را
که حضرت فرمودند که او را بکشند بجانب دست راست و در روایت
و در استنساظ عاتقه که حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه و آله
عبد الله بن عباس را از پشت سر کشیدند بجانب دست چپ چون عبد الله بن
جب از حضرت هم ایستاده بود و محجبه و عذر مسلم نیز گذشت که اگر
ما حرم یکی باشد در دست راست می ایستد و اگر زیاد از یکی باشد
پشت می ایستد و این بر سبیل احتیاط است علی الخصوص و روایت
نیز وارد شده است بر جمیع و احوط آنست که زن که زن است این معنی
و قَالَ أَمَّا الْمَوْلَانِ مِمَّنْ كُنَّ الْمَسَاءُ يُصَلُّونَ مَعَ الْمَسِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَأَلَهُ فَكُنَّ يَأْمُرُونَ أَنْ لَا يَرْفَعُونَ رُؤُسَهُمْ قَبْلَ الْإِطَاعِ لِصَلَاةِ
الْأُزْرِ صَدُوقٌ لَيْسَتْ حَسْبُكَ الْبُخْبُ أَنْ قُلَّ دَوَابٌ كَرِهَتْ
از حضرت امام جعفر صادق از پدرش صلوات الله علیه از آنحضرت هم
که زنان با حضرت سید المرسلین صلوات الله علیه و آله نماز میکردند حضرت
فرمودند که زنان پشت از مردان سرانجامه بر ندارند چون چادر
زنان تنگ بود و اگر ایشان پشت سر میزدند مردان بر روی ایشان
میدیدند تا آنکه جوی بقتصد دیدن ایشان در صف پیش از صف زنان می
و جمیع بسبب قوی پشت می ایستادند که بنابر نظر ایشان بر روی زنان
افتد تا آنکه حق حکایت و آنرا از آنکه را فرستاد که گفتند عِلْمًا الْمُسْتَفْهِمِ
مِنْكُمْ وَ كَفَرُوا عِلْمًا الْمُسْتَفْهِمِ بَعْضُ خَفِيفٍ كَمَا مَعِدَانِمْ بِنَا حَقِيقًا
که در پیش میروند از روی قوی و میدانیم نیت فاسد و جوی که پس می
ایستند پس حضرت فرمودند که زنان اندکی صبر کنند که مردان سر بردارند

صلوات

بر اذن زن سر بردارند و عبارت علی بن ابي طالب است که
 این سخن دارد و عبارت فقیه احتمال این دارد که نکاحی مردان تنگ بود که
 زنان سر بر سر داشتند بیشتر نظر ایشان به صورت مردان می افتاد چون اگر
 در جامه یا می کنند در بلاد حاره و معتدله طهریت و احتیال دارد که این
 حدیث دیگر باشد چون فی الجمله اختلافی با آن حدیث دارد ولیکن
 اطمینان نیست این تغییرات صدق شده باشد و فقیه بالمعنی کرده باشد بنا
 از نسخ شده باشد و بنا که تمام بر سر طهارت و عبادت و صلوات الله علیه
 عز الحقا و هیا کون النساء قال فوهمین و انما فیه فائده فی المکتوبه
 فله و لا تقدیمین و لیکن تقوم و سطیقین و باسایند هیچ منقول
 اینهاست که گفت از حضرت امام جعفر صادق ص سوال کردم از زن که
 آیا امامت زن است یا نه فرمودند که امامت زن است پس
 که در اینست در نماز نافله و اما در نماز واجب امامت میکند و قد
 نیست که میکند بیشتر از زنان نمی آید بلکه در میان ایشان
 می آید و ظاهر امر از نافله نماز عیدین است و نماز استفا
 و نمازها که سفر باشد اعادة کتبه بجاست چون خواهد آمد
 که نماز نافله را بجاست کردن بدعت هر است و همین مصحح
 منقولست در صحیح سلیمان بن خالد و صحیح حلبی از حضرت
 صلوات الله علیه و اخادیت صحیح و قویه وارد شده است
 بر جواز امامت زنان بکسبست که حمل کنند آنها را بر نافله یا نماز
 میت و کسبست که حمل کنند این اخبار را بر آنکه اگر مردی باشد که
 امامت ایشان کند مکروه باشد که زمان امامت کند و روی نموده

عن ابی جعفر

تقوم

عن ابی جعفر صلوات الله علیه قال قلت له المرأة تقوم النساء قال
 لا الا على الميت اذا لم يكن احداً ولى لها تقوم و سطیقین
 فی الصنف فکبر و کبرین و باسایند صحیح مرویت از زبانه حضرت
 امام جعفر محمد باقر ص که زبانه گفت عرض نمودم با حضرت که زن است
 بکسبست زنان را حضرت فرمودند که نه سکر در نماز میت هرگاه و ارف
 زن باشد و مردی باشد که او را باشد از و در میان زنان می آید
 در صفا ایشان و اولاً و کبر میگوید و دیگر زنان کبر میگویند و
 خواهد آمد و روی همتا از من سالو عرض کنی عباد الله صلوات الله علیه
 قال صلوة المرأة فی حجتها افضل من صلواتها فی غيرها افضل من
 صلواتها فی الدار و لرجل اذا اتم المرأة و كانت خلفه من غیره
 سجود جامع و کبریه و باسایند صحیح منقولست که از حضرت امام جعفر
 صادق صلوات الله علیه که فرمودند که نماز زن در صند و حاله
 بهتر است از نماز او در بورت و چون مستور تر است و نماز او در بورت
 او بهتر است از نماز او در میان خانه او و چون مرد امامت یک زن کند
 آن زن در عقب مرد می ایستد از جانب راست مرد و ایضا در عقب می ایستد
 که سرش در حالت سجود مخازی را زوهای مرد باشد و اخادیت بیست
 گذشت در وضع از محاذات مرد و زن و استیجاب الله در عقب مرد
 و سنا که انحراف عن الرجل یوم النساء قال نعم و ان كان من غیره
 عیالان فاقوم من غیره و ان كان له عیال و باسایند صحیح
 منقولست از جلی که گفت سوال کردم از حضرت امام صادق صلوات الله
 علیه و آله از مردی که امامت زن کند خوبست فرمودند که بلی و اگر با دنا

برها باشند ایشان در صفی پیش از نصف زمان باز آید اگر چه پیش
 نهد کان باشد چون مرد مسلم است بر زن و احادیث در صفی که است
 و روی آوردن صحیح عده آنکه قال لا یوم الحزنی الساعی و یوم
 یوم الساعی الحزنی قال انشأ الرجل فینقی من فکک قام قوما
 خاضعین قالوا انتم ولعلین سکرتم لعلکم یجد احدکم قدامه
 قامهم فاما علی الساعی فخلعت قوم حفوز فلیتم صلواته ولعلین
 ویکسر و مرویست فقی از او و در آنحضرت هم و لیکن شیخ بدویند
 صحیح روایت کرده است از زینبی که از اهل خانه است از او از اهل بیت
 فضل بن عبد الملك از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و آله
 که آنحضرت فرمودند که امامت نمیکند خا ضر ساعی و امامت نمیکند
 ساعی خا ضر را یعنی با وجود مائل بفرینه آنکه فرموده که اگر ساعی را
 شخصی بآنگاه مائل نباشد و ساعی را امامت حاضران کند پس چون دور
 تمام شود امام سلام میدهد و دست یکی از حاضران را میگیرد و او را پیشانی
 میدارد و امامت ایشان میکند و ناموسان و قصبه میکنند در آنجا نماز
 که اقتدا باین امام میکنند و چون ساعی در عقب حاضران نماز کند
 چون دور رکعت نماز کند سلام دهد و در غلبه این نماز و قیامت
 و در حدیث که اگر با ایشان نماز ظهر کند پس در دو رکعت اول افتد
 کند ظهر را و در دو رکعت آخر عصر را افتد کند و قد روی آنکه این
 خانی عقیقه بین اجل من یصلی مع کل المکلفین الا خیرین و
 جعلها انقلوعا و در بعضی از جلی نقل است که او سوال کرد از حضرت
 امام جعفر صادق ع از ساعی فرهاد داخل شود یا مقیمان در نماز ایشان

عاز خود را

نماز خود را و در رکعت یکم سلام بدهد و در دو رکعت آخر نماز کند و وظایف
 آنست که همین حدیث مراد صدوق باشد و نقل بالمعنی کرده باشد و ترجمه
 کلام او اینست که تحقیق که مرویست که اگر بر خود نرسد از آنجایی که
 باز نماز میکند جز سبب است در سفر چهار رکعت بجهت میدانند و اگر کسی
 در نماز حاجات ایشان انگشاد و رکعت کند علامت رخصت میداند و رکعت
 اول را بقصد واجب بفرماید و در دو رکعتی را بقصد سنت و بنا بر این
 مناسب است با نماز قیام خواهد داشت نه در دنیا و نمکنت که حدیث دیگر
 و قد روی آنکه انکان فی صلوة العصر جعل الاوتین نافله و آنگاه
 در قیامه و تحقیق که مرویست پسند هیچ از این مستحکات و احوال از
 امام جعفر صادق ع که فرمودند که هرگاه ساعی داخل شود در نماز
 حاضران پس اگر نماز ظهر باشد و در رکعت اول بقصد واجب بفرماید و در
 دو رکعت دوم بقصد سنت و اگر در نماز عصر ایشان داخل شود در دو
 اول بقصد نافله بجا آورد و در رکعت آخر بقصد نماز در عصر فرماید
 گفته است که وجهش آنست که بعد از نماز ظهر نافله مدیبت و بعد از
 عصر نافله مکره است و قد روی آنکه انکان فی صلوة الظهر جعل
 الاوتین القلندر و الاخیرین العصر و گذشت در حدیث فضل که اگر
 در نماز ظهر باشد در رکعت اول بقصد ظهر افتد کند و در دو رکعت آخر را
 بقصد عصر و در صورت اقتدا کرده است عصر را بظهر و اگر چه
 انگشاد و رکعت خود میتواند کرد که سلام دهد و رواه شود چنانکه در
 صحیحین مطابقت عثان و صحیح ابو بصیر و حسنیه کا لقیح علی وقوفه
 کا لقیح و عمر بن زید و او داشت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه

که فرمودند که منافق در عقب حقیم نماندند و اگر مبتلا شود با آنکه با آنکه سزا
 نباشد که با او قضا کند پس در حق خود میگوید و در واقع میشود و این
 عبادت صحیح است و باقی قریب باقیست و هذه الاشیاء
 لیست بخلقها و لا یصلی فیها یا یخیر یا یثیبا أحد جاز صدق و میگوید
 که اگر چه عجب ظاهر اخبار مختلف است ولیکن بحقیق اختلاف
 و غایب نماید و مختار است بهر یک از اینها که خواهد میسر کند و در وی
 عبد الله بن المغيرة قال کان منصور بن حازم یقول إذا لبثت یوما
 وهو جالس قد صلی رکعتین فیکبر فیکبر اجلس فإذا قرئت فکبر و
 در سجده و حسن یقول منقول است از عبد الله که منصور همیشه میگفت
 که هرگاه با امام روی و او در رکعت نماز کرده باشد تکبیر را حرکات
 و بیشین پس چون برخیزد تکبیر را حرکات مرتبه دیگر بگوید و این قول
 اگر چه ظاهر آنست که فضلاء ایضا با پیش خود نمیکند گفته اند
 تا بعضی ایشان نویسد و باشد و دیگر هرگاه معارض داشته باشد عمل
 مسند میکنند و اگر چه ممکنست که هر یک از اینها را بر کسی که مقیده
 او را که فضیلت حاجت بگوید و بنشیند و چون امام سلام دهد
 و بنمود است ایستاده بکشد و بخیزد که سلام ندهد و اگر
 تکبیری که گفته است بکند چنانکه در موقوف اینها و منقولست که گفت
 سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که
 او را که امام را در رشتند و او را که نگردد باشد امام مگر یک شخص که
 دو دست راست او باشد حضرت فرمودند که امام پیش میرو و و ماموم
 پس نمی آید ولیکن این ماموم که آخر او را باشد است میبندند با امام

مجموعه

و چون سلام میدهد بنشیند و نماز را تمام میکند اگر چه احوال آنست که بنشیند
 و ایستاد باشد تا چون سلام دهد نماز خود را تمام کند چنانکه در روایت
 دیگر از آنست و گفت اگر چه ظاهر آنست که در رشتند و امام را در رفته
 باشد و بنا برین فرق خواهد بود در آن شخص را که یاد ویم و بعد از آن
 آمد و در آن رجوع و آخر و قال الله و قد صلوات علیه من علیه
 اذا کنت قائما مثل حدیث الشیخ فی کماله و رایت که امام از حضرت
 صلوات الله علیه فرمودند که هر یک از اینها را که با ایشان نماز رفته
 مساویست بطریق بعضی در نهایت آهستگی و در حدیث صحیح از علی بن فضال
 منقولست که گفت و الکریم از حضرت امام موسی که امام صلوات الله علیه
 از شخصی که در عقب بنیان نماز کند و امام قیامت باین میفرماید چنانکه
 فرمودند که خود از جمله قرائت کن و اگر کنوی قرائت را با کتب و میز
 حاکم خالی قدر الشیخ و میباید قیوم بکشد و کسی که در عقب نمی آید
 سور میخواند و میخواند و ماموم در نشانی سازد با امام و بنشیند
 و بعد از نماز احیایا میگوید صحیح میگوید و در آنجا که اخبار معتبره وارد است
 و گفت و إذا قال سبحان الله و بحمده و تبارک و تعالی قال الله بن خلفه الحمد لله
 رب العالمین و یخفون انما هم کلهم کالیوم یوم و این روایت کرده است
 و ظاهر آنست که بعد از آنکه سجده را داشته باشد و بنا برین صحیح خواهد
 بالکماله اصحاب حکم همین آن کرده اند که گفت سوال کردم از حضرت امام
 صادق علیه السلام از آنکه ماموم در عقب امام هرگاه او بگوید سبحان
 و تبارک و تعالی چنانکه حضرت فرمودند که میگوید الحمد لله رب العالمین و الله
 میگوید یا از حجه نقیه یا از حجه اکبر است که ماموم بعد از آنکه

[illegible]

سکه یکدست بحدیث بحال بر مردم اعاده را حمل میکنیم بر وجهی یا حدیثی حاصل از میان یکدیگر
بحال را بر وجهی که همان حدیثی و چون محتاج صدوق را بر این خصوصیت قول ایشان نبوده
حدیثیست و صدوقی اعتقاد بر قول ایشان کرده است و تفصیل قابل شده است و ظاهر
حدیث صدوق بنابر این آنچه عیون از حدیثی از اصحاب بوده باشد و چون سلسل این
اچیز در سکه سلسله است صدوق بعضی از ذکر کرده است و ممکن است که از
طراح افتاده باشد چون این اچیز بر حدیث حدیث صدوقی بر سکه است و نقل
نموده اند ملاقات او از حضرت با و سأل علی بن حنظل حاکم مومنین عن حضرت علی
علیه السلام عن الصادق علیه السلام قال قال رسول الله علیه و آله و سلم انما هذا
طایفه من حدیثی منقول از حدیثی که صدوق کرده ام از پدرم حضرت امام جعفر
کاظم علیه السلام از آنکه احادیث زمان که چند نفر از بزرگان و بزرگواران و قراوت
حضرت فرمودند که آنرا در سکه منبسط نموده بحدیث خود بنموده با طویر بنموده و این حدیث
با احادیث دیگر دلائل صحت بر آنکه زمان احادیث زمان منبسط کرده و محال است که این
این حدیث را بفرمان بنموده و بنا بر حدیثی که شد و در حدیثی عمار الشافعی علیه السلام
عنه الله صلوات الله علیه قال سأله عن الرجل یسیر و هو حلف الامام ان
یسیر فی الصحراء او فی الزرع او فی البیت ان یقول یسیر فی شیاننا لیس
علیه السلام و در صدوق از عمار شافعی که از فرمایشی منقول است منقول است که از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سوال کرده ام از حدیثی که فرموده در حدیث امام
که شیخ در کتب با وجودی که با فرموده که دعای سنان و جمله حدیث فرموده
که بر وجهی است حدیثی غرض صحت است و کما هو رتب بالحدیث و جمله حدیث
و مبدء است حدیثی بن تعلیل که حدیثی که در حدیث امام مویه کاظم علیه السلام
علیه السلام حدیثی که فرموده که حدیثی و جمله حدیث فرموده که کما یسیر الحداد

حدیثی

در حدیثی و قال انما حدیثی منقول الله علیه و آله و سلم انما هذا
طایفه من حدیثی منقول از حدیثی که صدوق کرده ام از پدرم حضرت امام جعفر
کاظم علیه السلام از آنکه احادیث زمان که چند نفر از بزرگان و بزرگواران و قراوت
حضرت فرمودند که آنرا در سکه منبسط نموده بحدیث خود بنموده با طویر بنموده و این حدیث
با احادیث دیگر دلائل صحت بر آنکه زمان احادیث زمان منبسط کرده و محال است که این
این حدیث را بفرمان بنموده و بنا بر حدیثی که شد و در حدیثی عمار الشافعی علیه السلام
عنه الله صلوات الله علیه قال سأله عن الرجل یسیر و هو حلف الامام ان
یسیر فی الصحراء او فی الزرع او فی البیت ان یقول یسیر فی شیاننا لیس
علیه السلام و در صدوق از عمار شافعی که از فرمایشی منقول است منقول است که از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سوال کرده ام از حدیثی که فرموده در حدیث امام
که شیخ در کتب با وجودی که با فرموده که دعای سنان و جمله حدیث فرموده
که بر وجهی است حدیثی غرض صحت است و کما هو رتب بالحدیث و جمله حدیث
و مبدء است حدیثی بن تعلیل که حدیثی که در حدیث امام مویه کاظم علیه السلام
علیه السلام حدیثی که فرموده که حدیثی و جمله حدیث فرموده که کما یسیر الحداد

نام هفت باد و پنج در آن باشد حضرت فرمودند که با که نیت که سوال رخت کند نیت اله
 رحمت و پناه بخدا و نیت بر عذاب و از حق سبحانه و تعالی سوال کند نیت را در دو موقع
 کا تصحیح از آن حضرت منقولست که فرمودند که اگر از آنست که چون تاریکی برآید
 یا بر سر راه نیت رسد یا خیر و از حالت از حق سبحانه و تعالی طلب کند هر یک از اینها
 و با نیت سحر و جادو و از آنش و غلبه با نیت و در حق سبحانه و تعالی و الله اعلم
عنه صلوات الله علیه قال من سألني في سحر أو جاد أو شيا من هذا
 فصل من معجم شرح معجمنا و حکا التصحیح منقولست از حسین ارجلی که
 شهرت از شهرهای فارس که حضرت امام جعفر صادق ص فرمودند که هرگاه کسی
 در مسجد یا از مسجد سیان و یا ایشان از رویه نیت نماز کند چون بیرون آید
 حسناقت قد بر ایشان از با خود بیرون آورد بیتی که شصت و سه مرتبه بخواند
 هذا نصها و از حق سبحانه و تعالی طلب کند هر یک از اینها و در حق سبحانه و تعالی
عنه صلوات الله علیه بن سنان عنه صلوات الله علیه انه قال ان شئت من هذا
 معجم و هو خط و هو في كتاب الله الرحمن الرحيم و قد ورد في معجمنا ان الله
 شفقت که حضرت امام جعفر صادق ص فرمودند که هر یک در وقت نماز کند
 بقدر خود پس بساخته سیان و در و ایشان اعاده نماز کند همان نیت و او بیرون
 تا ثواب نماز ثواب داشته باشد و اگر نیت ثواب نیت داده و در آن نماز در آن نیت
 سبحانه و تعالی منوبند و در آن نیت و در آن نیت و در آن نیت و در آن نیت
 باشد چنانکه از حق سبحانه و تعالی طلب کند هر یک از اینها و در حق سبحانه و تعالی
 ان علی با نیت سحر و جادو و از آنش و غلبه با نیت و در حق سبحانه و تعالی
 قال ان الله اعلم و هو في كتاب الله الرحمن الرحيم و قد ورد في معجمنا ان الله
 شفقت که حضرت امام جعفر صادق ص فرمودند که هر یک در وقت نماز کند

نیت

با حضرت امام جعفر صادق ص که در خانه من مسجد بی هفت که در آنجا نیت بخواند از سیان
 شصت و سه مرتبه و اینها را در او میگویند چنانکه مذکور است
 من نماز عصر را در اول وقت بخواند و بعد از آن از خانه بیرون میرود و با
 ایشان میگوید که از روی نیت نماز میکنم حضرت فرمودند که ای خدایا شصت و سه
 مرتبه بخواند و از حق سبحانه و تعالی طلب کند هر یک از اینها و در حق سبحانه و تعالی
 ان علی با نیت سحر و جادو و از آنش و غلبه با نیت و در حق سبحانه و تعالی
 قال ان الله اعلم و هو في كتاب الله الرحمن الرحيم و قد ورد في معجمنا ان الله
 شفقت که حضرت امام جعفر صادق ص فرمودند که هر یک در وقت نماز کند
 بقدر خود پس بساخته سیان و در و ایشان اعاده نماز کند همان نیت و او بیرون
 تا ثواب نماز ثواب داشته باشد و اگر نیت ثواب نیت داده و در آن نماز در آن نیت
 سبحانه و تعالی منوبند و در آن نیت و در آن نیت و در آن نیت و در آن نیت
 باشد چنانکه از حق سبحانه و تعالی طلب کند هر یک از اینها و در حق سبحانه و تعالی
 ان علی با نیت سحر و جادو و از آنش و غلبه با نیت و در حق سبحانه و تعالی
 قال ان الله اعلم و هو في كتاب الله الرحمن الرحيم و قد ورد في معجمنا ان الله
 شفقت که حضرت امام جعفر صادق ص فرمودند که هر یک در وقت نماز کند

نیت

احتمال سینه و سینه هر دو دام و روزی معاویة بن قیس عن ابي عبد الله علیه السلام انه قال اذا جاء الرجل من بلاد الامام فادع اجازة بكبره في الجبل
 ليخول في القلوب والرجل في وكما الصلوات احضرت امام جعفر صادق ص
 منقول که فرموده که هر گاه شخصی رسید و میگوید که ادراک نماز
 جامع کند و امام در سجده باشد که صفت او را بیکبار رجه و اخل شدن
 در نماز و از سجده و کعبه و قصد هر دو میباید بگوید یا الله الا تفصل باین
 بگوید احتیاج بیکبار بگوید خبیث چون وقت نکت و این اظهار است اگر چه اول
 فقیر است تا قربان بگوید و کعبه باز داشته باشد و بعضی گفته اند که باید
 فعل چون تواند بود که واجب و سنت باشد و این مهمل است زیرا که جایز است بد و
 اعتبار مثل نماز واجب یا سجده یا بیاحت واقع ساختن و نماز و طفل و بالغ
 کردن و دعا و نیت و سر ادراک الامام و هو ساجد کبر و سجده معه و لم
 یقله یا و کعبه که ادراک کند امام را در سجده بگوید یا او سجود رود و اعتنا
 بر آن سجده یا بآن نماز کند بلکه سلام میدهد و نماز را از سر بگوید اگر در سجده آخر
 رکعت باشد و اگر در رکعت دیگر یکی از احرام بگوید چنانکه در حسن
 کتاب التبعیه از حضرت امام جعفر صادق ص منقول است که فرمود هرگاه امام را
 در باطن از کسی با امام سجده رود و این سجده را حساب کنی بلکه بعضی
 متابعت امام است در هر دو سجده که باشد و چون بخواهد امام مرتبه بزرگتر
 احرام بگوید و حدیث صحیح از اهل بن مسلم منقول است که گفت یا حضرت
 عرض نمود که در دو وقت ادراک نماز که با امام حضور فرموده که هرگاه
 در باید امام را در سجده آخر نماز را ادراک کرده است فضیلت نماز جماعت
 و من ادرك الامام وهو في الركعة الاخيرة فقد ادرك فضل الجماعة و هر که

در باد

در باید امام را در دو رکعت آخر پیش از دو رکعت قبل از آن که در رکعت اول نماز جماعت
 به دخله و آن رکعت محسوب و باطل باشد از سلام امام بجا آورد و اگر در با
 امام را در دو رکعت آخر مشغول است که ادراک میکند و احادیث صحیحیه
 وارد شده است و گفته شده و اخباری که وارد شده است که در نماز باید مجتهد را
 جمع چنانکه خواهد آمد یا مجتهد بر ادراک کمال فضل که امری در نماز و من
 ادركه و قد رخم لاسه من الشجرة الاخيرة وهو في الشجرة فقد ادرك
 الشجرة و ليس عليه اذان ولا اقامة و من ادركه و قد سلم قبل الاذان
 و الاقامة و كس ادراک کند در وقت که سواد سجده آخر برده شده باشد
 و در تشهد باشد ادراک فضیلت جماعت کرده است و لیکن ادراک نماز جماعت
 کرده است و بر و اذان و اقامه نیت و کعبه ادراک کند امام را بعد از سلام بر
 اذان و اقامه اگر صفها مشغول شده باشد چنانکه گذشت و اگر صفها مشغول نشده
 باشد بنواذان و اقامه میگوید استجابا چنانکه ظاهر موقوفه نماز است و همچنین
 و موقوف کا نصیحت از ابو بصیر منقول است که گفت عرض نمودم حضرت امام جعفر
 صادق ص که هرگاه شخصی داخل مسجد شود و مردمان نماز کرده باشند آیا اذان
 و اقامه میگوید حضرت فرمودند که اگر داخل شود در صف مشغول نشده باشد
 باذان و اقامه ایشان آنکس میگوید و نماز میکند و اگر صفها مشغول شده باشد
 اذان و اقامه میگوید و در موقوف اذان و نیت که از حضرت امام جعفر
 صادق ص سوال کردند از شخصی که امامت میگوید آیا جایز است که در احوالی
 مانند صلیا اعم اذان یا کمورد اذان در بطن و یا در حضور فرمودند
 که جایز نیست مرد را که در احوالی که با آنجا میخورد هر چند جامه ای بپوشد
 پوشیده باشد چون این عمل امام را جایز نیست و اذان حضرت سوال کردند از

شود و در آنجا ناز کند تا بگوید از آنجا بجای دیگر میاید اما میباید آنجا نماند که نازد بگوشت
و من فیما انزلت علی الامام علیه السلام از آنجا که ناز کند که نازد بگوشت
سند و با و میباید است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود که هر که ناز کند
سلام بر او و عیب امام کاظم علیه السلام او را سلام و منافات ندارد با وجوب استخاره از آنجا که
آنجا که در موقوفه کالیعیه از آنجا که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که هرگاه شخصی را موقوفی که سلام بر او چون در آنجا که ناز کند و نماند که نازد بگوشت
و علی بن ابی طالب از آنجا که ناز کند است یعنی تمام سلام بر او میباید شد
سلام بگوید باشد و آنجا که ناز کند و من میفهمم قبل الامام علیه السلام بگوشت
میگوید و بگوشت و سلام و عیب آنجا که ناز کند که نازد بگوشت سلام میباید
چون از امام و در هر طریق از امامی خواهد بود با آنکه در هیچ از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام و در هیچ که ناز کند در عیب امامی و سلام بر او حدیث از امام جعفر
صادق علیه السلام که ناز کند و در هیچ که ناز کند که نازد بگوشت
و علامه از آنجا که ناز کند و در هیچ که ناز کند که نازد بگوشت
عن ابی عبد الله علیه السلام ان الله علی بنی بنی الامام علیه السلام
فیما انزلت علیهم من قبل الامام علیه السلام بگوشت
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که ناز کند
با امام علیه السلام میگوید و نماند که ناز کند که نازد بگوشت امام جعفر صادق
کتاب انوار میگوید و نماند که ناز کند که نازد بگوشت امام جعفر صادق
بابت آنکه ناز کند چون در آنجا که ناز کند و نماند که ناز کند که نازد بگوشت
میان آن که ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت که نازد بگوشت
میگوید و هرگاه با چنین شخصی ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت

میگوید

۴۲۹
حقیقت نفس باشد و چنان کند که ناز کند از آنجا که ناز کند که نازد بگوشت
و هر که ناز کند با او بر کعبه میباید و نماند که ناز کند که نازد بگوشت
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و در هیچ که ناز کند که نازد بگوشت
که نوزدهم نماند که ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت که نازد بگوشت
المؤمنین است صلوات الله علیه و آله و سلم و نماند که ناز کند که نازد بگوشت
میگوید و هر که ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت که نازد بگوشت
چنین که ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت که نازد بگوشت
نموده میگوید که ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت که نازد بگوشت
یعنی منقول است که کتب محض نوزدهم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که ناز کند
در نیکو است که ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت که نازد بگوشت
میگوید از آنجا که ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت که نازد بگوشت
که ناز کند با امام ایشان که ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت
سوال خواهد کرد که از حضرت شیهه میگوید که ناز کند که نازد بگوشت
بنیما خواهد که ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت که نازد بگوشت
میگوید و نماند که ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت که نازد بگوشت
کتاب حضرت علامه است با نماند که ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت
علیه السلام میگوید که ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت که نازد بگوشت
خود نماند که ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت که نازد بگوشت
نقد فرموده بود که در موقوفه کالیعیه از آنجا که ناز کند که نازد بگوشت
صادق علیه السلام میگوید که ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت که نازد بگوشت
نماند که ناز کند که نازد بگوشت که نازد بگوشت که نازد بگوشت

چهارم



